

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵

این فصلنامه طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳/۸/۱۳۹۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

مدیر داخلی: اعظم ولی زاده لاریجانی

رشته	درجه علمی	دانشگاه	عضو هیئت تحریریه
حسابداری	استاد	دانشگاه مازندران	احمد احمدپور
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید باهنر کرمان	امید پورحیدری
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	رضوان حجازی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	سید احمد خلیفه سلطانی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	علی رحمانی
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید چمران اهواز	حسین سجادی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	غلامرضا سلیمانی امیری
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	شهناز مشایخ
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	بیتا مشایخی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	ساسان مهرانی

ویراستار علمی: اعظم ولی زاده لاریجانی

ویراستار ادبی: اعظم ولی زاده لاریجانی

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

طراح جلد و لوگو: هدیه تیموریان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک فرگاهی

امور هماهنگی: اعظم پاک خصال

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

خط مشی انتشار مجله

پژوهش‌های تجربی حسابداری فصلنامه‌ای است با رویکرد علمی- پژوهشی که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/ آرشویی، آزمایش، بین رشته‌ای/ انتقادی، بازار پایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تاکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون

شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۱-۴. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۲-۴. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۳-۴. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۳-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این‌باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداولی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.....۱
کاوه پرندین، بابک جمشیدی نوید، محمد درخشانی درخش
- چارچوبی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران.....۲۳
مسعود غلامزاده لداری، علی ثقفی
- بررسی میزان اتکای حساب‌رسان مستقل بر انواع شواهد حسابرسی در گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی.....۴۵
عزیز گرد، حسین کردستانی
- ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران.....۶۹
محمود لاری دشت بیاض، جواد اورادی
- مقایسه دقت الگوریتم‌های تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی در کشف مدیریت سود.....۹۵
قاسم آرسنه، فرزانه نصیرزاده
- بررسی تأثیر سوگیری‌های روان‌شناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرس.....۱۱۷
شیرکو هرمزی، هاشم نیکومرام، رمضانعلی رویایی، فریدون رهنمای رودپشتی
- تبیین مدل‌سازی پارادایم مذاکرات حسابرس - صاحبکار پیرامون گزارشگری مالی ۱۴۳ ساسان مهرانی، هدی اسکندر
- رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و نوع تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.....۱۷۱
صابر شعری آناقیز، قاسم بولو، بهرام محسنی ملکی رستاقی
- ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت اعضای غیرموظف هیات‌مدیره... ۱۹۱
یحیی کامیابی، احسان بوژمهرانی
- بررسی تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام.... ۲۱۹
محمدرضا نیکبخت، امیرحسین حسین پور، حسین اسلامی مفیدآبادی

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱-۲۱

بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

کاوه پرندین*، بابک جمشیدی نوید**، محمد درخشانی درخش***

تاریخ ۰۱ / ۱۲ / ۹۴

تاریخ ۰۶ / ۰۴ / ۹۵

چکیده

هدف کلی این تحقیق بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این تحقیق از اطلاعات ۱۲۵ شرکت فعال در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ استفاده گردیده است. در این تحقیق مولفه‌های مکانیزم راهبری شرکتی به عنوان متغیرهای مستقل و محافظه کاری نامشروط به عنوان متغیر وابسته و سه متغیر اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند. به منظور انجام این تحقیق یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی ارائه گردید و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری Eviews نسخه ۸ استفاده گردید. روش تحقیق از نوع همبستگی و با توجه به هدف، کاربردی است. نتایج حاصل از فرضیات نشان می‌دهد که مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه کاری نامشروط، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی تأثیر منفی داشته و منجر به کاهش در محافظه کاری نامشروط می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مکانیزم‌های راهبری شرکتی، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، مالکیت سهامداران عمده،

محافظه کاری نامشروط.

طبقه بندی موضوعی: G34

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.8782.1169

* مربی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور و دانشجوی دکتری حسابداری، (Kparandin@gmail.com)

** استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، (jamshidinavid@gmail.com)

*** دبیر آموزش و پرورش همدان، دانشجوی دکتری حسابداری، نویسنده مسئول، (m.derakhshani2020@yahoo.com)

مقدمه

محافظه‌کاری از گذشته دور در تئوری حسابداری مطرح بوده و در عمل هنگام تهیه صورت‌های مالی به عنوان یکی از ابزارهای حمایت از حقوق مالکان اعمال می‌گردیده است. توجه پیوسته و مستمر به این مفهوم و اهمیت دادن به آن در تدوین استانداردهای حسابداری می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که بکارگیری و اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است (رشیدیان و همکاران، ۱۳۹۳).

حاکمیت شرکتی به عنوان مبحثی که بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران تأکید داشت، مطرح گردید و نقش آن در کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. این تضاد منافع اغلب با مسائل نمایندگی در ارتباط است که ناشی از دو علت اصلی است: اولی متفاوت بودن اهداف و ترجیحات مشارکت‌کنندگان در شرکت و دیگری ناقص بودن اطلاعات مشارکت‌کنندگان نسبت به عملکرد، دانش و ترجیحات یکدیگر (بادآور نهندی و همکاران، ۱۳۹۰).

با رسوایی‌های اخیر و ورشکستگی شرکت‌های بزرگ نظیر انرون، ورلد‌کام، اعتبار اعداد و ارقام حسابداری که مهمترین بخش گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهند به شدت زیر سوال رفته به طوری که سرمایه‌گذاران اعتمادی به صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت ندارند. با توجه به این امر، توجه به ساختار مالکیت و کیفیت گزارشات حسابداری به طور روزافزون افزایش پیدا کرده است (دیندار یزدی، ۱۳۸۹). یکی از مفاهیم موثر در گزارشگری مالی شرکت‌ها، محافظه‌کاری است که نفوذ آن در حسابداری سابقه‌ای طولانی دارد. رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه مدیران را از رفتار فرصت‌طلبانه و خوش بینی بیش از حد در ارائه سود باز می‌دارد. واتز (۲۰۰۳)، محافظه‌کاری را ساز و کاری موثر در قراردادهای بین شرکت، اعتباردهندگان و سهامداران می‌داند که از اعتباردهندگان و سهامداران در مقابل فرصت‌طلبی‌های مدیریت محافظت می‌کند. واتز با مد نظر قراردادن تئوری نمایندگی، ابراز می‌دارد محافظه‌کاری ابزاری است که می‌تواند کارا تر شدن سازماندهی یک واحد تجاری و قراردادهای منعقد پیرامون آن را به دنبال داشته باشد.

در سال‌های اخیر یکی از زمینه‌های گسترده‌ای که در مجامع علمی به آن توجه فراوانی شده است، مسئله نمایندگی و انگیزه مدیران جهت انتقال ثروت و ارزش شرکت به نفع خودشان بوده است. محافظه‌کاری با نظام راهبری شرکتی رابطه نزدیکی داشته و هر دو نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی در قراردادها ایفا می‌کند. محافظه‌کاری می‌تواند رفتار فرصت طلبانه مدیریت شرکت در گزارشگری مالی را محدود نماید و به نوبه خود منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی در موسسات و شرکت‌ها گردد. چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری شرکتی قوی بدلیل نظارت بیشتر بر مدیریت، از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده کرده، در حالی که مدیران در شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری ضعیف انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری به طور صحیح را نداشته و بالعکس انگیزه بیشتری برای رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت. محافظه‌کاری نامشروط (یا محافظه‌کاری ترازنامه)، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها بواسطه رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است. انگیزه اصلی برای محافظه‌کاری نامشروط، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداری دارای جانب‌داری رو به بالا در موقعی که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده است، می‌باشد.

در این ارتباط پژوهش‌هایی در رابطه با اینکه آیا اعمال محافظه‌کاری (هم مشروط و هم نامشروط) در گزارشگری مالی می‌تواند به عنوان یک ساز و کار موثر برای تقویت حاکمیت شرکتی استفاده شود، صورت گرفته است. تحقیقات متعددی درباره تاثیر ساختار مالکیت بر بهبود عملکرد شرکت انجام شده است که نشان‌دهنده توجه عمیق به موضوع ساختار مالکیت و سازوکارهای آن می‌باشد. در این تحقیق به بررسی موضوع ساختار مالکیت به عنوان مکانیزم نظام راهبری شرکتی و محافظه‌کاری نامشروط در بازار سرمایه ایران خواهیم پرداخت و به دنبال پاسخی برای این سوال می‌باشیم که آیا مکانیزم راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است؟

پیشینه پژوهش

مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه کارانه بیشتر می‌گردد.

مرادزاده و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق رابطه بین تعداد سرمایه‌گذاران نهادی و همچنین تمرکز آنها با مدیریت سود بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد.

استا (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود» بیان نمود که تفاوت‌ها در ساختار مالکیت، مدیریت سود را توجیه می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطه منفی معناداری بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریت با مدیریت سود وجود دارد، اما بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فروغی و عباسی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری، تأثیر عوامل مختلف را بر محافظه کاری حسابداری آزمون کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد ارتباط بین محافظه کاری با اندازه شرکت و میانگین عمر شرکت منفی است. همچنین ارتباط بین محافظه کاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی، میانگین عدم اطمینان خاص شرکت و میانگین عکس معیار طول چرخه ی سرمایه گذاری مثبت و معنادار است.

چی و دیگران (۲۰۰۹) در تحقیق خود تحت عنوان «رابطه حاکمیت شرکتی با محافظه کاری» از مدل خان و واتر (۲۰۰۷) برای سنجش محافظه کاری حسابداری استفاده کردند. آنها در بین شرکت‌های بورس تایوان و از سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی که بیشتر سهام آنها در اختیار سهامداران نهادی بوده، نیاز به حسابداری محافظه کارانه کمتر است.

آستامی و تاوور (۲۰۰۶) به بررسی ویژگی‌های شرکت و انتخاب روش‌های حسابداری در آسیای پاسیفیک (شامل استرالیا، هنگ‌کنگ، اندونزی، سنگاپور و مالزی) می‌پردازند. نتایج به

دست آمده از تحقیق آنها نشان داد که اهرم مالی پایین‌تر، تمرکز مالکیت کمتر (پراکندگی مالکیت بیشتر) و مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر، به اعمال محافظه‌کاری بیشتری در صورت‌های مالی منجر می‌شود. البته این نتایج زمانی برقرار است که دو متغیر صنعت و کشور در نظر گرفته نشوند. به عبارت دیگر، در صورت عدم کنترل متغیرهای صنعت و کشور، روابط فوق برقرار است. در صورتی که دو متغیر فوق در نظر گرفته شوند، متغیر کنترل مربوط به کشور بسیار تعیین‌کننده‌تر از سایر متغیرهای مذکور عمل می‌نماید. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که شرکت‌های مالزیایی علاقه زیادی به اعمال محافظه‌کاری دارند.

بیکس و دیگران (۲۰۰۴) در تحقیقی تحت عنوان «ارتباط بین به موقع بودن سود، محافظه‌کاری سود و ترکیب هیئت‌مدیره»، محافظه‌کاری و به موقع بودن سود را به عنوان معیارهای کیفیت حسابداری در نظر گرفتند. آنها با استفاده از نمونه‌ای از کشور انگلستان و با استفاده از مدل عدم تقارن زمانی سود ارائه شده توسط باسو (۱۹۹۷)، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که استقلال اعضای هیئت‌مدیره در آنها بیشتر است، محافظه‌کارترند. بدین ترتیب آنها نتیجه گرفتند که وضعیت ترکیب اعضای هیئت‌مدیره، عامل مهمی در تعیین کیفیت سود گزارش شده شرکت‌های انگلیسی است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی اول

مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی دوم

مالکیت سهامداران عمده بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی سوم

مالکیت مدیریتی بر محافظه کاری نا مشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.

فرضیه فرعی چهارم

نسبت مدیران غیر موظف به هیات‌مدیره بر محافظه کاری نا مشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از حیث هدف تحقیق، از جمله تحقیقات کاربردی است و همچنین از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش و ماهیت از نوع تحقیقات همبستگی است که با استفاده از داده‌های مشاهده شده انجام می‌شود.

ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه حسابرسی شده سالانه شرکت‌های نمونه که توسط سازمان بورس اوراق بهادار ارائه شده، با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و مراجعه به سایت‌های مربوط به گزارش‌های مالی شرکت‌ها و اطلاعات مربوط به تئوری تحقیق نیز از طریق مجلات، نشریات داخلی و خارجی گردآوری شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای این تحقیق به منظور آزمون فرضیه‌ها شامل متغیرهای مستقل، متغیرهای وابسته و متغیرهای کنترلی می‌باشد. در تحقیق حاضر مالکیت سهامداران نهادی (INS)، مالکیت سهامداران مدیریتی (MOS)، مالکیت سهامداران عمده (BLOCK) و نسبت مدیران غیرموظف به هیات‌مدیره (PEROUT DIR) متغیرهای مستقل و محافظه کاری نامشروط (UC-ACC) در حسابداری به عنوان متغیر وابسته انتخاب شده است.

متغیرهای کنترلی در این تحقیق اندازه شرکت (SIZE)، اهرم مالی (LEV) و نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری (MB) می‌باشد. در ادامه هر یک از متغیرهای تحقیق و نحوه‌ی محاسبه‌ی آن‌ها در نگاره ۱ آمده است.

محافظه‌کاری نامشروط

محافظه‌کاری نامشروط گونه‌ای از محافظه‌کاری است که متأثر از استانداردهای حسابداری و الزامات قانونی است. برای سنجش این متغیر، نسبت کل اقلام تعهدی به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. اقلام تعهدی منفی‌تر حاکی از درجه بالاتر محافظه‌کاری نامشروط است. زیرا که نتیجه محافظه‌کاری نامشروط، کم‌نمایی سود است و در نتیجه سود گزارش شده پایین‌تر از جریان‌ات نقدی شرکت خواهد بود (گیولی و هین، ۲۰۰۰).

$$UC-ACC_{i,t} = \frac{TACC_{i,t}}{TA_{i,t}} (-1)$$

TACC: کل اقلام تعهدی TA: ارزش دفتری کل دارایی‌ها

شیوه محاسبه اقلام تعهدی کل بصورت ذیل می‌باشد:

Total accruals_{it} = net income before extraordinary items_{it} – operational cash flow_{it}

Net income before extraordinary items: سود خالص قبل از اقلام غیر عادی

Operational cash flow: جریان نقدی عملیاتی Total accruals_{it}: کل اقلام تعهدی

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE)

یکی از فاکتورهای درونی شرکت‌ها که بر ساختار مالکیت و محافظه‌کاری شرکت تاثیر می‌گذارد اندازه شرکت است که در این پژوهش از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام (MVE) محاسبه می‌شود و ارزش بازار سهام از حاصل ضرب قیمت سهام در پایان سال در تعداد سهام صادره بدست می‌آید.

اهرم مالی (LEV)

اهرم مالی بیانگر آن است که شرکت تا چه حد به تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی (استقراض) به جای افزایش سرمایه متکی است. نسبت‌های اهرمی، ابزارهایی جهت تعیین میزان احتمال قصور (ناتوانی) شرکت در ایفای تعهدات مربوط به بدهی‌هایش می‌باشند. این نسبت به صورت تقسیم بدهی‌ها بر دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری (MB)

در این تحقیق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.

مدل‌های تحقیق

مدل کلی فرضیه اصلی

$$UC - ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INS + \beta_2 BLOCK + \beta_3 MOS + \beta_4 PEROUT DIR + \beta_5 SIZE + \beta_6 MB + \beta_7 LEV + \varepsilon$$

مدل ۱ جهت آزمون فرضیه فرعی اول

$$UC - ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INS + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$$

مدل ۲ جهت آزمون فرضیه فرعی دوم

$$UC - ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BLOCK + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$$

مدل ۳ جهت آزمون فرضیه فرعی سوم

$$UC - ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MOS + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$$

مدل ۴ جهت آزمون فرضیه فرعی چهارم

$$UC - ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PEROUT DIR + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$$

تکانه (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای عملیاتی تحقیق

متغیر	متغیر	تعریف عملیاتی متغیرها	نماد	نحوه محاسبه متغیرهای تحقیق
وابسته	محافظه‌کاری	محافظه‌کاری نامشروط	UC-ACC _{i,t}	$UC-ACC_{i,t} = \frac{TACC_{i,t}}{TA_{i,t}} (-1)$
مستقل	ساختار مالکیت	مالکیت نهادی	INS	به نسبت سهام عادی در اختیار سرمایه گذاران نهادی اطلاق می‌شود.
		مالکیت مدیریتی	MOS	درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیات مدیره از کل سرمایه است.
		مالکیت سهامداران عمده	BLOCK	درصد سهام نگهداری شده توسط اجزای شرکت‌های سهامی از کل سرمایه است.
		نسبت مدیران غیر موظف به هیات مدیره	PEROUT DIR	از طریق تقسیم نسبت تعداد مدیران غیرموظف به کل اعضا به دست می‌آید.
کنترلی	تأثیرها	اندازه شرکت	SIZE	از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام (MVE) به دست می‌آید.
		نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری	MB	از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.
		اهرم مالی	LEV	از تقسیم بدهی‌ها بر دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

جامعه آماری و حجم نمونه پژوهش

کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند و فرضیه‌های مورد نظر در رابطه با این جامعه آماری مورد مطالعه و آزمون قرار خواهد گرفت. به علت گستردگی و حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضاء جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده‌اند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا سال ۱۳۹۲ در بورس فعالیت داشته باشند.
 ۲. برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شامل بانک‌ها، موسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری مالی، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های هلدینگ که ساختار گزارشگری متفاوتی دارند، از نمونه حذف می‌شوند.
 ۳. پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند باشد.
 ۴. شرکت‌ها در دوره‌ی مورد بررسی وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند.
 ۵. شرکت‌ها در طی این بازه زمانی تغییر در سال مالی نداشته باشند.
- از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۲، با در نظر گرفتن محدودیت‌های پیش‌گفته، جامعه آماری تحقیق در بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به ۱۲۵ شرکت می‌رسد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

در ابتدا آماره‌های توصیفی داده‌های تحت مطالعه محاسبه می‌گردد. نگاره ۲ آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، بیشینه و کمینه و انحراف معیار می‌باشد.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	متغیر	نماد	مشاهدات	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
وابسته	محافظة کاری	محافظة کاری نامشروط	۶۲۵	-۰/۰۲	۰/۶۳۸	۰/۳۴۳	۰/۳۳۷
مستقل	ساختار مالکیت	مالکیت نهادی	۶۲۵	۰/۰۸	۰/۹۹۸	۰/۴۳۶	۰/۳۲۸
		مالکیت مدیریتی	۶۲۵	۰/۰۰۲	۰/۴۹۸	۰/۰۹۱	۰/۱۱۷
		مالکیت سهامداران عمده	۶۲۵	۰/۰۵۸	۰/۶۷۲	۰/۱۹۸	۰/۱۳۹
		نسبت مدیران غیر موظف به هیات مدیره	۶۲۵	۰/۱۴۲	۰/۶۰	۰/۴۰	۰/۱۷۸
		اندازه شرکت	۶۲۵	۴/۴۷۱	۸/۲۸	۶/۶۱۷	۰/۶۳۳
کنترلی	مُناخص	نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری	۶۲۵	۰/۸۷۱	۷/۸۳	۲/۶۵۹	۰/۷۴۸
		اهرم مالی	۶۲۵	۰/۱۹۶	۰/۹۱۸	۰/۶۱۳	۰/۶۳۷

آزمون دیکی فولر تعمیم یافته جهت مانایی متغیرها

نگاره ۳ آزمون دیکی فولر تعمیم یافته جهت مانایی متغیرها را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	آماره	p-value
UC-ACC	۶۲۵	۰/۰۰۱
INS	۶۲۵	۰/۰۰۲
MOS	۶۲۵	۰/۰۰۳
BLOCK	۶۲۵	۰/۰۰۰
PEROUT DIR	۶۲۵	۰/۰۰۰
SIZE	۶۲۵	۰/۰۰۰
MB	۶۲۵	۰/۰۰۰
LEV	۶۲۵	۰/۰۰۰

در متغیرهای ذکر شده p-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد می‌شود و متغیرها مانا هستند.

بررسی ناهمسانی واریانس

نگاره ۴ نتایج آزمون ناهمسانی وایت را نشان می‌دهد.

نگاره (۴): نتایج آزمون ناهمسانی وایت

فرضیه‌ها	شرح	مقدار آماره	احتمال	P-Value	نتیجه
فرضیه فرعی ۱	F-statistic	۳۶/۱۸۶	۰/۰۸۴۷	$P \geq 0.05$	همسانی واریانس
	Obs*R-squared	۹۵/۲۶۸	۰/۱۱۳۸		
فرضیه فرعی ۲	F-statistic	۴۶/۳۴۹	۰/۰۶۹۸	$P \geq 0.05$	همسانی واریانس
	Obs*R-squared	۸۹/۲۵۷	۰/۰۵۳۷		
فرضیه فرعی ۳	F-statistic	۳۸/۴۶۲	۰/۰۵۱۶	$P \geq 0.05$	همسانی واریانس
	Obs*R-squared	۹۱/۴۳۸	۰/۰۷۱۲		
فرضیه فرعی ۴	F-statistic	۵۰/۳۷۹	۰/۰۶۵۷	$P \geq 0.05$	همسانی واریانس
	Obs*R-squared	۸۹/۸۴۷	۰/۰۷۷۱		

در نگاره مذکور، تمام فرضیه‌های فرعی با توجه به اینکه آماره این آزمون‌ها در سطح ۵ درصد معنادار است، بنابراین فرض همسانی واریانس پذیرفته می‌شود.

آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نگاره ۵، آزمون F لیمر و آزمون هاسمن را نشان می‌دهد. در فرضیه فرعی چهارم با توجه به اینکه مقدار p-value به دست آمده از آزمون F لیمر برابر با صفر می‌باشد، فرض صفر رد شده ($P < ۰/۰۵$) و روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به مقدار p-value به دست آمده از آزمون هاسمن بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض یک آزمون هاسمن رد شده و روش اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود. همچنین در سایر فرضیات با توجه به اینکه مقدار p-value به دست آمده از آزمون F لیمر برابر با صفر می‌باشد، فرض صفر رد شده ($P < ۰/۰۵$) و روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. همچنین با توجه به مقدار p-value به دست آمده از آزمون هاسمن کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر آزمون هاسمن رد شده و روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

نگاره (۵): آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نتیجه	p-value	احتمال	آماره هاسمن	نتیجه	p-value	احتمال	آماره F لیمر	فرضیه‌ها
اثرات ثابت	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۱۱/۳۹۲	داده‌های تابلویی	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۶/۱۰۱	فرضیه ۱
اثرات ثابت	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۱۱/۲۰۵	داده‌های تابلویی	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۵/۹۷۲	فرضیه ۲
اثرات ثابت	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۱۲/۰۶۴	داده‌های تابلویی	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۴/۹۷۸	فرضیه ۳
اثرات تصادفی	$P \geq ۰/۰۵$	۰/۰۶۴	۱۰/۰۵۲	داده‌های تابلویی	$P < ۰/۰۵$	۰/۰۰۰	۶/۱۱۲	فرضیه ۴

آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه فرعی اول

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی اول در نگاره ۶ نشان داده شده است.

نگاره (۶): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر وابسته محافظه کاری نامشروط (UC-ACC)				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
C	-۰/۹۷۴	۰/۰۶۳۴	-۲/۴۳	۰/۰۰۴۱
INS	-۱/۰۴۴	۰/۰۴۳۶	-۴/۳۴	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۷۴۵	۰/۰۳۸	-۵/۷۳۵	۰/۰۰۰
BM	۰/۶۸۴	۰/۰۴۳۲	۲/۱۴۲	۰/۰۲۴۵
Lev	۰/۴۹۶	۰/۰۴۲	۴/۹۷	۰/۰۰۰۱
آماره دورین واتسون		۱/۶۸	Adjusted R-squared	
Prob (F-statistic)		۰/۰۰۰	۰/۴۹۱۸	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون به شرح نگاره فوق، مشاهده می‌شود که مقدار P-Value مربوط به آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۴۹ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۴۹٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است، که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده خوبی از این رگرسیون است. آماره دورین واتسون برابر با ۱/۶۸ می‌باشد که این مقدار در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ نشان از عدم همبستگی بین متغیرها می‌باشد. همانگونه که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل مالکیت نهادی (INS) -۱/۰۴۴ و عدد معناداری (Prob) آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. با توجه به آماره t و p-Value این متغیر، نتایج نشانگر معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت نهادی بر محافظه کاری نامشروط تأثیر گذار است.

آزمون فرضیه فرعی دوم

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی دوم در نگاره ۷ نشان داده شده است.

نگاره (۷): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیر وابسته محافظه کاری نامشروط (UC-ACC)				
p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۸۷	-۳/۳۸۹	۰/۵۴۳	-۰/۲۳۴	C
۰/۰۵۰۳	-۱/۳۳۴	۰/۰۹۸	-۱/۳۱۰	BLOCK
۰/۰۰۰	-۴/۶۷۳	۰/۰۳۴۸	-۰/۰۹۴۳	SIZE
۰/۰۰۰۱۲	۴/۴۳۶	۰/۰۹۴۳	۰/۰۳۹۷	BM
۰/۰۰۰۱	۴/۷۶۱	۰/۰۳۴۸	۰/۶۶۷	Lev
Adjusted R-squared		۱/۷۲۵	آماره دوربین واتسون	
۰/۶۳۴		۰/۰۰۰	Prob (F-statistic)	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون، مشاهده می‌شود که مقدار P-Value مربوط به آماره F که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۳ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۶۳٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است، که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده خوبی از این رگرسیون است. و آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۷۲۵ می‌باشد که این مقدار در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ نشان از عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد. همانگونه که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل مالکیت سهامداران عمده (BLOCK) -۱/۳۱۰- و عدد معناداری (Prob) آن ۰/۰۵۰۳ می‌باشد. با توجه به آماره t و p-Value این متغیر، نتایج نشانگر عدم معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت سهامداران عمده بر محافظه کاری نامشروط تأثیرگذار نیست. در نتیجه فرض H_1 تحقیق رد می‌شود و H_0 فرض مبنی بر عدم معنی دار بودن فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه فرعی سوم

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی سوم در نگاره ۸ نشان داده شده است.

نگاره (۸): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیر وابسته محافظه‌کاری نامشروط (UC-ACC)				
p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	-۳/۹۷	۰/۰۸۴۹	-۰/۶۹۸	C
۰/۰۰۰	-۳/۶۹	۰/۰۶۸۳	-۱/۲۴۵	MOS
۰/۰۰۰	-۴/۷۹۲	۰/۰۸۷۱	-۰/۹۲۶	SIZE
۰/۰۰۰۵	-۲/۹۷۳	۰/۰۵۳۹	-۰/۶۸۱	BM
۰/۰۰۰۹	۲/۶۳۱	۰/۰۶۹۵	۰/۸۸۳	Lev
Adjusted R-squared		۱/۷۳۹	آماره دوربین واتسون	
۰/۵۳۸۴		۰/۰۰۰	Prob (F-statistic)	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون، مشاهده می‌شود که مقدار P-Value مربوط به آماره F که بیانگر معنی‌دار بودن کل رگرسیون است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۴ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۵۴٪ از تغییرات متغیر وابسته بامتغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است، که نشان دهنده قدرت توضیح‌دهندگی خوبی از این رگرسیون است. و آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۷۳۹ می‌باشد که این مقدار در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ نشان از عدم همبستگی بین متغیرها می‌باشد. همانگونه که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل مالکیت مدیریتی (MOS) -۱/۲۴۵- و عدد معناداری (Prob) آن ۰/۰۰۰ می‌باشد. با توجه به آماره t و P-Value این متغیر، نتایج نشانگر معنی‌داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی بر محافظه‌کاری نامشروط تأثیر گذار است. در نتیجه فرض H_0 تحقیق رد می‌شود و فرض H_1 مبنی بر معنی‌دار بودن فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه فرعی چهارم

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی چهارم در نگاره شماره ۹ نشان داده شده است.

نگاره (۹): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه فرعی چهارم

متغیر وابسته محافظه‌کاری نامشروط (UC-ACC)				
p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	-۴/۳۹۱	۰/۶۷۲	-۰/۷۲۶	C
۰/۰۵۶۱	-۱/۰۶	۰/۱۵۳	-۱/۵۴۷	PEROUT DIR
۰/۰۰۰	-۵/۵۴۵	۰/۰۴۳۱	-۰/۰۸۴۳	SIZE
۰/۰۰۹۲	۳/۷۲۸	۰/۲۹۷	۰/۵۱۲	BM
۰/۰۰۲۴	۳/۹۰۸	۰/۱۸۶	۰/۶۹۸	Lev
Adjusted R-squared		۱/۸۳۹	آماره دوربین واتسون	
۰/۵۲۹۷		۰/۰۰۰	Prob (F-statistic)	

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون، مشاهده می‌شود که مقدار P-Value مربوط به آماره F که بیانگر معنی‌دار بودن کل رگرسیون است، برابر ۰/۰۰۰ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۳ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۵۳٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است، که نشان‌دهنده قدرت توضیح‌دهندگی خوبی از این رگرسیون است. و آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۸۳۹ می‌باشد که این مقدار در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ نشان از عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد. همانگونه که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل نسبت مدیران غیر موظف به هیات مدیره (PEROUT DIR) -۱/۵۷۴ و عدد معناداری (Prob) آن ۰/۰۵۶۱ می‌باشد. با توجه به آماره t و P-Value این متغیر، نتایج نشانگر عدم معنی‌داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد نسبت مدیران غیرموظف به هیات مدیره بر محافظه‌کاری نامشروط تأثیر گذار نیست. در نتیجه فرض H_1 تحقیق رد می‌شود و H_0 فرض مبنی بر عدم معنی‌داری بودن فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

نگاره شماره ۱۰ خلاصه نتایج تحقیق را نشان می‌دهد.

تک‌اره (۱۰): خلاصه نتایج تحقیق

نوع رابطه	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	فرضیات و مدل اندازه‌گیری	فرضیه اصلی
					$INS \& BLOCK \& MOS \& PEROUTDIR \& UC - ACC$	فرضیه اصلی
					این فرضیه طبق فرضیات ذیل مورد آزمون قرار می‌گیرد.	
					$UC - ACC_i, t = \beta_0 + \beta_1 INS + \beta_2 BLOCK + \beta_3 MOS + \beta_4 PEROUTDIR + \beta_5 SIZE + \beta_6 MB + \beta_7 LEV + \varepsilon$	مدل اصلی
معکوس و معنادار	۰/۰۰۰	-۴/۳۴	۰/۰۴۳۶	-۱/۰۴۴	$INS \& UC - ACC$	فرضیه فرعی ۱
					$UC - ACC_i, t = \beta_0 + \beta_1 INS + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$	مدل فرعی ۱
بی معنا	۰/۰۵۰۳	-۱/۳۳۴	۰/۰۹۸	-۱/۳۱۰	$BLOCK \& UC - ACC$	فرضیه فرعی ۲
					$UC - ACC_i, t = \beta_0 + \beta_1 BLOCK + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$	مدل فرعی ۲
معکوس و معنادار	۰/۰۰۰	-۳/۶۹	۰/۰۶۸۳	-۱/۲۴۵	$MOS \& UC - ACC$	فرضیه فرعی ۳
					$UC - ACC_i, t = \beta_0 + \beta_1 MOS + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$	مدل فرعی ۳
بی معنا	۰/۰۵۶۱	-۱/۰۶۱	۰/۱۵۳	-۱/۵۷۴	$PEROUTDIR \& UC - ACC$	فرضیه فرعی ۴
					$UC - ACC_i, t = \beta_0 + \beta_1 PEROUTDIR + \beta_2 SIZE + \beta_3 MB + \beta_4 LEV + \varepsilon$	مدل فرعی ۴

نتیجه‌گیری

هدف کلی تحقیق بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری نامشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این تحقیق از متغیرهای مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، مالکیت سهامداران عمده و نسبت مدیران غیرموظف به هیات مدیره به عنوان مولفه‌های ساختار مالکیت استفاده گردیده است تا تأثیر این متغیرهای

مستقل بر محافظه‌کاری نامشروط مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به آزمون‌های آماری انجام شده، بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با محافظه‌کاری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. و همچنین در این آزمون‌ها ارتباط بین مالکیت سهامداران عمده و نسبت مدیران غیرموظف به هیات‌مدیره با محافظه‌کاری رابطه معنی‌داری حاصل نگردید. می‌توان گفت نتایج حاصل از فرضیه اصلی و فرضیات فرعی ۱ و ۳ مرتبط با آن، بیانگر وجود رابطه معنی‌دار و منفی بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با محافظه‌کاری نامشروط است. و فرضیات فرعی ۲ و ۴ نیز رد شده و هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری با محافظه‌کاری نامشروط ندارد.

نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۰)، مهرانی و همکاران (۱۳۸۹)، جی، لیو و دانگ (۲۰۰۷)، مطابقت دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مالکان نقش نظارتی کمتری در تصمیم‌گیری‌های شرکت در خصوص مدیریت سود داشته‌اند، پس در نتیجه سهامداران ناظران فعالی هستند که از طریق کاربرد بیشتر رویه‌های محافظه‌کارانه، مدیران را به گزارش سود، با کیفیت بالاتر تشویق می‌کنند.

پیشنهادات حاصل از نتایج تحقیق

۱. پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، جهت اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، به اطلاعات مرتبط با سازوکارهای نظام راهبری شرکتی نیز توجه کنند.
۲. پیشنهاد می‌گردد در تدوین و تصویب آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی در سازمان بورس اوراق بهادار، از نتایج این تحقیق استفاده گردد.
۳. پیشنهاد می‌گردد که فعالان بازار بورس اوراق بهادار، سهامداران، اعضاء هیئت مدیره شرکت‌ها، با مباحث راهبری شرکتی بیشتر آشنا شده تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در نظام راهبری شرکت‌ها بپردازند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

۱. بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و سایر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی نظیر ویژگی‌های هیات‌مدیره، کنترل‌های داخلی و...
۲. بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و تمرکز مالکیت نهادی.

۳. بررسی رابطه محافظه کاری مشروط و نامشروط در حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی.

۴. بررسی رابطه محافظه کاری و ریسک سقوط قیمت سهام.

۵. بررسی رابطه مدیریت ریسک و حسابداری محافظه کارانه.

منابع

- استا، سهراب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، صص. ۹۳-۱۰۶*.
- بادآور نهندي، یونس، و برادران حسن زاده، رسول، و محمودزاده باغبانی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی. *مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، صص. ۱۸۰-۱۶۰*.
- دیندار یزدی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین محافظه کاری و نظام راهبری شرکتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی و اداری.
- رشیدی، مینا، و پاک مرام، عسگر، و بیگ زاده، جعفر. (۱۳۹۳). رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پژوهش حسابداری، شماره ۱۴، صص. ۷۹-۶۱*.
- فروغی، داریوش، و عباسی، جواد. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، صص. ۱۱۳-۱۳۲*.
- مرادزاده، مهدی، و ناظمی، مهدی، و غلامی، رضا، و فرزانی، حجت‌الله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، صص. ۸۵-۹۸*.
- مهرانی، ساسان، و مرادی، محمد، و اسکندر، هدی. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، صص. ۴۷-۶۲*.
- Astami Emta, Tower Greg. (2006). Accounting Policy Choice and Firm Characteristics in the Asia Pacific Region. An International Empirical Test of Costly Contracting Theory. *International Journal of Accounting*, 41: 1-21.
- Beekes, Wendy, Pope, Peter and Young, Steven. (2004). The Link Between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board

- Composition. Evidence from the U. K. *Corporate Governance An International Review*, Vol 12 (1) , pp. 47-59.
- Chi, Wuchun, Liu, Chiawen. And Wang Taychang. (2009). What Affects Accounting Conservatism: A Corporate Governance Perspective. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol 5 (1) , pp. 47-59.
- Givoly D, Hayn C. (2000). The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative? *Journal of Accounting and Economics*; 29: 287-320.
- Watts R. (2003). Conservatism in Accounting Part I. Explanations and Implications. *Accounting Horizons*; 17: 207-221.

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵-۲۳ صص

چارچوبی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران

مسعود غلامزاده لداری*، علی ثقفی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۲

چکیده

طی یک دهه گذشته نهادهای پیشروی بین‌المللی در زمینه تدوین استانداردهای حسابداری به این نتیجه رسیده‌اند که انجام اقداماتی از قبیل انتشار پیش‌نویس استانداردهای حسابداری برای اطمینان از کیفیت استانداردهای حسابداری وضع شده دیگر کافی نیست و ارزیابی پس از اجرای استانداردها را باید در قالب چارچوبی منسجم و جامع به اجرا بگذارند تا از اثربخشی استانداردهای وضع شده اطمینان حاصل نمایند. به عبارت دیگر، گام دیگری به فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری آنها اضافه شده است و یکی از مهم‌ترین چالش‌های تدوین‌کنندگان استاندارد در آینده این خواهد بود که آیا ارزیابی‌های پس از اجرای آنها بازخوردهای به‌موقعی را تولید می‌کند یا خیر. در این پژوهش تلاش شده است ضمن مطالعه تطبیقی اجزای چارچوب‌های طراحی شده توسط نهادهای تدوین استانداردهای حسابداری پیشرو، با استفاده از روش پیمایشی و با مشارکت ذینفعان مختلف (۱۰۸ نفر متشکل از اساتید دانشگاهی، مدیران ارشد مالی بنگاه‌های اقتصادی، خبرگان عرصه حسابرسی مستقل و مدیران ارشد سرمایه‌گذاری) چارچوبی مناسب برای ارزیابی اثربخشی استانداردهای حسابداری ایران استخراج و ارائه گردد. مسئول ارزیابی، زمان ارزیابی، اهداف ارزیابی شامل اهداف کلی و اهداف خاص، فرآیند ارزیابی و محتوای گزارش نهایی ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران در این چارچوب پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری، اثربخشی استانداردهای حسابداری، تجربه و تحلیل اثرات استانداردهای حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: G34

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.2625

* دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، نویسنده مسئول، (Masoud.gholamzade@gmail.com)
** استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، (iraniana@yahoo.com)

مقدمه

یک مساله کلیدی در زمینه سیاست‌گذاری^۱ این است که آیا سیاست‌گذاران باید پس از اجرای خط‌مشی‌ها، اثربخشی سیاست‌های پیشنهادی خود را مورد ارزیابی قرار دهند؟ به صورت مشابه، این موضوع که آیا نهادهای تدوین استانداردهای حسابداری باید اثربخشی استانداردهای تدوین شده خود را در نظر بگیرند، نیز دهه‌ها بدون اینکه راه حل قانع‌کننده‌ای داشته باشد، مورد بحث و جدل بود. پاسخ به این سوال از آن جهت مهم‌تر می‌شود که تدوین و اجرای استانداردهای حسابداری دارای پیامدهای اقتصادی است و یکی از متقاعدکننده‌ترین شواهد مربوط به این ادعا را می‌توان در مقاله‌ای مشاهده نمود که استیفن زف (۱۹۷۸) با عنوان «ظهور پیامدهای اقتصادی» منتشر نمود. مهم‌ترین ضرورت‌های ارزیابی اثربخشی استانداردهای حسابداری به شرح زیر است (گروه مشورتی گزارشگری مالی اروپا، ۲۰۱۱):

- الف) پاسخ به درخواست‌های دولت‌ها و سایر سیاست‌گذاران:** دولت‌ها و سیاست‌گذاران دیگری که قدرت استاندارد‌گذاری را به نهادهای تدوین استاندارد محول نموده‌اند، شواهد مؤید بیشتری را در زمینه در نظر گرفتن پیامدهای اقتصادی و رفتاری استانداردهای وضع شده توسط نهادهای تدوین استاندارد خواستارند. با انجام ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری در یک فرآیند رسمی این اطمینان برای آنها فراهم می‌شود.
- ب) واکنش به بحران‌های مالی:** بحران‌های مالی اخیر پاسخ به این سوال را با اهمیت کرده است که "آیا فرآیند تدوین استاندارد به بهبود گزارشگری مالی کمک می‌کند یا خیر؟"، و مباحثی را در خصوص اثرات احتمالی استانداردهای حسابداری بر ثبات مالی ایجاد نموده است. بنابراین، تجزیه و تحلیل اثرات در حفظ اعتماد به استانداردهای حسابداری و مدل گزارشگری مالی موجود نقش ایفا می‌کند.

- ج) افزایش شفافیت، پاسخگویی و اعتبار نهاد تدوین استاندارد:** نهادهای تدوین استاندارد در پاسخ به انتقادات و چالش‌های مطرح شده در خصوص اعتبارشان، ناچار به حفظ تعادل بین تقاضا برای اطلاعات از سوی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از یک‌طرف، و زحمات و دردهای تهیه‌کنندگانی که عرضه اطلاعات را تقبل می‌کنند، هستند. از طرف

دیگر، نهادهای تدوین استاندارد با انجام تجزیه و تحلیل اثرات، شواهدی برای پاسخ به هرگونه چالش‌های قانونی یا سایر چالش‌های مطرح شده از سوی ذینفعان، مشارکت‌کنندگان یا افراد ذینفع دیگر در اختیار دارند و می‌توانند اثبات کنند که اثرات استانداردهای حسابداری را در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر گرفته‌اند.

د) دفاع از نهادهای تدوین استاندارد در مقابل ادعاهای مطرح شده مبنی بر اقتباس استانداردها از مبانی تئوریک و عدم توجه به شرایط واقعی: تجزیه و تحلیل اثرات موجب می‌شود که مطلوبیت یک راه حل تئوریک برای یک مسأله گزارشگری مالی خاص، به توانایی آن راه حل در عمل بستگی داشته باشد. استانداردهای حسابداری باید از فرآیندی ناشی شوند که به‌طور گسترده مبتنی بر شواهد باشد و اثراتی که ممکن است به دنبال داشته باشد شامل اثرات اقتصادی، مسائل تجاری و حتی ملاحظات سیاسی، باید در نظر گرفته شده باشد.

هـ) نهادهای تدوین استانداردهای حسابداری با انجام ارزیابی پس از اجرای استانداردها قادر به شناسایی و حل مشکلات می‌شوند: تجزیه و تحلیل اثرات شامل ارزیابی اثرات استانداردهای حسابداری جدید یا تغییرات استانداردها هم‌زمان با تدوین و ابلاغ و نیز مستلزم «ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری» می‌باشد. انجام این کار، نهاد تدوین استاندارد را قادر می‌سازد تا به سرعت مسائل و مشکلات احتمالی موجود در خصوص یک استاندارد یا اصلاحیه را شناسایی و به موقع آن را اصلاح نماید.

در همین راستا، نهادهای پیشروی بین‌المللی در زمینه تدوین استاندارد طی یک دهه گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که انجام اقداماتی از قبیل انتشار پیش‌نویس استانداردهای حسابداری برای اظهارنظر ذینفعان و علاقمندان مختلف جهت اطمینان از کیفیت استانداردهای حسابداری وضع شده دیگر کافی نیست و "ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری"^۲ را باید در قالب چارچوبی منسجم و جامع به اجرا بگذارند تا از اثربخشی استانداردهای وضع شده اطمینان حاصل نمایند (سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد). به عبارت دیگر، گام دیگری به فرآیند تدوین استاندارد اضافه شده است و یکی از مهم‌ترین چالش‌های تدوین‌کنندگان استاندارد در آینده

این خواهد بود که آیا ارزیابی‌های پس از اجرای آنها بازخوردهای به موقعی را تولید می‌کنند یا خیر (پاندر، ۲۰۱۳).

علی‌رغم اهمیت ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری و تلاش نهادهای تدوین استاندارد دنیا برای حل و فصل مسائل و چالش‌های موجود در این زمینه، دریافت بازخورد و ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری تصویب و لازم‌الاجرا شده، در قالب چارچوب ارزیابی متناسب با شرایط و مناسبات ایران جزئی از فرآیند رسمی تدوین استاندارد ایران به شمار نمی‌رود. نبود چارچوبی جامع برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری در ایران موجب می‌شود بازخوردهای به موقعی از مسائل و مشکلاتی که تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، حساب‌رسان و استفاده‌کنندگان در اجرای استانداردهای مصوب در عمل با آنها مواجه می‌شوند، به نهاد استاندارد‌گذار منتقل نگردد و در برخی مواقع چاره‌جویی‌های دیرنگام را برای حذف هزینه‌های اضافی تحمیل شده به ذینفعان شاهد باشیم.

لذا هدف اصلی این پژوهش طراحی چارچوبی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران است. بنابراین، سؤالات اصلی که در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آن هستیم عبارتند از: نهاد تدوین استاندارد چگونه و با چه چارچوب جامعی می‌تواند بازخوردهای به موقعی را به منظور بهبود استانداردهای حسابداری دریافت نماید؟ مولفه‌های چارچوب ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری کدامند؟ در ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران چه مواردی باید مورد بررسی قرار گیرد؟ به چه سوالاتی باید پاسخ داده شود تا ارزیابی جامع یک استاندارد حسابداری محقق گردد؟

پیشینه تحقیق

هم دانشگاهیان و هم نهادهای تدوین استاندارد بر این باورند که مربوط بودن تحقیقات دانشگاهی در فرآیند تدوین استاندارد به صورت روزافزون رو به کاهش است. برای مثال، اسکیر (۱۹۹۴) کیفیت تحقیقات مرتبط با خط‌مشی‌گذاری یا تدوین استانداردها و تمایز آنها از پژوهش‌های دیگر را مورد بررسی قرار داده است. براون و هاوایسون (۱۹۹۸) تحقیقات بازار سرمایه را مورد توجه قرار داده‌اند. فولیبر و همکاران (۲۰۰۹) مجموعه گسترده‌تری از تحقیقات

تدوین استاندارد را بررسی نموده‌اند و بارس (۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) مجموعه بزرگی از فرصت‌ها برای تحقیقاتی که باید مورد توجه نهادهای استانداردها گذار باشد، را بررسی نموده است. برای مثال بارس (۲۰۰۶) فهرست وسیعی از فرصت‌های مطالعاتی مرتبط با استانداردهای حسابداری از جمله مسائل مرتبط با ارزش‌های منصفانه، تلفیق، اجاره‌ها، قراردادهای بیمه، ارائه صورت‌های مالی، چارچوب نظری، و شرکت‌های کوچک و متوسط را به محققین پیشنهاد نمود. بارس (۲۰۰۷) در تحقیقی دیگر با تمرکز بر مسائل مرتبط با اندازه‌گیری در حسابداری، کمک‌هایی را که محققین حسابداری می‌توانند در این زمینه به نهاد تدوین استاندارد ارائه نمایند تبیین نموده است. لیسرنینگ و جانسون (۱۹۹۴)، سوورینگا (۱۹۹۸)، سینگلتون-گرین (۲۰۱۰)، رادفورد (۲۰۱۱) و دیگران، دلایلی مبنی بر علت سودمندی پایین تحقیقات دانشگاهی برای نهادهای تدوین استاندارد ارائه نمودند.

اورت و واگنهافر (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "استفاده از پژوهش‌های دانشگاهی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری"، با اشاره به این موضوع که هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا و هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی فرآیندهای رسمی را برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری خود تدوین نمودند، فرصت‌های خوبی را برای محققین دانشگاهی در این زمینه متصور شدند.

هالر و همکاران (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی با عنوان "اثرات استانداردهای حسابداری"، پیشنهاد داده‌اند که ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری توسط اشخاص مستقلی (و نه توسط تدوین‌کنندگان استاندارد) انجام شود.

ماتریس مفهومی ارائه شده در نگاره ۱، برخی از تحقیقاتی را که در زمینه ارزیابی پس از اجرای تفسیر شماره ۴۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی (حسابداری عدم اطمینان در مالیات بر عملکرد) انجام شده است، نشان می‌دهد (بلواین و رایبسون، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳). همان‌طور که در این ماتریس مشاهده می‌شود چهار هدف به‌صورت پراکنده در تحقیقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و چارچوب ارزیابی‌ها در این تحقیقات جامع نبوده است: ۱. آیا استاندارد حسابداری مورد بررسی مسائلی که نیاز به تدوین آن استاندارد را ایجاد کرده است، حل و فصل نموده است؟، ۲. آیا اجرای استاندارد حسابداری مورد بررسی منجر به

ارائه اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری شده است؟، ۳. آیا اجرای استاندارد حسابداری عملی است؟، ۴. آیا انتشار استاندارد حسابداری منجر به ایجاد تغییراتی در رفتار شده است؟.

یکی دیگر از استانداردهای حسابداری که ارزیابی پس از اجرای آن در تحقیقات دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است، استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۸ (قسمت‌های عملیاتی) بوده است. تنوع اهداف ارزیابی‌ها و عدم استفاده از چارچوب جامع در ارزیابی‌های انجام شده در خصوص این استاندارد را نیز در نگاره ۲ می‌توان مشاهده نمود (هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۲۰۱۳).

نگاره (۱): ارتباط برخی تحقیقات انجام شده با اهداف ارزیابی پس از اجرای FIN48

ردیف	نام پژوهشگران	عنوان پژوهش	هدف ۱	هدف ۲	هدف ۳	هدف ۴	اهداف دیگر
۱	بلواین و همکاران (۲۰۰۷)	آموزه‌های عدم اطمینان در مزایای مالیاتی ناشی از اجرای تفسیر شماره ۴۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی	*				
۲	بلواین و همکاران (۲۰۰۷)	مالیات احتمالی: کاهش اثرات بر سود خالص	*				
۳	الکساندر و همکاران (۲۰۰۹)	ارزیابی خوشبینی در مزایای مالیاتی نامطمئن			*		
۴	کزیر و همکاران (۲۰۰۹)	شواهد مربوط به عوامل تعیین‌کننده مزایای مالیاتی شناسایی نشده					*
۵	بلواین و همکاران (۲۰۱۰)	تصمیمات شرکت‌ها قبل از لازم‌الاجرا شدن تفسیر شماره ۴۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی: آیا افشا انجام می‌شد؟	*		*	*	
۶	براون و همکاران (۲۰۱۰)	آیا شرکت‌ها کوتاه‌مدت‌نگر هستند؟ مورد کاوی در مورد انعقاد قرارداد در خصوص عملکرد و عدم اطمینان‌ها					*

اهداف دیگر	هدف ۴	هدف ۳	هدف ۲	هدف ۱	عنوان پژوهش	نام پژوهشگران	ردیف
*					تفسیر شماره ۴۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی و شرکت‌های با سرمایه کوچک	کمپل و لیندا (۲۰۱۰)	۷
		*			آیا تفسیر شماره ۴۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی موجب توقف مدیریت سود از طریق ذخایر مالیاتی می‌شود؟	کزیر و همکاران (۲۰۱۰)	۸
	*				محرک‌های صورت‌های مالی و منافع حسابرسی داوطلبانه مالیات	بک و همکاران (۲۰۱۱)	۹

نگاره (۲): ارتباط برخی تحقیقات انجام شده با اهداف ارزیابی پس از اجرای IFRS 8

اهداف پژوهش	عنوان پژوهش	نام پژوهشگر	ردیف
آیا افشا در مورد قسمت‌های عملیاتی پس از اجرای استاندارد تغییر کرده است؟ آیا اجرای استاندارد شماره ۸ برای تصمیم‌گیری سودمند بوده است؟	قسمت‌های عملیاتی: سودمندی استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۸	کرافورد و همکاران (۲۰۱۲)	۱
نوع قسمت‌ها، تعداد قسمت‌ها و اقلام گزارش شده برای هر قسمت در اجرای استاندارد ۸ چه تغییری کرده است؟ آیا افشای اطلاعات قسمت‌ها با میزان رقابت در صنعت رابطه دارد؟	عوامل تعیین‌کننده افشای اطلاعات قسمت‌ها: تحلیل تجربی شرکت‌های بورسی ایتالیایی	پیسانو و لندریانی (۲۰۱۲)	۲
آیا افشا در مورد قسمت‌های عملیاتی پس از اجرای استاندارد تغییر کرده است؟ آیا اطلاعات قسمت‌های عملیاتی در اجرای استاندارد شماره ۸ با سایر بخش‌های گزارشگری سالانه سازگاری دارد؟ نوع قسمت‌ها، تعداد قسمت‌ها و اقلام گزارش شده برای هر قسمت در اجرای استاندارد ۸ چه تغییری کرده است؟ مبنای اندازه‌گیری سود قسمت‌ها و مبنای مورد استفاده در صورت سود و زیان شرکت با هم	تحلیل تأثیر پذیرش استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۸ بر افشای اطلاعات قسمت‌ها در شرکت‌های با ارزش اروپایی	نیکولز و همکاران (۲۰۱۳)	۳

اهداف پژوهش	عنوان پژوهش	نام پژوهشگر	ردیف
سازگاری دارد؟ آیا هویت تصمیم گیرنده عملیاتی اصلی افشا شده است؟			
مربوط بودن اطلاعات قسمت‌ها در مقایسه با سایر اطلاعات افشا شده در صورت‌های مالی چگونه است؟ آیا مربوط بودن اطلاعات قسمت‌ها در اجرای استاندارد ۸ افزایش یافته است؟	تأثیر پذیرش استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۸ بر مربوط بودن گزارشات قسمت‌ها	کجو تر و نینهاوس (۲۰۱۴)	۴

برخلاف خلاهای موجود در پژوهش‌های حسابداری، هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۳ و هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا^۴ به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ تصمیم گرفتند تا ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری را در فرآیند تدوین استاندارد خود بگنجانند. تفسیر شماره ۴۸ هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (حسابداری عدم اطمینان در مالیات بر عملکرد)، نخستین استاندارد منتخب این هیات برای ارزیابی بود که گزارش مربوط به آن در سال ۲۰۱۲ منتشر شد. هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی به صورت هم‌زمان نخستین ارزیابی پس از اجرای استانداردهای خود را با استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۸ (گزارشگری قسمت‌ها) آغاز نمود که گزارش مربوط به آن در سال ۲۰۱۳ منتشر شد و طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، ارزیابی پس از اجرای استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۳ (ترکیب‌های تجاری) نیز در نیمه اول ۲۰۱۴ به اتمام رسیده است. همچنین، گزارش ارزیابی پس از اجرای هفت بیانیه استاندارد هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (بیانیه شماره ۱۰۹ با عنوان حسابداری مالیات بر درآمد، بیانیه شماره ۱۲۳ با عنوان پرداخت‌های مبتنی بر سهام، بیانیه شماره ۱۳۱ با عنوان گزارشگری قسمت‌ها، بیانیه شماره ۱۴۱ با عنوان ترکیب‌های تجاری، بیانیه شماره ۱۵۷ با عنوان اندازه‌گیری بر مبنای ارزش منصفانه، بیانیه شماره ۱۶۰ با عنوان منافع غیرکنترلی در صورت‌های مالی تلفیقی و بیانیه شماره ۱۲۸ با عنوان سود هر سهم) تاکنون منتشر شده است.

روش تحقیق

پس از مطالعه مبانی نظری، مراحل بعدی انجام این پژوهش به شرح زیر بوده است:

الف- مطالعات تطبیقی: در این مرحله از تحقیق، چارچوب در حال استفاده برای ارزیابی استانداردهای حسابداری تدوین شده توسط نهادهای تدوین استاندارد پیشروی بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. شایان ذکر است، با عنایت به نبودن موضوع ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری در قالب چارچوب جامع و در دسترس نبودن برخی جزئیات این چارچوب، مذاکره و مکاتبه الکترونیک با مدیران ذی‌ربط در نهادهای تدوین استاندارد پیشروی بین‌المللی (هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا و هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی) و دریافت اطلاعات تفصیلی و مستند از جزئیات فرآیند و چارچوب مورد استفاده توسط این نهادها در دستور کار قرار گرفت.

ب- بحث و تبادل نظر با خبرگان: با توجه به یافته‌های مطالعات تطبیقی به شرح فوق، تبادل نظر با خبرگان درخصوص چارچوب مناسب برای ارزیابی استانداردهای حسابداری ایران در دستور کار قرار گرفت. در این بخش، از رهنمودهای ۴ گروه خبرگان شامل اساتید دانشگاهی، حساب‌رسان مستقل در سطح شرکا و مدیران، تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در سطح معاونین و مدیران بنگاه‌های بزرگ اقتصادی کشور، و مدیران ارشد سرمایه‌گذاری به عنوان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی استفاده شده است. با عنایت به ماهیت موضوع، تبادل نظر در قالب یک جلسه هم‌اندیشی مشترک (۴ ساعت) با خبرگان فوق‌الاشاره و به صورت پرسش‌های باز صورت پذیرفت و اجماع خبرگان درخصوص اجزای چارچوب ارزیابی جامع استانداردهای حسابداری ایران اخذ گردید.

ج- مرور یافته‌های حاصل از تبادل نظر با خبرگان و نتیجه‌گیری: دیدگاه‌ها و نقطه نظرات تعدادی از اساتید دانشگاهی و همچنین صاحب‌نظرانی که دارای پیشینه علمی و عملی در حوزه تدوین استانداردهای حسابداری هستند، درخصوص یافته‌های حاصل از مرحله قبل دریافت گردید و نسبت به نهایی شدن چارچوب ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران اقدام گردید.

بنابراین، در این پژوهش، از روش توصیفی (مطالعه تطبیقی)، تحلیلی و پیمایشی استفاده می‌شود. روش‌های تحلیلی یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقیق برای مسائل مربوط به استانداردهای حسابداری است و با استفاده از این روش می‌توان مسائلی را مورد بررسی قرار دارد که در روش‌های دیگر امکان‌پذیر نیست (بارس، ۲۰۰۶).

جامعه و نمونه آماری

مطالعه رویه‌های مورد استفاده توسط نهادهای تدوین استاندارد پیشرو نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر ۴ گروه در زمان تدوین استانداردهای حسابداری و متعاقباً ارزیابی اثربخشی استانداردها ضروری است: ۱) مدیران ارشد مالی شرکت‌ها به عنوان تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، ۲) حساب‌برسان مستقل (شرکا و مدیران موسسات حسابرسی)، ۳) مدیران ارشد سرمایه‌گذاری فعال در شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها به عنوان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و ۴) صاحب‌نظران دانشگاهی. لذا جامعه آماری این تحقیق شامل ۴ گروه مذکور می‌باشد.

تشکیل گروه خبرگان از بین صاحب‌نظرانی صورت گرفته است که از نظر تجربه و تخصص در حوزه تدوین و بکارگیری استانداردهای حسابداری واجد صلاحیت باشند. بنابراین، نمونه‌گیری از جامعه آماری در این نوع آزمون‌ها چندان مصداق نداشته و صرفاً ویژگی‌های خبرگی افراد، ملاک است. از تعداد ۱۹۰ نفر خبرگان دعوت شده به هم‌اندیشی مشترک، تعداد ۱۰۸ نفر در این هم‌اندیشی حضور یافتند که ترکیب آنها به شرح نگاره ۳ بوده است:

نگاره (۳): ترکیب خبرگان مشارکت‌کننده در هم‌اندیشی

درصد مشارکت	مشارکت‌کنندگان در پیمایش		دعوت‌شدگان به پیمایش		نام گروه	ردیف
	درصد از کل	تعداد	درصد از کل	تعداد		
۴۹٪	۲۶٪	۲۸	۳۰٪	۵۷	حساب‌برسان مستقل	۱
۶۴٪	۳۶٪	۳۹	۳۲٪	۶۱	مدیران ارشد مالی	۲
۵۰٪	۱۶٪	۱۷	۱۸٪	۳۴	مدیران ارشد سرمایه‌گذاری	۳
۶۳٪	۲۲٪	۲۴	۲۰٪	۳۸	صاحب‌نظران دانشگاهی	۴
۵۷٪	۱۰۰٪	۱۰۸	۱۰۰٪	۱۹۰	جمع	

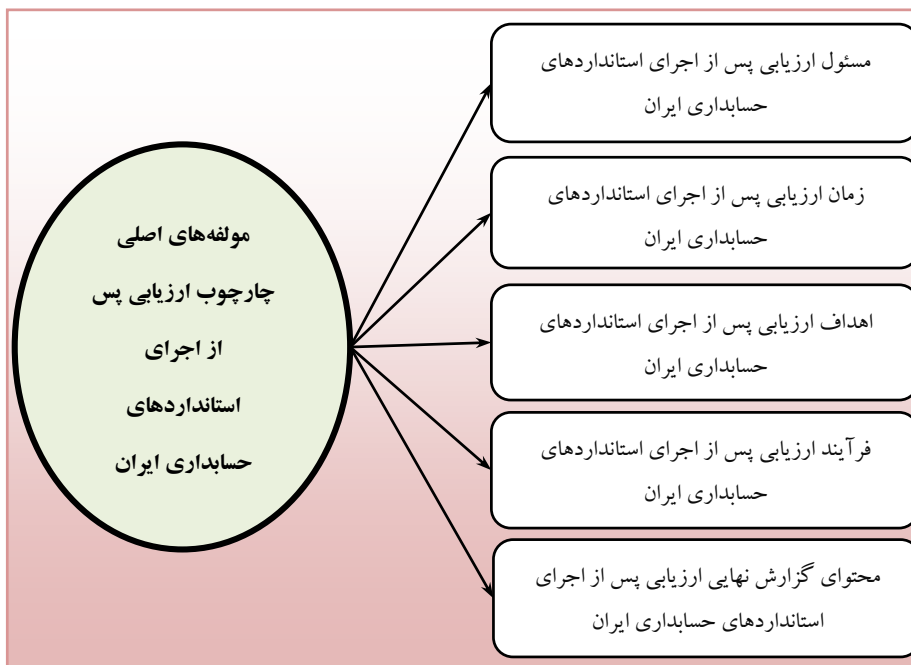
نگاره (۴): یافته‌های حاصل از مطالعات تطبیقی چارچوب‌های ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری نهادهای تدوین استاندارد پیشرو

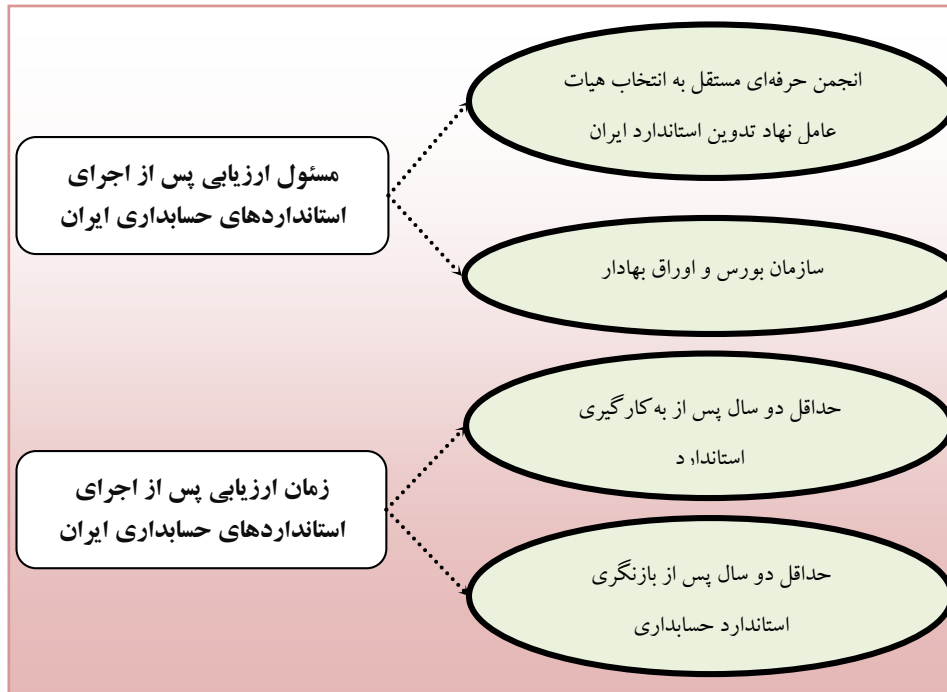
اجزای چارچوب	هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی	هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا
مسئول انجام ارزیابی	ستاد هیات تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی	تیم ارزیابی بنیاد حسابداری مالی آمریکا
زمان انجام ارزیابی	دو سال پس از به‌کارگیری استاندارد در سطح بین‌المللی	حداقل دو سال پس از صدور استاندارد حسابداری
اهداف ارزیابی	اهداف کلی	<p>ارزیابی اثربخشی استانداردهای به نحوی که فرآیند تدوین استاندارد را بهبود بخشد و اطلاعاتی را در خصوص ضابطه‌گذاری‌های بعدی فراهم آورد، شامل:</p> <p>(۱) بررسی مسائل و مشکلات مهمی که از طریق نظرخواهی شناسایی می‌شود و (۲) در نظر گرفتن هزینه‌های غیرمنتظره یا مشکلات به‌وجود آمده در اجرای استانداردهای حسابداری</p>
	اهداف خاص	<p>اهداف خاص ارزیابی پس از اجرای هر استاندارد براساس یافته‌های مرحله نخست ارزیابی پس از اجرا (مشورت عمومی با مشارکت کنندگان) تعیین می‌شود.</p>
فرآیند ارزیابی	<p>(۱) انتخاب یک استاندارد حسابداری برای هر استاندارد جدید گزارشگری مالی بین‌المللی یا هر تغییرات با اهمیتی که بر روی یک استاندارد قبلی انجام می‌شود، (۲) در پاسخ به تغییرات در محیط گزارشگری مالی و الزامات مقرراتی، یا (۳) پس از ابراز نگرانی مشارکت کنندگان نسبت به کیفیت یک استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی</p>	<p>استانداردهای حسابداری با اهمیت که توسط هیات امنای تعیین می‌شود به نحوی که آن استاندارد توسط نهاد تدوین استاندارد در دست بررسی مجدد نباشد. استاندارد با اهمیت است که:</p> <p>(۱) تغییرات با اهمیت در گزارشگری مالی ایجاد می‌کند یا (۲) تعداد قابل ملاحظه‌ای از ذینفعان اعلام می‌دارند که آن استاندارد ممکن است اهداف اعلام شده را محقق نسازد.</p>

هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا	هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی	اجزای چارچوب	
<p>پیمایش‌ها، پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه با ذینفعان مرور مستندات تاریخی نهاد تدوین استاندارد مرور ادبیات دانشگاهی موجود در خصوص موضوع مورد بررسی بررسی افشای موجود در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات منتشر شده از شرکت‌های منتخب</p>	<p>دریافت توصیه‌نامه‌ها از طرف اشخاص علاقه‌مند پس از ارسال درخواست اطلاعات (منبع اصلی اطلاعات) رویدادهای توسعه‌ای (بحث‌های جمعی، کنفرانس‌ها، بحث‌های اینترنتی، نشست‌های جداگانه با افراد)، پیمایش‌ها و مصاحبه با ذینفعان مرور ادبیات دانشگاهی موجود در خصوص موضوع مورد بررسی</p>	<p>روش‌های گردآوری اطلاعات</p>	
<p>هیات امنای بنیاد حسابداری مالی آمریکا</p>	<p>کمیته‌ی نظارت بر فرآیند تدوین استاندارد پس از بحث و بررسی، تصویب و انتشار گزارش توسط هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی، گزارش نهایی را تصویب می‌کند.</p>	<p>تصویب ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری</p>	
<p>مورد ندارد.</p>	<p>با توجه به اینکه فرآیند ارزیابی توسط خود هیات انجام می‌شود، پیش‌نویس گزارش ارزیابی در راستای افزایش شفافیت و قابلیت انکای این فرآیند، جهت نظرخواهی برای عموم منتشر می‌شود.</p>	<p>انتشار پیش‌نویس گزارش ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری</p>	<p>فرآیند ارزیابی (ادامه)</p>
<p>گزارش نهایی برای عموم منتشر می‌شود.</p>	<p>گزارش نهایی برای عموم منتشر می‌شود.</p>	<p>انتشار گزارش نهایی ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری</p>	
<p>پاسخ هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا به گزارش ارزیابی پس از اجرا، در قالب نامه‌ای به بنیاد حسابداری مالی آمریکا ارسال می‌شود. دلیل عدم درج در نسخه نهایی گزارش ارزیابی پس از اجرا، تفکیک تیم ارزیابی از بدنه هیات است.</p>	<p>پاسخ هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی به هر یک از مسائل استخراج شده در گزارش ارزیابی پس از اجرا، در گزارش نهایی درج می‌شود. دلیل این رویکرد این است که خود هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی مسئولیت تهیه گزارش ارزیابی را برعهده دارد و پاسخ هیات را در نسخه نهایی گزارش درج می‌نماید.</p>	<p>پاسخ نهاد تدوین استانداردهای حسابداری به گزارش ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری</p>	

هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا	هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی	اجزای چارچوب
<p>(۱) خلاصه (۲) پیشینه استاندارد مورد بررسی (۳) مروری بر فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری و آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان در پیمایش (۴) اهداف فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری (۵) گزارش یافته‌ها به تفکیک اهداف کلی و خاص</p>	<p>(۱) مقدمه: خلاصه فرآیند ارزیابی پس از اجرای استاندارد و جدول زمان‌بندی اجرای ارزیابی (۲) خلاصه یافته‌ها و گام‌های بعدی (۳) پیشینه استاندارد مورد بررسی: میزان همگرایی با اصول پذیرفته شده عمومی آمریکا و اثرات مورد انتظار الزامات استاندارد مورد بررسی (مرور اجمالی مزایا و معایب الزامات اصلی استاندارد از نگاه ذینفعان مختلف) (۴) نظرخواهی و شواهد گردآوری شده: منابع نهاده‌های فرآیند ارزیابی پس از اجرا، زمانبندی گردآوری اطلاعات و آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان در نظرخواهی عمومی (۵) مرور اجمالی تحقیقات دانشگاهی و سایر تحقیقات و متون موجود درخصوص استاندارد مورد بررسی (۶) بازخوردهای دریافت شده درخصوص ارزیابی پس از اجرای استاندارد مورد بررسی: پیام‌های دریافتی و پاسخ نهاد تدوین استاندارد به پیام‌ها (۷) فهرست پاسخ‌دهندگان به فرم‌های درخواست اطلاعات (۸) خلاصه فهرست منابع دانشگاهی و مقالات و کتب بررسی شده (۹) فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری (۱۰) استاندارد بعدی در نظر گرفته شده برای ارزیابی پس از اجرا</p>	<p>محتوای گزارش ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری</p>

نگاره (۵): مولفه‌های اصلی چارچوب ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران



تکانه (۶): مسؤل و زمان ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران

تکراره (۷): اهداف ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران



نگاره (۸): فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران



نگاره (۹): محتوای گزارش ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران

۱) چکیده
۲) پیشینه استاندارد حسابداری مورد بررسی
۳) مرور اجمالی تحقیقات دانشگاهی و سایر تحقیقات و متون موجود درخصوص استاندارد مورد بررسی
۴) فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری
۵) مروری بر فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری
- آمار توصیفی مشارکت کنندگان در پیمایش
- اهداف فرآیند ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری
۶) گزارش یافته‌ها به تفکیک اهداف کلی و خاص
۷) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۸) خلاصه فهرست منابع دانشگاهی و مقالات و کتب بررسی شده

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یافته‌های حاصل از مطالعات تطبیقی چارچوب‌های ارزیابی مورد استفاده توسط نهادهای تدوین استاندارد پیشروی بین‌المللی از یک طرف، و بحث و تبادل نظر با ۴ گروه از خبرگان (اساتید دانشگاهی، مدیران ارشد مالی، شرکا و مدیران موسسات حسابرسی و مدیران ارشد سرمایه‌گذاری) از طرف دیگر، مبنای تدوین چارچوبی مناسب برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران در این تحقیق بوده است. تلاش شده است چارچوب پیشنهادی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران از جامعیت نسبی برخوردار باشد. لذا پندار یعد اساسی مورد توجه بوده است که عبارتند از: مسئول ارزیابی‌ها، زمان ارزیابی، اهداف عام و خاص ارزیابی‌ها، فرآیند ارزیابی‌ها و محتوای ارزیابی‌ها.

درخصوص این موضوع که ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری توسط چه مرجعی انجام شود، دو رویکرد قابل تصور است. در رویکرد نخست، نهاد تدوین استاندارد مجری ارزیابی پس از اجرای استانداردها است و در رویکرد دوم، این کار به یک نهاد ذیصلاح مستقل سپرده می‌شود. در رویکرد اول، ارزیابی پس از اجرا به عنوان بخشی از فرآیند تدوین استاندارد پذیرفته می‌شود و استقلال فرآیند ارزیابی در این حالت کمتر در نظر گرفته می‌شود. در رویکرد دوم، ارزیابی پس از اجرا به عنوان بخشی از یک فرآیند نظارتی در تدوین استاندارد در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر، تفکیک بین تیم ارزیابی و نهاد تدوین استاندارد حسابداری (رویکرد دوم) می‌تواند نگرانی‌هایی درخصوص درک پیام‌های صادره از طریق گزارش ارزیابی پس از اجرا و بکارگیری بازخوردهای ارائه شده در گزارشات ارزیابی توسط نهاد تدوین استاندارد به وجود آورد. با عنایت به دولتی بودن فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری در ایران، مشارکت کنندگان در پیمایش انجام شده در این تحقیق رویکرد دوم را ترجیح داده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که انجام ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران توسط یک انجمن حرفه‌ای مستقل به انتخاب هیات عامل نهاد تدوین استاندارد و یا انجام آن توسط سازمان بورس و اوراق بهادار راهکار مناسبی می‌باشد.

مشارکت کنندگان در پیمایش بر این باورند که برای اینکه مسائل و مشکلات و پیامدهای یک استاندارد حسابداری به دقت و به‌طور کامل مشخص شود باید حداقل دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن سپری شده باشد. همچنین، اهداف اصلی ارزیابی پس از اجرای

استانداردهای حسابداری ایران از نظر مشارکت کنندگان عبارتند از: بررسی تحقق اهداف تدوین/بازنگری استاندارد (شامل بررسی سودمندی اطلاعات حسابداری تولید شده برای استفاده کنندگان، عملیاتی بودن اجرای استاندارد حسابداری منتخب از نظر ذینفعان مختلف، بررسی مهم‌ترین پیامدها و تغییرات ناشی از بکارگیری استاندارد حسابداری مورد نظر)، توجیه پذیر بودن استاندارد حسابداری منتخب به لحاظ هزینه - منفعت، و نهایتاً استخراج بهبودهای مورد نیاز در استاندارد منتخب به‌طور خاص و فرآیند تدوین استاندارد به‌طور عام.

دیدگاه مشارکت کنندگان در پیمایش درخصوص سایر مولفه‌های چارچوب پیشنهادی برای ارزیابی پس از اجرای استانداردهای حسابداری ایران (فرآیند ارزیابی و محتوای گزارش ارزیابی) در نگاره‌های ۸ و ۹ ارائه شده است.

پیشنهاد می‌شود با استفاده از چارچوب پیشنهادی در این پژوهش که با مشارکت موثر ذینفعان مختلف استانداردهای حسابداری طراحی شده است، اثربخشی استانداردهای حسابداری مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد و یافته‌های حاصل از این ارزیابی‌ها در اختیار نهاد تدوین استاندارد قرار گیرد.

با عنایت به اینکه چارچوب معرفی شده براساس مطالعات بهترین رویه‌های عمل (از جمله رویه عمل هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی) طرح‌ریزی شده است، حتی در صورت اجرایی شدن استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی در ایران، قابلیت اجرا خواهد داشت و اثربخشی استانداردهای بین‌المللی اجرا شده با این چارچوب قابل بررسی خواهد بود.

در پایان، پیشنهاداتی به شرح زیر برای تحقیقات آتی ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود چارچوبی برای ارزیابی اثربخشی استانداردهای حسابداری دولتی ایران با مشارکت خبرگانی از گروه‌های مختلف در تحقیق جداگانه‌ای طراحی شود. شایان ذکر است هیات استانداردهای حسابداری دولتی آمریکا اثربخشی تعدادی از استانداردهای حسابداری دولتی خود را با استفاده از چارچوبی مشخص ارزیابی و گزارش‌های مربوطه را منتشر نموده است.
- پیشنهاد می‌شود چارچوبی برای ارزیابی اثربخشی استانداردهای حسابداری ایران با مشارکت خبرگانی از گروه‌های مختلف در تحقیق جداگانه‌ای طراحی و ارائه گردد.

پی‌نوشت

۱ policy making	۳ IASB
۲ Post-Implementation Review of Accounting Standards	۴ FASB

منابع

- Barth, M. E. 2006. 'Research, Standard Setting, and Global Financial Reporting', *Foundations and Trends in Accounting, Vol. 1, No. 2.*
- Barth, M. E. 2007. 'Standard-Setting Measurement Issues and the Relevance of Research', *Accounting and Business Research, Special Issue, International Accounting Policy Forum, Vol 37, Supplement 1.*
- Barth, M. E. 2008. 'Global Financial Reporting: Implications for U. S. Academics', *The Accounting Review, Vol. 83, No. 5.*
- Blouin, J. , and Robinson, L. 2013. 'Insights from the initial post-implementation review of FIN 48'. *Working Paper.. WWW. ssn. com*
- Blouin, J. L. , and L. A. Robinson. 2011. 'Academic research on FIN 48: What have we learned?', *Prepared for the Financial Accounting Foundations' Post-Implementation Review of Financial Accounting Standards Board Interpretation No. 48.*
- Brown, P. , and B. Howieson. 1998. 'Capital Markets Research and Accounting Standard Setting', *Accounting and Finance, Vol. 38, No. 1.*
- European Financial Reporting Advisory Group (EFRAG). 2011. 'Considering the Effects of Accounting Standards, *Discussion Paper.. www. frc. org. uk.*
- Ewert, R. , & Wagenhofer, A. 2012. 'Using Academic Research for the Post-Implementation Review of Accounting Standards: A Note', *Abacus, Vol. 48, No. 2.*
- Financial Accounting Foundation. 2012. 'Post-implementation review Report on FASB Interpretation No. 48, Accounting for Uncertainty in Income Taxes'.
- Financial Accounting Foundation. 2012. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 131, Disclosures about Segments of an Enterprise and Related Information'.
- Financial Accounting Foundation. 2013. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 141 (revised 2007) , Business Combinations'.
- Financial Accounting Foundation. 2013. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 109, Accounting for Income Taxes'.
- Financial Accounting Foundation. 2014. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 123 (R) , Share-Based Payment'.

- Financial Accounting Foundation. 2014. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 157, Fair Value Measurements'.
- Financial Accounting Foundation. 2015. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 160, Noncontrolling Interests in Consolidated Financial Statements, an amendment of ARB No. 51'.
- Financial Accounting Foundation. 2016. 'Post-implementation review Report on FASB Statement No. 128, Earnings per Share'.
- Fülbier, R. U. , J. -M. Hitz and T. Sellhorn. 2009. 'Relevance of Academic Research and Researchers' Role in the IASB's Financial Reporting Standard Setting', *Abacus, Vol. 45, No. 4*.
- Haller, A. , C. Nobes, D. Cairns, A. Helstrom, S. Moya, M. Page and P. Walton. 2012. 'The Effects of Accounting Standards', *Accounting in Europe, Volume 9, Issue 2*.
- IASB. 2008. 'Business Combinations Phase II – Project summary, feedback and effects analysis'.
- IASB. 2012. 'Post-Implementation Review of IFRS 8, Operating Segments', Staff Memorandum.
- IASB. 2013, Post-implementation Review: IFRS 8 Operating Segments, Report and Feedback Statement.
- IASB. 2015, Post-implementation Review: IFRS 3 Business Combinations, Report and Feedback Statement.
- Leisenring, J. J. , and L. T. Johnson. 1994. 'Accounting Research: On the Relevance of Research to Practice', *Accounting Horizons, Vol. 8, No. 4*.
- Pounder, B. 2013. 'Post-Implementation Reviews of Accounting Standards', *Strategic Finance, Vol. 95 Issue 2*.
- Rutherford, B. A. 2011. 'Accounting Research and Accounting Policy: What Kind of Gap?', *Accounting in Europe, Vol. 8, No. 2*.
- Schipper, K. 1994. 'Academic Accounting Research and the Standard Setting Process', *Accounting Horizons, Vol. 8, No. 4*.
- Singleton-Green, B. 2010. 'The Communication Gap: Why Doesn't Accounting Research Make a Greater Contribution to Debates on Accounting Policy?', *Accounting in Europe, Vol. 7, No. 2*.
- Swieringa, R. J. 1998. 'Accounting Research and Policy Making', *Accounting and Finance, Vol. 38, No. 1*.
- Zeff, S. A. 1978. 'The Rise of Economic Consequences', *The Journal of Accountancy, Vol. 146, No. 6*.

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۵-۶۷

بررسی میزان اتکای حسابرسان مستقل بر انواع شواهد حسابرسی در گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی

عزیز گرد*، حسین کردستانی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۶

چکیده

مقاله حاضر به بررسی میزان قابلیت اتکای حسابرسان مستقل بر انواع شواهد حسابرسی به‌عنوان یک عامل زیربنایی در ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی و این که کدام یک از انواع شواهد حسابرسی دارای قابلیت اتکای بیشتری نسبت به دیگر شواهد حسابرسی دارند و از درجه بالاتری نسبت به دیگر شواهد برخوردار می‌باشند می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش حسابرسان مستقل در سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی می‌باشند. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای ثبات سازگاری درونی و بینابینی متغیرها از فرمول آلفای کرونباخ استفاده گردید. در این پژوهش برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS21 و LISREL استفاده و نتایج در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شد. در بخش یافته‌های توصیفی از مقادیر فراوانی، درصد فراوانی، نمودار دایره‌ای و ستونی جهت توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و اصلی استفاده شد. در بخش یافته‌های استنباطی از آزمون‌های t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که براساس رتبه‌بندی آزمون فریدمن به‌ترتیب شواهد حسابرسی، روش‌های تحلیلی به‌عنوان بالاترین درجه قابلیت اتکای شواهد و پرس‌وجو به‌عنوان پایین‌ترین درجه قابلیت اتکای شواهد به‌شمار می‌روند. یافته‌های پژوهش ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای مستقل و وابسته را با اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: شواهد حسابرسی، قابلیت اتکای شواهد حسابرسی، حسابرس مستقل، گزارش حسابرسی،

دستگاه‌های دولتی

طبقه‌بندی موضوعی: M40, M42

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.2625

* استادیار دانشگاه پیام نور تهران، نویسنده مسئول (afmgord@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) (kurdestani@hotmail.com)

مقدمه

شواهد، اطلاعاتی است که برای آزمون یک فرض یا یک ادعا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ادعای کلی که در حسابرسی آزمون می‌شود این است که صورت‌های مالی طبق استانداردهای حسابداری تهیه و به نحو مطلوب ارائه شده است.

حسابرسی فرآیندی است منظم و باقاعده (سیستماتیک) جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها (اظهارات) با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به افراد ذینفع (انجمن حسابداری آمریکا، ۱۹۷۳).

بر اساس بند ۳ استاندارد اجرای عملیات، حسابرس مستعمل به منظور ارائه یک اظهار نظر حرفه‌ای نسبت به مطابقت صورت‌های مالی با استانداردهای حسابداری می‌بایستی اقدام به گردآوری شواهد پشتوانه ادعاهای مندرج در صورت‌های مالی نموده و برای یک اظهار نظر حرفه‌ای نسبت به مطابقت یا عدم مطابقت صورت‌های مالی با استانداردهای حسابرسی اقدام به ارزیابی بی‌طرفانه شواهد نماید. همچنین بر اساس استانداردهای حسابرسی، شواهد حسابرسی اطلاعات مورد استفاده توسط حسابرس برای دستیابی به نتایجی که مبنای اظهار نظر وی قرار می‌گیرد. شواهد حسابرسی شامل اطلاعات موجود در سوابق حسابداری مبنای تهیه صورت‌های مالی و سایر اطلاعات است. برای اهداف استانداردهای حسابرسی:

۱. کافی بودن شواهد حسابرسی، معیار کمیت شواهد حسابرسی است. کمیت شواهد حسابرسی تابع ارزیابی حسابرس از خطرهای تحریف بااهمیت و همچنین کیفیت شواهد است.
۲. مناسب بودن شواهد حسابرسی، معیار کیفیت شواهد حسابرسی است که به مربوط بودن و قابلیت اتکای شواهد حسابرسی در پشتیبانی از نتیجه‌گیری‌هایی که مبنای اظهار نظر حسابرس قرار می‌گیرد، اشاره دارد (بند ۱۳ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۱).

هدف گزارش که محصول نهایی فعالیت حسابرسی است، بهینه کردن گزارشگری مالی از طریق افزودن اعتبار به اطلاعات گزارش شده است؛ اعتباری که بر مبنای شواهد به دست آمده و در نتیجه درخور توجه است. گردآوری شواهد، جمع و ترکیب آن‌ها در قالب یک مجموعه،

و ارزیابی قابلیت اعتماد و متقاعد کنندگی مجموعه شواهد، قبل از انجام قضاوت حرفه‌ای الزامی می‌باشد (صفرزاده، رفیعی ۱۳۸۹). هترلی (۱۹۸۰) بر اهمیت ارزیابی کلی فرایند ایجاد شواهد به منظور قضاوت در خصوص قابلیت اعتماد شواهد تاکید ویژه‌ای دارد. اسکندال (۱۹۷۸) نیز عنوان می‌کند که شیوه گردآوری داده‌ها و شرایطی که شواهد بر اساس آن تهیه می‌شوند، عوامل مهمی هستند که بر ارزش شواهد اثرگذار می‌باشند. بنابراین ملاحظه می‌شود که تمامی این عوامل، افزایش قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی را به دنبال دارد.

با توجه به این که ارائه اظهارنظر حرفه‌ای حسابرس نسبت به مطلوبیت کلی صورت‌های مالی به عنوان یک مجموعه واحد در قالب گزارش حسابرسی منظور می‌شود، حسابرس می‌بایستی پس از کشف شواهد کافی و ارزیابی بی‌طرفانه آنها نظر حرفه‌ای خود را نسبت به میزان مطابقت صورت‌های مالی مورد رسیدگی با اصول و استانداردهای حسابداری بیان نماید. بنابراین بررسی درجه‌بندی و قابلیت اتکای شواهد حسابرسی برای اظهارنظر و ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ضروری به نظر می‌رسد.

مروری بر پیشینه پژوهش

قابلیت اعتماد شواهد، به کیفیت یا اتکا پذیر بودن شواهد مربوط می‌شود و میزان قابلیت اتکا و ارزش شواهد را نشان می‌دهد. قابل اعتماد بودن شواهد به روش‌های حسابرسی انتخاب شده بستگی دارد. همچنین قابلیت اطمینان شواهد متأثر از منبع و ماهیت شواهد حسابرسی و شرایط کسب آنها می‌باشد (ریتنبرگ و دیگران، ۲۰۰۸).

لی (۲۰۰۷) در پژوهش خود دریافت که نگرانی ناشی از آثار روابط درازمدت حسابرس و صاحبکار بر استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی موجب تدوین قوانینی مبنی بر محدود کردن این روابط شده است.

نظر به این که، شواهد حسابرسی شالوده اظهارنظر حسابرسی است، ارزش حسابرسی بر مبنای میزان بی‌طرفانه بودن فرآیند جمع‌آوری و ارزیابی شواهد تعیین می‌شود. بی‌طرفانه بودن به عنوان عاری بودن از سوگیری و تضاد منافع تعریف شده است (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۶).

نتایج پژوهش انجام شده توسط فوگارتی و دیگران (۲۰۰۶) بیانگر آن است که حسابرس باید از تردید و قضاوت حرفه‌ای برای ارزیابی کمیت و کیفیت شواهد حسابرسی استفاده کند و سپس کافی و مناسب بودن شواهد را برای حمایت از اظهار نظر حسابرسی خود در نظر بگیرد.

کارسلو و ناچی (۲۰۰۴) و فلاتح (۲۰۰۶) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بالا بودن دوره تصدی حسابرس موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار مربوط شده و موجب بالا رفتن سطح کیفیت حسابرسی خواهد شد.

رهنمودهای کیفیت حسابرسی (۲۰۰۴) کیفیت را مرتبط با چند ویژگی ذاتی و اصلی حسابرسی می‌دانند که قابلیت اعتماد یکی از این ویژگی‌هاست:

قابلیت اعتماد، آیا نتایج و یافته‌های حسابرسی، انعکاسی صحیح از شرایط واقعی موضوع بررسی شده هستند؟ آیا تمامی اظهارات گزارش حسابرسی یا سایر گزارش‌ها، به طور کامل بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده در حسابرسی‌اند؟

مزیر و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که شواهد تاییدکننده‌ای که بعداً دریافت می‌شوند بر ارزیابی حسابرس از شواهد تاییدکننده دریافت شده قبلی تاثیری ندارند.

استیفنز (۲۰۰۳) بیان می‌کند که بیشتر نویسندگان، شواهد فیزیکی و محاسبات انجام شده توسط حسابرس را متقاعدکننده‌ترین و قابل اعتمادترین نوع شواهد می‌دانند. مهمترین ویژگی این شواهد، قابلیت دسترسی آسان و مشاهده پذیری آنها است. رتبه‌بندی سایر انواع شواهد حسابرسی به لحاظ قابل اعتماد بودن، متفاوت است.

کاتاناک، واکر (۱۹۹۹) مدلی معرفی کردند که نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی تابع دو عامل مرتبط با عملکرد حسابرس است. این عوامل عبارتند از: اجرای حرفه‌ای (استقلال، عینیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) و توانایی‌های حسابرس (دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) می‌باشند.

پژوهشی با عنوان نقش روش‌های ارائه مشکلات در فرآیند تصمیم‌گیری حسابرسان در روش‌های تحلیلی توسط بدارد، بیگز (۱۹۹۹) انجام گرفت. هدف این پژوهش این بود که

چگونه روش‌های ارائه مسایل می‌تواند حسابرسان را به دید بهتری در مورد تبیین احتمالی مغایرت‌ها سوق داده و فرآیند تصمیم‌گیری حسابرسان را در روش‌های تحلیلی بهبود بخشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دستیابی به یک اظهارنظر مؤثر در مورد مشکل فرآیند تصمیم‌گیری، رسیدن به فرآیند تصمیم‌گیری مؤثر و تشخیص اشتباه مورد بررسی در روش‌های تحلیلی، حیاتی است.

کاستر، پینکوس (۱۹۹۶) به معرفی پیش‌بینی شواهد به عنوان عاملی اثرگذار بر قابلیت اعتماد شواهد می‌پردازند و می‌گویند شواهدی که انتظار پیش‌بینی از آنها وجود ندارد، از متقاعدکنندگی کمتری برخوردارند.

پیرامون ترکیب اجزای شواهد نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است. کاستر و پینکوس (۱۹۹۶) به بررسی اثرات میزان شواهد و پراکندگی برآوردها در بین اجزاء آن پرداخته‌اند. در مورد سازگاری بین اجزاء شواهد، موکل (۱۹۹۰) دریافت که حسابرسان هنگام ترکیب شواهد به منظور دستیابی به قضاوت دچار اشتباه می‌شوند. از سوی دیگر مطالعات متعدد نشان داده است که حسابرسان به طور طبیعی در هنگام ارزیابی قابلیت اعتماد شواهد، سازگاری بین اجزاء شواهد را مد نظر قرار می‌دهند.

بارلت (۱۹۹۳) استقلال واقعی را به عنوان «فقدان گرایش ذهنی در اجرای عملیات حسابرسی» و استقلال ظاهری را «پرهیز از شرایطی که حسابرسان را در تضاد منافع آشکار با صاحبکار نشان دهد» تعریف کرده است. بنابراین استقلال واقعی بای طرفی، و استقلال ظاهری به طور معمول با تصور استفاده‌کنندگان از وجود تضاد منافع حسابرسان در یک وضعیت معین ارتباط دارد.

همچنین پژوهش‌های تجربی برای دیدگاه عام در رویکردهای کیفی در باره ویژگی‌های شواهد و رابطه آنها با ادعاهای مندرج در گزارش‌های مالی صورت گرفته است. نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که حسابرسان با تجربه از توانایی بیشتری در شناسایی اطلاعات مربوط و تمرکز بهتر در استفاده از این اطلاعات برخوردارند (اسمیلیاسکاس، اسمیت، ۱۹۹۰).

واتز، زیمرمن (1983) برای دفاع از این نظریه که حسابرسان در بازار سرمایه از شهرت حرفه‌ای خود دفاع می‌کنند، به نمونه‌های تاریخی استناد کرده‌اند. شهرت انگیزه‌ای برای حفظ

استقلال حسابرسان است. به هر حال، انگیزه کسب شهرت ساز و کار خود نظارتی برای حفظ استقلال است.

هترلی (۱۹۸۰) بر اهمیت ارزیابی کلی فرایند ایجاد شواهد به منظور قضاوت در خصوص قابلیت اعتماد شواهد تاکید ویژه‌ای دارد. اسکندال (۱۹۷۸) نیز عنوان می‌کند که شیوه گردآوری داده‌ها و شرایطی که شواهد بر اساس آن تهیه می‌شوند، عوامل مهمی هستند که بر ارزش شواهد اثرگذار می‌باشند. بنابراین ملاحظه می‌شود که تمامی این عوامل، افزایش قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی را به دنبال دارد.

کینان، اندرسن (۱۹۷۹) به معرفی مفاهیمی مرتبط در خصوص کانال انتقال اطلاعات (صراحت و تمایز بین انواع شواهد) پرداخته‌اند. آخرین متغیر این دسته، رسمیت ارتباط می‌باشد. آنها عنوان می‌کنند که اطلاعات گردآوری شده از کانال‌های رسمی در مقایسه با اطلاعات به دست آمده از سایر کانال‌ها، قابل اعتمادترند.

ماتز، شرف (۱۹۶۱) یک فصل از کتاب فلسفه حسابرسی خود را به مفهوم شواهد اختصاص داده‌اند و جنبه‌های خاصی از شواهد را مد نظر قرار داده‌اند. ترکیب و تجمیع نتایج این پژوهش‌ها با استفاده از یک رویکرد منظم و دارای ساختار، اهمیت بسیار دارد و ما را به پیشرفت علمی در این زمینه رهنمون می‌سازد. همچنین در مورد مدارک مؤید اذعان می‌کنند: مدارک مؤید بخش ضروری فرآیند حسابرسی به شمار می‌روند، زیرا به حسابرس این اجازه را می‌دهند که برای دفاع از اظهارنظر خود در مورد کیفیت صورت‌های مالی حسابرسی شده دلیل بیاورد. در واقع حسابرسان با مهارت‌های چندگانه‌ای که در ارتباط با شواهد حسابرسی دارند می‌توانند در مورد محتوای شواهد قضاوت کنند و در نهایت این شواهد را به منظور اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی به کار گیرند. اظهارنظری که هم مربوط بودن و هم قابل اتکا بودن را در بر می‌گیرد.

بند ۱۷ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰، تجدیدنظر شده، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۹۱) برای دستیابی به اطمینان معقول، حسابرس باید شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای کاهش خطر حسابرسی به یک سطح پایین قابل قبول، جمع‌آوری کند به گونه‌ای که بتواند به نتایج معقولی که مبنای اظهارنظر قرار می‌گیرد، دست یابد.

حساس یگانه (۱۳۸۴) در مورد ویژگی‌های فلسفی شواهد بیان می‌کند که ماهیت شواهد به گونه‌ای است که در شرایط بسیار عمومی سه گروه به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

شواهد طبیعی: شواهد طبیعی در اطراف ما وجود دارند و در هر فعالیت ذهنی که انجام می‌دهیم به طور معمول بر آنها متکی است. شواهد طبیعی متقاعدکننده‌ترین شواهد موجود هستند.

شواهد مصنوعی (ساختگی): شواهد مصنوعی در جهان اطراف ما وجود ندارند و لازم است تلاش شود تا آنها به وجود بیایند.

استدلال منطقی: اغلب آنچه ما به آن باور داریم مستقیماً ناشی از مشاهده طبیعی یا ساختگی نمی‌باشند.

این سه دسته شواهد به یکسان در ذهن انسان تأثیر ندارند.

اگر برای ایجاد شواهد ساختگی به فرآیند پیچیده نیاز باشد ممکن است مورد پذیرش ذهن قرار نگیرد. آنچه را که ما نمی‌توانیم درک کنیم ذهن ما رد می‌کند. به نظر می‌رسد حسابرسی بیشتر به شواهد ساختگی مبتنی است. شواهد ساختگی مشمول ضعف‌های اخلاقی و بشری خواهند بود.

صفرزاده و رفیعی (۱۳۸۹) در پژوهش خود در یافتند که در حوزه حسابرسی، شواهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند زیرا شواهد، پشتوانه‌ای برای تمامی انواع تصمیمات حسابرس به شمار می‌روند. همچنین در مورد عوامل مرتبط با ترکیب شواهد بیان داشته‌اند که قابلیت اعتماد مجموعه شواهد می‌تواند از طریق افزایش تعداد اجزاء شواهد (افزایش کمیت و تمامیت شواهد) افزایش یابد. همچنین می‌توان از طریق کسب شواهد متقاعدکننده از منابع مستقل مختلف، قابلیت اعتماد شواهد را افزایش بخشید؛ در چنین مواردی قابلیت اعتماد مجموعه شواهد ممکن است از قابلیت اعتماد شواهد منفرد بیشتر باشد. همچنین شواهد ناسازگار می‌تواند منجر به کاهش قابلیت اعتماد شواهد گردد. در چنین مواردی به منظور رفع این ناسازگاری‌ها، به شواهد اضافی نیازمندیم.

بر اساس استانداردهای حسابرسی شواهد حسابرسی، یعنی همه اطلاعات مورد استفاده حسابرس برای رسیدن به نتایجی که نظری بر اساس آن اظهار می‌شود. شواهد حسابرسی

شامل اطلاعاتی است که از سوابق حسابداری زیر بنای صورت‌های مالی و از منابع دیگر کسب می‌شود. از حسابرس انتظار نمی‌رود تمام اطلاعات موجود را بررسی کند (بند ۳ استاندارد حسابرسی بخش ۵۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۴).

بر اساس بند ۹ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۴) قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی متأثر از منبع و ماهیت آن است و به شرایط کسب شواهد نیز بستگی دارد. قواعد کلی درباره قابلیت اعتماد انواع مختلف شواهد حسابرسی می‌تواند مطرح شود، اما این قواعد همواره با استثناهای مهمی همراه است. حتی در مواردی که شواهد حسابرسی از منابع مستقل برون سازمانی کسب می‌شود، شرایطی ممکن است وجود داشته باشد که بر قابلیت اعتماد اطلاعات کسب شده، اثر گذارد.

همچنین بند ۱۳ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۴) بیان می‌دارد که حسابرس رابطه هزینه کسب شواهد حسابرسی را با سودمندی اطلاعات حاصل از آن، مورد توجه قرار می‌دهد. اما، دشواری کسب شواهد یا هزینه آن، به خودی خود، مبنایی معتبر برای حذف یک روش حسابرسی بدون جایگزین نمی‌باشد.

حسابرس برای رسیدن به اظهار نظر حسابرسی، همه اطلاعات موجود را رسیدگی نمی‌کند، همچنین، حسابرس معمولاً ناگزیر است بر شواهدی اتکا کند که متقاعدکننده است و نه قطعی؛ از این رو، حسابرس برای کسب اطمینان معقول، با شواهدی که متقاعد کننده نباشد، قانع نمی‌شود (بند ۱۴ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۴).

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع پژوهش از روش پژوهش پیمایشی استفاده شده است. از نظر درجه کنترل و نوع نظارت، این پژوهش در زمره پژوهش‌های میدانی قرار دارد. چرا که پژوهشگر متغیرها را در حالت طبیعی آنها بررسی می‌کند. همچنین از لحاظ وسعت کاربرد، این پژوهش در طبقه پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. این پژوهش به لحاظ اهداف در زمره پژوهش‌های بااهمیت توصیفی قرار دارد. و به لحاظ آماری چون از نمونه‌ها جهت تعمیم یافته‌ها به جامعه و استنتاج استفاده شده است، بنابراین یک پژوهش استنباطی است. حداکثر مقدار

سطح اطمینان در این پژوهش نیز ۹۵٪ در نظر گرفته شده است، به عبارت دیگر حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها ۰/۰۵ است. سطح خطای آلفا، حداکثر احتمال رد اشتباه فرض صفر است که پژوهشگر حاضر به پذیرش آن است. این معیار در کنار مقدار P برای تعیین معنی‌دار بودن یک آماره از نمونه به کار می‌رود (آردان، ۱۳۸۷).

سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش سؤالات مطرح شده به شرح زیر است:

- ۱- حساب‌رسان مستقل در دستگاه‌های دولتی بر کدام یک از انواع شواهد حسابرسی بیشتر اتکا می‌کنند؟
 - ۲- چه دلایلی باعث می‌شود حساب‌رسان مستقل در دستگاه‌های دولتی از نظر اتکای به انواع شواهد حسابرسی آنان را درجه‌بندی کنند؟
- برای پاسخ به پرسش مطرح شده و دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین می‌گردد:
- ۱- بین نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حساب‌رسان مستقل در دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد (فرضیه اصلی).
 - ۲- بین انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد.
 - ۳- بین میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۴- بین انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۵- بین انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر متغیرها بر اساس نقشی که بر عهده دارند شامل متغیر مستقل و وابسته می‌باشد. متغیر مستقل شواهد حسابرسی (سندرسی، ردیابی، دریافت تاییدیه، آزمون انقطاع زمانی، پرس و جو، محاسبه مجدد، مشاهده عینی، روش‌های تحلیلی و تاییدیه مدیران) و متغیر وابسته درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه حسابرسان مستقل شاغل در سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی که به حسابرسی و ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی می‌پردازند می‌باشد. با توجه به این که حجم جامعه آماری (حسابرسان مستقل شاغل در سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی) در این پژوهش نامشخص است، بنابراین حجم نمونه به کمک رابطه زیر تعیین شد. به کمک این روش تعداد ۲۶۹ نمونه نهایی مورد استفاده قرار گرفت و پرسشنامه بین افراد توزیع شد که در نهایت ۲۲۴ پرسشنامه جمع‌آوری گردید که از این تعداد ۲۰۰ پرسشنامه سالم بود و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، که این تعداد نمونه در مجموع بیشتر از اندازه نمونه تعیین شده است.

رابطه (۱)

$$n = \frac{z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 pq}{d^2}$$

با در نظر گرفتن $\alpha=0.05$ و $d=0.08$ و $p=q=0.50$ حجم نمونه مورد نیاز به صورت زیر برآورد می‌شود:

رابطه (۲)

$$n = \frac{(1.96)^2 * 0.50 * 0.50}{(0.08)^2} = 150$$

ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش

داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه شامل پنج بخش به صورت زیر که با ۴۵ سؤال بسته پاسخ (لیکرتی) مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حساب‌رسان مستقل
- ۲- درجه بندی انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی
- ۳- میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی
- ۴- انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی و
- ۵- انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد.

روایی و پایایی پرسشنامه

در این بررسی از روایی محتوایی استفاده شده است. برای برآورد میزان روایی پرسشنامه و سؤالات مطروحه در آن، از نظر خبرگان، کارشناسان و اساتید مسلط به موضوع پژوهش و پرسشنامه استفاده می‌شود. به این منظور ابتدا پرسشنامه اولیه تهیه شد، و به متخصصان و اساتید ارائه گردید متخصصان حسابرسی سؤالات و تطابق موضوع با سؤالات و قابلیت استفاده و به جا بودن سؤالات مطروحه بررسی کردند و سؤالاتی را حذف و اضافه کردند و در نهایت بعد از اصلاحات لازم، پرسشنامه مورد تأیید اساتید و متخصصان حسابرسی و حسابداری قرار گرفت. نتایج نظرات متخصصان و اساتید نشان داد که این پرسشنامه از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است.

برای بررسی سؤالات نظرسنجی و لیکرتی با فواصل یکسان بیشتر از روش آلفا کرونباخ استفاده شد. بنابراین برای بررسی پایایی این پرسشنامه هم از این روش استفاده شد. بررسی مقادیر پایایی متغیرها و پایایی ابعاد نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پرسشنامه ۰/۷۶ است. با توجه به اینکه پایایی فراتر از ۰/۷۰ مطلوب است، بنابراین با توجه به نتایج نگاره شماره (۱) می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

تکانه (۱): بررسی میزان پایایی به روش همسازی درونی (آلفای کرونباخ)

متغیر	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
میزان قابلیت اتکای حساب‌رسان مستقل	۴۵	۰/۷۶

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 21 و LISREL استفاده شده است. نتایج در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شد. در بخش یافته‌های توصیفی از مقادیر فراوانی، درصد فراوانی، و نمودار دایره‌ای و ستونی جهت توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و اصلی استفاده شد. در بخش یافته‌های استنباطی از آزمون‌های t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شد. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از روش هم‌سازی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. اعتبار پژوهش نیز با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی و محاسبه بار عاملی (ضریب استاندارد شده) ارزیابی شد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش

آمار توصیفی

ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌های مورد مطالعه در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲): ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	ویژگی	فراوانی	درصد
جنسیت افراد	مرد	۱۷۰	۸۵
	زن	۳۰	۱۵
سمت سازمانی	شریک/مدیر ارشد	۱۸	۹
	مدیر/حسابرس سرپرست	۹۴	۴۷
	حسابرس ارشد/حسابرس	۸۸	۴۴
رشته تحصیلی	حسابداری	۱۷۳	۸۶/۵
	مدیریت	۱۱	۵/۵
	اقتصاد	۱۳	۶/۵
	سایر	۳	۱/۵
میزان تحصیلات	کاردانی	۵	۲/۵
	کارشناسی	۷۰	۳۵
	کارشناسی ارشد	۱۲۵	۶۲/۵
سنوات خدمت	بین ۱ الی ۵ سال	۳۸	۱۹
	بین ۵ الی ۱۰ سال	۴۹	۲۴/۵
	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	۴۳	۲۱/۵
	بیش از ۱۵ سال	۷۰	۳۵

درصد فراوانی شاخص های مربوط به متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره (۳): درصد فراوانی شاخص های پژوهش

میزان موافقت (درصد)					شواهد حسابرسی	متغیر
الی ۸۰٪	الی ۶۰٪	الی ۴۰٪	الی ۲۰٪	الی ۰٪		
۱۰۰٪	۸۰٪	۶۰٪	۴۰٪	۲۰٪		
۲۶	۴۵	۲۵	۲	۲	روش های تحلیلی	درجه قابلیت
۳۲	۳۶	۱۹	۱۳	-	مشاهده عینی	اتکای حسابرسان
۲۷	۳۵	۲۸	۱۰	-	دریافت تاییدیه (برون سازمانی)	مستقل
۲۰	۴۴	۲۲	۱۳	۱	مشاهده عینی	درجه بندی انواع
۲۰	۳۴	۲۹	۱۴	۳	دریافت تاییدیه (برون سازمانی)	شواهد حسابرسی
۲۶	۴۰	۲۳	۹	۲	روش های تحلیلی	درجه قابلیت
۲۵	۴۰	۲۹	۲	۴	مشاهده عینی	اتکای شواهد
۱۷	۳۳	۳۶	۱۱	۳	دریافت تاییدیه (برون سازمانی)	حسابرسی
۱۴	۴۴	۲۸	۱۴	-	روش های تحلیلی	گزارش
۲۳	۳۰	۳۶	۱۰	۱	مشاهده عینی	حسابرسی
۲۱	۲۸	۳۶	۱۱	۴	دریافت تاییدیه (برون سازمانی)	حسابرسی
۱۰	۴۸	۳۳	۹	-	روش های تحلیلی	هزینه و منفعت
۱۳	۳۸	۳۶	۱۰	۳	دریافت تاییدیه (برون سازمانی)	کسب شواهد
۱۶	۲۶	۳۸	۱۸	۲	مشاهده عینی	کسب شواهد

در نگاره (۳) تنها شاخص هایی (شواهد حسابرسی: سندرسی، ردیابی، دریافت تاییدیه، آزمون انقطاع زمانی، پرس وجو، محاسبه مجدد، مشاهده عینی، روش های تحلیلی و تاییدیه مدیران) آورده شده اند که در بین متغیرهای پژوهش دارای بیشترین درصد فراوانی در دو گزینه ۶۰٪ الی ۸۰٪ و ۸۰٪ الی ۱۰۰٪ بوده اند.

نتایج مقایسه ۹ شاخص از شواهد حسابرسی و ارتباط آنها با درجه قابلیت اتکای حسابرسان مستقل نشان می دهد که پاسخگویان روش های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه به ترتیب با ۷۱ درصد، ۶۸ درصد و ۶۰ درصد این ارتباط را بیشتر از ۶۰ درصد دانسته اند.

همچنین مقایسه ۹ شاخص از شواهد حسابرسی و ارتباط آنها با درجه بندی انواع شواهد حسابرسی نشان می دهد که پاسخگویان مشاهده عینی و دریافت تاییدیه به ترتیب با ۶۶ درصد

و ۵۴ درصد این ارتباط را بیشتر از ۶۰ درصد دانسته‌اند (شواهد حسابرسی دیگر درصد فراوانی تقریباً مشابهی دارند).

نتایج مقایسه ۹ شاخص از شواهد حسابرسی و ارتباط آنها با درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی نشان می‌دهد که پاسخگویان روش‌های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه به ترتیب با ۶۶ درصد، ۶۵ درصد و ۵۰ درصد این ارتباط را بیشتر از ۶۰ درصد دانسته‌اند.

در صد فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر گزارش حسابرسی بیانگر آن است که مقایسه شواهد حسابرسی نشان می‌دهد که پاسخگویان روش‌های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه به ترتیب با ۵۸ درصد، ۵۳ درصد و ۴۹ درصد این ارتباط را بیشتر از ۶۰ درصد دانسته‌اند.

و همچنین مقایسه ۹ شاخص از شواهد حسابرسی و ارتباط آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی نشان می‌دهد که پاسخگویان روش‌های تحلیلی، دریافت تاییدیه و مشاهده عینی به ترتیب با ۵۸ درصد، ۵۱ درصد و ۴۲ درصد این ارتباط را بیشتر از ۶۰ درصد دانسته‌اند.

یافته‌های استنباطی (بررسی فرضیه‌های پژوهش)

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داشته باشیم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول یا استاندارد و یا حتی با یک عدد فرضی و مورد انتظار مورد مقایسه کنیم. در این آزمون ما میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط است مورد مقایسه قرار می‌دهیم. چنانچه مقدار هر کدام از متغیرها بیشتر از ۳ باشد و دارای اختلاف معنی‌داری با این مقدار مفروض باشد، نشان از وجود رابطه بین دو متغیر دارد و در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه اول: بین نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حسابرسان مستقل در دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج نگاره (۴) گویای این است که بین نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حسابرسان مستقل در دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). سطح

معنی داری به دست آمده کمتر از مقدار $0/001$ است و بدین معناست که از جنبه آماری بین نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حساب‌رسان مستقل دستگاه‌های دولتی رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با $3/42$ است که دارای تفاوت معنی داری با عدد 3 است.

تکانه (۴): آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (۳)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
فرضیه اول	۳/۴۲	۰/۴۲	۱۹۹	۹/۸۶	$P < 0/001$

آزمون فرضیه دوم: بین درجه بندی انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج نگاره (۵) گویای این است که بین نوع درجه بندی انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). سطح معنی داری به دست آمده کمتر از مقدار $0/001$ است و بدین معناست که از جنبه آماری بین درجه بندی انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با $3/24$ است که دارای تفاوت معنی داری با عدد 3 است.

تکانه (۵): آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (۳)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
فرضیه اول	۳/۲۴	۰/۲۴	۱۹۹	۶/۵۷	$P < 0/001$

آزمون فرضیه سوم: بین میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی در دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج نگاره (۶) گویای این است که بین میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). سطح معنی داری به دست آمده کمتر از مقدار $0/001$ است و بدین معناست که از جنبه آماری بین میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با $3/26$ است که دارای تفاوت معنی داری با عدد 3 است.

نگاره (۶): آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (۳)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
فرضیه اول	۳/۲۶	۰/۲۶	۱۹۹	۶/۸۲	$P < ۰/۰۰۱$

آزمون فرضیه چهارم: بین انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج نگاره (۷) گویای این است که بین انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). سطح معنی داری بدست آمده کمتر از مقدار $۰/۰۰۱$ است و بدین معناست که از جنبه آماری بین انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با $۳/۲۱$ است که دارای تفاوت معنی داری با عدد ۳ است.

نگاره (۷): آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (۳)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
فرضیه اول	۳/۲۱	۰/۲۱	۱۹۹	۵/۴۱	$P < ۰/۰۰۱$

آزمون فرضیه پنجم: بین انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج نگاره (۸) بین انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). سطح معنی داری به دست آمده کمتر از مقدار $۰/۰۰۱$ است و بدین معناست که از جنبه آماری بین انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی رابطه وجود دارد. در نتیجه فرضیه پنجم پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با $۳/۲۲$ است که دارای تفاوت معنی داری با عدد ۳ است.

نگاره (۸): آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (۳)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی داری
فرضیه اول	۳/۲۲	۰/۲۲	۱۹۹	۵/۷۲	$P < ۰/۰۰۱$

رتبه‌بندی کلی انواع شواهد حسابرسی

جهت اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) شواهد حسابرسی (درجه قابلیت اتکای حساب‌رسان مستقل) از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن برای مقایسه چند گروه وابسته از نظر میانگین رتبه‌های آنهاست و معلوم می‌کند که آیا این گروه‌ها می‌توانند از یک جامعه باشند یا نه. در نتیجه آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه از طریق رتبه‌بندی و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف به کار می‌رود (حیب پور و صفری، ۱۳۹۰).

مطابق با یافته‌ها می‌توان ابراز کرد که با توجه به مقدار کای اسکوئر (Chi Square) که برابر با ۲۴۲/۳۸ شده است. و در سطح خطای کمتر ۰/۰۱ معنی دار است، بنابراین بین شواهد حسابرسی تفاوت معنی داری وجود دارد و پاسخگویان در بین شواهد حسابرسی مذکور رتبه‌بندی متفاوتی دارند.

نگاره (۹): رتبه‌بندی کلی شواهد حسابرسی

متغیرها	میانگین رتبه
روش‌های تحلیلی	۶/۴۷
مشاهده عینی	۶/۳۸
دریافت تاییدیه (پرونی‌سازمانی)	۶/۰۸
محاسبه مجدد	۴/۷۴
ردیابی	۴/۵۲
تاییدیه مدیران	۴/۵۱
آزمون انقطاع زمانی (CUT OFF)	۴/۴۶
سندرسی	۴/۱۵
پرس و جو	۳/۷۰

مقایسه میانگین رتبه‌ها در نگاره (۹) نشان می‌دهد که روش‌های تحلیلی دارای بالاترین رتبه در میان شواهد حسابرسی دیگر بوده و میانگین رتبه آن برابر با ۶/۴۷ به دست آمده است. بعد از

آن متغیر مشاهده عینی با میانگین رتبه ۶/۳۸ قرار دارد و رتبه سوم در میان شواهد حسابرسی، مربوط متغیر دریافت تاییدیه (برون سازمانی) با میانگین رتبه ۶/۰۸ است. نتایج بدین معناست که مهمترین شواهد حسابرسی، به ترتیب شواهد حسابرسی روش‌های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه (برون سازمانی) است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان درجه قابلیت اتکای حسابرسان مستقل بر انواع شواهد حسابرسی برای ارائه نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی انجام شده است. همان‌گونه که اشاره شد تجزیه و تحلیل پاسخ سؤال‌های مربوط به میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی نشان می‌دهد که مهمترین شواهد دارای ارتباط با درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی، به ترتیب عبارتند از روش‌های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه هستند.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین نوع شواهد حسابرسی و درجه قابلیت اتکای حسابرسان مستقل دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد. که نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات هترلی (۱۹۸۰)، صفرزاده و رفیعی (۱۳۸۹) و گبیز (۱۹۹۷) و ویندال (۱۹۶۱) و همچنین تالیفات ماتز و شرف (۱۹۶۱) همسو می‌باشد. بر اساس بند ۹ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۴)، بیان می‌دارد قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی متأثر از منبع و ماهیت آن است و به شرایط کسب شواهد نیز بستگی دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد، که بین نوع درجه‌بندی انواع شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد. که نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات صفرزاده و رفیعی (۱۳۸۹)، ویندال (۱۹۶۱) و همچنین تالیفات ماتز و شرف (۱۹۶۱) و کاستر و پینکو (۱۹۹۶) همسو می‌باشد. بر اساس بند ۱۳ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۹۱)، اطلاعات مورد استفاده توسط حسابرس برای دستیابی به نتایجی که مبنای اظهار نظر وی قرار می‌گیرد شواهد حسابرسی نام دارد. شواهد حسابرسی شامل اطلاعات موجود در سوابق حسابداری مبنای تهیه صورت‌های مالی و سایر اطلاعات است.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد، که بین میزان درجه قابلیت اتکای شواهد حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات حساس یگانه (۱۳۸۵)، بدارد و بیگز (۱۹۹۹)، ویندال (۱۹۶۱) و همچنین تالیفات ماتز و شرف (۱۹۶۱) همسو می‌باشد. بر اساس بند ۱۴ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۴)، حسابرِس برای رسیدن به اظهارنظر حسابرسی، همه اطلاعات موجود را رسیدگی نمی‌کند، زیرا معمولاً می‌تواند با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری و سایر روش‌های انتخاب اقلام برای آزمون نیز به نتیجه برسد. همچنین، حسابرِس معمولاً ناگزیر است بر شواهدی اتکا کند که متقاعدکننده است و نه قطعی؛ از این رو، حسابرِس برای کسب اطمینان معقول، با شواهدی که متقاعدکننده نباشد، قانع نمی‌شود.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که بین انواع شواهد حسابرسی و قابلیت اتکای آنها با گزارش حسابرسی در دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات توبا و همکاران (۱۹۷۵) و همچنین تالیفات ماتز و شرف (۱۹۶۱) و استیفنز (۲۰۰۳) و صفرزاده و رفیعی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بر اساس بند ۱۷ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۹۱)، برای دستیابی به اطمینان معقول، حسابرِس باید شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای کاهش خطر حسابرسی به یک سطح پایین قابل قبول، جمع‌آوری کند به گونه‌ای که بتواند به نتایج معقولی که مبنای اظهارنظر قرار می‌گیرد، دست یابد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین انواع شواهد حسابرسی و میزان قابلیت اتکای آنها با هزینه و منفعت کسب شواهد برای ارائه گزارش حسابرسی دستگاه‌های دولتی ارتباط معناداری وجود دارد. که نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی همسو می‌باشد. بر اساس بند ۱۳ استاندارد حسابرسی شماره ۵۰۰، کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۴)، بیان می‌دارد که حسابرِس رابطه هزینه کسب شواهد حسابرسی را با سودمندی اطلاعات حاصل از آن، مورد توجه قرار می‌دهد. اما، دشواری کسب شواهد یا هزینه آن، به خودی خود، مبنایی معتبر برای حذف یک روش حسابرسی بدون جایگزین نمی‌باشد.

پیشنادهای اجرایی

- ۱- به منظور درجه بندی قابلیت اتکای حسابرسان مستقل، مهمترین نوع شواهدی که حسابرسان باید به آنها بیشتر اتکا کنند و از درجه بالاتری نسبت به دیگر شواهد برخوردار می باشند به ترتیب روش های تحلیلی، مشاهده عینی و دریافت تاییدیه هستند.
- ۲- به منظور رتبه بندی انواع شواهد حسابرسی بر اساس اهمیت، مهمترین نوع شواهد برای حسابرسان مستقل به ترتیب مشاهده عینی، دریافت تاییدیه (برون سازمانی) و ردیابی هستند و بر همین اساس این نوع از شواهد برای حسابرسان مستقل از اهمیت بیشتری برای حسابرسان برخوردار می باشند.
- ۳- به منظور رتبه بندی انواع شواهد حسابرسی برای ارائه گزارش حسابرسی، مهمترین نوع شواهدی که حسابرسان برای گزارش حسابرسی آنها را مد نظر خود قرار دهند به ترتیب شواهد حسابرسی مشاهده عینی، روش های تحلیلی و دریافت تاییدیه باشند.
- ۴- به منظور درجه بندی انواع شواهد حسابرسی که دارای بیشترین درجه هزینه و منفعت کسب شواهد برای حسابرسان مستقل هستند، به ترتیب روش های تحلیلی، دریافت تاییدیه و مشاهده عینی هستند و به همین جهت حسابرسان باید این اولویت بندی را در کسب شواهد در نظر بگیرند.

پیشنادهایی برای پژوهش های آتی

- بررسی تأثیر میزان اتکای حسابرسان بر انواع شواهد حسابرسی (به تفکیک شواهد حسابرسی) در گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار.
- بررسی تأثیر انواع شواهد حسابرسی بر انواع گزارش حسابرسی تغذیل نشده (مقبول) در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار.
- بررسی تأثیر انواع شواهد حسابرسی بر انواع گزارش حسابرسی تغذیل شده (مشروط، مردود و عدم اظهار نظر) در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار.
- بررسی تأثیر هزینه و منفعت کسب شواهد حسابرسی بر انواع گزارش حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار.

موانع و محدودیت‌های پژوهش

- ۱- نارسایی مرتبط با روش پژوهش درباره استفاده از پرسشنامه کتبی که دلیل آن محدودیت‌های ذاتی این ابزار اندازه‌گیری و اتکای نتایج پژوهش به نظرات افراد می‌باشد.
- ۲- عدم رغبت کافی برای افراد مورد پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات که کاملاً تخصصی طرح شده است به عنوان یکی از عامل‌های محدودیت تلقی می‌شود.
- ۳- عدم همکاری نمونه آماری، به طوری که پس از چندین بار ارسال پرسشنامه، سرانجام تعداد پرسشنامه‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل دریافت شد.
- ۴- نتایج پژوهش تنها به گروه‌های شاغل در سازمان حسابرسی و سایر حسابرسی‌ها که ویژگی حسابداری رسمی را دارند و به حسابرسی دستگاه‌های دولتی می‌پردازند، و قابل تعمیم است.

منابع

- آردان، تیموتی اس. (۱۳۸۷). *آمار به زبان ساده در پژوهش‌های آموزشی*، روانشناسی و علوم اجتماعی، ترجمه عبدالوهاب خادمی شمایی، تهران: نشر نی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- حبیب پور، کرم؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*، تهران: لویه، متفکران.
- حساس یگانه، یحیی؛ مقصودی، امید. (۱۳۸۹). تأثیر آیین رفتار حرفه‌ای و تجربه بر کیفیت قضاوت حسابرسی. *مجله حسابداری رسمی*، شماره ۹، ۴۹-۵۷.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). *فلسفه حسابرسی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد.
- صفرزاده، محمدحسین؛ رفیعی، افسانه. (۱۳۸۹). قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی: رویکردهای مطالعاتی. *مجله دانش حسابرسی*، شماره ۲، ۸۵-۹۲.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۱). *استانداردهای حسابرسی شماره ۲۰۰*، اهداف کلی حسابرسان مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی، تجدید نظر شده، تهران: سازمان حسابرسی.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۱). *استانداردهای حسابرسی شماره ۵۰۰*، شواهد حسابرسی، تجدید نظر شده، تهران؛ سازمان حسابرسی.

کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۷۷). *استانداردهای حسابرسی*، تهران: سازمان حسابرسی، ۱۲۴.

نایی، هوشنگ. (۱۳۸۸). *آمار توصیفی برای علوم اجتماعی*، تهران: سمت.

نیکخواه آزاد، علی. (۱۳۷۹). *بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی*، کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری، تهران: سازمان حسابرسی. ۱۲۱

AAA. (1973). A Statement of Basic Auditing Concepts. *Studies in Accounting Research*, 6

Agaser, G. M; Douppnik, T. S. (1991). Perceptions of Auditor Independence: A Cross-cultural Study, *International Journal of Accounting*, 6: 220-237.

Bartlett, R. W. (1993). A Scale of Perceived Independence: New Evidence on an Old Concept, *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 6 (2): 52- 67.

Bedard, Jean C; Stanley F. Biggs. (1999). The Role of Problem Representation Shifts In Auditor Decision Processes in Analytical Procedures, *Journal of Practice & Theory*, 18 (1).

Cantach, A. H. Jr; Walker, P. L. (1999). A Descriptive and Normative View. The Illinois Auditing Symposium. The international debate over Mandatory Auditor Rotation: A conceptual Research Framework. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 8 (1) , 43-66.

Carcello JV, Nagy AL. (2004). Client size, auditor specialization and fraudulent financial reporting. *Managerial Auditing Journal*, 19, 651-668.

Caster, Paul; Pincus, Karen V. (1996). An Empirical Test of Bentham's Theory of the Persuasiveness of Evidence, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 1-22.

Fallatah Y. (2006). The Role of Asset Reliability and Auditor Quality in Equity Valuation: A dissertation of the requirements for the degree of

- Doctor of Philosophy. Florida Atlantic University 2006; Available at UMI Microform 3222087 (ProQuest).
- Fogarty JA, Landes CE, Goldwasser DL, Graham L, Messier J. (2006). Official Releases. *Journal of Accountancy*, 201 (5) , 112-155.
- Hatherly, David J. (1980). *The Audit Evidence Process*, London.
- Keenan, D; Anderson, J. 1979. Evidence and the auditor (Part 2) , *Accountancy*, 119-120.
- Li, D. (2007). Auditor tenure and accounting conservatism PHD Thesis, Georgia Institute of Technology.
- Mautz, R. K. and Sharaf, Hussein A. (1961). *The Philosophy of Auditing*, Sarasota Seventeenth Printing 1993.
- Messier JR, William F, Eilifsen A, Austen LA. (2004). Auditor Detected Misstatements and the Effect of Information Technology. *International Journal of Auditing*, pp. 223-235.
- Moeckel C. (1990). The Effect of Experience on Auditors' Memory Errors. *Journal of Accounting Research*, 368-387.
- Rittenberg, L. E; Schwieger, B. J; Johnstone, K. M. (2008). Auditing A Business Risk Approach, Thomson ۱۵۰ , -238.
- Schandl, Charles W. (1978). *Theory of Auditing: Evaluation, Investigation, and Judgment*, Houston.
- Smieliauskas, W; Smith, L. (1990). A theory of evidence based on audit assertions, *Contemporary Accounting Research*, 407-426.
- Stephens, G. (2003). An Investigation of the Descriptiveness of the General Theory of Evidence and Auditing, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 55-74.
- Teoh H. Y; Ch. Lim. (1994). Perceptions of Auditor Independence: A Malaysian Study, Report Prepared for the Malaysian Institute of Accounts, April.
- Toba, Yoshihide. (1975). A General Theory of Evidence as the Conceptual Foundation in Auditing Theory, *The Accounting Review*, 7-24.
- Watts, R. L; Zimmerman, J. L. (1983). *Positive accounting theory*. Prentice Hall International

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۶۹ - ۹۴

ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی:

شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

محمود لاری دشت بیاض*، جواد اورادی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۷

چکیده

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی، وظیفه بررسی برنامه اولیه حسابرسی و تعامل با حسابرسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی را بر عهده دارد. از این رو، انتظار می‌رود بر دامنه حسابرسی و میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ استخراج شدند. آزمون فرضیه‌های پژوهش به کمک مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند. ولی ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد. همچنین، در ارتباط با متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش، یافته‌ها نشان از ارتباط مثبت و معنادار بین اهرم مالی، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M4

کد Doi مقاله: 10.22051/jera.2016.9939.1283

* استادیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، (m.lari@um.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول مقاله (ja_oradi@stu.um.ac.ir)

مقدمه

کمیته حسابرسی از زمان آغاز به کار خود در اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی نقش مهمی در اداره امور شرکت‌ها داشته و در دو دهه اخیر، در پی رسوایی شرکت‌های بزرگ (همچون، انرون، ورلد کام و تایکو) اهمیت آن در سایه اهمیت اصول حاکمیت شرکتی افزایش یافته است (ور شور، ۲۰۰۸). این کمیته، از طریق نظارت بر روند گزارش شگری مالی شامل سیستم کنترل داخلی و استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری و نیز نظارت بر عملکرد حسابرسی مستقل و حسابرس داخلی، موجب می شود تا اشتباهات عمدی و سهوی در اندازه گیری‌های حسابداری و افشای موارد بااهمیت مالی و نیز کلاهبرداری و اعمال غیرقانونی مدیریت، کاهش یابد. بدارد و گندرون (۲۰۰۹) نیز معتقدند که کمیته حسابرسی کیفیت اطلاعات را به طور مستقیم از طریق نظارت بر گزارشگری مالی و به طور غیرمستقیم با اعمال مراقبت و توجه به کنترل‌های داخلی و حسابرس مستقل افزایش می دهد و در انتها، بهبود کیفیت اطلاعات و کنترل‌های قوی می تواند منجر به افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران از کیفیت گزارشگری و کارایی بازارهای مالی گردد (رحیمیان و توکل نیا، ۱۳۹۰).

از وظایف مهم کمیته حسابرسی، می توان به بررسی برنامه اولیه حسابرسی و نتایج مربوط به آن (دزورت، ۱۹۹۷) و تعامل با حسابرسان مستقل در فرایند گزارش شگری مالی (کلین، ۲۰۰۲) اشاره کرد. این کمیته در روند مذاکرات و تعیین دامنه حسابرسی دخالت دارد و می تواند بر برنامه و دامنه حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد (چان و همکاران، ۲۰۱۳).

کمیته حسابرسی در حوزه نظارتی خود می تواند اقداماتی انجام دهد، که منجر به نتایجی در رابطه با سطح بالاتر کیفیت حسابرسی از قبیل افزایش تغییرات تداوم فعالیت برای شرکت‌های بحران زده (کارسلو و نیل، ۲۰۰۰) و انتخاب حسابرسان متخصص صنعت (ابوت و پارکر، ۲۰۰۱) شود. از این رو، می توان استدلال کرد که کمیته حسابرسی برای افزایش کیفیت و سطح اطمینان بخشی حسابرسی خواهان انجام کار بیشتر توسط تیم حسابرسی است و در نتیجه با افزایش حجم عملیات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی افزایش پیدا می کند.

درمقابل نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که قیمت‌گذاری حسابرسی تحت تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی است و با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، توابع کنترل و نظارت بیشتر و در نتیجه ریسک حسابرسی کمتر و به تبع آن تلاش حسابرس و حق‌الزحمه وی کاهش می‌یابد (کریشان و ویسواناتان، ۲۰۰۹؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳).

بنابراین، مسئله اصلی تحقیق حاضر یافتن پاسخی علمی به این پرسش است که: "آیا ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار است یا خیر؟"

اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر عناصر حاکمیت شرکتی بر حق‌الزحمه حسابرسی در سایر کشورها، به‌ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۰ و تصویب قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی و قانون SOX در سال ۲۰۰۲، انجام شده است (لارکر و ریچاردسون، ۲۰۰۴؛ گیول و گودوین، ۲۰۱۰؛ اکترینا و وداری، ۲۰۱۵)، اما مطالعه در زمینه ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از ساختار حاکمیت شرکتی و اثر آن بر حق‌الزحمه حسابرسی کمتر مورد بحث قرار گرفته است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). در ایران نیز به علت جدید بودن قوانین مربوط به الزام وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، تحقیق تجربی که به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته باشد، انجام نگرفته است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق‌الزحمه حسابرسی است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیئت‌مدیره است که در ایران به‌طور معمول از سه تا پنج نفر مدیر غیرموظف (یعنی نه مدیر اجرایی شرکت و نه در استخدام شرکت)، تشکیل شده است (رحیمیان و توکل‌نیا، ۱۳۹۰). نبود اعضای موظف در کمیته حسابرسی باعث می‌شود تا حسابرسان بتوانند مسائلی چون نقاط ضعف کنترل داخلی، اختلاف نظر با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی از سوءاستفاده‌های مدیریت یا سایر

اعمال غیرقانونی مسئولان شرکت را با کمیته حسابرسی، صریح‌تر مطرح نمایند (سازمان حسابرسی، ۱۳۷۲).

مطابق با منشور کمیته حسابرسی، هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت‌مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از موارد زیر می‌باشد: (۱) اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، (۲) سلامت گزارشگری مالی، (۳) اثربخشی حسابرسی داخلی، (۴) استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و (۵) رعایت قوانین، مقررات و الزامات (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، تشکیل کمیته حسابرسی ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و بهبود کنترل‌های داخلی، و وسیله نظارتی اثربخش برای بهبود روابط نمایندگی است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). همچنین در شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آنها عملکرد و اثربخشی بالاتری دارد، سطح و شدت مشکل نمایندگی کمتر است (دی، ۲۰۰۸).

وجود کمیته حسابرسی به ایجاد ارتباط مناسب بین هیئت‌مدیره، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی کمک می‌کند (ویندرام و سونگ، ۲۰۰۴). این کمیته عملیات حسابرسی را انجام نمی‌دهد، بلکه با تأکید بر روی مسئولیت‌ها و منابع مورد نیاز حسابرسی، اجرای فرایند حسابرسی را تسهیل می‌بخشد (لایونگستون، ۲۰۰۵).

اصول راهبری شرکتی تأکید می‌کند اعضای این کمیته در بهبود فرآیند گزارشگری مالی مشارکت نمایند. برای تحلیل‌گران، اعتبار گزارش کمیته حسابرسی تابعی از تخصص حرفه‌ای اعضا می‌باشد که در برگیرنده گستره و سببی از مهارت‌ها، استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و سطح دانش آنها از حسابداری و حسابرسی است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳).

قوانین کمیته حسابرسی به عنوان یک ناظر عمل می‌کند که رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت را محدود کرده و تضمین می‌کند که منافع مدیریت و سهامداران هم تراز است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). در این بین قانون ساربنز آکسلی (SOX) نیز توجه کافی به کمیته‌های حسابرسی داشته و الزامات خاصی از قبیل، مستقل بودن اعضای کمیته از هیئت‌مدیره، نظارت مستقیم بر انتخاب حسابرس مستقل، تعیین حق الزحمه و نظارت بر کار آنها، دخالت در مسائل

مشورتی، تأمین مالی کمیته حسابرسی به مقدار کافی برای انجام دادن مناسب وظایف محوله به آن‌ها، تعیین نموده است.

حق الزحمه حسابرسی

ساختار حق الزحمه‌های حسابرسی، موضوعی مناسب برای تحقیق در زمینه حسابرسی به شمار می‌رود. رسالت حسابرسی، اعتبار بخشی به گزار شگری مالی و اعتماد سازی برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی است و در مقابل، منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه تأمین می‌شود. مدل کلاسیک سایمونیک حق الزحمه‌ها را به متغیرهای توضیحی مرتبط با کار، از قبیل اندازه شرکت و تعداد بخش‌ها و متغیرهای توضیحی مرتبط با ریسک از قبیل اهرم و زیان‌های مالی ربط می‌دهد (کوندکار و همکاران، ۲۰۱۵). پیچیدگی شرکت یکی از عوامل افزایش در حق الزحمه حسابرسان است. زمانی که عملیات شرکت گسترده و پیچیده باشد، تقاضا برای نظارت بر فرایند گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. شرکت‌های با عملیات پیچیده نیازمند خدمات حسابرسی زیادی هستند، در نتیجه حق الزحمه بیشتری نیز به این مؤسسات پرداخت می‌کنند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴).

کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی

ارتباط بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل پیچیده است، و از درخواست خدمات حسابرسی توسط صاحبکار و از سوی دیگر فراهم کردن این خدمات توسط حسابرسان مستقل نشأت می‌گیرد (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶). از جنبه درخواست خدمات، حضور کمیته حسابرسی ممکن است منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی شود، زیرا این کمیته باید از اینکه مدت زمان حسابرسی در سطحی باشد که کیفیت حسابرسی را به خطر نیندازد، اطمینان حاصل کند (کمیته کادبری، ۱۹۹۲). از نظر تأمین خدمات، ممکن است دخالت کمیته حسابرسی در تقویت کنترل‌های داخلی، حسابرسان مستقل را به کاهش سطح ارزیابی ریسک کنترل وادارد، که این امر خود منجر به کاهش ارزیابی‌های عمده توسط حسابرسان و پس از آن، حق الزحمه حسابرسی می‌شود (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶).

حال این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که چگونه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با فعالیت حسابرسی در ارتباط است. آیا افزایش ویژگی‌های مثبت کمیته از قبیل تخصص،

استقلال و اندازه (کیفیت کمیته حسابرسی) منجر به درخواست کیفیت و تلاش بیشتر در حسابرسی می‌شود.

به عقیده ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، کمیته حسابرسی می‌تواند از دو طریق بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. اولاً کمیته حسابرسی بر حق الزحمه از طریق انتخاب حسابرسان اثر می‌گذارد. برای مثال، اگر یک حسابرس با کیفیت انتخاب شود، حق الزحمه افزایش پیدا می‌کند. ثانیاً، کمیته حسابرسی از طریق تأثیر خود بر برنامه و دامنه حسابرسی، بر میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه‌ها اثرگذار است.

از سوی دیگر، یک تصور عامیانه این است که هیئت‌مدیره‌های با سطح کیفی بالا، تمایل دارند از شهرت خود دفاع کنند و از بروز شکایت پرهیز نمایند (فاما و جنسن ۱۹۸۳؛ گیلسون، ۱۹۹۰). این ایده کلی را نیز می‌توان برای کمیته حسابرسی و اعضای آن در نظر گرفت. کمیته حسابرسی با کیفیت، احتمالاً برای حفظ جایگاه خود در شرکت، درخواست حسابرسی با کیفیت‌تری کند (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲). چنین استدلالی نشان‌دهنده یک رابطه مستقیم بین کیفیت کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. همچنین یافته‌های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶) نشان از تأثیر مثبت وجود کمیته حسابرسی بر حق الزحمه‌های حسابرسی دارد.

در مقابل، چان و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که کیفیت کمیته حسابرسی می‌تواند با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی داشته باشد. به بیان دیگر کیفیت بالای کمیته حسابرسی تلاش حسابرس را کاهش می‌دهد. یافته‌های کریشنان و ویسواناتان (۲۰۰۹) نیز گویای این مطلب است. آنها نشان دادند که کیفیت کمیته حسابرسی رابطه منفی با حق الزحمه حسابرسی دارد. به بیان دیگر کیفیت کمیته حسابرسی با کاهش ریسک کنترل و در نهایت ریسک حسابرسی ارتباط دارد و با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی نیاز به خدمات حسابرس مستقل کاهش می‌یابد.

ویژگی‌های کمیته حسابرسی

مطالعات پیشین پیرامون اثربخشی کمیته حسابرسی، نشان می‌دهند که ترکیب و ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی در موفقیت آن نقش اساسی دارد. به‌عنوان مثال، فراتحلیل انجام شده توسط لین و هوآنک (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود. این ویژگی‌ها که اغلب مطالعات تجربی نیز بر روی آن‌ها تمرکز داشته‌اند شامل، تخصص مالی، استقلال، تعداد جلسات و اندازه کمیته حسابرسی است. همچنین، این ویژگی‌ها به صورت جداگانه و یا همراه با دیگر ویژگی‌ها، با اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود حاکمیت شرکتی، به‌ویژه در رابطه با ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند (مارتینف و همکاران، ۲۰۱۵). در ارتباط با این موضوع، فخاری و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقدام واقعی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از ارتباط معناداری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقدام واقعی بود.

تخصص مالی کمیته حسابرسی

اعضای کمیته حسابرسی باید از دانش و تخصص حسابداری و مالی لازم و کافی برخوردار باشند. بدون دانش و تخصص حرفه‌ای، اعضا قادر به درک مناسب اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی واحد اقتصادی نیستند. از این رو، نمی‌توانند به طور اثربخش عمل کنند. دیدگاه‌های نظری و عملی ارائه شده در بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیش‌تر آن می‌شود (دوالیوال، ۲۰۱۰). اعضای دارای تخصص مالی نقش‌های نظارتی خود در فرآیند گزارشگری مالی را از قبیل شناسایی تحریفات عمده، مؤثرتر انجام می‌دهند (دوفوند و همکاران، ۲۰۰۵). کریشنان (۲۰۰۵) شواهدی مبنی بر اینکه کمیته‌های حسابرسی دارای تخصص مالی به احتمال کمتری درگیر مشکلات کنترل داخلی می‌شوند، ارائه کرد.

از طرفی ممکن است اعضای فاقد تخصص مالی در کمیته حسابرسی، توانایی لازم را برای حفظ کیفیت حسابرسی نداشته باشند (تورلی و زمان، ۲۰۰۴). بنابراین انتظار می‌رود کمیته‌های حسابرسی که حداقل یک عضو دارای تخصص مالی دارند، بیشتر از سایرین به کیفیت

حسابرسی توجه داشته باشند. ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان دادند. یافته‌های کریشان و ویسواناتان (۲۰۰۹) حاکی از رابطه منفی بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. در مقابل، زمان و همکاران (۲۰۱۱) ارتباط معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

استقلال کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی برای این که بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال، اعضای کمیته حسابرسی باید از بین مدیران غیرموظف یا خارج از سازمان انتخاب شوند. مدیرانی که ارتباط آن‌ها با واحد اقتصادی به گونه‌ای نیست که به استقلال آن‌ها خدش وارد شود. بیزلی و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که گزار شگری متقلبانه دارند، از استقلال کمتری نسبت به دیگر شرکت‌ها برخوردار است. یافته‌های کارسلو و نیل (۲۰۰۰) نشان از آن دارد که احتمال صدور اظهارنظر عدم تداوم فعالیت برای شرکت‌هایی که دچار بحران مالی شده‌اند و کمیته‌های حسابرسی مستقلی دارند، کمتر است. ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبتی بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پیدا کردند. نتایج بیزلی و همکاران (۲۰۰۰)، کارسلو و نیل (۲۰۰۰) و ابوت و همکاران (۲۰۰۳) بر این نظریه استوار است که کمیته‌های حسابرسی مستقل هیچ وابستگی شخصی یا مالی با مدیریت اجرایی ندارند. بنابراین ممکن است یک کمیته حسابرسی مستقل در مورد برخی مسائل با مدیریت مخالفت کند (بی سینگر و باتلر، ۱۹۸۵). انتظار می‌رود مدیرانی که مستقل از عملیات اجرایی شرکت هستند، طالب حسابرسی باکیفیت بوده و بیشتر در پی کاهش تقلب و مدیریت سود باشند (بیزلی، ۱۹۹۶؛ پیزنل و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین زمانی که اعضای کمیته حسابرسی از مدیران مستقل تشکیل شده باشد، قادر خواهند بود نفوذ بیشتری بر مدیریت اجرایی برای درخواست دامنه حسابرسی بیشتر، در جهت اطمینان از کیفیت حسابرسی اعمال کنند. این امر خود موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نیز این نظریه را تأیید می‌کند. یافته‌های آنها رابطه مثبتی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان داد. در مقابل، یافته‌های چان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از ارتباط منفی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود.

اندازه کمیته حسابرسی

اثر بخشی کمیته حسابرسی تا حد زیادی به منابع در دسترس و تعداد اعضای تشکیل دهنده آن مربوط است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). اگر چه هیچ اندازه دقیقی برای کمیته حسابرسی در نظر گرفته نشده است، ولی بیشتر مطالعات قبلی و الزامات قانونی نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی باید دارای سه تا پنج عضو، و ترجیحاً از اکثریت مدیران مستقل تشکیل شده باشد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ برانسون و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که احتمال افزایش نفوذ در سازمان و درخواست برای حسابرسی با کیفیت تر برای کمیته حسابرسی بزرگتر، بیشتر است (کالبرز و فوگارتی، ۱۹۹۳)، که این خود باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. هر چه اندازه کمیته حسابرسی بزرگتر باشد، وظیفه نظارتی اعضای کمیته حسابرسی بهتر صورت می‌پذیرد و در ادامه عملکرد شرکت نیز بهبود می‌یابد (یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵؛ دالتون و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نشان از رابطه مثبت و معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی دارد. اما مخالف با یافته‌های آنها، چان و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب پیش گفته و به منظور رسیدن به پاسخ مسأله پژوهش، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی (شبه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی شرکت‌ها انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی-رگرسیونی است.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش گردآوری اطلاعات در طی دو مرحله انجام می‌پذیرد. در مرحله اول برای تدوین مبنای نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم برای گردآوری داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، اطلاعیه‌های منتشر شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک جامع اطلاعاتی شرکت‌ها در سایت رسمی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل کلی زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{ACIND}_{it} + \beta_3 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_4 \text{LNTA}_{it} + \beta_5 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_6 \text{RECINV}_{it} + \beta_7 \text{OPINION}_{it} + \beta_8 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_9 \text{BDIND}_{it} + \beta_{10} \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

به دلیل وجود همخطی بین متغیر اندازه کمیته حسابرسی با تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی برای هر کدام از فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های جداگانه استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل (۱-۱) که برگرفته از مدل (۱) پژوهش است، استفاده می‌شود:

مدل (۱-۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۱-۲) که برگرفته از مدل (۱) است، استفاده می‌شود:

مدل (۱-۲)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACIND}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

و در نهایت برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل (۱-۳) که برگرفته از مدل (۱) است، استفاده می‌شود:

مدل (۱-۳)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته پژوهش

حق‌الزحمه حسابرسی (LNAFEE_{it}): برابر است با لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳)

متغیرهای مستقل پژوهش

تخصیص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP_{it}): برابر است با درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق بند شش ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضا مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف می‌شود (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

استقلال کمیته حسابرسی ($ACIND_{it}$): برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴). عضو مستقل بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد، تعریف شده است (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

اندازه کمیته حسابرسی ($ACSIZE_{it}$): برابر است با تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). کمیته حسابرسی طبق بند ۱ ماده ۵ منشور کمیته از سه تا پنج عضو با انتخاب و انتصاب هیئت‌مدیره تشکیل می‌گردد (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

متغیرهای کنترلی پژوهش

اندازه شرکت ($LNTA_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ جان و همکاران، ۲۰۱۳). آنها دریافتند که اندازه شرکت با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد.

اهرم مالی شرکت ($LEVERAGE_{it}$): برابر است با مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت (زمان و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج زمان و همکاران (۲۰۱۱) نشان از رابطه منفی و معنادار بین اهرم مالی شرکت با حق الزحمه حسابرسی دارد.

نسبت حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا ($RECINV_{it}$): برابر است با جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). یافته‌های ابوت و همکاران (۲۰۰۳) حاکی از رابطه مثبت بین این نسبت با حق الزحمه حسابرسی بود.

نوع اظهارنظر حسابرس ($OPINION_{it}$): اگر گزارش حسابرسی حاوی اظهارنظر تعدیل شده باشد، برابر یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود (ابوت و همکاران،

۲۰۰۳؛ هو و کانگ، ۲۰۱۳). یافته‌های هو و کانگ (۲۰۱۳)، ارتباط مثبتی را بین اظهار نظر تعدیل شده حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی نشان داد.

اندازه مؤسسه حسابرسی ($Size-FA_{it}$): اگر سازمان حسابرسی، حسابرسی شرکت را برعهده داشته باشد، برابر یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود (یگانه و آدین فر، ۱۳۸۹؛ واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). یافته‌های واعظ و همکاران (۱۳۹۳) نشان از رابطه مثبت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

استقلال هیئت مدیره ($BDIND_{it}$): برابر است با نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره (دموری و مهدی آبادی، ۱۳۹۴). یافته‌های چان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از رابطه مثبت و معناداری بین استقلال هیئت مدیره و حق‌الزحمه حسابرسی بود.

تعداد جلسات هیئت مدیره ($BDMEET_{it}$): برابر است با تعداد جلسات برگزار شده توسط هیئت مدیره در طول سال مالی. یافته‌های ابوت و همکاران (۲۰۰۳) نشان از رابطه مثبت بین تعداد جلسات هیئت مدیره و حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک نسبت به تعیین حجم نمونه بر اساس معیارهای زیر اقدام شد: (۱) دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. دلیل این شرط، خنثی کردن تأثیر چرخه‌های تجاری مؤثر بر عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها است (افلاطونی، ۱۳۹۲). (۲) کمیته حسابرسی را در بازه زمانی پژوهش طبق دستورالعمل سازمان بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۱) تشکیل داده باشد. (۳) در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۱-۱۳۹۳) تغییر سال مالی نداشته باشد. زیرا استفاده از داده‌ها با سال‌های مالی متفاوت تفسیر نتایج تحقیق را مشکل خواهد کرد. (۴) اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد. دلیل این موضوع کاملاً مشخص است. بدون وجود داده‌ها عملاً هیچ کاری نمی‌توان انجام داد (افلاطونی، ۱۳۹۲). (۵) جزو شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد. دلیل این موضوع، ماهیت متفاوت عملیات شرکت‌های

مذکور است (افلاطونی، ۱۳۹۲). ۶) در طی دوره پژوهش، شرکت وقفه معاملاتی نداشته باشد، زیرا وقفه معاملاتی می‌تواند نتایج آزمون‌ها را دچار انحراف سازد (دموری و زارعی، ۱۳۹۳).

با توجه به این محدودیت‌ها تعداد ۱۳۳ شرکت (۳۱۱ سال_شرکت) برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شد. ذکر این نکته ضروری است که ۸۸ مشاهده سال_شرکت به دلیل عدم افشای اطلاعات یا عدم تشکیل کمیته حسابرسی در سال ۹۱ و ۹۲ از نمونه آماری حذف شدند.

برای آماده‌سازی متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار صفحه گسترده اکسل و برای برآورد آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون داده‌های ترکیبی در نرم افزارهای Stata12 و Eviews9 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

در این قسمت نتایج توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه ارائه می‌شود. با توجه به نگاره (۱)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین حق الزحمه دریافتی توسط حسابرس مستقل، تقریباً ۱۱۱۲ میلیون ریال است. در ارتباط با ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تقریباً ۸۷ درصد از اعضای کمیته حسابرسی از دانش و تخصص مالی برخوردارند و ۶۹ درصد آنها مستقل هستند. اندازه کمیته حسابرسی نیز به‌طور میانگین ۳/۱۷ است. این مقدار نشان می‌دهد که اکثریت کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌ها از ۳ عضو بهره می‌برند (تقریباً ۹۱ درصد از ۳ عضو و ۹ درصد از ۴ و ۵ عضو برخوردار بودند). همچنین، یافته‌های جدول فوق، حاکی از این است که اندازه و اهرم مالی به ترتیب ۱۴/۲۶ و ۰/۵۴ است. نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به مجموع دارایی‌ها، ۲۸ درصد می‌باشد. تقریباً ۲۵ درصد از حسابرسی شرکت‌های نمونه را سازمان حسابرسی برعهده داشته است و ۴۸ درصد گزارش‌های حسابرسی با اظهار نظر تعدیل شده (غیرمقبول) همراه بوده است. در ارتباط با متغیرهای حاکمیت شرکتی (هیئت مدیره) می‌توان گفت که تقریباً ۶۶ درصد از اعضای هیئت مدیره مستقل (غیرموظف) بوده‌اند و در طی سال تقریباً ۱۵ جلسه به‌طور میانگین برگزار

کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین جلسات هیئت مدیره‌ها در طی سال ۲۶ و کمترین ۹ بوده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
حق‌الزحمه حسابرسی (م ریال)	۱,۱۱۲	۸۸۱	۱,۰۶۰	۴,۳۰۰	۶۳
لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی	۲۰/۵۷	۲۰/۵۶	۰/۷۸۶	۲۲/۱۸	۱۷/۹۵
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۸۷	۱	۰/۱۷	۱	۰/۳۳
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۱۴	۱	۰
اندازه کمیته حسابرسی	۳/۱۷	۳	۰/۵۵	۵	۳
اندازه شرکت	۱۴/۲۶	۱۳/۹۲	۱/۴۸	۱۸/۵۳	۱۰/۶۷
اهرم مالی شرکت	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۲۲	۱/۵۶	۰/۰۱
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۸۳	۰/۲۵۴	۰/۱۹۵	۰/۸۵۲	۰
نوع اظهار نظر حسابرس	۰/۴۸	۰	۰/۵۰	۱	۰
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۲۵	۰	۰/۴۳	۱	۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۶	۰/۶	۰/۱۵	۱	۰/۲۵
تعداد جلسات هیئت مدیره	۱۵/۷۲	۱۵	۳/۶۵	۲۶	۹

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در داده‌های ترکیبی ابتدا بایستی روش مناسب؛ مدل داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی (پانل) جهت برآورد مدل انتخاب شود. برای این منظور از آزمون F لیمیر در این پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون در نگاره (۲)، درج شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمیر

مدل	آماره F	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۶/۴۸	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی
۱-۲	۶/۶۷	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی
۱-۳	۶/۵۰	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی

نتیجه حاصل از آزمون F لیمر برای مدل‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش حاکی از این است که فرضیه H_0 این آزمون رد شده و داده‌های مربوطه از روش پانل تبعیت می‌کنند. در مرحله بعد برای انتخاب بهترین الگوی برآورد، انتخاب از بین الگوهای اثرات ثابت (یا تصادفی) مقطعی (یا زمانی) از آزمون هاسمن و آزمون بروش پاگان در این پژوهش استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در نگاره ۳ و ۴، درج شده است:

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۵/۵۷	۰/۶۹۵۳	الگوی اثرات تصادفی مناسب است
۱-۲	۵/۵۸	۰/۶۶۱۱	الگوی اثرات تصادفی مناسب است
۱-۳	۱۲/۱۹	۰/۱۴۲۹	الگوی اثرات تصادفی مناسب است

نگاره (۴): نتایج آزمون بروش پاگان

مدل	اثرات	آماره کای دو	احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	مقطع	۱۲۱/۰۹	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد
۱-۲	مقطع	۱۲۰/۵۸	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد
۱-۳	مقطع	۱۱۲/۷۹	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد

با توجه به نتایج نگاره (۳) و (۴)، می‌توان نتیجه گرفت که روش مناسب برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل داده‌های تابلویی با اثرات مقطعی تصادفی است.

قبل از برآورد مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاص مدل پرداخته می‌شود. برای این منظور از آزمون نسبت در ستمایی (LR) برای کشف ناهمسانی واریانس و از آزمون دورین واتسون پس از برازش مدل به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی استفاده گردید. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در نگاره (۵) آمده است. با توجه به نتایج این آزمون بین اجزای اخلاص مدل در هر سه فرضیه ناهمسانی واریانس وجود دارد. در نتیجه برای رفع ناهمسانی واریانس در این پژوهش در برازش نهایی مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود. همچنین

زمانی که حجم نمونه آماری بزرگ (یعنی بیشتر از ۳۰ مشاهده) باشد، توزیع جملات اخلال به توزیع نرمال نزدیک است (افلاطونی، ۱۳۹۲).

نگاره (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (LR)

مدل	آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۳۸۴/۴۶	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد
۱-۲	۴۳۶/۴۸	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد
۱-۳	۴۹۲/۳۰	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد

پس از مشخص شدن روش آزمون فرضیه‌های پژوهش، خروجی‌ها و نتایج فرضیه‌ها به شرح جداول زیر بیان می‌گردد.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	مقدار احتمال
عرض از مبدأ	۱۹/۷۳۰	۱۳۶/۳۲۵	*./۰۰۰۰
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰/۱۰۷۱	۲/۲۳۴۹	**./۰۲۶۲
اندازه شرکت	۰/۰۰۷۷	۰/۸۰۱۸	۰/۴۲۲۳
اهرم مالی شرکت	۰/۳۸۱۱	۷/۵۵۹۰	*./۰۰۰۰
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۶۹۰	۱۲/۶۴۳۰	*./۰۰۰۰
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۵۵۳	-۰/۶۲۵۹	۰/۵۳۱۸
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۷۴۹۲	۱۷/۳۸۰۷	*./۰۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۴۰۹۵	-۱/۲۵۵	۰/۲۱۰۴
تعداد جلسات هیئت مدیره	۰/۰۳۰۰	۵/۱۲۱۸	*./۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	Fآماره	Fمقدار احتمال	دوربین واتسون
۰/۱۵	۸/۰۶۵۲	۰/۰۰۰۰	۱/۹۱۹۹

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۶)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی ۱۵ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۸/۰۶۵۲) بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه اول پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۱۹۹) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است

که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که، متغیر تخصص کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین، در این مدل متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرس و استقلال هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد.

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	t آماره	مقدار احتمال
عرض از مبدأ	۱۸/۴۴۳	۵۹/۷۱۷	*۰/۰۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۱۶۰۷	۱/۶۶۵۳	***۰/۰۹۶۹
اندازه شرکت	۰/۰۰۹۰	۰/۹۸۹۵	۰/۳۲۳۲
اهرم مالی شرکت	۰/۳۶۴۸	۵/۸۵۵۶	*۰/۰۰۰۰
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۵۶۰	۱۰/۳۱۴	*۰/۰۰۰۰
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۴۱۲	-۰/۴۸۰۳	۰/۶۳۱۳
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۶۰۹۰	۱۴/۳۶۵۰	*۰/۰۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۳۸۸۰	-۱/۳۱۴۶	۰/۱۸۹۶
تعداد جلسات هیئت مدیره	۰/۴۴۷۳	۵/۲۰۷۷	*۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	مقدار احتمال F	دوربین واتسون
۰/۱۳۶۰	۷/۱۰۰۶	۰/۰۰۰۰	۱/۹۶۳۸

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۷)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی $F(۷/۱۰۰۶)$ بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش می‌دهد. معناداری آماره $F(۷/۱۰۰۶)$ بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۶۳۸) بین $۱/۵$ و $۲/۵$ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که،

متغیر استقلال کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۰ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین، در این مدل نیز همانند مدل فرضیه اول پژوهش، متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرس و استقلال هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

مقدار احتمال	t آماره	ضریب	متغیر
*۰/۰۰۰۰	۴۸/۷۶۸	۱۹/۷۴۱۸	عرض از مبدأ
۰/۸۱۴۳	۰/۲۳۵۱	۰/۰۲۰۷	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۴۰۹۰	۰/۸۲۶۷	۰/۰۰۸۱	اندازه شرکت
*۰/۰۰۰۰	۸/۷۴۸۴	۰/۳۸۴۵	اهرم مالی شرکت
*۰/۰۰۰۰	۱۷/۹۵۶۹	۰/۲۷۴۴	نسبت ح دریافتی و م کالا
۰/۵۵۳۷	-۰/۵۹۲۹	-۰/۰۵۵۲	نوع اظهار نظر حسابرس
*۰/۰۰۰۰	۱۵/۲۰۷۸	۰/۷۵۲۳	اندازه مؤسسه حسابرسی
۰/۲۰۶۹	-۱/۲۶۴۷	-۰/۴۱۶۴	استقلال هیئت‌مدیره
*۰/۰۰۰۰	۴/۸۵۹۷	۰/۰۳۰۸	تعداد جلسات هیئت‌مدیره
دوربین واتسون ۱/۹۶۳۶	مقدار احتمال F ۰/۰۰۰۰	آماره F ۸/۰۶۴۸	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۵۴۲

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۸)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی کمیته حسابرسی ۱۵/۴۲ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۸/۰۶۸۴) بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه سوم پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۶۳۶) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که، متغیر اندازه کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری ندارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. همچنین، در این مدل نیز همانند مدل

فرضیه‌های قبل، متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب دریافتنی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهارنظر حسابرس و استقلال هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

بحث و موضوع اصلی در این پژوهش بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی بود که در ادامه مطالعات پژوهشگرانی از قبیل؛ پائول و گرگوری (۱۹۹۶)، ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، استوارت و کنت، (۲۰۰۶)؛ کریشان و ویسواناتان (۲۰۰۹)؛ زمان و همکاران (۲۰۱۱) و چان و همکاران (۲۰۱۳) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به آن پرداخته شد. از نظر تئوریک ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در تحقیقات مختلف بدین‌گونه بیان شده است که ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌تواند بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. بحثی که در این مورد مطرح می‌شود، این است که آیا کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌های ایرانی و با ویژگی‌های مورد مطالعه (تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی در این شرکت‌ها اثرگذار است یا خیر؟ پاسخ به این سوال خود منعکس‌کننده هدف اصلی این مطالعه می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران (جامعه آماری) طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، نمونه‌ای به صورت حذف سیستماتیک انتخاب گردید که متشکل از ۱۳۳ شرکت بود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی را نشان داد، که حاکی از پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و مخالف با نتایج پژوهش کریشان و ویسواناتان (۲۰۰۹) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) است.

در فرضیه دوم پژوهش به آزمون وجود رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. نتیجه آزمون رابطه مثبت و معناداری را نشان داد، که حاکی از

پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه مشابه با نتایج ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) و مخالف با نتایج چان و همکاران (۲۰۱۳) است.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود، که نشان از رد فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش چان و همکاران (۲۰۱۳) و مخالف با نتایج زمان و همکاران (۲۰۱۱) که ارتباط مثبت و معناداری را بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده کردند، است. قابل ذکر است که در پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ویژگی اندازه کمیته حسابرسی بررسی نشده است.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که وجود کمیته حسابرسی در شرکت می‌تواند با افزایش حق الزحمه حسابرسی ارتباط داشته باشد که این موضوع در پژوهش‌های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶)، نیز اثبات شده است. دلیل این امر با توجه به ادبیات پژوهش می‌تواند درخواست کیفیت حسابرسی بالاتر توسط اعضای کمیته حسابرسی و افزایش دامنه حسابرسی و در نهایت حق الزحمه حسابرسی باشد.

پیشنهادات کاربردی

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در درک تأثیرات قوانین حاکمیت شرکتی و لزوم اجرایی شدن این قوانین مفید باشد، و باعث تسهیل فرایند تصمیم‌گیری در بازار سرمایه گردد. اکثریت پژوهش‌های انجام شده در زمینه حسابرسی و همچنین نظارت‌کنندگان بر این امر از قبیل هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (۲۰۱۵)، افزایش حق الزحمه حسابرسی را با افزایش کیفیت حسابرسی مرتبط می‌دانند. بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که کیفیت کمیته حسابرسی در نهایت به بالا بردن کیفیت حسابرسی ختم شود. لذا پیشنهاد می‌گردد تا هیئت‌مدیره شرکت‌ها در مرحله اول اقدام به تشکیل این کمیته و در مرحله بعدی از افراد با سابقه و دارای دانش و تجربه در زمینه حسابداری و حسابرسی و مستقل در این کمیته استفاده کنند. تا علاوه بر بالا بردن کیفیت کمیته حسابرسی، از این طریق به حسابرس مستقل برای انجام حسابرسی با کیفیت‌تر کمک کنند.

پیشنهاد برای تحقیق‌های آینده

با توجه به نوظهور بودن و جدید بودن وجود کمیته حسابرسی در ایران، پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد که پژوهش در زمینه تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارتباط آن با موضوعات مالی و حسابرسی دیگر انجام پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در سال‌های آینده و با افزایش تعداد سال‌های حضور کمیته حسابرسی، در پژوهشی با مشاهدات بیشتر، رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

محدودیت‌های تحقیق

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم افشای تعداد جلسات کمیته حسابرسی در محدوده زمانی انجام پژوهش اشاره نمود. همچنین با توجه به این که از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ملزم به انتشار اطلاعات مربوط به کمیته حسابرسی در سایت کدال شده‌اند، اما در محدوده زمانی پژوهش برخی از شرکت‌ها این اطلاعات را اعلام نکرده‌اند و به همین دلیل در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری، تعدادی از شرکت‌ها و مشاهدات سال شرکت به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات حذف شد. همچنین، با توجه به اینکه تعداد سال‌های تحقیق برای بکارگیری داده‌های تابلویی اندک می‌باشد لذا باید تجزیه و تحلیل نتایج با احتیاط صورت پذیرد.

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران: انتشارات ترمه.
- دموری، داریوش و زارعی، محبوبه. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر توقف نماد معاملاتی بر کیفیت بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۲ (۳)، صص ۶۲-۴۹.
- دموری، داریوش و مهدی‌آبادی، نرگس. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل رابطه بین حاکمیت شرکتی، هموارسازی سود و کیفیت گزارشگری مالی. راهبرد مدیریت مالی، ۳ (۱۱)، صص ۴۹-۲۷.
- رحیمیان، نظام‌الدین، توکل‌نیا، اسماعیل. (۱۳۹۰). تأثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت‌های حسابرسی داخلی. حسابداری رسمی، ۲۸ (۲)، صص ۷۵-۶۸.

- سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۹۱). دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، تهران.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۷۲). اصول حسابرسی. تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، جلد (۱)، ص ۱۶۲.
- سجادی، حسین؛ رشیدی باغی، محسن؛ ابوبکری، عبدالرحمان و شیرعلیزاده، محسن. (۱۳۹۴). رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت‌مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵ (۱۷)، صص ۵۸-۳۹.
- سلیمانی، غلامرضا و مقدسی، مینا. (۱۳۹۳). نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت شرکتی). پژوهش حسابداری، ۳ (۴)، صص ۷۷-۶۳.
- فخاری، حسین؛ محمدی، جواد و نتاج‌کردی، محمد حسن. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۶)، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- واعظ، سیدعلی؛ احمدی، محمدرمضان و رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها. دانش حسابداری مالی، ۱ (۱۰)، صص ۱۱۰-۸۷.
- یگانه، حساس و آذینفر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱)، صص ۹۸-۸۵.

- Abbott, L. , Parker, S. , Peters, G. , & Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2) , pp. 17-31.
- Abbott, L. J. , and S. Parker. (2001). Audit committee characteristics and auditor selection: Evidence from auditor switches. *Research in Accounting Regulation* (15) , pp. 151-167.
- Abbott, L. J. , Parker, S. & Peters, G. (2004). Audit committee characteristics and restatements,. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol (23) , No. 1, pp. 69-88.
- Baysinger, B. , and H. Butler.) 1985 (. Corporate governance and the board of directors: Performance effects of changes in board composition. *Journal of Law, Economics and Organization* 1 (January): pp. 101-124.
- Beasley, M. (1996). An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. *The Accounting Review*, Vol (71) , No. 4, pp. 443-65.
- Beasley, M. S. , J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and P. D. Lapides.) 2000 (. Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms. *Accounting Horizons* 14 (December): pp. 14-21.

- Bédard, J. , Gendron, Y. , (2009). Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver?, Université Laval, Québec City, Canada available on-line at http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1438150.
- Bronson, S. N. , Carcello, J. V. , Hollingsworth, C. W. and Neal, T. L. (2009). Are fully independent audit committees really necessary?. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 28, pp. 265-28
- Cadbury Committee, 1992, *Report of the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance* (Gee, London).
- Carcello, J. , and T. Neal. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. *The Accounting Review* 75 (October): pp. 453–467.
- Carcello, J. , Hermanson, D. , Neal, T. , & Riley, A. (2002). Board characteristics and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, (19) , pp. 365–384.
- Chan, Y.M. , Liu, G. , Sun, J., (2013). Independent audit committee members' board tenure and audit fees. *Accounting and Finance* 53, pp. 1129–1147.
- Collier, P. , and A. Gregory, (1996). Audit committee effectiveness and the audit fee, *European Accounting Review* 5, pp. 177–198.
- Dalton, D. R. , Daily, C. M. , Johnson, J. L. and Ellstrand, A. E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis. *Academy of Management Journal*, (42) , pp. 674-86.
- DeFond, M. , R. H. Hann and X. Hu (2005). Does the Market Value Financial Expertise on Audit Committees of Boards of Directors. *Journal of Accounting Research*, Vol (43) , No. 2 (May) , pp. 153–93.
- Dey, A. (2008). Corporate Governance and Agency Conflicts. *Journal of Accounting Research*, 46 (5) , pp. 1143–1181.
- DeZoort, F. T. (1997). An investigation of audit committees. *Oversight responsibilities. Abacus* (September): pp. 208–227.
- Dhaliwal, D. , Naiker, V. & Navissi, F. (2010). The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees', *Contemporary Accounting Research*, Vol (27) , No. 3, pp. 787–827.
- Fama, E. , & Jensen, M. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law & Economics*, 26, pp. 301–325.
- Gilson, S. (1990). Bankruptcy, boards, banks, and bondholders: Evidence on changes in corporate ownership and control when firms default. *Journal of Financial Economics*, 27, pp. 355–388.
- Gul, F. , & Goodwin, J. (2010). Short-term debt maturity structures, credit ratings, and the pricing of audit services. *The Accounting Review*, (85) , pp. 877-909.

- Ho, J. L. , & Kang, F. (2013). Auditor choice and audit fees in family firms: evidence from the S&P 1500. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (4) , 71-93.
- Kalbers, L. P. and T. Fogarty (1993). Audit Committee Effectiveness; An Empirical Investigation of the Contribution of Power. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol (12) (spring) , pp. 24-49.
- Khondkar,. K, Ashok,. R, and SangHyun,. S. (2015). Board Structure and Audit Committee Monitoring: Effects of Audit Committee Monitoring Incentives and Board Entrenchment on Audit Fees. *Journal of Accounting, Auditing & Finance* . , pp. 1-28.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management, *Journal of Accounting and Economics* 33, 375-400.
- Krishnan, G. ,and G. Visvanathan, (2009). Do auditors price audit committee's expertise? The case of accounting versus non-accounting financial experts, *Journal of Accounting, Auditing and Finance* 24, 115-144.
- Krishnan, J. (2005). Audit Committee Quality and Internal Control: An Empirical Analysis. *The Accounting Review*, Vol (80) , No. 2, pp. 49-75.
- Larcker, D. , & Richardson, S. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices and corporate governance. *Journal of Accounting Research*, (42) , pp. 625-658.
- Lin, J. W. and Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: a meta-analysis. *International Journal of Auditing*, Vol (14) , No. 1, pp. 57-77.
- Livingston, P. (2005). The job of audit committee: Getting directors on the same page. *Financial Executive*, March, pp. 24-25.
- Martinov,N. B, Dominic S. B. and Soh, D. T. (2015) ,"An investigation into the roles, characteristics, expectations and evaluation practices of audit committees", *Managerial Auditing Journal*, Vol (30) Iss 8/9, pp. 727 - 755 .
- Oktorina, M. , & Wedari, L. K. (2015). An empirical investigation on ownership characteristics, activities of the audit committee, and audit fees in companies listed on indonesia stock exchange. *Applied Finance and Accounting*,1 (1) , pp. 20- 29.
- Paul, C. , and Gregory,A. (1996). Audit committee effectiveness and the audit fee. *The European Accounting Review*,5: 2, pp. 177- 198.
- Peasnell, P. , P. Pope and S. Young (2005) , 'Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals?', *Journal of Business Finance & Accounting* , Vol (32) , No. 7.

- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB) , Concept Release on Audit Quality Indicators, PCAOB Release No. 005-2015, July 2015.
- Stewart, J. G. and P. Kent (2006). Relation between External Audit Fees, Audit Committee Characteristics and Internal Audit', *Accounting & Finance*, Vol (46) , pp. 387–404.
- Turley, S. and M. Zaman (2004) , 'The Corporate Governance Effects of Audit Committees', *Journal of Management and Governance*, Vol (8) , pp. 305–32.
- Vershoor, Curtis C. (2008). Audit Committee Essentials, Published by John Wiley & Sons, Inc, *First Edition*.
- Windram, B. and song, J. (2004). Non-executive directors and the changing nature of the audit committees: Evidence from UK audit Committee Chairman. *Corporate Ownership & Control*, pp. 108–115.
- Yang, J. S. , & Krishnan, J. (2005). Audit committees and quarterly earnings management. *International Journal of Auditing*, 9, pp. 201–219.
- Zaman,. M, Mohammed,. H, and Roszaini,. H. (2011). Corporate Governance Quality, Audit Fees and Non-Audit Services Fees. *Journal of Business Finance & Accounting*, 38 (1) & (2) , pp. 165–197.

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹۵ - ۱۱۵

مقایسه دقت الگوریتم‌های تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی در کشف مدیریت سود

قاسم آرسته*، فرزانه نصیرزاده**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۸

چکیده

مطالعات زیادی در خصوص عوامل موثر بر مدیریت سود و میزان همبستگی بین آنها صورت گرفته است، اما بکارگیری عوامل موثر در جهت پیش‌بینی مدیریت سود کمتر مدنظر بوده است. در این تحقیق، توانایی پیش‌بینی الگوریتم‌های تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی در کشف مدیریت سود بررسی شده است. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۱ است. نتایج بررسی فرضیه‌ها حاکی از آن است که الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان و تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی به ترتیب بیشترین دقت را در پیش‌بینی مدیریت سود را دارند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه، شبکه عصبی فازی.

طبقه بندی موضوعی: G13, G17, M41

کد DOI مقاله: 10. 22051/jera. 2017. 2632

* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، (nasirzadeh@um.ac.ir)

** دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد؛ نویسنده مسئول؛ (nasirzadeh@um.ac.ir)

مقدمه

سود حسابداری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد است که در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از جمله ارزشیابی سهام، ارزیابی عملکرد، تعیین پاداش مدیریت و تقسیم سود استفاده می‌شود. این تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند بر توزیع منابع بین افراد مختلف مؤثر باشد؛ و به همین دلیل در بازار سرمایه به سود حسابداری توجه ویژه‌ای می‌شود.

یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده‌کنندگان بتوانند با اتکا بر صورت‌های مالی تصمیمات نسبتاً مربوط و صحیحی اتخاذ کنند، بنابراین نیاز حرفه‌ای حسابداری شیوه‌ای از گزارش‌گری است که منافع تمام استفاده‌کنندگان به صورتی مطلوب رعایت شود. حساب‌برسان نیز وظیفه دارند که بر مطلوبیت صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری صحه بگذارند. با این وجود، استانداردهای حسابداری نیز در بعضی از موارد دست مدیران را برای انتخاب روش حسابداری باز می‌گذارد و امکان مدیریت سود را ایجاد می‌کند که می‌تواند موجب گمراهی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شود. یعنی علی‌رغم اینکه که صورت‌های مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری هستند و حساب‌برسان نمی‌توانند بر صورت‌های مالی اشکالی بگیرند، مدیریت سود انجام می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که مدیران از طریق انتخاب سیاست‌های خاص حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و مدیریت اقلام تعهدی، سودهای گزارش شده را تعدیل و اقدام به مدیریت سود می‌کنند و سود را طوری گزارش می‌کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده‌کنندگان مغایرت دارد.

مدیریت سود می‌تواند از طریق تغییر روش‌های حسابداری، فروش دارایی‌ها یا سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، تغییر در عملیات تجاری، و به‌کارگیری اقلام تعهدی حسابداری صورت گیرد، که از بین آن‌ها به‌کارگیری اقلام تعهدی حسابداری، به ویژه اقلام تعهدی اختیاری، ساده‌ترین روش برای دست‌کاری سود و در عین حال سخت‌ترین روش برای شناسایی مدیریت سود است.

مطالعات زیادی به شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت سود پرداخته‌اند، که از جمله می‌توان از تحقیقات فرانکل، جانسون و نلسون (۲۰۰۲) لی، اسو و چن، (۲۰۰۳) یانگ و وو (۲۰۰۳)؛ لین

(۲۰۰۶) یو، دو و سان (۲۰۰۶) نام برد. اما بکارگیری این عوامل در کشف مدیریت سود (کاهنده یا افزایش) مورد بررسی قرار نگرفته است.

در تحقیقات پیشین، عمدتاً از روش‌ها و تکنیک‌های آماری برای ارتباط سنجی متغیرهای مختلف با مدیریت سود استفاده شده است اما از این متغیرها برای پیش‌بینی مدیریت سود استفاده نگردیده است. تحقیق حاضر در صدد مقایسه دقت الگوریتم‌های تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی در کشف مدیریت سود است و این تکنیک‌ها به صورت دوجه‌دو با یکدیگر مقایسه می‌شود. قدرت پیش‌بینی الگوریتم‌های مذکور بر اساس شاخص‌های ارزیابی میانگین مجذور خطای پیش‌بینی، مربع میانگین خطای استاندارد نرمال شده، میانگین قدر مطلق انحراف پیش‌بینی شده، ضریب تعیین اندازه‌گیری می‌شود. بدیهی است جلب اعتماد مردم به صحت گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موجب افزایش حجم معاملات در بازار بورس خواهد شد و این امر باعث افزایش شکوفایی اقتصادی کشور و جلب سرمایه‌های بلااستفاده بخش خصوصی می‌شود.

مبانی نظری

مدیریت سود و انگیزه‌های مدیریت سود

در تحقیقات حسابداری، تعریف‌های مختلفی در مورد مدیریت سود ارائه شده است، از جمله جونز و شارما (۲۰۰۱) که تعریف جامعی در خصوص مدیریت سود ارائه نمودند. به عقیده آن‌ها، مدیریت سود (دست‌کاری سود) زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارش‌گری مالی، ساختار مالی و ساختار مبادلات، برای گمراه نمودن برخی از ذی‌نفعان (شامل سهام‌داران، اعتباردهندگان، دولت و غیره) اقدام می‌کنند.

انگیزه‌های مدیریت سود را می‌توان در دو دسته کلی شامل انگیزه‌های مربوط به منافع شرکت و انگیزه‌های مربوط به منافع شخصی طبقه‌بندی کرد. در انگیزه‌های مربوط به منافع شرکت، آنچه اهمیت دارد خود شرکت است. به عبارت دیگر هدف مدیریت سود در این نوع انگیزه‌ها عبارت است از بقا، ایجاد وضعیت نقدینگی و اعتباری مناسب‌تر، تحمل هزینه‌های کمتر و در یک کلام بهبود وضعیت شرکت است. انواع مختلف این انگیزه‌ها می‌تواند دربرگیرنده افزایش بازده سهام، شرایط تأمین مالی بهتر و تحمل هزینه سرمایه کمتر، افزایش

قیمت در عرضه نخستین سهام، عدم تخلف از قراردادهای بدهی، انگیزه سیاسی، کاهش مالیات و اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران باشد. به علاوه سرمایه‌گذاران با استفاده از سود دوره جاری در احتمالاتی که برای عملکرد آینده در نظر گرفته‌اند، تجدیدنظر می‌کنند. از طرف دیگر از آنجا که مدیر شرکت درباره سودهای خالص آتی شرکت، اطلاعاتی محرمانه دارد، این انگیزه را هم دارد که در صورت خوب بودن خبرها، با مدیریت بر سود دوره جاری این اطلاعات را افشا کند (تاگر و زاروین، ۲۰۰۶).

در مورد انگیزه‌های مربوط به منافع شخصی، آنچه اهمیت دارد منافع افراد درون شرکت است و هدف از مدیریت سود شامل کسب پاداش، اعتبار، امنیت شغلی و در یک کلام، کسب منافع اشخاصی در درون شرکت است.

روش‌های پیش‌بینی و الگوریتم‌های مورد استفاده

با توسعه بازارهای مالی و افزایش روزافزون حجم اطلاعات، شرکت‌کنندگان در بازارهای مالی به دنبال ابزارهایی هستند که بتوانند به وسیله آن‌ها پیش‌بینی‌های دقیقی از وضعیت آتی بازار انجام دهند. به طور کلی، روش‌های پیش‌بینی شامل مدل‌های کیفی و مدل‌های کمی هستند. روش‌هایی مانند روش دلفی، درخت مناسب، روش برآورد ذهنی در طبقه مدل‌های کیفی قرار دارند. روش‌های کمی به دو گروه تک‌متغیره و چندمتغیره تقسیم می‌شوند. از مدل‌های تک‌متغیره می‌توان به روش‌های هموارسازی نمایی، باکس-جنکینز و تحلیل روند اشاره کرد. رگرسیون چندگانه و تحلیل‌های اقتصادی نیز از مدل‌های چندمتغیره می‌باشند. این مدل‌های آماری در بسیاری از تحقیقات مالی از جمله پیش‌بینی قیمت، سود، ارقام ترازنامه و صورت جریان وجوه نقد، شاخص‌های بازار بورس و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند. علاوه بر روش‌های آماری فوق، رویکردهای نوینی همچون یادگیری ماشین، شبکه‌های عصبی، درخت تصمیم و... در تحقیقات مالی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از ویژگی‌های بازارهای کارا، رفتار غیرخطی و آشوبگونه متغیرهای آن است، مدل‌های هوشمند نیز مانند یک مدل رگرسیون غیرخطی عمل می‌کنند، بنابراین توانایی پیش‌بینی این مدل‌ها در مقایسه با مدل‌های آماری بیشتر است. در تحقیق حاضر از سه الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان (SVR)، تخمینگر حداقل درجه (LARS) و شبکه عصبی فازی (ANFIS) در پیش‌بینی سود استفاده می‌شود.

الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان

یادگیری ماشین در سال‌های اخیر در حال توسعه یافتن است و تخصص‌های جدید زیادی در حال استفاده از این اصول هستند. در میان الگوریتم‌های گوناگونی که در حوزه یادگیری ماشین وجود دارد، ماشین بردار پشتیبان را می‌توان به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوریتم‌ها، ذکر کرد که برای دسته‌بندی و رگرسیون بکار برده می‌شود (ناکاموری و وانگ، ۲۰۰۵).

واپنیک (۱۹۹۵) ماشین بردار پشتیبان را به عنوان الگویی برای شناسایی و طبقه‌بندی مسائل مورد استفاده قرار داد. رویکرد ماشین بردار پشتیبان در بدو ابداع تنها جدا سازی داده‌های دو طبقه را شامل می‌شد که در این مدل ابتدا داده‌ها به بردار یادگیری تبدیل می‌شود و سپس هر بردار با یک بردار خروجی متناظر می‌گردد و به این ترتیب مقدار بهینه را در فضای غیرخطی و خطی می‌یابد. اما عیب عمده ماشین بردار پشتیبان طولانی بودن فاز آموزش داده‌ها است. واپنیک و همکاران (۱۹۹۶) برای برطرف کردن مشکلات مربوط به مدل‌های رگرسیون غیرخطی از الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان استفاده کردند که در واقع یک نسخه پیشرفته‌تر از ماشین‌های بردار پشتیبان می‌باشد و برای مسائل رگرسیون ارائه شده است.

الگوریتم تخمینگر حداقل درجه

مدل تخمینگر حداقل درجه اولین بار توسط افرون و همکاران (۲۰۰۴) برای بررسی داده‌های بزرگ استفاده شد. تخمینگر حداقل درجه، مدلی جدید بر اساس رگرسیون انتخاب رو به جلو و رگرسیون انتخاب رو به عقب است و نسبت به روش‌های سنتی کم هزینه‌تر و مفیدتر است (افرون و همکاران ۲۰۰۴).

الگوریتم شبکه عصبی فازی

شبکه‌های عصبی می‌توانند ورودی‌ها را اصلاح و طبقه‌بندی کنند. همچنین می‌توانند اطلاعات قطعی را از ورودی‌های ناقص (فازی) بدست آوردند. همچنین سیستم‌های فازی با رسیدگی به اطلاعات فازی موجود، قادر به مهیا کردن خروجی‌های قطعی می‌باشند. به هر حال در سیستم‌های فازی هیچ یادگیری‌ای وجود ندارد، اگر چه به صورت مبهم باید روابط

ورودی-خروجی و قواعد فازی معلوم باشند. هر یک از شبکه‌های عصبی و سیستم‌های فازی نواقص خاص خود را دارند. طراحی سیستم‌ها با شبکه عصبی نیاز به فرآیندهای محاسباتی سنگین و پیچیده دارد (کارتالوپوکس و استماتیوس، ۱۹۹۵). در طراحی سیستم‌های فازی نیاز به فهم عمیقی از متغیرهای فازی و توابع عضویت، روابط ورودی و خروجی و همچنین، تشخیص درست در انتخاب قوانین فازی دارد. هنگامی که متغیرهای ورودی بسیار زیاد باشند، استفاده از سیستم‌های فازی بسیار مشکل است. هر چند تفاوت‌های زیادی بین شبکه عصبی و سیستم‌های فازی وجود دارد ولی ارتباط نزدیکی نیز بین آن‌ها وجود دارد. هر دو در محیط‌های مبهم و غیرقطعی کار می‌کنند، همچنین محدودیت‌ها نیز معین نمی‌باشند. ادغام عملکردهای منطق فازی در یادگیری شبکه عصبی و همچنین طبقه‌بندی کردن شبکه‌های عصبی در سیستم‌های فازی، باعث پوشش نواقص سیستم‌های فازی و شبکه‌های عصبی می‌شود و یک شبکه عصبی-فازی تشکیل خواهد شد (کارتالوپوکس و استماتیوس، ۱۹۹۵).

پیشینه تحقیق

در این تحقیق متغیرهایی به عنوان متغیرهای ورودی تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی در نظر گرفته شده؛ بنابراین پیشینه مدیریت سود نیز بر اساس همین متغیرهای ورودی و رابطه آن‌ها با مدیریت سود ارائه می‌گردد.

موژژ (۱۹۸۷) معتقد است هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، مدیران این شرکت‌ها انگیزه‌ی بیشتری برای مدیریت سود خواهند داشت. زیرا با بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخ‌گویی مدیران در مقابل ذی‌نفعان افزایش می‌یابد.

بیکر و همکاران (۱۹۹۸) و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۹) در مطالعات خود شواهدی یافتند که نشان می‌داد اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های تحت حسابرسی شش موسسه بزرگ حسابرسی در مقایسه با شرکت‌هایی که توسط موسسات دیگری حسابرسی می‌شوند، کمتر است.

فرانکل و همکاران (۲۰۰۲) نسبت بازده دارایی‌ها را به عنوان شاخص اندازه‌گیری عملکرد شرکت در نظر گرفتند و به این نتیجه رسیدند که نسبت مزبور بر مدیریت سود موثر است.

همچنین، هر چه اندازه شرکت بزرگ‌تر شود، احتمال دستیابی ساختگی به شاخص از قبل تعیین شده سود افزایش می‌یابد.

ناگی (۲۰۰۵) استدلال کرد که حسابرس جدید انگیزه زیادی برای اثبات توانایی‌های خود و همچنین استقلال بیشتری نسبت به صاحبکار دارد. بنابراین با تغییر حسابرس کیفیت حسابرسی افزایش و اقلام تعهدی اختیاری (مدیریت سود) کاهش می‌یابد.

مینگ چی لی (۲۰۰۹) به پیش‌بینی شاخص نزدیک با یک مدل ترکیبی تخمینگر بردار پشتیبان و مقایسه آن با شبکه‌های عصبی پرداخته است. در پژوهش وی، مدل تخمینگر بردار پشتیبان با تابع FSSFS ترکیب و توسط ۲۹ شاخص فنی به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های کامل در جهت تغییر شاخص استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان از برتری مدل ترکیبی تخمینگر بردار پشتیبان نسبت به شبکه عصبی دارد.

شیه و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه خود از رگرسیون لجستیک و مدل مبتنی بر شبکه عصبی جهت شناسایی شرکت‌های سالم از شرکت‌های ناسالم استفاده کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که رگرسیون لجستیک در مقایسه با شبکه عصبی در کشف شرکت‌های سالم و ناسالم از عملکرد بهتری برخوردار بوده است.

گوناسکرن و همکاران (۲۰۱۳) با استفاده از ترکیب مدل CAPM، رگرسیون مرحله‌ای و شبکه عصبی فازی به طراحی یک سبد سهام بهینه در بورس بمبئی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شبکه عصبی فازی می‌تواند سبد بهینه سهام را با دقت مناسبی طراحی نماید.

چن و همکاران (۲۰۱۳) با استفاده از شبکه عصبی فازی و ترکیب آن با مدل خوشه‌بندی، بحران مالی شرکت‌های تجاری را پیش‌بینی کردند. نمونه مورد بررسی شامل ۱۶۰ شرکت فعال در صنعت الکترونیک بورس اوراق بهادار تایوان هست که خدمات آنلاین ارائه می‌کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مدل شبکه عصبی فازی در صورتی که با دو مدل دیگر ترکیب شود عملکرد مطلوب‌تری نسبت به حالتی که به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد دارد.

نوروش و همکاران (۱۳۸۴) به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌های بزرگ از اقلام تعهدی برای به حداقل رساندن مالیات شرکت‌هایشان استفاده می‌کنند. هم‌چنین در صورت

بزرگ بودن شرکت و زیاد بودن بدهی شرکت، تمایل مدیران به مدیریت سودشان بیشتر خواهد شد.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌ها به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات - که بیان‌گر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است - اقدام به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری نموده‌اند.

نتایج بسیاری از تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که نوع حسابرس (سازمان حسابرسی یا موسسات خصوصی) تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد. البته تحقیقات مذکور از لحاظ جهت رابطه به نتایج متضاد در این باره دست یافته‌اند (ابراهیمی کردلر و سیدی، ۱۳۸۷؛ سجادی و همکاران، ۱۳۸۸).

مهرانی و عارف منش (۱۳۸۷) دریافتند شرکت‌های هموارساز نسبت به شرکت‌های غیرهموارساز دارای عملکرد ضعیف‌تری هستند. همچنین، شرکت‌هایی با نسبت بدهی بالا، به منظور اطمینان بخشی به اعتباردهندگان مبنی بر توانایی پرداخت اصل و بهره وام‌ها و اعتبارات دریافتی، اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

راعی و فلاح‌پور (۱۳۸۷) در پژوهشی از ماشین بردار پشتیبان و رگرسیون لجستیک برای پیش‌بینی در ماندگی مالی شرکت‌ها استفاده نمودند. آن‌ها در تحقیق خود از پنج نسبت مالی اصلی استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان دهنده برتری ماشین بردار پشتیبان نسبت به مدل رگرسیون لجستیک در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها می‌باشد.

شیردل (۱۳۸۸) در تحقیقی با نمونه ۱۲۹ شرکت در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶ نشان داد که میانگین اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی و سایر اعضای جامعه حسابداران رسمی حسابرسی شده‌اند، با یکدیگر برابرند.

اصلائی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی دقت پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه‌های عصبی و مقایسه آن با مدل‌های خطی پرداختند. در این تحقیق تعداد ۵۵ شرکت از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که روش شبکه

عصبی در پیش‌بینی مدیریت سود نسبت به روش‌های خطی دقیق‌تر و دارای سطح خطای کمتری است.

حجازی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی دقت پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه‌های عصبی و درخت تصمیم‌گیری و مقایسه آن با مدل‌های خطی پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که در پیش‌بینی مدیریت سود، روش شبکه عصبی و درخت تصمیم نسبت به روش‌های خطی، دقیق‌تر و دارای سطح خطای کمتری است.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی امکان کشف مدیریت سود با استفاده از روش‌های ریاضی پرداختند. همچنین، توان مدل‌های مبتنی بر شبکه‌های عصبی را در کشف مدیریت سود بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که علیرغم برتری نسبی شبکه‌های عصبی و عملکرد ضعیف رگرسیون خطی، انتخاب قطعی یکی از دو مدل امکانپذیر نبوده و این امر به توانایی مدل‌سازی و نوع توپولوژی انتخاب شده دارد.

کردستانی و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از متغیرهای موجود در ادبیات مدیریت سود و بکارگیری مدل شبکه‌های عصبی مصنوعی به پیش‌بینی سطح مدیریت سود پرداختند. در نهایت شبکه‌ای با دقت ۹۴٪ در مرحله آموزش و ۶۹٪ در مرحله آزمون به عنوان بهترین شبکه برای پیش‌بینی سطح مدیریت سود انتخاب گردید.

نصیرزاده و نیک‌روش (۱۳۹۲) به بررسی دقت مدل‌های تخمین‌گر بردار پشتیبان، تخمین‌گر حداقل درجه، شبکه عصبی - فازی جهت پیش‌بینی قیمت سهام در سه سطح روزانه، هفتگی و ماهیانه پرداختند. جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ بود. نتایج نشان داد که هر سه مدل قابلیت پیش‌بینی قیمت سهام را دارا هستند اما مدل‌های تخمین‌گر بردار پشتیبان و شبکه عصبی فازی در دو سطح داده‌های روزانه و هفتگی توانایی بالاتری جهت پیش‌بینی قیمت سهام دارا می‌باشد.

مشایخی و گنجی (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت سود بر پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی پرداختند. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد که دقت پیش‌بینی شبکه عصبی مصنوعی برای شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتری دارند، به مراتب بیش‌تر از شرکت‌هایی است که کیفیت سود پایین‌تری دارند.

روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا رقم مربوط به مدیریت سود شرکت‌های نمونه در بازه زمانی تحقیق محاسبه شد. این کار با استفاده از مدل تعدیل شده جونز و اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه انجام گرفت. سپس متغیرهای اثرگذار بر مدیریت سود که با توجه به ادبیات تحقیق مشخص شده است، در ایجاد ساختار تخمینگر بردار پشتیبان، تخمینگر حداقل درجه و شبکه عصبی فازی استفاده شد. داده‌های تاریخی شرکت‌های نمونه در خصوص متغیرهای اثرگذار در مدیریت سود و رقم محاسبه شده برای مدیریت سود، برای آموزش استفاده می‌شود. پس از اتمام آموزش، به پیش‌بینی مدیریت سود پرداخته می‌شود.

نتایج حاصل از سه روش را با داده‌های تاریخی مربوط به مدیریت سود (محاسبه شده از طریق مدل تعدیل شده جونز) مورد مقایسه قرار داده و بررسی مقایسه‌ای در خصوص توانایی سه روش مذکور در کشف مدیریت سود صورت می‌گیرد. بنابراین فرضیه‌های تحقیق عبارت است از:

فرضیه ۱: دقت تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) نسبت به تخمینگر حداقل درجه (LARS) در پیش‌بینی مدیریت سود بیشتر است.

فرضیه ۲: دقت تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) نسبت به شبکه عصبی فازی (ANFIS) در پیش‌بینی مدیریت سود بیشتر است.

فرضیه ۳: دقت تخمینگر حداقل درجه (LARS) نسبت به شبکه عصبی فازی (ANFIS) در پیش‌بینی مدیریت سود بیشتر است.

روش گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات مربوط به پیشینه و مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز جهت بررسی و آزمون فرضیه با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی نرم افزار ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز استخراج گردیده است. به طور خاص، برای جمع‌آوری داده‌های متغیرهای مالی تحقیق، از صورت‌های مالی سالانه استفاده شده است.

قلمرو تحقیق

جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق، از اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۷ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای این تحقیق از نمونه‌گیری غربال‌گری (حذف سیستماتیک)، بر اساس شرایط مشخص شده برای ورود هر مشاهده به نمونه، استفاده شده است. لذا نمونه تحقیق، دربرگیرنده تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به جز موارد ذیل می‌باشد:

الف- شرکت‌هایی با سال مالی منتهی به تاریخی غیر از پایان اسفند ماه

ب- شرکت‌های واسطه‌گری مالی.

ج- شرکت‌هایی که تغییر سال مالی داشته‌اند.

پس از اعمال موارد فوق تعداد ۱۱۰ شرکت (۷۷۰سال-شرکت) جهت آزمون فرضیه انتخاب گردید.

متغیر وابسته

در این تحقیق از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود. برای تعیین سطح اقلام تعهدی اختیاری از الگوی تعدیل شده جونز استفاده می‌شود (بزرگ اصل، غفارپور؛ ۱۳۹۱).

متغیرهای مستقل (متغیرهای پیش‌بینی‌کننده) عبارتند از:

- نسبت بدهی (کل بدهی تقسیم به کل دارایی)
- نسبت عملکرد (سود تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره)
- اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها)

- وجه نقد حاصل از عملیات
- نوع حسابرس (اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد، کد یک و در غیر این صورت، کد صفر را خواهد گرفت).
- تغییر حسابرس
- اهرم مالی (تقسیم بدهی‌های بلندمدت بر مجموع حقوق صاحبان سهام و بدهی‌های بلندمدت)
- سود (زیان) ویژه پس از کسر مالیات

طراحی، آزمون و نتایج پیش‌بینی

پیش‌بینی‌های هوشمند برای طراحی، نیازمند دو دسته داده آموزشی و داده‌های آزمون می‌باشند. از داده‌های آموزشی به منظور پیدا کردن رابطه‌ی بین ورودی‌ها و خروجی‌ها استفاده می‌شود. در این تحقیق داده‌های مربوط به شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ جهت آموزش در نظر گرفته شدند و برای ارزیابی عملکرد مدل استفاده می‌شوند که در این پژوهش، داده‌های سال ۹۱ برای آزمایش مدل استفاده شدند و با استفاده از نرم‌افزار مطلب این کار صورت می‌گیرد.

بعد از به دست آوردن اقلام تعهدی اختیاری، جهت بهبود نتیجه پیش‌بینی می‌بایست این اقلام به صورت کیفی طبقه‌بندی شوند. به دلیل اینکه ۹۶٪ داده‌ها بین بازه ۰/۴ تا ۰/۴- قرار گرفتند این بازه به عنوان بازه شناسایی مدیریت سود جهت طبقه‌بندی در نظر گرفته شد. پس از مرتب کردن این بازه به ترتیب صعودی به نزولی، این بازه به ۴ قسمت مساوی تقسیم گردید. ۲۵٪ بالایی داده‌ها یعنی شرکت-سال‌هایی که عدد اقلام تعهدی اختیاری آن‌ها بین ۰/۲ تا ۰/۴ بود به عنوان سال‌هایی با مدیریت سود افزایشی در نظر گرفته شد و به آن برچسب ۱ به عنوان خروجی الگوریتم‌های هوشمند داده شد. به همین ترتیب ۲۵٪ پایین داده‌ها که بازه اقلام تعهدی اختیاری آن‌ها بین ۰/۲- تا ۰/۴- بود به عنوان مدیریت سود کاهنده طبقه‌بندی شد و برچسب ۱- به آن داده شد. به ۵۰٪ باقیمانده که رقم اقلام تعهدی آن بین ۰/۲- تا ۰/۲ بود برچسب ۰ داده شد که بیانگر مدیریت سود نزدیک به صفر می‌باشد.

الگوریتم رگرسیون بردار پشتیبان

الگوریتم SVR شامل سه نوع تابع می‌باشد که هر تابع شامل سه پارامتر عرض از مبدا (C) و پس‌ماند و پارامتر کرنل می‌باشد. جهت انتخاب تابع برتر از میان سه نوع تابع الگوریتم SVR (linear, Polynomial و RBF) از آزمون و خطا استفاده شد و تابعی با نرخ تشخیص بالاتر به عنوان تابع برتر انتخاب گردید.

الگوریتم تخمینگر حداقل درجه

الگوریتم لارس، ابزاری برای تشخیص این که کدام متغیرها باید در مدل منظور شوند، به همراه ضرایب هر متغیر است. این روش در سال ۲۰۰۴ توسط افرون، هستی، جانستون و تیشیرانی ارائه شد (افرون و همکاران، ۲۰۰۴).

الگوریتم شبکه عصبی فازی

این الگوریتم شامل پنج تابع می‌باشد. جهت انتخاب تابع برتر از آزمون و خطا استفاده شد و تابعی با نرخ تشخیص بالاتر به عنوان تابع برتر انتخاب گردید.

ارزیابی الگوریتم‌ها:

معیارهای ارزیابی الگوریتم‌های SVR، LARS و ANFIS به شرح زیر می‌باشد:

نرخ تشخیص: عبارتست از تعداد داده‌هایی که کلاس آنها درست تشخیص داده شده تقسیم بر تعداد کل داده‌ها. هر چه این معیار بیشتر باشد بهتر است.

معیار اصلی جهت مقایسه توانایی توابع مختلف در شناسایی سطح مدیریت سود نرخ تشخیص می‌باشد. چهار معیار دیگر هم که به بررسی آنها پرداخته می‌شود عبارتند از:

TP (True Positive): عبارتست از نرخ داده‌هایی که به درستی به دسته مورد نظر تعلق پیدا کرده‌اند. هر چه این معیار بیشتر باشد، بهتر است.

TN (True Negative): عبارتست از نرخ داده‌هایی از کلاس مورد نظر که به اشتباه در دسته‌های دیگر طبقه‌بندی شده‌اند. هر چه این معیار کمتر باشد، بهتر است.

FP (False Positive): نرخ داده‌هایی از کلاس‌های دیگر که به اشتباه در کلاس مورد نظر طبقه‌بندی شده‌اند و هر چه این معیار کمتر باشد، بهتر است.

FN (False Negative): نرخ داده‌هایی که متعلق به کلاس مورد نظر نیستند و سیستم هم به درستی آنها را در دسته‌های دیگر قرار داده است. هر چه این معیار بیشتر باشد، بهتر است.

معیار اصلی جهت مقایسه توانایی توابع مختلف شبکه عصبی فازی، نرخ تشخیص است اما جهت افزایش قابلیت اطمینان آزمون از چهار معیار دیگر نیز استفاده شده است. رویه کلی به این صورت است که از بین توابع مختلف، تابعی که دارای نرخ تشخیص، TP و FN بالاتر باشد و دو معیار TN و FP در آن کمتر باشد، به عنوان تابع برتر در پیش‌بینی سطح مدیریت سود انتخاب می‌شود.

پیاده سازی الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان

در الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان (SVR)، سه تابع LINEAR، polynomial و RBF همراه با معیارهای سنجش به صورت نگاره زیر است.

نگاره (۱): بکارگیری الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان برای پیش‌بینی مدیریت سود

kernel تابع	پارامتر کرنل	نرخ تشخیص تست	TP	TN	FP	FN
Linear	-	۸۰/۰۰	۰/۸	۰/۲	۰/۱۰۴	۰/۸۹۵
Polynomial	۲	۷۶/۳۶	۰/۷۶۳	۰/۲۳۶	۰/۱۱۸	۰/۸۸۱
RBF	۱	۷۷/۲۷	۰/۷۷۲	۰/۲۲۷	۰/۱۱۳	۰/۸۸۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نگاره ۱ و آگاهی از این موضوع که هر چه نرخ تشخیص بیشتر باشد، قدرت آن تابع در پیش‌بینی مدیریت سود بیشتر است، تابع Linear به عنوان تابع برتر از بین سه تابع الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان انتخاب گردید.

پیاده سازی الگوریتم تخمینگر حداقل درجه

نگاره (۲): بکارگیری الگوریتم تخمینگر حداقل درجه برای پیش‌بینی مدیریت سود

نرخ آموزش	نرخ تشخیص تست	TP	TN	FP	FN
۷۶/۳۶	۷۹/۰۹	۰/۷۹۰	۰/۲۰۹	۰/۱۰۴	۰/۸۹۵

نگاره ۲ نشان‌دهنده معیارهای ارزیابی پیش‌بینی مدیریت سود توسط الگوریتم تخمینگر حداقل درجه است.

پیاده سازی الگوریتم شبکه عصبی فازی

توابع مختلف شبکه عصبی فازی عبارتند از:

Sigmf3: تابع سیگموئید سه عضوی

Sigmf4: تابع سیگموئید چهار عضوی

Trimf: تابع مثلثی دو عضوی

Gaussmf: تابع گاوسین سه عضوی

Trapmf: تابع ذوزنقه‌ای چهار عضوی

معیار سنجش دقت توابع در پیش‌بینی مدیریت سود عبارت است از نرخ تشخیص، بدین صورت که تابع با نرخ تشخیص بالاتر به عنوان تابع برتر انتخاب می‌شود. از بین پنج تابع شبکه عصبی فازی، تابع سیگموئیدی با تعداد ۳ عضو، به دلیل بالاتر بودن نرخ تشخیص به عنوان بهترین تابع در پیش‌بینی مدیریت سود انتخاب شد. این تابع به عنوان تابع برتر شبکه عصبی فازی با تابع برتر تخمینگر بردار پشتیبان و تخمینگر حداقل درجه مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. همانطور که ذکر شد معیار اصلی جهت مقایسه توانایی توابع مختلف شبکه عصبی فازی، نرخ تشخیص است اما جهت افزایش قابلیت اطمینان آزمون از چهار معیار دیگر نیز استفاده شده است. رویه کلی به این صورت است که از بین توابع مختلف تابعی که دارای نرخ تشخیص، TP و FN بالاتر باشد و دو معیار TN و FP در آن کمتر باشد، به عنوان تابع برتر در پیش‌بینی سطح مدیریت سود انتخاب می‌شود.

نگاره (۳): بکارگیری توابع شبکه عصبی فازی برای پیش‌بینی مدیریت سود

FN	FP	TN	TP	نرخ تست	تعداد تابع	نوع تابع عضویت	تابع عضویت
۰/۷۹۳	۰/۲۰۶	۰/۲۳۵	۰/۷۶۴	۷۶/۴۷	۳	سیگموئید	Sigmf
۰/۷۷۷	۰/۲۲۲	۰/۴۴۵	۰/۵۵۴	۵۵/۴۵	۴	سیگموئید	Sigmf
۰/۷۳۶	۰/۲۶۳	۰/۵۲۷	۰/۴۷۲	۴۷/۲۷	۲	مثلثی	Trimf
۰/۸۶۸	۰/۱۳۱	۰/۲۶۳	۰/۷۳۶	۷۳/۶۳	۳	گاو سین	Gaussmf
۰/۷۳۶	۰/۲۳۶	۰/۴۷۲	۰/۵۲۷	۵۲/۷۲	۴	دوزنقه‌ای	Trapmf

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نمودار تابع sigmf3 (تابع سیگموئید سه عضوی) به دلیل بالاتر بودن نرخ تشخیص به عنوان تابع برتر انتخاب شد.

همانطور که نتایج نشان داد، از بین توابع سه گانه الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان، تابع Linear به عنوان تابع برتر شناسایی شد. نتایج آزمون توابع شبکه عصبی، نشان‌دهنده توانایی بالاتر تابع سیگموئیدی با سه عضو بود. بنابراین این دو الگوریتم با این توابع جهت مقایسه با الگوریتم تخمینگر بردار پشتیبان انتخاب گردید.

مقایسه دقت پیش‌بینی سه الگوریتم با استفاده از معیار نرخ تشخیص

نگاره (۴): مقایسه دقت پیش‌بینی سه روش با استفاده از معیار نرخ تشخیص

نرخ تشخیص تست	روش
۷۶/۴۷	شبکه عصبی فازی
۸۰	تخمینگر بردار پشتیبان
۷۹/۰۹	تخمینگر حداقل درجه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نرخ تشخیص بالاتر، بیانگر توانایی بیشتر در پیش‌بینی مدیریت سود می‌باشد. با توجه به نتایج نگاره ۴، مقایسه دقت پیش‌بینی سه روش حاکی از دقت بالاتر تخمینگر بردار پشتیبان است. نتایج، نشان‌گر بالاتر بودن نرخ تشخیص تخمینگر بردار پشتیبان (۸۰٪) و در نتیجه دقت بالاتر آن نسبت به شبکه عصبی فازی (۷۶/۴۷٪) و تخمینگر حداقل درجه (۷۹/۰۹٪) می‌باشد. همان‌طور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، نرخ تشخیص تخمینگر حداقل درجه بیشتر از شبکه

عصبی فازی است و این بدان معنی است که قدرت پیش‌بینی مدیریت سود روش تخمینگر حداقل درجه، بیشتر از روش شبکه عصبی فازی می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، توانایی تخمینگر بردار پشتیبان در پیش‌بینی مدیریت سود از دو روش دیگر بیشتر است و روش تخمینگر حداقل درجه از شبکه عصبی فازی توانایی بیشتری در پیش‌بینی مدیریت سود دارد. ترتیب توانایی سه روش در پیش‌بینی مدیریت سود عبارت است از:

۱- تخمینگر بردار پشتیبان ۲- تخمینگر حداقل درجه ۳- شبکه عصبی فازی

آزمون فرضیه‌ها:

فرضیه اول:

مقایسه نرخ تشخیص محاسبه شده دو روش تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) با نرخ تشخیص ۸۰ و تخمینگر حداقل درجه (LARS) با نرخ تشخیص ۷۹/۰۹ در پیش‌بینی مدیریت سود، بیانگر توانایی بالاتر روش تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) می‌باشد، لذا فرضیه اول که به مقایسه دقت دو مدل مذکور در پیش‌بینی مدیریت سود می‌پردازد، مورد تأیید قرار گرفته است. نصیرزاده و نیک‌روش (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که روش تخمینگر بردار پشتیبان نسبت به تخمینگر حداقل درجه، توانایی بالاتری جهت پیش‌بینی قیمت سهام دارد، که با نتایج آزمون این فرضیه در پیش‌بینی قیمت سهام یکسان می‌باشد.

فرضیه دوم:

مقایسه نرخ تشخیص محاسبه شده دو روش تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) با نرخ تشخیص ۸۰ و شبکه عصبی فازی (ANFIS) با نرخ تشخیص ۷۶/۴۷ در پیش‌بینی مدیریت سود، بیانگر توانایی بالاتر روش تخمینگر بردار پشتیبان (SVR) می‌باشد، لذا فرضیه دوم که به مقایسه دقت دو مدل مذکور در پیش‌بینی مدیریت سود می‌پردازد، مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های کارا و همکاران نشان دهنده عملکرد بهتر شبکه عصبی نسبت به مدل ماشین بردار پشتیبان است که با نتایج آزمون این فرضیه متفاوت می‌باشد.

فرضیه سوم:

مقایسه نرخ تشخیص محاسبه شده دو روش تخمینگر حداقل درجه (LARS) با نرخ تشخیص ۷۹/۰۹ و شبکه عصبی فازی (ANFIS) با نرخ تشخیص ۷۶/۴۷ در پیش‌بینی مدیریت سود، بیانگر توانایی بالاتر روش تخمینگر حداقل درجه (LARS) می‌باشد، لذا فرضیه سوم که به مقایسه دقت دو مدل مذکور در پیش‌بینی مدیریت سود می‌پردازد، مورد تأیید قرار گرفته است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیق نصیرزاده و نیک‌روش (۱۳۹۲) متفاوت است. نتایج تحقیق آنان نشان‌دهنده توانایی بالاتر شبکه عصبی فازی نسبت به تخمینگر حداقل درجه در پیش‌بینی قیمت سهام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در بین ابزارهای مدیریت سود، ارقام تعهدی حسابداری، به ویژه ارقام تعهدی اختیاری، ساده‌ترین راه برای دست‌کاری کردن و در عین حال سخت‌ترین راه از نظر شناسایی است. در این مقاله ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود در نظر گرفته شد و بر این اساس به پیش‌بینی سطح مدیریت سود با استفاده از سه روش هوش مصنوعی پرداخته شد. در این پژوهش از بین توابع سه گانه الگوریتم SVR، تابع Linear به عنوان بهترین تابع در پیش‌بینی مدیریت سود انتخاب و جهت مقایسه با الگوریتم LARS و شبکه عصبی فازی ANFIS مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از دقت بالای هر سه مدل و نرخ تشخیص نزدیک به هم در پیش‌بینی مدیریت سود می‌باشد. در نهایت الگوریتم SVR با دقت ۷۶/۶۷٪ در مرحله آموزش و ۸۰٪ در مرحله آزمون به عنوان روش بهتر برای پیش‌بینی سطح مدیریت سود انتخاب گردید.

پی‌نوشت

- | | | |
|----------------------------|------------------------------------|---------------------------------|
| ۱ Mean Squared Error (MSE) | ۲ Normal Mean Squared Error (NMSE) | ۳ Mean Absolute Deviation (MAD) |
|----------------------------|------------------------------------|---------------------------------|

منابع

- ابراهیمی، کردلر، علی و سیدی، سید عزیز. (۱۳۸۷). نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. (۵۴).
- اصلانی، زهرا؛ حجازی، رضوان؛ محمدی، شاپور؛ آقاجانی، مجید. (۱۳۹۱). پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه عصبی و درخت تصمیم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۲، صص ۴۶-۳۱.
- حجازی، رضوان؛ محمدی، شاپور؛ اصلانی، زهرا؛ آقاجانی، مجید. (۱۳۹۱). پیش‌بینی مدیریت سود با استفاده از شبکه عصبی و درخت تصمیم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۱۹). ۴۶-۳۱.
- راعی، رضا و سعید فلاح‌پور. (۱۳۸۷). کاربرد ماشین بردار پشتیبان در پیش‌بینی در ماندگی مالی شرکت‌ها با استفاده از نسبت‌های مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. (۵۲): ۳۴-۱۷.
- سجادی، سید حسین، منصور زاده‌نژاد و علیرضا جعفری. (۱۳۸۸). ویژگی‌های غیرمالی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۵۷): ۶۸-۵۱.
- شیردل، جواد. (۱۳۸۸). مقایسه مدیریت سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و سایر اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.
- کردستانی، غلامرضا؛ معصومی، جواد؛ بقایی، وحید. (۱۳۹۲). پیش‌بینی سطح مدیریت سود با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی. *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، (۵)، ۱۹۰-۱۶۹.
- مشایخی، بیتا؛ بیرامی، هانیه؛ بیرامی، هانی؛ اخلاقی، ساراسادات. (۱۳۹۱). کشف مدیریت سود با استفاده از شبکه‌های عصبی. *مجله‌ی مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، شماره یازدهم.
- مشایخی، بیتا؛ گنجی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت سود بر پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از شبکه‌ی عصبی مصنوعی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، (۲۲)، ۱۴۷-۱۷۳.
- مشایخی، بیتا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۴۲).
- مهرانی، کاوه و زهره عارف‌منش. (۱۳۸۷). بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۵، (۵۱): ۳۷-۵۶.

- نصیرزاده، فرزانه و زهرا نیک روش. (۱۳۹۲). ارزیابی توانایی مدل‌های داده کاوی در پیش‌بینی قیمت سهام. یازدهمین همایش ملی حسابداری، دانشگاه فردوسی.
- نوروش، ایرج، محمدرضا نیک‌بخت و سحر سپاهی. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله علوم اجتماعی و انسانی*. دانشگاه شیراز، (۴۳).
- Barth, M. E. Elliott, J. A. & Finn, M. W. (1999). Market rewards associated with patterns of increasing earning. *Journal of Accounting Research (autumn)*, 387-413.
- Becker. C. L. Defond, J. Jiarrbalvo, k. R. & Subramanian. (1998). The Effect of audit quality on earning management. *Contemporary Accounting Research*, 15 (1), 1-24.
- Chen, Mu-Yen. (2013). A hybrid ANFIS model for business failure prediction utilizing particle swarm optimization and subtractive clustering. *Information Sciences*. Volume 220, Pages 180–195.
- Demski, J. & Sappington. D. E. M. (1990), Fully revealing income measurement. *The Accounting Review (April)*. Pp. 363 – 383.
- Efron, B. Hastie, T. Johnstone, I. & Tibshirani, R. (2004). Least Angle Regression. *The Annals of Statistics*, 32 (2), 407–499.
- Francis, J. R., Maydew, E. L., & Spark, H. C. (1999). The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 18, 17-34.
- Frankel, r. m. Johnson, M. F. & Nelson, k. k. (2002). The relation between auditors fees for non audit services and earnings management. *Accounting Review 77 (Supplement)*, 71-105.
- Gunasekaran, M, Ramaswami, K. S and Karthik, S. (2013). Integration of SRA, ANFIS and CAPM for stock portfolio management. *CSI Transactions on ICT. Volume 1, Issue 4*, pp 291-300.
- Jones, S. & Sharma, R. (2001). The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia Old and New Economics. *Journal of Managerial Finance*, 27, 18-39.
- Lee, B. B. & Choi, B. (2002). Company size, auditor type, and earnings management. *Journal of Forensic Accounting*, (3), 27-50.
- Lee, J. Z. Hsu, s. w. & Chen, J. F. (2003). The relationship between non-audit services and abnormal accruals. *The International Journal of Accounting Studies*, 37, 1-30.
- Lin, K. Z. (2006). The impact of tax holidays on earnings management: An empirical study of corporate reporting behavior in a developing-economy framework. *The International Journal of Accounting*, 41 (2), 163-175.

- Ming-Chi Lee, (2009). Using support vector machine with a hybrid feature selection method to the stock trend prediction, Department of Computer Science and Information Engineering, National Pingtung Institute of Commerce, No. 51 Minsheng E. Rd. , Pingtung 900, Taiwan, ROC.
- Nagy, A. L. (2005). Mandatory audit firm turnover. Financial reporting quality, and bargaining power. The case of Arthur Andersen, *Accounting Horizons*, *Accounting Horizons (June)* , 51-68.
- Nakamori, Wei, H., Wang, Y. (2005) , Forecasting stock market movement direction with support vector machines, *Computer & Operations movement direction with support vector machines*, *Computer & Operations*.
- Shih, K. H. , Cheng, C. C. , & Wang, Y. H. (2011) , Warning for Manufacturing Industry Using Logistic Regression and Neural Network. *Romanian Journal of Economics Forecasting*, 54-71.
- Tsai, chin – fong & yen-jiun chiou. (2009). Earning management prediction: A pilot study of combining neural networks and decision trees. *Expert systems, with applications*, (36) ,7183-7191.
- Tucker, J. W. & Zarowin, P. A. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness? *The Accounting Review*, 81 (1) ,251-270.
- Vapnik, V. (1995). *The Nature of Statistical Learning Theory*. Springer-Verlag, New York, 1995 ISBN 0-387-94559-8.
- Young, C. S. & wu, S. J. (2003). CEO pay-performance sensitivity, performance threshold and discretionary accounting choices –an empirical study. *The International Journal of Accounting Studies*, 36, 55-87.
- Yu, Q. Du, B. & Sun, Q. (2006). Earning management at rights issues thresholds – evidence from China. *Journal of Banking Finance*, 30 (12) , 3453-3468

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۷ - ۱۴۲

بررسی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرس

شیرکو هرمزی*، هاشم نیکومرام**، رمضانعلی رویایی***، فریدون رهنمای رودپشتی****

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی سوگیری‌های روانشناختی فردی است که می‌تواند بر اعمال تردید حرفه‌ای توسط حسابرس تأثیرگذار باشد. شناسایی این سوگیری‌ها می‌تواند به حسابرسان کمک کند توانایی‌های خود برای اعمال تردید حرفه‌ای در فرایند قضاوت حرفه‌ای را با بکارگیری یک فرایند تصمیم‌گیری موثر بهبود بخشند. بدین منظور تأثیر سه سوگیری روانشناختی فردی اطمینان بیش از اندازه، نقطه اتکا و در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس از طریق ۳۵۰ پرسشنامه‌ای که در بین حسابرسان شاغل در سازمان حسابداری و موسسات حسابداری خصوصی توزیع شد، مورد بررسی قرار گرفت. از پرسشنامه‌های توزیع شده ۱۵۸ پرسشنامه بطور کامل پاسخ داده شده بود و مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از روش آماری جداول توافقی تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که هر سه سوگیری مورد بررسی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان تأثیر منفی دارند و وجود این سوگیری‌ها توانایی حسابرسان برای اعمال سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای در فرایند حسابداری را کاهش می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: سوگیری اطمینان بیش از اندازه، سوگیری نقطه اتکا، سوگیری در دسترس بودن، تردید حرفه‌ای حسابرس.

طبقه بندی موضوعی: M42

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.2627

* دانشجوی دکتری رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، نویسنده مسئول،

haj_hormozi@yahoo.com

** استاد گروه مالی و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

*** دانشیار گروه مالی و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

culturalmanagement@srbiau.ac.ir

**** استاد گروه مالی و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. rahnama.roodposhti@gmail.com

مقدمه

گروه‌های مختلفی از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را برای تصمیمات اقتصادی خود بکار می‌گیرند. اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی، تأثیر عمده‌ای بر تصمیمات افراد برای استفاده از صورت‌های مالی دارد. اطلاعات مالی قابل اتکا برای ایجاد اطمینان برای شرکت‌کنندگان در بازار سرمایه حیاتی است. زنجیره اطلاعات گزارشگری مالی دربرگیرنده ذینفعان زیادی است که اهمیت گزارشگری مالی قابل اتکا را افزایش می‌دهد.

حسابرسان مستقل، نقش مهمی در فرایند گزارشگری مالی بازی می‌کنند. حسابرسان نسبت به اینکه صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق چارچوب گزارشگری مالی تهیه شده است یا خیر، اظهار نظر می‌کنند (استاندارد حسابرسی ۲۰۰). استانداردهای حسابرسی، حسابرس را ملزم به اعمال قضاوت حرفه‌ای و تردید حرفه‌ای در تمام مراحل برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی می‌کند. تردید حرفه‌ای یکی از اصول اساسی حرفه حسابرسی است. تردید حرفه‌ای شامل ارزیابی نقادانه شواهد حسابرسی متناقض و قابلیت اتکای اسناد و مدارک و نتایج پرس‌وجوها و سایر اطلاعات اخذ شده از مدیران اجرایی و ارکان راهبری واحد تجاری است. تردید حرفه‌ای همچنین شامل بررسی کفایت و مناسب بودن شواهد حسابرسی کسب شده با توجه به شرایط موجود است (استاندارد حسابرسی ۲۰۰). اخیراً انتقاداتی از حسابرسان صورت گرفته است که تردید حرفه‌ای کافی در ارتباط با برآوردهای حسابداری پیچیده اعمال نکرده‌اند (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۰۸؛ براتن و همکاران، ۲۰۱۳). پژوهش‌های پیشین عدم کفایت تردید حرفه‌ای را به قصور حسابرس و ادعاهای نادرست حسابرسی ارتباط می‌دهند (بیزلی و همکاران ۲۰۰۱؛ اندرسون و ولف ۲۰۰۲).

تمام افراد از یک فرایند فطری برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مختلف برخوردار هستند. با وجود این، هنگامی که افراد با تمایلات و دام‌های بالقوه قضاوتی برخورد می‌کنند، همیشه توانایی غلبه بر این سوگیری‌های قضاوتی را ندارند. از سوی دیگر، توانایی فطری یا تجربه می‌تواند برای اعمال قضاوت حرفه‌ای مناسب بسیار مفید باشد. زمانی که در مورد یک اقدام تصمیم گرفته می‌شود، فرد بر شواهد یا جایگزین‌هایی متمرکز می‌شود که از عمل انتخاب شده پشتیبانی کند و این موضوع باعث ایجاد سوگیری در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (هارمون-جونز و هارمون-جونز ۲۰۰۲). مطالعات متعددی بیان می‌کنند که حسابرسان تمایل

دارند با مشتریان سازش کنند، و این تمایل به جستجوی جانبدارانه برای شواهد و فرایند حسابرسی منجر می‌شود (لاندگرن و پریسلین، ۱۹۹۸، هاکن برک و نلسون ۱۹۹۸؛ کادوس و همکاران، ۲۰۰۳، مونتاک، ۲۰۱۰).

از آنجایی که حسابرسان در محیط سازمانی که در آن حضور دارند با افراد و گروه‌های مختلفی در تعامل هستند، ممکن است در فرایند قضاوت حرفه‌ای خود، تحت تأثیر عوامل مختلف روانشناختی، اجتماعی-روانشناختی و محیطی قرار گیرند، به گونه‌ای نتوانند سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای را اعمال کنند. در این پژوهش به مسئله تعیین عوامل مختلف روانشناختی تأثیرگذار بر تردید حرفه‌ای حسابرسان پرداخته می‌شود.

تردید حرفه‌ای

دانشگاهیان در تعریف تردید حرفه‌ای به یک هماهنگی کامل نرسیده‌اند. بطور کلی دو دیدگاه در این حوزه وجود دارد. رویکرد اول به عنوان بی‌طرفی شناخته شده است. این رویکرد بیان می‌کند که حسابرس نه به شکل کورکورانه اعتماد می‌کند و نه به مدیریت بی‌اعتماد است. بی‌طرفی حسابرس به رویکردی اشاره دارد که در آن حسابرس فرض می‌کند که در ادعاهای مدیریت هیچ سوگیری وجود ندارد (نلسون، ۲۰۰۹). کوشینگ (۲۰۰۰) بیان می‌کند که حسابرس باید تلاش کند در زمان شکل دادن به باورهایش تحت تأثیر سوگیری‌ها قرار نگیرد؛ هیچ سوگیری نباید وجود داشته باشد، نه مثبت (نیک گمان) و نه منفی (بد گمان).

برخی دیگر تردید حرفه‌ای را نقطه مقابل اعتماد، یا به عبارتی «تردید منطقی» تعریف می‌کنند و معتقدند که این دیدگاه توسط استانداردهای حسابرسی نیز پذیرفته شده است (راسو، ۲۰۱۴). طبق استانداردهای حسابرسی، تردید حرفه‌ای شامل ارزیابی نقادانه شواهد حسابرسی متناقض و قابلیت اتکای اسناد و مدارک و نتایج پرس‌وجوها و سایر اطلاعات اخذ شده از مدیران اجرایی و ارکان راهبری واحد تجاری است. تردید حرفه‌ای همچنین شامل بررسی کفایت و مناسب بودن شواهد حسابرسی کسب شده با توجه به شرایط موجود است (استاندارد حسابرسی ۲۰۰). در اعمال تردید حرفه‌ای، حسابرس نباید تصور کند که مدیریت صادق نیست و همچنین نباید تصور کند که صداقت کامل دارد. بنابراین، حسابرس نباید با این تصور که مدیریت صادق است، به کمتر از شواهد متقاعدکننده راضی باشد.

یانکووا (۲۰۱۵) بیان می‌کند که برخی از هیئت‌های حسابرسی و قانونگذاران در کنار انتظارات اجتماعی، تمایل دارند تردید حرفه‌ای را از زاویه تردید منطقی نگاه کنند. این نگرش به تفکر بی‌اعتمادی به صداقت مدیریت و جانبدارانه نبودن اظهارات و ادعاهای مدیریت اشاره دارد، مگر اینکه شواهد منطقی کافی وجود داشته باشد که بتواند این شک را برطرف کند. این دیدگاه را می‌توان چنین بیان کرد که «بدترین حالت فکر کن، و بهترین را تایید کن» (فیشر، ۲۰۱۲). نگرش تردید منطقی بیشتر توسط نلسون (۲۰۰۹) مورد تأکید قرار گرفته است که آن را به عنوان «با توجه به شواهد در دسترس، ارزیابی دقیق ریسک اینکه یک ادعا نادرست باشد» بیان می‌کند. او بر مبنای این تعریف، بیان می‌کند که حسابرسی که از سطح بالاتری از تردید حرفه‌ای برخوردارند، به منظور منطقی، صحیح و قابل پذیرش در نظر گرفتن یک ادعا، به دنبال شواهد معقول‌تر و متقاعدکننده‌تر خواهند بود. یانکووا (۲۰۱۵) بیان می‌کند که حوزه‌ای از پژوهش‌های حسابرسی که تردید حرفه‌ای را به عنوان عدم اعتماد تعریف می‌کنند در راستای این نگرش قرار دارند. شاب (۱۹۹۶) بیان می‌کند که با علم به اینکه حسابرسی کامل تمام معاملات عملاً امکانپذیر نیست، و حسابرس بایستی بر صحت حساب‌ها و ثبت‌های مالی حسابرسی نشده مشتری اتکا کند، اعتماد جزء فرایند حسابرسی محسوب می‌شود. کارمر (۱۹۹۹) بیان می‌کند که اعتماد کامل به مشتری می‌تواند تأثیر آسیب‌زایی بر تردید حرفه‌ای داشته باشد و کیفیت حسابرسی را خدشه‌دار کند.

درک موقعیتهایی که ممکن است در آن‌ها حسابرسان به صورت ناخودآگاه از میانبرهای قضاوتی استفاده کنند و درک این موضوع که در چه موقعیتهایی محرک‌های این میانبرها ممکن است به صورت ناخودآگاه بر آنها تأثیر گذارد، می‌تواند تشخیص زمانی که قضاوت‌های حسابرسان و اعمال تردید حرفه‌ای تحت تأثیر این سوگیری‌های سیستماتیک قرار می‌گیرد را تسهیل کند.

سوگیری‌های روانشناختی

اختلال عملکرد رفتار حسابرسان بیانگر اعمال مشخص حسابرس است که فرصت حسابرسی غیر استاندارد را فراهم می‌کند (دانلی و همکاران، ۲۰۰۳). این اختلالات رفتاری باعث می‌شود که فرایند حسابرسی توانایی گردآوری شواهد حسابرسی کافی و اتکاپذیر را نداشته باشد؛ که

این امر باعث می‌شود حسابرس در غیاب شواهد حسابرسی کافی و اتکاپذیر تصمیمات حرفه‌ای نادرستی را اتخاذ کند و در نتیجه، حسابرسی اثربخشی صورت نگیرد.

انجمن کیفیت حسابرسی ایالات متحده آمریکا، سه عامل استقلال، بیطرفی و تردید حرفه‌ای را به عنوان ستون‌های کیفیت حسابرسی بیان می‌کند. این انجمن بر این باور است که فرایند تصمیم‌گیری اثربخش حسابرس باعث ارتقای سه عامل مذکور می‌شود، که در نهایت توانایی حسابرس برای افزایش و مستند کردن قضاوت‌های حرفه‌ای در طول فرآیند حسابرسی را تقویت می‌کند (انجمن کیفیت حسابرسی ایالات متحده آمریکا، منابع قضاوت حرفه‌ای، ۲۰۱۴). حسابرسان می‌توانند قابلیت‌های قضاوت حرفه‌ای خود را با بکارگیری یک فرایند تصمیم‌گیری موثر بهبود بخشند تا تفکرات خود را در مسیر درست پیش برده و قادر باشند نسبت به تمایلات، دامها و جانبداری‌های قضاوتی خود آگاهی داشته باشند.

در برخی پژوهش‌ها تمایلات قضاوتی بالقوه‌ای که ممکن است به جانبداری قضاوتی حسابرس منجر شود، شناسایی شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تمایلات قضاوتی را می‌توان در چهار گروه سوگیری‌های روانشناختی تاییدخواهی، اطمینان بیش از حد، نقطه اتکا و در دسترس بودن دسته‌بندی کرد (انجمن کیفیت حسابرسی ایالات متحده آمریکا، منابع قضاوت حرفه‌ای، ۲۰۱۴). در میان این عوامل، سوگیری تاییدخواهی در حوزه روانشناسی اجتماعی قرار می‌گیرد و از آنجایی که در این پژوهش سوگیری‌های روانشناختی فردی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سوگیری تاییدخواهی از سوگیری‌های مورد بررسی حذف شده است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

سوگیری‌های روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

اطمینان بیش از اندازه

تمایل حسابرس برای برآورد بیش از میزان واقعی توانایی انجام کار یا ارزیابی دقیق ریسک یا سایر تصمیمات و قضاوت‌ها، بیانگر اطمینان بیش از اندازه حسابرس به خویش است. این سوگیری می‌تواند تمایل ناخودآگاهی باشد که حاصل انگیزه‌های فردی حسابرس می‌باشد. چنین تمایلی می‌تواند تلاش حسابرس برای بی‌طرف بودن را تحت تأثیر قرار دهد (انجمن حسابرسان داخلی ایالات متحده، ۲۰۱۴). در برخی موارد اطمینان بیش از اندازه می‌تواند منجر

به ناتوانی حسابرس در تشخیص دیدگاه‌ها یا شواهد نقض‌کننده شود (انجمن حساب‌رسان داخلی ایالات متحده، ۲۰۱۴).

بطور کلی، بخش عظیمی از افراد بر این باور هستند که در زمینه حرفه‌ای که در آن مشغول هستند موفقتر از بسیاری از افراد دیگر عمل می‌کنند. این خوش‌بینی در ارزیابی ریسک نیز وجود دارد، که اغلب باعث می‌شود که افراد ریسکی که با آن مواجه هستند را کمتر ارزیابی کنند. برخی از این خوش‌بینی‌های غیرمنطقی ریشه در اطمینان بیش از اندازه فرد به توانایی‌هایش دارد (پرنتایس، ۲۰۰۰). افراد معمولاً توانایی‌شان برای اتخاذ تصمیمات دقیق را نیز بیش از اندازه برآورد می‌کنند. خوش‌بینی می‌تواند باعث شود که حساب‌رسان تصور کنند که مشتریان‌شان از صداقت بالایی برخوردارند و وضعیت مالی آنها را بهتر از آنچه است ارزیابی کنند. هم‌چنین، در صورتی که حساب‌رسان در اثر خوش‌بینی، حساب‌رسی جامعی را انجام ندهند ممکن است تناقض‌ها را کشف نکنند، بویژه به این دلیل که اطمینان بیش از اندازه باعث می‌شود که حساب‌رسان تصور کنند که کار حساب‌رسی بهتر از آن چیزی که واقعاً انجام می‌دهند را انجام داده‌اند. از آنجایی که در برخی پژوهش‌های نشان داده شده است که اطمینان بیش از اندازه در وظایف پیچیده نسبت به وظایف ساده بیشتر است (کرن، ۱۹۸۷؛ لیش اشتین و همکاران، ۱۹۸۰)، انتظار می‌رود دنیای پیچیده حساب‌رسی جشنواره‌ای از این نوع سوگیری داشته باشد (پرنتایس، ۲۰۰۰).

بطور کلی، اطمینان بیش از اندازه می‌تواند منجر به توجه کمتر به درک موضوع و هدف حساب‌رسی، بررسی کمتر ترجیحات، دیدگاه‌ها و انتخاب‌های گزارشگری مدیریت، عدم توجه کافی به ماهیت روش‌های حساب‌رسی و راهکارهای جایگزین شود؛ که تمام این موارد می‌تواند به شکل اعمال تردید حرفه‌ای نامناسب ظاهر شود (گلوور و همکاران، ۲۰۱۳).

بر اساس مطالب ارائه شده، فرضیه فرعی اول به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه فرعی اول: اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حساب‌رس تأثیر منفی دارد.

سوگیری نقطه اتکا

تصمیم‌گیرندگان معمولاً به میزان زیادی تحت تأثیر ترتیب پردازش اطلاعات قرار می‌گیرند. برخی اوقات تصمیمات آنها تحت تأثیر اولین احساس آنها قرار می‌گیرد. این احساس به دلیل سوگیری تعدیل و نقطه اتکا است؛ بدین معنا که وقتی که تصمیم‌گیرندگان بر یک مقدار اولیه (نقطه اتکا) متمرکز می‌شوند، تلاش می‌کنند اطلاعاتی را بدست آورند تا پاسخ‌هایشان را در جهت مناسب، اما نه به اندازه کافی، تعدیل کنند. زمانی که فرد عقاید خود را پیکربندی می‌کند، حتی زمانی که فرد درمی‌یابد که مستندات می‌کنند. زمانی که باورهای وی است غیرقابل اتکا است، آن باورها به شدت تمایل به مقاومت دارد (فی، ۲۰۱۵).

فی (۲۰۱۵) معتقد است که حسابرسان و حسابداران در معرض این نوع سوگیری قرار می‌گیرند. وی بیان می‌کند از آنجایی که حسابرسان فرایند کار خود را با اعداد و ارقام ارائه شده توسط مدیریت (نقطه اتکا) شروع می‌کنند، بیشتر در معرض این سوگیری قرار می‌گیرند. بنابراین، سوگیری نقطه اتکا در فرایند تصمیم‌گیری زمانی رخ می‌دهد که شخص یک عدد یا مقدار مبنا (نقطه اتکا) را به عنوان اساس کار در نظر می‌گیرد. تعدیل نسبت به نقطه اتکا معمولاً کافی نیست و منجر به برآوردهای مقداری تورش دار یا همراه با سوگیری می‌شود.

پرنایس (۲۰۰۰) بیان می‌کند که در مراحل اولیه فرایند حسابرسی، حسابرسان با انبوهی از اطلاعات از سوی مشتری مواجه می‌شوند و در این مرحله تلاش کمی برای تایید یا رد اطلاعات در این مرحله انجام می‌دهند. این اطلاعات بر قضاوت حسابرس تأثیر می‌گذارد و احتمال می‌رود که با کسب اطلاعات بیشتر، به اندازه کافی در جهت حرکت نکنند که تحریف‌های مشتری را اصلاح کنند. شیوه دیگری از سوگیری نقطه اتکا ممکن است تصور «همانند سال گذشته» در برنامه حسابرسی باشد، که نقشه راهی را به مشتریان می‌دهد تا اعمال متقلبانه خود را پنهان کنند (بدارد و رایت، ۱۹۹۴).

این نوع سوگیری ممکن است باعث شود حسابرس، سایر رویکردها یا داده‌هایی که موقعیت یا موضوع خاصی را تایید می‌کنند، در نظر نگیرد؛ یا باعث شود حسابرس اطلاعات مربوطی که به سهولت در دسترس است را مورد توجه قرار ندهد؛ و به جای اینکه حسابرس مجموعه

روش‌های بیطرفانه‌تری را برای گردآوری داده‌ها استفاده کند، احتمال اینکه حسابرس از روش گردآوری داده‌ها بر مبنای قراردادهای قبلی استفاده کند را افزایش دهد (ویتک، ۲۰۱۳).

بنابراین، فرضیه فرعی دوم به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی دوم: سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

سوگیری در دسترس بودن

این سوگیری بیانگر تمایل بالقوه حسابرس برای در نظر گرفتن اطلاعاتی است که به عنوان محتمل‌ترین، مربوط‌ترین، و مهم‌ترین اطلاعات برای قضاوت، به راحتی قابل بازیابی باشند (یعنی حافظه اخیر). به بیان دیگر، اطلاعاتی که در حافظه حسابرس در دسترس تر باشد ممکن است به طور ناخودآگاه بر برآوردها، ارزیابی احتمالات، و سایر قضاوت‌های حرفه‌ای تأثیر بگذارد. (ویتک، ۲۰۱۳).

شوارتز (۲۰۰۴) بر این باور است که قضاوت می‌تواند هم بر مبنای محتوای اطلاعات مرتبط با قضاوت قرار گیرد و هم بر مبنای سهولت دسترسی ذهنی. زمانی که از حسابرس پرسیده می‌شود که حداقل تعداد نمونه چند است، چقدر انتظار می‌رود که عدد ۳۰ پاسخ وی باشد؟ عدد ۳۰ حداقل اندازه نمونه پیشنهادی در بسیاری از کتب آماری است و بنابراین بسیاری از حسابرسان عدد ۳۰ را به راحتی به عنوان حداقل اندازه نمونه در نظر می‌گیرند، بدون توجه به سطح اطمینان، خطای قابل قبول و موارد مشابه. از آنجایی که بیشتر حسابرسان ۳۰ را به عنوان مبنای تعداد نمونه در نظر می‌گیرند، این تعداد به اندازه‌ای مقبولیت پیدا کرده است که به یک «اصل پذیرفته شده» در بین حسابرسان تبدیل شده است. دلیل آن است که عدد ۳۰ به سهولت در ذهن در دسترس قرار می‌گیرد و اولین پاسخی است که به ذهن حسابرس خطور پیدا می‌کند (فیلیپ، ۲۰۱۱).

سوگیری در دسترس بودن زمانی رخ می‌دهد که تصمیمات فرد تحت تأثیر اطلاعاتی قرار می‌گیرد که به راحتی قابل یادآوری و دستیابی است. این سوگیری زمانی رخ می‌دهد که حسابداران و حسابرسان می‌خواهند برای مواردی نظیر نوسانات در حساب‌ها، جستجوی اطلاعات، و ارزیابی ریسک فرضیه سازی کنند. برای نمونه در ارتباط با نوسان حساب‌ها، فرد

ممکن است انگیزه پذیرش توضیحات ارائه شده توسط مدیریت به آسانی را داشته باشند، اما تصور احتمالات دیگر برای آنها ممکن است چالش برانگیزتر باشد. البته، این نوع سوگیری در کارهای گروهی ممکن است بیشتر احساس شود. برای نمونه، افراد ممکن است تصور کنند که قسمت بیشتری از کار را آنها انجام داده‌اند، زیرا کاری که خود انجام داده‌اند را به آسانی به خاطر می‌آورند (فی، ۲۰۱۵).

بر اساس مطالب ارائه شده، فرضیه فرعی سوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه فرعی سوم: سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

پیشینه پژوهش

شیلدز (۲۰۰۹) بیان می‌کند که نقطه شروع پژوهش‌های رفتاری در حوزه حسابرسی برنامه فرصت‌های پژوهش‌هایی در حسابرسی توسط KPMG در سال ۱۹۷۶ بود. تریمن (۲۰۱۱) بیان می‌کند که اولین پژوهش در حوزه قضاوت حسابرس در سال ۱۹۷۴ توسط اشتون صورت گرفت. در این دوران، بیشتر پژوهش‌های بر روی موضوعات شناختی و قضاوت و تصمیم‌گیری متمرکز بود. نچل (۲۰۰۰) بر این باور است که دلیل پیدایش پژوهش‌های در حوزه قضاوت در این موضوع نهفته است که حسابرسی «ذاتاً فرایندی قضاوتی» است. تریمن (۲۰۱۱) تأکید می‌کند که پژوهش‌های کانمن و تورسکی در زمینه سوگیری‌ها و ذهنیت‌ها در کنار بررسی نقش حافظه و سایر رویکردهای شناختی تأثیر چشمگیری بر پژوهش در این حوزه داشت. در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تردید حرفه‌ای به عنوان جزئی از فرایند حسابرسی پرداخته خواهد شد.

گریفیت و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان برآوردهای پیچیده حسابرسی: درک فرایند و مشکلات پیش‌رو تردید حرفه‌ای در حسابرسی را بررسی نمودند. بدین منظور آنها مصاحبه‌ای با ۲۴ حسابرس مجرب انجام دادند و از طریق تحلیل محتوای پاسخ‌های ارائه شده به سئوالات مطرح شده به این نتیجه رسیدند که حسابرسان به جای این که سعی کنند به طور مستقل مبالغ برآورد شده را تعیین کنند و سپس برآوردهای شان را با ارقام ارائه شده توسط مدیریت تطبیق دهند، بیشتر تمایل دارند که بر فرآیند حسابرسی مدیریت واحد صاحبکار متمرکز نمایند. حسابرسانی که بیش از حد بر اظهارات مدیریت اتکا می‌کنند، هنگامی که

شواهد بیرونی در تناقض با مفروضات مدیریت باشد نمی‌توانند متوجه این موضوع شوند و ناچارند که از نظر متخصصان بیرونی بهره‌گیرند و بر نظرات آنها نیز بیش از حد اتکا خواهند نمود.

کارپنتر و ریمرس (۲۰۱۲) تأثیر دیدگاه شرکا و وجود تقلب بر قضاوت‌ها و اقدامات حساب‌رسان نسبت به تقلب را از دیدگاه تردید حرفه‌ای در میان افراد حرفه‌ای در حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. آنها اجزای مدل تردید حرفه‌ای نلسون را مورد بررسی قرار دادند و پی بردند وقتی مدیران حسابرسی در قبال شریکی پاسخگو باشند که بر تردید حرفه‌ای تأکید می‌ورزد، نسبت به زمانی که در مقابل شریکی پاسخگو باشند که تأکید چندانی بر تردید حرفه‌ای نمی‌ورزد، آنگاه آنان ارزیابی‌های بیشتری از ریسک وقوع تقلب انجام می‌دهند و با استفاده از رویه‌های حسابرسی مناسب با ریسک تقلب مقابله خواهند نمود.

راسو (۲۰۱۳) در پژوهش خود تأثیر تفاسیر و طرز تفکر حساب‌رسان بر تردید حرفه‌ای حسابرس را بررسی نمود. وی دو طرز تفکر مکانیکی و تاملی را در میان حساب‌رسان مورد بررسی قرار داد. بدین منظور، وی ۵۸ حسابرس را از موسسات حسابرسی محلی و بین‌المللی که برآوردهای حسابداری پیچیده را بر عهده داشتند انتخاب نمود. وی ۱۱ سؤال را برای تشخیص طرز تفکر حساب‌رسان مطرح نمود و از طریق تحلیل محتوای پاسخ‌های دریافتی از حساب‌رسان طرز تفکر حسابرس را تشخیص داد. راسو طرز تفکر تاملی را دربرگیرنده بی‌طرفی، طرز تفکر باز، تعمق در پردازش و ارزیابی شواهد، و طرز تفکر مکانیکی را شامل ترجیح دادن و تمرکز بر یک راهکار، ملاحظات خاص در ارزیابی شواهد، بویژه شواهد تاییدکننده تفکر فرد تعریف می‌کند. وی با استفاده از معیارهای چندگانه تردید حرفه‌ای به این نتیجه رسید که حساب‌رسان دارای طرز تفکر تاملی نسبت به حساب‌رسانی که دارای طرز تفکر مکانیکی هستند، تردید حرفه‌ای بالاتری اعمال می‌کنند.

وسترمن و همکاران (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان تردید حرفه‌ای در عمل: بررسی تأثیر پاسخگویی بر تردید حرفه‌ای انجام دادند. آنها تلاش کردند با طرح سئوالات کمی و کیفی، عوامل ارتقا دهنده یا تقلیل دهنده تردید حرفه‌ای را شناسایی کنند. آنها با استفاده از چارچوب پاسخگویی پیچر، سالمن و ترتمن (۲۰۱۳)، پاسخ‌های ۷۷ حسابرس با تجربه کاری مختلف را برای جمع‌آوری نظرات استفاده کردند. به منظور بررسی تفصیلی‌تر، آنها شش مصاحبه با

پاسخ‌دهنده‌ها نیز برگزار نمودند. نتایج آنها بیانگر افراد شاغل در حرفه بر این باورند که تردید حرفه‌ای شرط لازم اما نه کافی، برای یک حسابرس کارآمد بودن است. همچنین، نتایج پژوهش آنها نشان داد که منابع پاسخگویی که قابل رهگیری به فرد است تأثیر شدیدتری بر تردید حرفه‌ای دارد. بر عکس، فشار بودجه زمانی و جمع‌آوری بیش از اندازه شواهد، تردید حرفه‌ای حسابرس را کاهش می‌دهد.

اندرسون (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر سوگیری پس‌نگر بر قضاوت حسابرسان باتجربه و کم‌تجربه درباره فرض تداوم فعالیت پرداخت. آنها این موضوع را بررسی کردند که زمانیکه حسابرسان از پیامد یک رویداد آگاهی دارند، تا چه میزانی مربوط بودن شواهد به نتایج را به درستی رتبه‌بندی می‌کنند و اینکه آیا تجربه حسابرس بر این رتبه‌بندی تأثیر دارد یا خیر. نتایج پژوهش آنها نشان داد که صرفنظر از اطلاعاتی که درباره پیامد رویداد فراهم شده بود، هر دوی حسابرسان باتجربه و کم‌تجربه نشانه‌های مربوط به عدم موفقیت واحد تجاری را مربوط‌تر از نشانه‌های موفقیت ارزیابی کردند. همچنین، وی به این نتیجه نیز دست یافت که به دلیل وجود سوگیری پس‌نگر، حسابرسانی که اطلاعاتی درباره عدم موفقیت واحد تجاری داشتند، در مقایسه با حسابرسانی که اطلاعاتی درباره نتیجه نهایی عملکرد واحد تجاری نداشتند، اهمیت بیشتری برای عوامل نامطلوب تأثیرگذار قائل بودند.

کوهن و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر چارچوب سازی بر جستجوی اطلاعات و ارزیابی اطلاعات در قضاوت‌های ارزش منصفانه حسابرس را بررسی کردند. آنها چارچوب‌های مختلف راهنمای حسابرسان (تاییدکننده ادعاهای مدیریت، مخالف با ادعاهای مدیریت، متوازن) در برآوردهای ارزش منصفانه و فرایندی که این آثار طی آن به وقوع می‌پیوندد را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که فراهم نمودن چارچوبی متوازن برای حسابرس، از طریق تأثیر بر شیوه ارزیابی اطلاعات، بر برآورد ارزش منصفانه توسط حسابرس تأثیر می‌گذارد، به نحوی که حسابرس شواهد متضاد را بیشتر از شواهد تاییدکننده مورد استفاده قرار می‌دهد. این امر باعث تصور وجود ریسک تحریف بااهمیت بالاتر می‌شود که در نهایت منجر به برآورد ارزش منصفانه به شیوه‌ای محافظه‌کارانه‌تر می‌شود.

یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان ارتباط بین شاخص‌های مکتب تردیدگرایی و کیفیت حسابرسی به وجود رابطه بین تردید حرفه‌ای حسابرس و کیفیت

حسابرسی را بررسی کردند. بدین منظور، آنها ۱۵۰ حسابرس را از ۱۰ موسسه حسابرسی به عنوان نمونه آماری انتخاب کردند. آنها با بررسی همبستگی بین تردید حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که هر چند عوامل زیادی بر کیفیت حسابرسی موثر است، اما تردید حرفه‌ای مولفه مهم تأثیرگذاری بر کیفیت حسابرسی است و این مولفه می‌تواند در صدور گزارش حسابرسی و کشف تحریف‌های بااهمیت تأثیر بسزایی داشته باشد.

حاجیها و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی در حوزه پژوهش‌های رفتاری در حسابرسی و با هدف بررسی ویژگیهای تردید حسابرس و رابطه آنها با قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس انجام دادند. جامعه آماری پژوهش آنها حسابرسان سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی بود که نمونه‌ای مشتمل بر یکصد نفر از حسابرسان با گروه‌های شغلی متفاوت سازمانی را دربرمی‌گرفت. آنها برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که چهار ویژگی تردید (اعتماد فردی، تعلیق در قضاوت، منبع کنترلی و شک و تردید حرفه‌ای) بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان موثرند. ولی بیشترین تأثیر مربوط به منبع کنترلی می‌باشد و هر چه توجه به آن بالا رود کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری نیز افزایش خواهد یافت.

معین‌الدین و فاضل (۱۳۹۳) پژوهشی را با هدف بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای و تجارب قبلی کار با مشتری بر ارزیابی اولیه قضاوت حسابرس انجام دادند. جامعه مورد استفاده آنها مشتمل بر ۱۵۶ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری شاغل در حرفه و مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های آزاد اسلامی یزد و فارس بود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه استاندارد شده بین‌المللی می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش آنها بیانگر این است که شک و تردید حسابرس بر ارزیابی اولیه قضاوت حسابرس تأثیرگذار است. همچنین، نتایج پژوهش مذکور نشان داد که تجربه قبلی کار با مشتری نیز بر ارزیابی اولیه قضاوت حسابرس موثر است.

رویایی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی رابطه بین شاخص‌های تردید حرفه‌ای و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان مستقل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را بررسی کردند. آنها با استفاده از پرسشنامه تعدیل شده هارت و همکاران نظرات ۱۵۰ حسابرس مستقل را جمع‌آوری کردند. آنها داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه‌ها را با استفاده از

روش‌های تحلیل عاملی و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج پژوهش آنها بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین تردید حرفه‌ای و قضاوت حرفه‌ای بود.

سپاسی و دیناربر (۱۳۹۴) یک مدل مفهومی برای تبیین تردید حرفه‌ای حسابداران رسمی ایران ارائه نمودند که رابطه میان عوامل مؤثر بر تردید حرفه‌ای را در قالب مشخصه‌های اصلی و فرعی نشان می‌دهد. ابزار جمع‌آوری داده، پرسشنامه بود که توسط نمونه‌ای از اعضای حسابداران رسمی ایران تکمیل گردید. داده‌های بدست آمده در این پژوهش با تکنیک‌های تحلیل عاملی اکتشافی و مدلسازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، شش عامل اصلی «خصوصیات فردی حسابرس»، «عملکرد حسابرس»، «ویژگی‌های کار حسابرسی»، «نظارت حرفه‌ای»، «مسائل روانشناختی» و «عوامل محیطی» از عوامل تأثیرگذار بر تردید حرفه‌ای حسابداران رسمی تعیین گردید. نتایج نشان داد که از میان این شاخص‌ها، عامل «مسائل روانشناختی» بر تردید حرفه‌ای حسابداران رسمی اثری ندارد، این در حالی است که از میان سایر عوامل اصلی اثرگذار، عامل «ویژگی‌های کار حسابرسی» بیشترین تأثیر را بر تردید حرفه‌ای حسابداران رسمی ایران دارد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان تبیین مولفه‌های تأثیرگذار بر تردید حرفه‌ای حسابرسان با تکیه بر ابعاد فردی انجام دادند. آنها از مدل ارائه شده توسط هارت برای تبیین مولفه‌های تأثیرگذار بر تردید گرایبی حسابرسان مستقل استفاده کردند و ارتباط میان مشخصه‌های فردی حسابرسان مستقل و تردید حرفه‌ای آنها، در میان حسابرسان مستقل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران شاغل در حرفه حسابرسی، را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان از تأثیر جستجوی دانش، اعتماد به نفس و درک میان فردی آنها بر تردید حرفه‌ای حسابرسی داشت و سایر عوامل نیز تبیین‌کننده تردید حرفه‌ای نمی‌باشند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی است، زیرا به بررسی ساختار نظری بافت‌ها و موقعیت‌های عملی و واقعی می‌پردازد. با توجه به اینکه هدف اصلی آن پیدا کردن رابطه بین چند متغیر است که به صورت طبیعی رخ می‌دهند و هیچ دستکاری آزمایشی صورت نمی‌گیرد، از حیث روش توصیفی و از آنجا که ابزار اصلی تحقیق (پرسشنامه) را در جامعه و

بین نمونه‌ها توزیع و جمع آوری کردیم، از نوع پیمایشی می‌باشد. افزون بر این، با توجه به اینکه روابط بین متغیرها بررسی می‌گردد، از نوع همبستگی می‌باشد. لذا ابتدا از مطالعات کتابخانه‌ای جهت تعریف مفاهیم استفاده می‌شود و در مرحله بعد با ارائه پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آماری آنها، فرضیات مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش، حساب‌برسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق برای جامعه آماری، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بدون جایگزینی است به طوری که هر یک از اعضای جامعه بیش از یک بار شانس یا احتمال انتخاب شدن نداشته باشد. پرسشنامه بین حساب‌برسان با گروه‌های شغلی متفاوت توزیع شد. با توجه به اینکه حجم جامعه نامشخص و واریانس آن نیز مشخص نیست، برای تعیین اندازه نمونه، حجم مناسبی از نمونه که معرف کل جامعه باشد، با استفاده از روش زیر انتخاب و تحقیق بر روی آنها انجام گرفت:

$$n = \frac{(Z_{\alpha/2} * \sigma)^2}{d} \quad \text{رابطه (۱)}$$

مقدار بیشینه انحراف معیار برای طیف لیکرت در این روش نمونه‌گیری ۰.۶۶ است (مومنی، ۱۳۸۷). با استفاده از این روش، و با سطح اطمینان ۹۹ درصد و دقت برآورد ۰.۰۱ حجم نمونه به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{(Z_{\alpha/2} * \sigma)^2}{d} = \frac{(2.326 * 0.66)^2}{0.01} = 235$$

با توجه به میزان نمونه انتخاب شده، در راستای قابلیت تعمیم بیشتر نتایج بدست آمده اقدام به توزیع ۳۵۰ پرسشنامه در بین حساب‌برسان شاغل در موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی شد که ۱۷۸ پرسشنامه استرداد گردید. از بین پرسشنامه‌های توزیع شده ۱۵۸ پرسشنامه به طور کامل پاسخ داده شده و قابل استفاده بود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

داده‌های پژوهش حاضر بر اساس اطلاعاتی است که از جامعه آماری تحقیق کسب می‌شود. جامعه آماری در این تحقیق، حساب‌رسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. انتخاب نمونه بصورت تصادفی صورت گرفت و پرسشنامه بین حساب‌رسان با گروه‌های شغلی متفاوت توزیع شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌ای است که توسط پژوهشگران طراحی شده و پس از بررسی روایی و پایایی آن در جامعه مورد نظر توزیع شد. اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های توزیع شده بین حساب‌رسان، سرپرستان، شرکای حسابرسی و یا مدیران شاغل در موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی، از طریق اکسل تلخیص و طبقه بندی شده و در نهایت از طریق نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های مربوط به پرسشنامه، ارتباط بین متغیرها تحلیل و فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

به دلیل آن که ساختار و عبارت بندی پرسش‌های پرسشنامه می‌تواند بر روایی پرسشنامه تأثیرگذار باشد، قبل از توزیع پرسشنامه بین افراد نمونه آماری، تعدادی پرسشنامه بین افراد صاحب نظر توزیع شده و از آنها درخواست شد نظر خود را نسبت به محتوای پرسشنامه بیان کنند تا هر گونه اشکال و ابهام موجود در پرسش‌ها رفع شود. ضمن اینکه، برای انجام پیش آزمون، پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از سرپرستان، سرپرستان ارشد و مدیران توزیع شد. به منظور ارزیابی پایایی پرسشنامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده در این پرسشنامه به مقدار ۰/۷۶۳ است، که بیانگر قابلیت اعتماد پرسشنامه است.

پرسشنامه طراحی شده برای پاسخگویی به فرضیه‌ها شامل ۳۶ سوال است. بخش اول، اطلاعات مرتبط با جمعیت شناسی پرسش‌شوندگان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که شامل ۶ سوال است. بخش دوم به بررسی عوامل روانشناختی فردی موثر بر تردید حرفه‌ای حساب‌رسان می‌پردازد. تعداد ۱۲ سؤال مربوط به سوگیری اطمینان بیش از اندازه، ۸ سؤال مربوط به سوگیری نقطه اتکا و ۱۰ سؤال مربوط به سوگیری دردسترس بودن است. شیوه تصمیم‌گیری در خصوص امتیازدهی بر اساس طیف لیکرت می‌باشد. برای هر گزینه خیلی زیاد ۵، زیاد ۴، متوسط ۳، کم ۲ و خیلی کم ۱ امتیاز در نظر گرفته شده است.

یکی از شاخص‌های بررسی وجود رابطه در متغیرهای کیفی استفاده از جداول توافقی و آماره کای دو می‌باشد. آماره کای دو تنها وجود یا عدم وجود رابطه آماری را تعیین می‌کند، اما قدرت آنرا اندازه‌گیری نمی‌کند. در حقیقت آماره کای دو به عنوان شاخصی از رابطه مناسب نیست زیرا تحت تأثیر فراوانی کلی قرار می‌گیرد. شاخص‌های متعددی برای قدرت رابطه داده‌های طبقه‌ای پیشنهاد شده است. یک شاخص ایده‌آل باید بتواند شباهت زیادی به ضریب همبستگی داشته باشد به طوری که در صورت عدم وجود رابطه مقدار صفر و در صورت رابطه کامل مقدار مطلق ۱ را بپذیرد. یکی از آماره‌های تعیین میزان همبستگی متغیرهای کیفی استفاده از ضریب وی کرامر می‌باشد که همانند ضریب همبستگی پیرسون عمل می‌کند.

پس از بررسی پاسخ‌های دریافتی، داده‌های مربوط به هر یک از فرضیه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرهای مورد بررسی مشخص شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

بر اساس تعداد سئوالات طرح شده برای هر یک از فرضیه‌ها و تعداد پاسخ‌دهندگان خلاصه تعداد پاسخ مورد انتظار و پاسخ‌های دریافتی به شرح نگاره ۱ می‌باشد.

نگاره (۱): تعداد پرسشنامه توزیع شده و دریافت شده

عامل	تعداد سؤال	تعداد پرسشنامه توزیع شده	تعداد پاسخ مورد انتظار	تعداد پاسخ دهنده	تعداد پاسخ دریافت شده
اطمینان بیش از حد	۱۲	۳۵۰	۴۲۰۰	۱۵۸	۱۸۹۶
نقطه اتکا	۸	۳۵۰	۲۸۰۰	۱۵۸	۱۲۶۴
در دسترس بودن	۱۰	۳۵۰	۳۵۰۰	۱۵۸	۱۵۸۰

پس از بررسی پاسخ‌های دریافتی، داده‌های مربوط به هر یک از فرضیه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرهای مورد بررسی مشخص شود. جد.

ول ۲ فراوانی پاسخ به انتظارات نسبت به تأثیر سوگیری‌های روانشناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرس را نشان می‌دهد.

همانگونه که در نگاره ۱ نشان داده شده است میانگین امتیازهای تخصیص یافته به عوامل روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای حسابرس، بیش از سطح نقطه بی تفاوتی یعنی عدد ۳ می‌باشد و این بدان معنی است که به نظر می‌رسد پاسخ دهندگان انتظار دارند عوامل روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیرگذار باشد. لذا، در ابتدا هر یک از فرضیه‌های فرعی مورد آزمون آماری قرار می‌گیرند که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود.

نگاره (۲): فراوانی پاسخ‌ها به فرضیه «تأثیر عوامل روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای

حسابرس»

عامل تأثیرگذار	تعداد پاسخ داده	میانگین	میانگین استاندارد	انحراف	چارک اول	چارک دوم	چارک سوم
اطمینان بیش از حد	۱۸۹۶	۳/۶۹۳	۴	۰/۸۵۸۱	۳	۴	۴
سوگیری نقطه اتکا	۱۲۶۴	۳/۴۲۹۶	۴	۰/۹۲۰۳	۳	۴	۴
سوگیری در دسترس بودن	۱۵۸۰	۳/۷۳۴۸	۴	۰/۹۱۲۸	۳	۴	۴

نگاره (۳): آمار توصیفی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی بر تردید حرفه‌ای

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
الف) سوگیری اطمینان بیش از اندازه						
فراوانی	۲۶۰	۹۹۹	۴۶۳	۱۴۳	۳۱	۱۸۹۶
فراوانی نسبی	٪ ۱۳/۷۱	٪ ۵۲/۶۹	٪ ۲۴/۴۲	٪ ۷/۵۴	٪ ۱/۶۴	۱۰۰٪
فراوانی تجمعی	٪ ۱۳/۷۱	٪ ۶۶/۴۰	٪ ۹۰/۸۲	٪ ۹۸/۳۶	۱۰۰	--
ب) سوگیری نقطه اتکا						
فراوانی	۱۱۶	۵۴۱	۴۱۱	۱۶۲	۳۴	۱۲۶۴
فراوانی نسبی	٪ ۹/۱۸	٪ ۴۲/۸۰	٪ ۳۲/۵۲	٪ ۱۲/۸۲	٪ ۲/۶۹	۱۰۰٪
فراوانی تجمعی	٪ ۹/۱۸	٪ ۵۱/۹۸	٪ ۸۴/۴۹	٪ ۹۷/۳۱	۱۰۰٪	--
ج) سوگیری در دسترس بودن						
فراوانی	۲۸۸	۷۷۴	۳۵۶	۱۳۵	۲۷	۱۵۸۰
فراوانی نسبی	٪ ۱۸/۲۳	٪ ۴۸/۹۹	٪ ۲۲/۵۳	٪ ۸/۵۴	٪ ۱/۷۱	۱۰۰٪
فراوانی تجمعی	٪ ۱۸/۲۳	٪ ۶۷/۲۲	٪ ۸۹/۵۷	٪ ۹۸/۲۹	۱۰۰	--

نگاره ۳ آمار توصیفی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی بر تردید حرفه‌ای به تفکیک سوگیری‌ها را نشان می‌دهد.

همانگونه که در نگاره ۳ مشاهده می‌شود بیش از ۶۶ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که معیار اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر دارد. لذا فرضیه آماری به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H₁: بین معیار اطمینان بیش از حد و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه ابتدا میانگین پاسخ‌های دریافتی از پاسخ‌دهندگان در رابطه با تأثیر معیار اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حسابرس محاسبه می‌شود. در صورتی که بین میانگین پاسخ‌های دریافتی اختلاف معناداری وجود نداشته باشد می‌توان ادعا کرد بین معیار اطمینان بیش از حد و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه وجود دارد. بدین منظور فرضیه‌هایی به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H₁: میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با معیار اطمینان بیش از حد و تردید حرفه‌ای حسابرس اختلاف معناداری با یکدیگر دارند. ($0 < 3 - \mu$ اطمینان بیش از حد)

نتایج آزمون t در نگاره ذیل به صورت خلاصه ارائه شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

نتیجه‌گیری	فاصله اطمینان	اختلاف میانگین	مقادیر P-Value	درجه آزادی آماره	مقادیر آماره t استیودنت
الف) اطمینان بیش از اندازه					
فرض صفر رد می‌شود.	۰/۷۳۱۷) (۰/۶۵۴۴)	۰/۶۹۳	۰/۰۰	۱۸۹۵	۳۵/۱۶۷
ب) نقطه اتکا					
فرض صفر رد می‌شود.	۰/۴۸۰۴) (۰/۳۷۸۸)	۰/۴۲۹	۰/۰۰	۱۲۶۳	۱۶/۵۹
ج) در دسترس بودن					
فرض صفر رد می‌شود.	۰/۷۷۹۹) (۰/۶۸۹۸)	۰/۷۳۴	۰/۰۰	۱۵۷۹	۳۱/۹۹۵

تعداد نمونه بیش از ۳۰ می‌باشد لذا می‌توان برای آزمون فرضیه از آزمون‌های آماری پارامتریک T استیودنت استفاده نمود.

همانطور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، در رابطه با تأثیر معیار اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حسابرس، اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در نگاره ($t_{\alpha=0.975} = 1/96$) بزرگتر است؛ ثانياً، مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری است، لذا فرض صفر رد می‌شود. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد از پاسخ‌های بدست آمده می‌توان گفت میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با تأثیر معیار اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حسابرس نشان از آن دارد که میانگین‌ها دارای اختلاف معنادار آماری با سطح بی‌تفاوتی می‌باشد. لذا فرضیه فرعی اول پذیرفته می‌شود یعنی اطمینان بیش از حد بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در نگاره ۳ مشاهده می‌شود که بیش از ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که معیار سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر دارد. لذا فرضیه آماری به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H_1 : بین معیار سوگیری نقطه اتکا و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه ابتدا میانگین پاسخ‌های دریافتی از پاسخ‌دهندگان در رابطه با تأثیر سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس محاسبه می‌شود. در صورتی که بین میانگین پاسخ‌های دریافتی اختلاف معناداری وجود نداشته باشد می‌توان ادعا کرد بین معیار سوگیری نقطه اتکا و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه وجود دارد. به این منظور فرضیه‌هایی به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H_1 : میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با معیار سوگیری نقطه اتکا و تردید حرفه‌ای حسابرس اختلاف معناداری با یکدیگر دارند. ($0 < 3 - \mu_{\text{سوگیری نقطه اتکا}}$)

تعداد نمونه بیش از ۳۰ می‌باشد لذا می‌توان برای آزمون فرضیه از آزمون‌های آماری پارامتریک T استیودنت استفاده نمود.

همانطور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، در رابطه با تأثیر معیار سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس، اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در نگاره $(t_{\alpha=0.975} = 1/96)$ بزرگتر است؛ ثانیاً، مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری می‌باشد، لذا فرض صفر رد می‌شود. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد از پاسخ‌های بدست آمده می‌توان گفت میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با تأثیر معیار سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس نشان از آن دارد که میانگین‌ها دارای اختلاف معنادار آماری با سطح بی‌تفاوتی است. لذا فرضیه فرعی دوم پذیرفته می‌شود یعنی سوگیری نقطه اتکا بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در نگاره ۳ مشاهده می‌شود که بیش از ۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که معیار سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر دارد. لذا فرضیه آماری به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H_1 : بین معیار سوگیری در دسترس بودن و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه ابتدا میانگین پاسخ‌های دریافتی از پاسخ‌دهندگان در رابطه با تأثیر سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس محاسبه می‌شود. در صورتی که بین میانگین پاسخ‌های دریافتی اختلاف معناداری وجود نداشته باشد می‌توان ادعا کرد بین معیار سوگیری در دسترس بودن و تردید حرفه‌ای حسابرس رابطه وجود دارد به این منظور فرضیه‌هایی به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H_1 : میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با معیار سوگیری در دسترس بودن و تردید حرفه‌ای حسابرس اختلاف معناداری با یکدیگر دارند. $(0 < 3 - \mu_{\text{سوگیری در دسترس}})$

تعداد نمونه بیش از ۳۰ می‌باشد لذا می‌توان برای آزمون فرضیه از آزمون‌های آماری پارامتریک T استیودنت استفاده نمود.

همانطور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، در رابطه با تأثیر معیار سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس، اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در نگاره $(t_{\alpha=0.975} = 1/96)$ بزرگتر است؛ ثانیاً، مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد

سطح معناداری است، لذا فرض صفر رد می‌شود. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد از پاسخ‌های بدست آمده می‌توان گفت میانگین پاسخ‌های دریافتی در رابطه با تأثیر معیار سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس نشان از آن دارد که میانگین‌ها دارای اختلاف معنادار آماری با سطح بی‌تفاوتی می‌باشند. لذا فرضیه فرعی سوم پذیرفته می‌شود، یعنی سوگیری در دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر منفی دارد.

پس از مشخص شدن اختلاف در پاسخ‌ها به منظور بررسی میزان ارتباط بین عوامل روانشناختی فردی و تردید حرفه‌ای حسابرس از جداول توافقی استفاده می‌شود. لذا فرضیه آماری به شرح ذیل تدوین می‌شود:

H₁: بین فراوانی مورد انتظار پاسخ‌های دریافتی از پاسخ‌دهندگان در سطوح مختلف (اطمینان بیش از حد، سوگیری نقطه اتکا و سوگیری در دسترس بودن) تفاوت معنادار وجود دارد.

تکرار (۵): خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه اصلی

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
اطمینان بیش از حد	۲۶۰	۹۹۹	۴۶۳	۱۴۳	۳۱	۱۸۹۶
سوگیری نقطه اتکا	۱۱۶	۵۴۱	۴۱۱	۱۶۲	۳۴	۱۲۶۴
سوگیری در دسترس بودن	۲۸۸	۷۷۴	۳۵۶	۱۳۵	۲۷	۱۵۸۰
جمع	۶۶۴	۲۳۱۴	۱۲۳۰	۴۴۰	۹۲	۴۷۴۰

همانطور که مشاهده می‌شود عمده پاسخ‌دهندگان بر این باورند که عوامل روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای حسابرس تأثیر دارند. برای بررسی فرضیه فوق از آزمون جدول توافقی استفاده می‌شود:

تکرار (۶): نتایج آزمون جداول توافقی فرضیه اصلی

نام آماره	مقادیر آماره	درجه آزادی	مقدار P-Value
آماره کای دو پیرسون	۱۱۵/۴۱	۸	۰/۰۰۰
آماره کرامر	٪ ۱۱/۰۳	--	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر مشاهده شده، از آنجا که مقدار آماره کای دو پیرسون از مقدار متناظر آن در نگاره $(\chi^2(8) = 15/51)$ بزرگتر است و مقدار P-Value نیز کمتر از ۵ درصد و برابر صفر است، لذا فرض صفر رد شده و می‌توان گفت پاسخ‌های دریافتی دارای تفاوت معناداری با یکدیگر بوده و لذا این ادعا که عوامل روانشناختی فردی بر تردید حرفه‌ای تأثیر گذار است، تایید می‌شود. میزان این ارتباط طبق آماره کرامر در حدود ۱۱ درصد و به صورت مثبت و معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

انجمن کیفیت حسابرسی ایالات متحده آمریکا، سه عامل استقلال، بی‌طرفی و تردید حرفه‌ای را به عنوان ستون‌های کیفیت حسابرسی بیان می‌کند. این سازمان بر این باور است که فرایند تصمیم‌گیری اثربخش حسابرسان باعث ارتقای سه عامل مذکور می‌شود، که در نهایت توانایی حسابرسان برای افزایش و مستند کردن قضاوت‌های حرفه‌ای در طول فرآیند حسابرسی را تقویت می‌کند. شناخت عواملی که می‌تواند بر رفتار حسابرسان و قضاوت حرفه‌ای آنها تأثیر گذار باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان منجر به صدور گزارش‌های حسابرسی می‌شود که مبنای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد در بازار سرمایه قرار می‌گیرد. بنابراین، در این تحقیق تأثیر سه سوگیری روانشناختی (اطمینان بیش از اندازه، نقطه اتکا و در دسترس بودن) بر تردید حرفه‌ای حسابرسان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل هر سه سوگیری بیانگر تأثیر منفی سوگیری‌ها بر تردید حرفه‌ای حسابرسان بود.

تمایل حسابرسان برای برآورد بیش از میزان واقعی توانایی انجام کار یا ارزیابی دقیق ریسک یا سایر تصمیمات و قضاوت‌ها، بیانگر اطمینان بیش از اندازه حسابرسان به خویش است. این سوگیری می‌تواند تمایل ناخودآگاهی باشد که حاصل انگیزه‌های فردی حسابرسان باشد. نتایج بررسی این سوگیری نشان داد که حسابرسان توانایی‌های خود برای انجام فرایند حسابرسی را به گونه‌ای مناسب ارزیابی نمی‌کنند، که این امر باعث می‌شود سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای را اعمال نکنند. همچنین، انتظار بر این بود که این خوش‌بینی در ارزیابی ریسک توسط حسابرسان نیز وجود داشته باشد، که اغلب باعث می‌شود که حسابرسان ریسکی که با آن مواجه هستند را کمتر ارزیابی کنند. یافته‌های تحقیق بیانگر این موضوع است که حسابرسان با چنین

خوش‌بینی مواجه می‌باشند. نتایج این فرضیه با تحقیق هانتون، رایت و رایت (۲۰۰۴) که نشان دادند اطمینان بیش از حد بر ارزیابی حساب‌رسان از ریسک سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی تأثیرگذار است، مطابقت دارد. ضمن اینکه، در تحقیق او هوسو و ویگنت (۲۰۰۹) نیز این نتیجه حاصل شد که حساب‌رسان به شدت توانایی خود برای انجام کار حساب‌رسی را بیش از اندازه برآورد می‌کنند.

سوگیری نقطه اتکا بیان می‌کند که وقتی که تصمیم‌گیرندگان بر یک مقدار اولیه (نقطه اتکا) متمرکز می‌شوند، تلاش می‌کنند اطلاعاتی را بدست آورند تا پاسخ‌هایشان را در جهت مناسب، اما نه به اندازه کافی، تعدیل کنند. در مراحل اولیه فرایند حساب‌رسی، حساب‌رسان با انبوهی از اطلاعات از سوی مشتری مواجه می‌شوند و در این مرحله تلاش کمی برای تأیید یا رد اطلاعات در این مرحله انجام می‌دهند. این اطلاعات بر قضاوت حساب‌رس تأثیر می‌گذارد و احتمال می‌رود که با کسب اطلاعات بیشتر، به اندازه کافی در جهت حرکت نکنند که تحریف‌های مشتری را اصلاح کنند. نتایج بررسی این سوگیری نشان داد که حساب‌رسان نمی‌توانند به گونه‌ای مناسب، و به میزان کافی، اطلاعات اولیه‌ای که با آن مواجه می‌شوند را تعدیل کنند و در دام سوگیری نقطه اتکا می‌افتند. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج تحقیق فی (۲۰۱۵) مطابقت دارد. فی (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید که حساب‌رسان و حسابداران در معرض این نوع سوگیری قرار می‌گیرند. وی بیان می‌کند از آنجایی که حساب‌رسان فرایند کار خود را با اعداد و ارقام ارائه شده توسط مدیریت (نقطه اتکا) شروع می‌کنند، بیشتر در معرض این سوگیری قرار می‌گیرند.

سوگیری در دسترس بودن بیانگر تمایل بالقوه حساب‌رس برای در نظر گرفتن اطلاعاتی است که به عنوان محتمل‌ترین، مربوط‌ترین، و مهم‌ترین اطلاعات برای قضاوت، به راحتی قابل بازیابی باشند (یعنی حافظه اخیر). به بیان دیگر، اطلاعاتی که در حافظه حساب‌رس در دسترس‌تر باشد ممکن است به طور ناخودآگاه بر برآوردها، ارزیابی احتمالات، و سایر قضاوت‌های حرفه‌ای حساب‌رس تأثیر می‌گذارد. نتایج بررسی این سوگیری نشان داد که حساب‌رسان تحت تأثیر اطلاعاتی قرار می‌گیرد که به راحتی یادآوری و دستیابی است. نتایج حاصل از این فرضیه با تحقیق آرنولد و همکاران (۲۰۰۰) که نشان دادند اثر تاخیر بر تصمیم‌گیری حرفه‌ای حسابداران حرفه‌ای تأثیرگذار است مطابقت دارد. با وجود این، مسیر و توبس (۱۹۹۴) نتیجه

گرفتند که تجربه بیشتر حسابرس می‌تواند تأثیر اثر تاخر بر تصمیم‌گیری حسابرس را کاهش دهد.

تحقیق حاضر بر اساس پرسشنامه‌ای انجام گرفته است که محقق ساخته بود و برای بسیاری از متغیرها پرسشنامه استاندارد وجود نداشت. ضمن اینکه، بیشتر تحقیقاتی که در کشورهای دیگر در زمینه علوم رفتاری صورت می‌گیرد به صورت آزمایشگاهی یا تجربی صورت می‌گیرد. این در حالی است که متأسفانه در ایران مساعدت لازم برای انجام تحقیق به چنین شیوه‌ای صورت نمی‌گیرد.

با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق، موضوعات زیر جهت انجام پژوهش‌های جدید به محققان پیشنهاد می‌شود:

(۱) تحقیق حاضر به صورت پرسشنامه‌ای انجام شده است. به محققان پیشنهاد می‌شود که تحقیق را به صورت آزمایشگاهی و با مشاهده و نظارت بر رفتار حسابرس انجام دهند.

(۲) در این تحقیق متغیرهایی مورد بررسی قرار گرفت که جزئی از پرسشنامه سنجش تردید حرفه‌ای هارت بودند، لذا استفاده از پرسشنامه هارت امکان‌پذیر نبود. به محققان پیشنهاد می‌شود که از پرسشنامه هارت برای سنجش تردید حرفه‌ای در کنار متغیرهای روانشناختی دیگر استفاده کنند.

(۳) به محققان پیشنهاد می‌شود تأثیر عوامل روانشناختی-اجتماعی، فرهنگی و جامعه‌شناسی بر تردید حرفه‌ای حسابرس را مورد بررسی قرار دهند.

پی‌نوشت

۱ Framing

منابع

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی. (۱۳۹۳). استاندارد حسابرسی ۲۰۰، سازمان حسابرسی.

———. (2014). Professional Judgment Resource. The Center for Audit Quality.

- . 2012a. Maintaining and applying professional skepticism in audits. Staff Audit Practice Alert No. 10 (SAPA 10). Washington, D. C.: PCAOB.
- Anderson, S. , and J. Wolfe. (2002). A perspective on audit malpractice claims. *Journal of Accountancy*. 194 (3): 59-66.
- Beasley, M. S. , J. V. Carcello, and D. R. Hermanson. (2001). Top 10 audit deficiencies. *Journal of Accountancy*. 191 (4): 63-66.
- Bratten, B. , Gaynor L. M. , McDaniel L. , Montague, N. R. , and G. E. Sierra. (2013). The audit of fair values and other estimates: The effects of underlying environmental, task, and auditor-specific factors. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* (forthcoming).
- Brazel J. , Jackson S, Schaefer T. , and Stewart B. (2013). Hindsight Bias and Professional Skepticism. NC State University.
- Fay R. G. & Montague N. R. (2015). Witnessing Your Own Cognitive Bias: A Compendium of Classroom Exercises. *Accounting Education, Volume 30, Issue 1*.
- Glover. S. M. & Prawitt. D. M. (2013). Enhancing Auditor Professional Skepticism. Brigham Young University.
- Griffith, E. E. , J. S. Hammersley, and K. Kadous. (2012). Auditing Complex Estimates: Understanding the Process Used and Problems Encountered”. *Working paper*, The University of Georgia, and Emory University.
- Hogarth, R. M. , and H. J. Einhorn. (1992). Order Effects in Belief Updating: The Belief- Adjustment Model, *Cognitive Psychology* 24 (1): 1-55.
- Hurtt, R. K. , et al. (2013). Research on Auditor Professional Skepticism: Literature Synthesis and Opportunities for Future Research, *A Journal of practice & theory, American Accounting Association, Vol. 32, Supplement 1*, pp. 45-97.
- Kadous, K. (2000). The effects of audit quality and consequence severity on juror evaluations of auditor responsibility for plaintiff losses, *The Accounting Review* 75 (3): pp. 327–341.
- Plumlee, D. , B. A. Rixom, and A. J. Rosman. (2012). Training Auditors to Think Skeptically. *Working paper*, The University of Utah, and University of Connecticut.
- Prentice, R. (2000). The case of the irrational auditor: A behavioral insight into securities fraud litigation. *Northwestern University Law Journal*.
- Shaub, Michael K. Lawrence, Janice E. (2002): A Taxonomy of Auditors’ Professional Skepticism. *Research on Accounting Ethics*, 8: 167-194.
- Wittke k. (2013). Behavioral Aspects in Accounting and their Impact on the Auditing Process. Dissertation. Berlin School of Economics and Law.

Yankova, k. (2015). The influence of Information Order Effects and Trait Professional Skepticism on Auditor's Belief Revision. Wiesbaden: Springer Gabler.

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۳-۱۶۹

تبیین مدل‌سازی پارادایم مذاکرات حسابرسان -

صاحبکار پیرامون گزارشگری مالی

ساسان مهرانی*، هدی اسکندر**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۱۱

چکیده

یکی از مراحل اصلی شکل‌گیری گزارش‌های مالی، فرایند مذاکره‌ای است که حسابرسان و شرکت صاحبکار بواسطه ایجاد اختلاف نظر و تعارض وارد آن می‌شوند. نتایج حاصل از این مذاکرات در کیفیت گزارش‌های نهایی نقشی تعیین‌کننده دارد و در نتیجه می‌تواند برای خود افراد درگیر مذاکره، سازمان آنها و کل جامعه پیامدهایی را به همراه داشته باشد. هدف تحقیق حاضر مدل‌سازی این فرایند به روش نظریه برخاسته از داده‌ها و از طریق مصاحبه عمیق با خبرگانی از هر دو سوی مذاکره یعنی شرکای حسابرسان و مدیران شرکت‌ها پرداخته است. این تحقیق با انجام ۳۰ مصاحبه به روش گلوله برفی به اشباع رسید. با توجه به سطوح مختلف عرضه‌کنندگان حسابرسان (موسسه حسابرسان و تیم حسابرسان مذاکره‌کننده) تلاش شده تا مدلی جامع از کلیه عوامل تعیین‌کننده در هر یک از این سطوح ارائه شود. بعلاوه در انجام مصاحبه‌ها موضوعات نیازمند مذاکره و چالش‌های موجود در این فرایند در هر سطح شناسایی گردید. بر اساس نتایج بدست آمده از مصاحبه‌ها علت اصلی ایجاد اکثر اختلافات و تعارضات بین حسابرسان و صاحبکاران که مذاکره را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد عبارتند از: ۱. علل دانشی (کمبود دانش با کیفیت طرفین مذاکره)، ۲. علل اطلاعاتی (عدم تقارن اطلاعاتی) و ۳. علل ارتباطی (ماهیت کسب و کار صاحبکار و شیفت کلیه ارتباطات به آخر سال) و ۴. مشکل ابزاری (کیفیت قوانین و استانداردهای حسابداری). با توجه به مصاحبه‌ها، با شروع فرایند مذاکره به دلایل فوق، مهم‌ترین بسترهای لازم عبارتند از کیفیت دانش و مهارت‌های مذاکره‌ای طرفین مذاکره و رسالت آنها. همچنین بر اساس نظر خبرگان راهبردهای پیاده‌سازی پارادایم پیوسته و دستیابی به مذاکره برد-برد عبارتست از گفتگو منطقی و مستقل، اعتماد سازی، و مذاکره از مجرای مکانیزم‌های مناسب حاکمیت شرکتی. مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده در این فرایند عبارتند از عدم تخصص صنعتی حسابرسان، نگاه اشتباه صاحبکاران به حسابرسان و نبود مکانیزم‌های مناسب حاکمیت شرکتی است. در نهایت مدل بدست آمده از مصاحبه‌ها به تایید ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان و ۲ متخصص حرفه‌ای و دانشگاهی رسید.

واژه‌های کلیدی: مدل‌سازی، تعارض، مذاکره

طبقه بندی موضوعی: G34

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.2623

*دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. (smehrani@ut.ac.ir)

**استادیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نویسنده مسئول.

(heskandar@utac.ir)

مقدمه

تعارض پدیده‌ای است که آثار مثبت و منفی روی عملکرد افراد و سازمان‌ها دارد. استفاده صحیح و مؤثر از تعارض موجب بهبود عملکرد و ارتقای سطح سلامتی سازمان می‌گردد و استفاده غیر مؤثر از آن موجب کاهش عملکرد و ایجاد کشمکش و تشنج در سازمان می‌شود. استفاده مؤثر از تعارض مستلزم شناخت و درک کامل ماهیت آن و همچنین علل خلق‌کننده و کسب مهارت در اداره و کنترل آن است که البته امروز به عنوان یکی از مهمترین مهارت‌های مدیریت به شمار می‌آید. توانایی برخورد با تعارض و اداره آن، در موفقیت مدیران سازمان‌ها نقش ارزنده‌ای دارد. اگر تعارض‌ها سازنده باشند، موجب بروز افکار نو و خلاق می‌شوند و زمینه تغییر و نوآوری و تحول سازنده را در سازمان فراهم می‌سازند و در نهایت به مدیریت کمک می‌کنند تا به اهداف سازمانی خویش نائل آید (جزایری، ۱۳۷۷). یکی از راه‌های مدیریت تعارض، مذاکره بین طرفین آن خواهد بود. در این مطالعه بر مذاکره حسابرسان- صاحبکار تمرکز شده است.

حسابرسی یکی از راه‌های اصلی نظارت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها است. در راه بررسی اعتبار گزارشات مالی صاحبکار، ممکن است بر سر برخی موضوعات حسابداری بین حسابرسان و مدیریت صاحبکار اختلاف نظری ایجاد گردد. برای حل این اختلاف نظر، اعضای درگیر وارد فرایند مذاکره با یکدیگر می‌شوند. بنابراین از آنجا که مذاکره حسابرسان- صاحبکار جزء مهمی از فرایند تولید صورت‌های مالی برای استفاده افراد خارج از سازمان می‌باشد، قدرت حسابرسان در مدیریت نمودن ارتباطاتش با صاحبکار از اهمیت فراوان برخوردار است زیرا افراد سرمایه‌گذار در تخصیص منابع مالی خود بر صورت‌های مالی تکیه می‌نمایند. هنگامی که کیفیت گزارشات مالی شرکتی زیر سؤال می‌رود، انگشت اتهام علاوه بر مدیریت شرکت به سمت مؤسسه حسابرسان شرکت نیز نشانه می‌رود. در نتیجه توانایی مدیریت نمودن اختلافات با صاحبکار و عوامل مؤثر بر این توانایی هم برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و هم برای مؤسسات و حرفه حسابرسان از اهمیت فراوان برخوردار است. همواره فرض می‌شود حسابرسان در مقابل فشارهای وارده توسط صاحبکاران مقاومت نموده و در رابطه با هرگونه تحریف اطلاعات که منجر به مخدوش شدن مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی شود، مواضع مناسب حرفه‌ای اتخاذ می‌کند. اطمینان از این ایده‌آل حاصل نمی‌شود مگر

اینکه مجموعه عواملی که باعث برتری موقعیت حساب‌رسان نسبت به صاحبکاران می‌شود، در رابطه دو جانبه حرفه‌ای بین آنها در شکل و اندازه بهینه وجود داشته باشد (هتفیلد، آگوگلیا و سانچز، ۲۰۰۸). در چنین وضعیتی می‌توان اطمینان حاصل کرد که به واسطه برتری نسبی حساب‌رسان به عنوان رکن نظارت، شرایط لازم جهت تحقق آرمان‌های حرفه‌ای به صورت بالقوه مهیا است. با عنایت به موارد فوق شناسایی و درک فرایند مذاکره حساب‌رسان و صاحبکار اهمیت پیدا می‌کند.

بیان مساله

رسوایی‌های شرکتی قرن ۲۰ نظیر انرون و ورد کام در ایالات متحده، هیه در استرالیا، پارمالات در ایتالیا و آهلد در هلند و موارد دیگر، بحث‌های گسترده‌ای، پیرامون ارتباطات حساب‌رسان و صاحبکارانشان ایجاد نموده است (آنتل و نیلوف، ۱۹۹۱). این رسوایی‌ها سبب ایجاد عدم اطمینان نسبت به کیفیت صورت‌های مالی شده و تصویری منفی از حرفه حساب‌رسان ایجاد نموده است. کاپلان (۲۰۰۴) یکی از دلایل اصلی این رسوایی‌ها را کوتاه آمدن حساب‌رسان در مقابل فشار مدیران دانسته است. در نتیجه این رسوایی‌ها و خدشه‌دار شدن چهره حرفه، در اکثر کشورها از جمله ایالات متحده قوانینی نظیر قانون سارینز آکسلی تصویب گردید و نظارت بر حرفه حساب‌رسان از حالت خود انتظام و بررسی همپیشگان خارج و به دست نهاد مستقلی به نام هیات نظارت بر شرکت‌های سهامی عام (PCAOB) سپرده شد (بارتول و همکاران، ۲۰۰۳). بعلاوه اینکه در بسیاری از موارد تفاوت‌های فراوانی بین پیش‌نویس گزارش و گزارش نهایی که توسط موسسه حساب‌رسان صادر می‌شود وجود دارد که همین امر لزوم بررسی مرحله مذاکره بین موسسات حساب‌رسان و شرکت‌های صاحبکار (مرحله ایجاد این تفاوت‌ها در گزارش) را پررنگ‌تر می‌کند.

با وجود اهمیت فراوان موضوع مذاکره حساب‌رسان - صاحبکار، تا کنون توجه چندانی به آن نشده و تنها در سال‌های اخیر تحقیقات معدودی پیرامون درک فرایند مذاکره حساب‌رسان - صاحبکار صورت گرفته است. لیکن مطالعاتی که به مدل‌بندی این فرایند پرداخته اند انگشت شمارند (بتی، فرنلی و برنندت، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴). همچنین، این حوزه در تحقیقات صورت گرفته در ایران نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به ویژگی‌های محیطی متمایز ایران،

انجام این مطالعه می‌تواند برای سیاست‌گذاران حرفه حسابرِس و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مفید واقع شود. در ایران هم تحقیقات معدودی به این موضوع پرداخته‌اند که آنها نیز وضعیت اغلب فاکتورهای موثر بر این فرایند را مطلوب ارزیابی نکرده‌اند. برای مثال حساس یگانه و رجیبی (۱۳۸۳) در تحقیق خود به بررسی عوامل موثر بر قدرت حرفه‌ای حسابرِس پرداختند. هدف از تحقیق ایشان شناسایی ابعادی از قدرت حرفه‌ای حسابرِس مستقل و عوامل موثر بر آن و نیز ارزیابی آنها در شرایط موجود کشورمان بود. در مجموع ۴۰ عامل موثر بر قدرت حرفه‌ای حسابرِس را شناسایی نمود که وضعیت موجود اکثر آنها نامطلوب ارزیابی گردید.

اهمیت تحقیق

همان‌طور که اشاره شد، فرایند مذاکره حسابرِس - صاحبکار بر کیفیت صورت‌های مالی، ریسک دعاوی حقوقی و روابط آتی طرفین مذاکره اثر دارد. در نتیجه توانایی حسابرِس در مدیریت نمودن ارتباطاتش با صاحبکار و عوامل مؤثر بر آن برای مؤسسات و سیاست‌گذاران حرفه حسابرِس، شرکت‌ها و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی از اهمیت فراوان برخوردار است. این تحقیق در صدد شناسایی و تبیین مدل مفهومی عوامل توضیح‌دهنده فرایند مذاکره حسابرِس - صاحبکار می‌باشد. در این بین چالش‌های موجود در مذاکره نیز پررنگ خواهند شد. این یافته‌ها می‌تواند برای جامعه هدف این مطالعه یعنی حسابرِس، سیاست‌گذاران حرفه حسابرِس و جامعه حسابداران رسمی، و متقاضیان حسابرِس مفید واقع شود تا در جهت رفع چالش‌های یافت شده گام‌های موثری را بردارند. همچنین با مشخص شدن علت اصلی ایجاد تعارضات، بستر لازم برای پیشگیری از این تعارضات را فراهم نمود. همچنین با انجام این تحقیق راهبردهای موثر در مذاکره برای طرفین مذاکره مشخص می‌گردد و آنها می‌توانند با بکارگیری این راهکارها با مذاکره‌ای مطلوب و برد-برد دست یابند. همچنین حرفه حسابداری می‌تواند با مشخص شدن عوامل بستر و عوامل مداخله‌گر در فرایند مذاکره زمینه را برای سهولت بکارگیری راهبردهای مناسب در مذاکره حسابرِس - صاحبکار فراهم نماید.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارتست از:

"تبیین مدل پارادایم مذاکرات حسابرِس - صاحبکار پیرامون گزارشگری مالی"

اهداف فرعی مرتبط با هدف اصلی، عبارتند از :

"مشخص کردن مولفه‌های توضیح دهنده مذاکرات حسابرِس - صاحبکار"

"تبیین رابطه بین مولفه‌های کشف شده در قسمت ۱ و بیان منطق زیربنایی آن."

ساختار مقاله در ادامه بدین شرح است: در بخش بعد پیشینه تحقیق ارائه می‌شود. سپس با ارائه سوالات تحقیق روش تحقیق برای یافتن پاسخ سوالات معرفی می‌گردد. سپس یافته‌ها ارائه شده و نتیجه‌گیری، پیشنهادات و محدودیتهای تحقیق ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

مبانی نظری تحقیق

در بندهای ۱۳ و ۱۴ استاندارد حسابرسی بخش ۱۰۰۷ کشورمان عنوان شده است که "در پایان عملیات حسابرسی، مذاکره حسابرِس و مدیریت درباره موضوعاتی چون موارد زیر، ضروری است :

۱. هرگونه مشکل اجرایی در انجام عملیات حسابرسی از جمله محدودیت در رسیدگی .
۲. هرگونه عدم توافق با مدیریت در ارتباط با صورت‌های مالی .
۳. تعدیلات با اهمیتی که در جریان حسابرسی مشخص شده است .
۴. مسایل و مشکلات قابل توجه مربوط به رویه‌های حسابداری بکار گرفته شده و افشای اقلام در صورت‌های مالی که عدم رفع آنها می‌تواند به تعدیل گزارش حسابرِس بیانجامد .
۵. هرگونه تخلف یا تردید در رعایت قوانین و مقررات که نظر حسابرِس را جلب کرده است .
۶. خطرهای با اهمیتی که واحد مورد رسیدگی بطور بالقوه یا بالفعل با آن روبرو است؛ مانند موضوعاتی که می‌تواند توانایی واحد مورد رسیدگی را در ادامه فعالیت خود به خطر اندازد .

۷. پیشنهادهایی که حسابرِس در نتیجه انجام حسابرِس می‌خواهد ارائه کند؛ مانند موضوعات مرتبط با کنترل‌های داخلی.

حسابرِس باید چنین موضوعاتی را با رده مناسبی از مدیریت مطرح کند. این امر می‌تواند به صورت شفاهی و یا کتبی انجام شود. در صورت تماس شفاهی، حسابرِس باید موضوعات مورد بحث و نتایج آن را در کار برگ‌های حسابرِس مستند کند.

همچنین در استاندارد حسابرِس شماره ۴۵۰ با عنوان "ارزیابی تحریف‌های شناسایی شده در حسابرِس" عنوان شده است که؛ "حسابرِس باید تحریف‌های اصلاح نشده و آثار آنها (به تنهایی یا در مجموع) بر اظهار نظر حسابرِس را به اطلاع ارکان راهبری واحد تجاری برساند مگر اینکه به موجب قانون یا مقررات از انجام این کار منع شده باشد. این اطلاع رسانی باید مشخص کننده تحریف‌های اصلاح نشده ای باشد که به تنهایی با اهمیت هستند. حسابرِس باید درخواست کند که تحریف‌های اصلاح نشده، اصلاح شوند." در ادامه آمده است "اطلاع رسانی به موقع تحریف‌ها به سطح مناسبی از مدیریت اجرایی، حائز اهمیت است زیرا مدیریت را قادر می‌سازد تا واقعی بودن تحریف را ارزیابی کند و در صورت مخالف بودن با نظر حسابرِس، وی را مطلع سازد، و اقدامات لازم را انجام دهد. معمولاً سطح مناسب مدیریت، شخصی است که مسئولیت و اختیار ارزیابی تحریف‌ها و انجام اقدامات لازم را بر عهده دارد."

پیشینه تجربی تحقیق

در ایران تاکنون تلاشی مدل‌سازی فرایند مذاکره حسابرِس - صاحبکار صورت نگرفته است لیکن تحقیقات معدود زیر در سایر کشورها صورت گرفته است:

بتی، فرنلی و برنندت (۲۰۰۴ و ۲۰۰۰) به مدل بندی فرایند مذاکره حسابرِس - صاحبکار پرداختند. سؤال اصلی تحقیق ایشان عبارت بود از "شرکت‌ها و حسابرسانشان چه طور موضوعات بااهمیت گزارشگری را حل می‌کنند؟". هدف تحقیق ایشان مشخص کردن و درک فرایند مذاکره و عوامل مؤثر بر ماهیت نتیجه مذاکره بود. برای دستیابی به این هدف، آن‌ها به مصاحبه عمیق با ۶ شرکت بزرگ پذیرفته شده در بورس بریتانیا و شرکای حسابرِسی شان پرداختند. از مصاحبه شوندگان خواسته شد تا تجربه مذاکراتی خود را در قالب

"نقل یک داستان" تعریف کنند. سپس با انجام تحلیل‌های کیفی و انواع کدگذاری‌های پذیرفته شده مدلی از متغیرهای بدست آمده برآزش گردید.

گیبیز، مک کراکن و سالتریو (۲۰۰۵) در مقاله‌ای به مدل بندی فرایند مذاکراتی حسابرس- صاحبکار از منظر حسابرس و صاحبکار پرداختند. آنها برای ساخت مدل مذاکراتی حسابرس و صاحبکار به بررسی ادبیات و مصاحبه عمیق پرداختند. ابتدا از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه عمیق با شرکای حسابرسی، مدل مذاکراتی را از دید شرکای حسابرسی ترسیم و سپس با مصاحبه عمیق از مدیران مالی شرکت‌های صاحبکار نمونه، این مدل را تعدیل و تأیید نمودند. برای مصاحبه عمیق، از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد تا با در نظر گیری یک از تجارب مذاکراتی خود پیرامون گزارشگری مالی، تجربه خود را به طور دقیق شرح دهند. در این مصاحبه‌ها معلوم شد که اکثر اختلافات حسابرس- صاحبکار بر سر موضوعات شناخت درآمد، سرمایه کردن مخارج، افشای برخی موضوعات، ترکیب‌های تجاری و کاهش ارزش دارایی‌ها بوده است. همچنین علت اصلی اکثر این اختلافات، استانداردهای حسابداری و پیچیده / جدید بودن نوع کسب و کار صاحبکار بوده است. در این مذاکرات مدیران مالی بیشتر تمایل به مشورت با مدیران عامل، حسابداران مدیریت و مشاوران خارجی دارند.

گیبیز و سالتریو (۲۰۰۱) در مقاله‌ای به مدل سازی رفتار حسابرس در مذاکره با صاحبکار پرداختند. آنها برای ساخت این مدل به بررسی کتابخانه‌ای دست زده و تنها از طریق بررسی جامع ادبیات موجود، مدلی قابل آزمون ارائه نمودند. بر اساس مدل ایشان سه دسته عامل بر رفتار حسابرس در مذاکره اثر گذار است: (۱) قدرت، (۲) انگیزه و (۳) پارادایم مذاکراتی. هر یک از این عوامل خود تحت تأثیر ریز عوامل متعددی قرار دارند. ایبورا (۲۰۰۸) نیز مدل مشابهی ارائه نمود.

سوالات تحقیق

این تحقیق فاقد فرضیه بوده و دربرگیرنده سؤال‌هایی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. "مولفه‌های توضیح دهنده پارادایم مذاکره حسابرس- صاحبکار کدامند؟"

۲. "روابط بین مولفه‌های توضیح دهنده چگونه است و منطق این روابط چیست؟"

۳. "چه مدلی این روابط را تبیین می‌کند؟"

روش تحقیق

روش‌شناسی کیفی به پژوهش‌هایی بر می‌گردد که یافته‌های آن حاصل داده‌ها و روش‌های آماری کمی نیست. تحقیق کیفی به محقق اجازه می‌دهد تا به درک وسیع و جامعی از معنای آن که افراد به طور روزمره تجربه می‌کنند، دست یابد. در پژوهش کیفی، پژوهشگر از طریق روش‌ها و رویه‌های تفسیر، به درک پدیده‌ها از نقطه نظر مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌ها نائل می‌شود. تحقیق کیفی به جای اندازه‌گیری و ارزیابی پدیده‌ها با معنای آن‌ها سروکار دارد. در پژوهش‌های کیفی داده‌ها نه به صورت عدد و رقم بلکه به شکل واژگان و جملات هستند. نظریه برخاسته از داده‌ها روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). هدف از این مطالعه نیز شناخت و درک تجارب افراد و تفاسیر آنان در زمینه مذاکرات حسابرس - صاحبکار به منظور دستیابی به نظریه‌ای در این حوزه است. در این تحقیق کیفی، برای ارائه مدل فرایند مذاکرات حسابرس - صاحبکار از نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده می‌گردد. نظریه برخاسته از داده‌ها، یکی از استراتژی‌های کیفی پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه‌پردازی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها، شکل می‌گیرد. این استراتژی از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است. این استراتژی پژوهش بر سه عنصر: مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها استوار است. هدف عمده این نوع نظریه‌پردازی تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن مولفه‌های کلیدی آن پدیده و سپس طبقه‌بندی روابط این مولفه‌ها درون بستر و فرایند آن پدیده است. به عبارت دیگر، هدف آن حرکت از جزء به کل بدون از دست دادن توجه به محور اصلی بررسی است (کوربین و استراس، ۱۹۹۸).

در نظریه برخاسته از داده‌ها، داده‌ها می‌توانند از منابع متعددی مانند مصاحبه با افراد، مقالات منتشر شده در مجلات علمی، مستندات منتشر شده دولتی، مقالات ارائه شده در سمینارها و کنفرانس‌های علمی و سخنرانی‌های علمی، گزارش‌های روزنامه‌ای و نیز کتاب‌های تالیف شده تهیه شوند. در این تحقیق، برای شناسایی مولفه‌ها و ساخت مدل پارادایم مذاکرات حسابرس -

صاحبکار از ابزار مصاحبه عمیق با مدیران ارشد شرکت‌های صاحبکار و شرکای حسابرسی موسساتی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران که در شهر تهران حضور دارند، صورت می‌گیرد. دوره زمانی تحقیق شامل سال ۱۳۹۲ خواهد بود. روش نمونه‌گیری بر مبنای نمونه‌گیری نظری (روش گلوله برفی) خواهد بود. در نمونه‌گیری نظری نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که بیشترین قدرت تبیین و استدلال را فراهم می‌آورند و نمونه‌گیری تا زمانی تداوم می‌یابد که پژوهش به اشباع نظری برسد. بنابراین از میان گروه‌های نمونه عنوان شده نمونه‌گیری به نحوی صورت می‌پذیرد که پژوهش به اشباع برسد. این پژوهش با مصاحبه از ۳۰ نفر به شرح زیر اشباع رسیده است.

تکانه (۱): ترکیب مصاحبه‌شوندگان

سمت/موقعیت شغلی	تعداد	تحصیلات			سابقه کاری	
		کارشناسی ارشد	دکتری	کمتر از ۱۵ سال	۱۵-۳۰ سال	بیش از ۳۰ سال
شریک موسسه حسابرسی	۱۷	۱	۱۵	۴	۵	۸
مدیر سازمان حسابرسی	۲	۱	۱	۰	۰	۲
مدیر شرکت دولتی	۴	۲	۲	۱	۱	۲
مدیر شرکت غیر دولتی	۷	۰	۷	۲	۵	۰
جمع	۳۰	۴	۲۵	۷	۱۱	۱۲

با توجه به ماهیت کیفی روش نظریه برخاسته از داده‌ها، از روش‌های مربوط به کدگذاری باز (برای کشف مولفه‌های توضیح دهنده فرایند مذاکره)، کدگذاری محوری (تعیین مقوله اصلی و روابط بین مولفه‌های کشف شده) و کدگذاری گزینشی (طراحی مدل جامع پارادایم مذاکره با بیان منطق روابط کشف شده) استفاده می‌گردد.

یافته‌های تحقیق

گام‌های طی شده در تحقیق به طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد:

تک‌اره (۲): گام‌های تحقیق

مرحله ۱. مصاحبه با شرکای مؤسسات حسابداری و مدیران ارشد (مدیران عامل و معاونین مالی) شرکتهای نمونه

تولید داده‌ها

مرحله ۲. تحلیل داده‌ها (محتوای مصاحبه‌ها)

مرحله ۳. کدگذاری باز

کدگذاری سطح اول: تولید مفاهیم

کدگذاری سطح دوم: تولید مقوله‌ها

مرحله ۴. کدگذاری محوری

تبیین ارتباط منطقی بین مقوله‌ها و تعیین شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، بشر، راهبردها و پیامدها

مرحله ۵. کدگذاری انتخابی

تبیین نظریه نهایی

کدگذاری باز

پس از انجام هر مصاحبه، ابتدا متن هر مصاحبه بررسی شده است و با توجه به هر جمله اساسی درون متن، مفاهیمی اولیه استخراج شده است. محقق پس از هر مصاحبه اقدام به مطالعه دقیق متن مصاحبه، و سپس برداشت نکات کلیدی اقدام به کدگذاری باز می‌نمود؛ و بعد از کدگذاری مصاحبه بعدی را انجام می‌داد. این رویه یا روش ادامه داشت تا زمانی که بعد از مصاحبه‌ها و جمع‌بندی نتایج و بررسی آن توسط تیم پژوهش اشباع نظری در مورد مصاحبه‌ها مورد توافق قرار گرفت. اشباع نظری معیاری است که بر اساس آن محقق در مورد اتمام فرایند گردآوری داده‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. به این معنا که هر وقت محقق در حین گردآوری داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری نظری به این نتیجه رسید که مفاهیم و مقوله‌های جدیدی در یافته‌ها وجود نداشته و پاسخ‌های داده شده به سوالات تحقیق یکسان هستند، عملیات گردآوری داده‌ها را متوقف می‌سازد. محقق در این تحقیق با انجام ۳۰ مصاحبه به اشباع نظری

رسیده است. از این ۳۰ مصاحبه، در مجموع ۹۵ مفهوم استخراج شد. برای نمونه مفاهیم استخراج شده از مصاحبه اول عبارتند از دانش نظری از استانداردها، رسالت و هدف، اندازه، پایبندی به اصول اخلاقی، آگاهی جامعه از نقش و خدمات حرفه حسابرسی، شهرت و اعتبار، داشتن گوش شنوا، دانش کاربردی از استانداردها، تجربه، پاسخ‌گویی، شدت رقابت، فشار زمانی، روابط فعلی و آتی با صاحبکار، احتمال رویارویی با ریسک دعای حقوقی، نوع اثر بر شهرت و آبروی موسسه حسابرسی، سطح کیفیت گزارش حسابرس و گزارشات مالی و اعتماد عمومی به حرفه.

برای نمونه نحوه کدگذاری نقل قول یکی از مصاحبه‌شوندگان (یکی از مدیران مالی صاحبکاران نمونه) تشریح می‌گردد:

"در فرایند مذاکره آشنایی تیم حسابرسی با استانداردهای حسابداری {دانش نظری تیم مذاکره کننده از استانداردها} و همچنین تجربه آنها و نحوه کاربرد استانداردها از اهمیت فراوان برخوردار است. مذاکره اثربخش نیازمند دانش و تجربه طرفین مذاکره است تا قادر باشند تا با ایجاد زبان مشترک به نتیجه برد دست یابند {دانش کاربردی و تجربی تیم مذاکره کننده از استانداردها}. در این میان نباید فراموش کرد که آشنایی تیم با آیین‌نامه‌ها و قوانین خاص صنعت شرکت مورد رسیدگی نیز امری ضروری است. به خصوص در صنایع با ماهیت خاص نظیر بیمه، بانک و... {تخصص صنعتی}."

پس از کدگذاری اولیه و تشکیل مفاهیم، کدگذاری سطح دوم برای تشکیل مقوله‌ها صورت می‌گیرد. این سطح از کدگذاری به معنای استفاده از فراوان‌ترین یا معنادارترین کدهای اولیه برای غربال کردن و تقلیل میزان زیادی از داده‌هاست. در این مرحله محقق ضمن مراجعه به متن عبارتی که هر کد از آن مستخرج شده و مقایسه کدها با یکدیگر درصدد شناسایی کدها متداخل و مشابه است، محقق با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم اولیه، کدها مشابه یا مشترک را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد. بنابراین انبوهی از داده‌ها و مفاهیم اولیه به مقوله‌هایی مشخص و محدود کاهش می‌یابند. از این رو هر مقوله دربرگیرنده مفاهیمی مشابه، متداخل و هم‌معناست. به عنوان مثال با مقایسه مفاهیم مختلف، محقق متوجه شده است که مفاهیم «دانش نظری تیم حسابرسی از استانداردها» و «دانش کاربردی و تجربی تیم از استانداردها» و «تخصص صنعتی» اشاره به یک چیز دارند؛ این که کیفیت دانش تیم

مسئول حسابرسان یکی از مقوله‌های اثرگذار بر فرایند مذاکره حسابرسان و شرکت است. با توجه به این مطلب محقق از هر یک از مفاهیم فوق مقوله «کیفیت دانش تیم حسابرسان مذاکره کننده» را استخراج نموده است. این مفهوم در سطح بالاتری از مفاهیم فوق بوده، انتزاعی‌تر است و هر یک از مفاهیم قبلی را پوشش می‌دهد. دیگر مقوله‌ها نیز به همین صورت استخراج شده‌اند. در مجموع ۹۵ مفهوم به ۴۹ مقوله تقلیل یافتند. لازم به ذکر است که از آنجا که حسابرسان تحت تأثیر عوامل مرتبط با متقاضی حسابرسان (صاحبکار) و عرضه کننده حسابرسان می‌باشد، مقوله‌ها به تفکیک سطوح فوق (عرضه حسابرسان و موسسه حسابرسان) و تقاضا (صاحبکار) ارائه گردیده است. نمونه‌ای از مقوله‌ها به همراه مفاهیم تشکیل دهنده آنها در سطح تیم حسابرسان مذاکره کننده به شرح زیر می‌باشند:

نگاره (۳): نمونه مقوله و مفاهیم

مفهوم	مقوله
دانش نظری از استانداردها دانش کاربردی از استانداردها تجربه و تخصص صنعتی	کیفیت دانش تیم حسابرسان مذاکره کننده
ارتباطات ضعیف با صاحبکار حین سال	مشکل ارتباطی تیم
عدم تقارن اطلاعاتی	مشکل اطلاعاتی
کمبود دانش مالی کمبود دانش صنعتی	مشکل دانشی تیم
آشنایی با اصول و فنون مذاکره: داشتن گوش شنوا قدرت نقادی تجربه مذاکره	کیفیت مهارت‌های مذاکره‌ای تیم حسابرسان مذاکره کننده
فشار زمانی	فشار زمانی تیم
قدرت	قدرت تیم
میزان پایبندی به اصول اخلاقی	اخلاق مداری تیم
رسالت و هدف تیم	رسالت و هدف تیم
حسابرسان نخستین یا بعدی طول مدت حسابرسان صاحبکار توسط یک تیم	دوره تصدی تیم
میزان پاسخ‌گویی (تبعات)	پاسخ‌گویی (تبعات) تیم

مفهوم	مقوله
گفتگو بر پایه شواهد و مستندات قوی تحلیل و تفهیم منطقی شواهد حفظ استقلال و بی طرفی در گفتگو	گفتگو منطقی و مستقل توسط تیم
استفاده از زبان تشویق به جای زبان تهدید اطمینان بخشی از مناسب بودن تعدیلات پیشنهادی مطلع ساختن صاحبکار از آثار و عواقب اعمال/عدم اعمال تعدیلات	اعتماد سازی توسط تیم
سطح کیفیت گزارش حسابرس	پیامدهای گزارشگری تیم
نوع اثر بر شهرت و آبروی تیم	پیامدهای شهرتی تیم
احتمال رویارویی با ریسک دعاوی حقوقی	پیامدهای حقوقی تیم

کدگذاری محوری

طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز مستلزم استفاده از روش مقایسه ثابت است. تحلیل مقایسه ثابت مقایسه رویداد در مقابل رویداد برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. هدف این مرحله بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی شده است. کدگذاری محوری بافت غلیظ از روابط حول محورهای یک مقوله است. در این مرحله، نوع مقوله‌های بدست آمده از کدگذاری محوری (مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط بستر، راهبردها و پیامدها) مشخص می‌گردد. مقوله‌های مستخرج از کدگذاری باز تحت ۶ دسته شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط بستر، راهبردها (کنش‌ها یا واکنش‌ها) و پیامدها قرار گرفته‌اند. از بین مقوله‌های استخراج شده، مقوله «مذاکره» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده و در مرکز مدل قرار گرفته است. دلیل انتخاب این مقوله به منزله مقوله محوری این است که در اغلب داده‌ها ردپای آن را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. بنابراین می‌توان این مقوله را در مرکز قرارداد و دیگر مقوله‌ها را به آن مرتبط نمود. برای نمونه جدول زیر کدگذاری محوری در سطح تیم حسابرسی را نشان می‌دهد:

نگاره (۴): نمونه کدگذاری محوری در سطح تیم حسابرسی

مقوله	نوع / سطح مقوله
کیفیت دانش	شرایط بستر / سطح تیم مذاکره
کیفیت مهارت‌های مذاکره‌ای	
رسالت تیم	
فشار زمانی	شرایط مداخله گر / سطح تیم
قدرت	
اخلاق مداری	
دوره تصدی	
پاسخ‌گویی (تبعات)	راهبردها / سطح تیم
گفتگو منطقی و مستقل	
اعتماد سازی	شرایط علی / سطح تیم
مشکل دانشی	
مشکل ارتباطی	
پیامدهای گزارشگری	پیامدها / سطح تیم
پیامدهای شهرتی	
پیامدهای حقوقی	

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی برخاسته از داده‌ها است که بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری به ارائه نظریه می‌پردازد. کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها است به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم می‌کند. در این سطح سعی می‌شود با کنار هم نهادن شرح مقوله‌ها حول مقوله محوری به منزله مضمون اصلی، یک روایت نظری برای پدیده ارائه شده و ضمن آن، حول این رشته اصلی، بین مفاهیم و مقوله‌ها، ارتباطی نظام‌مند ایجاد شود. بنا به نظر کرسول (۲۰۰۵) یک نظریه پرداز زمینه بنیان می‌تواند نظریه خود را به ۳ شیوه ممکن ارائه نماید: به صورت نمودار، به شکل روایت یک داستان، و یا به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها (یا فرضیات). در این پژوهش نظریه خلق شده به ۲ شکل ارائه می‌شود: نمودار و روایت.

مدل جامع پارادایم مذاکره حسابرِس - صاحبکار با توجه به کلیه عوامل بازار (عرضه و تقاضای بازار) به شرح زیر است:

نگاره (۵): مدل جامع پارادایم مذاکره حسابرِس - صاحبکار



از منظر عرضه‌کننده حسابرِس، تعارض بین حسابرِس و صاحبکار به سه دلیل ممکن است رخ دهد و مذاکره را امری اجتناب‌ناپذیر سازد: ۱. کمبود دانش مالی حسابرِس، ۲. کمبود دانش صنعتی حسابرِس، ۳. عدم تقارن اطلاعاتی و ۴. کیفیت ضعیف روابط حین سال و شیفت کلیه تعارضات به آخر سال و پس از صدور پیش‌نویس گزارش و ۵. کیفیت ضعیف ابزار در دست حسابرِس (یعنی استانداردها و قوانین).

پس از شکل‌گیری تعارض و ضرورت یافتن مذاکره انتخاب پارادایم مذاکره از سوی عرضه‌کننده حسابرِس به ۳ عامل بستگی دارد: ۱. کیفیت دانش عرضه‌کننده، ۲. کیفیت مهارت‌های مذاکره‌ای و ۳. رسالت و هدف عرضه‌کننده. نتایج حاکی از آن است که انتخاب پارادایم پیوسته در مذاکره برای دستیابی به یک نتیجه برد-برد نیازمند وجود دانش لازم از استانداردها و برخورداری از مهارت‌های مذاکره‌ای است. ضمن اینکه طرفین مذاکره باید واقعاً در پی دستیابی به کیفیت بهتر گزارشاتشان باشند. پس از داشتن پیش‌نیازهای انتخاب پارادایمی پیوسته، عرضه‌کننده می‌تواند از مجرای راهبردهای زیر به نتیجه برد-برد دست یابد:

۱) در وهله اول، عرضه‌کننده باید در مذاکره با صاحبکار از گفتگوی منطقی استفاده کند یعنی بر اساس شواهد و مستندات قوی گفتگو کند، و بتواند به طور منطقی شواهد و مستندات جمع‌آوری شده درباره موضوع را برای صاحبکار تجزیه و تحلیل کند. در این میان باید بی‌طرف باشد و استقلال نظرش را حفظ کند.

۲) در مرحله دوم، عرضه‌کننده برای متقاعد کردن صاحبکار باید از زبان تشویق استفاده کند نه اینکه متوسل به تهدید شود. برای متقاعد کردن وی به اعمال تعدیلات پیشنهادی باید در صاحبکار این اطمینان را ایجاد کند که تعدیلات پیشنهادی‌اش مناسب بوده و عدم اعمال آنها می‌تواند برای وی پیامدهای ناخوشایندی به همراه داشته باشد.

در آخر، با توجه به رفتار و عملکرد صاحبکار نظری بی‌طرفانه و مستقل اظهار کند.

بر اساس نتایج بدست آمده برخی عوامل مداخله‌گر می‌توانند بر هر یک از راهبردهای مورد اشاره در سطح حسابرِس اثر گذارند که عبارتند از اخلاق مداری، پاسخ‌خواهی، شهرت و اعتبار، قدرت موسسه، اندازه موسسه، دوره تصدی و فشار زمانی کار. اخلاق مداری موسسه بر اخلاق مداری تیم حسابرِس اثر گذار است. اگر موسسه‌ای پایبند به اصول اخلاقی باشد کیفیت

کار و استقلال نظر خود را حفظ می‌کند و با تیم‌ها و افرادی که پایبند به اخلاقیات نباشند برخورد می‌کند. در این صورت تیم حسابرسی مذاکره‌کننده نیز با احتمال کمتری در مذاکره با صاحبکار تباری می‌کند. قدرت موسسه حسابرسی نیز اثرگذار است. هر چه موسسه‌ای از قدرت بیشتری برخوردار باشد تیم در مقابل صاحبکار کوتاه نمی‌آید زیرا قدرت نسبی چانه زنی اش بیشتر است. شهرت و اعتبار سبب کاهش احتمال زیر پا گذاشتن استقلال در مذاکرات می‌شود. اندازه موسسه بر قدرت و هدفش اثرگذار است. فشار زمانی کار و دوره تصدی تیم حسابرسی نیز بر استقلال نظرش در مذاکرات اثرگذار است. چنانچه پاسخ خواهی از عرضه‌کننده وجود نداشته باشد، یا عرضه‌کننده پایبند به اصول اخلاقی نباشد و نفع شخصی را برای حفظ کار در این بازار با کیفیت پایین دنبال کند و یا از قدرت لازم برای رویارویی با فشار صاحبکار برخوردار نباشد ممکن است یکی از راهکارهای زیر را انتخاب کند:

(۱) تغییر گزارش. شامل تغییر شکل گزارش نظیر تلطیف بندها، ادغام و کوتاه کردن بندها، عدم ارائه رقم در بندها، درج بند بعد اظهار نظر و در نهایت افراط، حذف بندها و تغییر نوع اظهار نظر

(۲) توجیه‌سازی. برای نمونه توجیهاتی نظیر زیان ده شدن شرکت و یا متضرر شدن آن در دارایی یا تأمین اجتماعی یا عدم دستیابی به سود اعلامی یا تمسک به شواهد و مستندات غیر قابل اتکا برای این توجیه.

(۳) کاستن از کیفیت کار. از طریق استفاده از نیروی کار کمتر و با تخصص کمتر یا کاهش رسیدگیها.

در نهایت نتیجه این مذاکرات عبارتست از کیفیت صورت‌های مالی صاحبکار و کیفیت گزارش حسابرسی. کیفیت نتایج حاصل شده پیامدهایی برای عرضه‌کنندگان حسابرسی دارد. اولین پیامد آن حفظ یا استمرار روابط با صاحبکار و پیامدهای مالی آن است. همچنین مذاکرات فعلی می‌تواند بر مذاکرات و روابط آتی دو طرف نیز تأثیرگذار باشد. پیامد دیگر برای عرضه‌کننده اثر نتایج بدست آمده بر شهرت و اعتبار عرضه‌کننده و ریسک دعاوی حقوقی است. پیامد دیگر اثراتی است که نتایج بدست آمده بر نیروی انسانی مشغول در هر سطح عرضه می‌گذارد که بر انگیزش آنها و مانایی آنها اثرگذار است. در سطح کلان هر چه

نتایج با کیفیت بالاتری همراه باشد اعتماد عمومی به عرضه کنندگان افزایش یافته و استفاده کنندگان از این گزارشات می‌توانند با تکیه بر آنها بهترین تصمیمات را اخذ کردن و در نتیجه تخصیص بهینه منابع صورت گیرد.

از منظر تقاضای حسابرِس، تعارض بین حسابرِس و صاحبکار به سه دلیل ممکن است رخ دهد و مذاکره را امری اجتناب ناپذیر سازد: ۱. کمبود دانش مالی صاحبکار، و ۲. کیفیت ضعیف روابط حین سال، عدم مشورت با حسابرِس و شیفت کلیه تعارضات به آخر سال و پس از صدور پیش‌نویس گزارش و ۳. کیفیت پایین ابزار در دست مدیران (استانداردها و قوانین). در سطح صاحبکار (تقاضا) نیز مشابه آنچه در سطح عرضه حسابرِس ذکر شد انتخاب پارادایم مذاکره به سه عامل بستگی دارد: ۱. کیفیت دانش، ۲. کیفیت مهارت‌های مذاکراتی، ۳. رسالت و هدف.

صاحبکار می‌تواند سه راهبرد را برای پیاده سازی پارادایم پیوسته اتخاذ کند تا به نتیجه برد-برد برسد. این راهبردها عبارتند از ۱. گفتگو منطقی (گفتگو بر اساس شواهد و مستندات قوی و ارائه آنها به حسابرِس و اهمیت داشتن کیفیت گزارش و نظر حسابرِس و نه تاکید بر شکل گزارش) و ۲. مذاکره از مجرای حاکمیت شرکتی اثربخش (کمیته حسابرِس و حسابرِس داخلی که مستقل بوده و از کیفیت دانش بالایی برخوردار باشند و فعالانه به انجام وظایفشان پردازند)، و ۳. اعتماد سازی (کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و عدم تهدید). مصاحبه‌های انجام شده حاکی از آن است که صاحبکاران ایرانی از نظر هر سه بعد دچار مشکل هستند زیرا از یک سو بیشتر بر شکل گزارش تاکید دارند و از سوی دیگر گاه فراموش می‌کنند که حسابرِس تنها با ارائه مدارک قانع می‌شود و سعی می‌کنند از طرق دیگر برای نمونه رشوه یا اعمال قدرت، تهدید و سایر روش‌ها، وی را مجاب نمایند. همچنین در اغلب شرکت‌های ایرانی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی یا وجود ندارد و یا شکلی و صورتی و تنها برای رفع الزامات قانونی هستند و عملاً کسانی در این مناصب قرار می‌گیرند که جای دیگری ندارند و تنها برای پر کردن چارت سازمانی حظوری منفعل دارند.

در سطح عرضه نیز شرایطی بر بکارگیری این دو راهبرد اثر گذارند که عبارتند از قدرت، اندازه، شهرت و اعتبار، پاسخ‌گویی، مالکیت صاحبکار و فشار زمانی. قدرت مدیریت صاحبکار هم بر نوع گفتگوش موثر است. هر چه مدیر از قدرت بیشتری برخوردار باشد از

موضع قدرت با حسابرس صحبت می‌کند و سعی می‌کند تا بوسیله همین قدرتش وی را مجبور به تغییر گزارشش نماید. اندازه صاحبکار بر قدرت و پاسخگویی موثر است. شهرت و اعتبار صاحبکار بر اعتمادسازی اش موثر است. پاسخ خواهی از مدیر نیز می‌تواند بر هر دو راهبرد موثر باشد. اگر شرکت دارای سهامداران آگاهی باشد که دنبال کیفیت هستند از مدیر خواهان استقرار یک حاکمیت شرکتی مناسب خواهند شد و در صورت فقدان چنین ساختارهایی از وی پاسخ می‌خواهند. همچنین پاسخ خواهی از مدیر بر گفتگو وی نیز اثر گذار است. پاسخ خواهان دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از دارایی، تأمین اجتماعی که بر اساس نظر مصاحبه شوندگان، مالکیت صاحبکار بر هدف و رسالتش اثر گذار است. معمولاً شرکت‌های بورسی در پی رسیدن به سود پیش بینی شده و اعلامی هستند و رقم سود هر سهم برایشان بسیار اهمیت دارد. در مقابل شرکت‌های کوچکتر غیر بورسی نظیر شرکت‌های تک مالکی و یا خانوادگی در پی پرداخت مالیات و بیمه کمتر هستند. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان فشار زمانی هم عامل موثری است. پیامدهای این مذاکرات برای صاحبکار عبارتست از حفظ یا تعویض حسابرس، حفظ یا اخراج مدیر از شرکت، اثر بر شهرت شرکت و مدیرانش و ریسک دعاوی حقوقی برای آنها.

ارزیابی کیفیت مدل

به منظور ارزیابی کیفیت مدل بدست آمده در کدگذاری انتخابی؛ نظریه پدیدار شده به ۲ نفر از مشارکت کنندگان ارائه و نظرات تکمیلی آنان دریافت و اعمال گردیده است. همچنین مدل بدست آمده از پژوهش برای اعتبار سنجی نهایی به یک نفر از اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران و یکی از متخصصین دانشگاهی که از تجربه مدیریتی نیز برخوردار بودند ارائه شد و مورد تایید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

در راه بررسی اعتبار گزارشات مالی صاحبکار، ممکن است بر سر برخی موضوعات حسابداری بین حسابرس و مدیریت صاحبکار اختلاف نظری ایجاد گردد. برای حل این اختلاف نظر، اعضای درگیر وارد فرایند مذاکره با یکدیگر می‌شوند. علی‌رغم آنکه مدیریت شرکت صاحبکار مسئولیت نهایی گزارش‌های مالی را به عهده دارد، گزارشات مالی شرکت

را میتوان محصول تلاش مشترک حسابرِس و مدیریت دانست. در واقع، گزارشات مالی نهایی نتیجه مذاکرات حسابرِس و مدیریت می‌باشند و فرایند این مذاکره بر کیفیت این گزارشات تأثیر می‌گذارد و در نتیجه می‌تواند برای خود افراد درگیر مذاکره، سازمان آنها و کل جامعه پیامدهایی را به همراه داشته باشد. بدلیل اهمیت داشتن این موضوع، تحقیق حاضر به مطالعه و مدل‌سازی این فرایند از طریق مصاحبه عمیق با خبرگانی از هر دو سوی مذاکره یعنی شرکای حسابرِسی و مدیران شرکت‌ها پرداخته است. ضمن اینکه با توجه به سطوح مختلف عرضه‌کنندگان حسابرِسی (موسسه حسابرِسی و تیم حسابرِسی) تلاش شده تا مدلی جامع از کلیه عوامل تعیین‌کننده در هر یک از این سطوح ارائه شود.

نتایج بدست آمده نشان داد که برای دستیابی به یک مذاکره برد-برد و انتخاب پارادایم پیوسته از سوی دو طرف مذاکره‌کننده، مهم‌ترین عوامل لازم عبارتند از کیفیت دانش و مهارت‌های مذاکره‌کنندگان طرفین مذاکره. همچنین بر اساس نظر خبرگان راهبردهای پیاده‌سازی پارادایم پیوسته و دستیابی به مذاکره برد-برد عبارتست از گفتمان منطقی، اعتمادسازی، استقلال نظر و مذاکره از مجرای مکانیزم‌های مناسب حاکمیت شرکتی. برخی عوامل بر موفقیت یا عدم موفقیت پیاده‌سازی این راهبردها موثرند که عبارتند از فشار زمانی، افق دید زمانی، اخلاق مداری، پاسخگویی، قدرت، اندازه، شهرت و اعتبار، نوع نگاه، هدف و رسالت طرفین مذاکره و مدت ارتباط آنها با هم. در صورت وجود مدت زمان مناسب برای مذاکرات، دید بلندمدت، اخلاق مداری و جویای حقیقت و کیفیت بودن طرفین، پاسخ‌گو بودن طرفین، تعادل قدرت و مدت مناسب ارتباطات آنها با هم، تعادل در اندازه موسسه با شرکت، شهرت مناسب طرفین، آشنایی صاحبکار با حسابرِسی و نقش آن است که پیاده‌سازی راهبردهای فوق را راحتتر می‌نماید. نتیجه این مذاکرات تعیین‌کننده گزارشات مالی شرکت و گزارش حسابرِسی است که پیامدهایی را برای هر دو طرف مذاکره در پی دارد از قبیل پیامدهای کاری (حفظ یا قطع ارتباط)، پیامدهای شهرتی و حقوقی، پیامدهای نیروی انسانی (انگیزش و مانایی) و در سطح کلان بر اعتماد عمومی و تخصیص منابع اثرگذار است. نتایج بدست آمده در جدول زیر با مطالعات پیشین مطابقت داده شده است:

نگاره (۶): نتایج حاصل از تحقیق و مقایسه با پیشینه

گیبینز و سالتریو (۲۰۰۱)	گیبینز، مک کراکن و سالتریو (۲۰۰۵)	بتی، فرنی و برنت (۲۰۰۴ و ۲۰۰۰)	مقوله‌های مدل تحقیق
	x	x	کیفیت دانش عرضه کنندگان
			کیفیت مهارت‌های مذاکراتی عرضه کنندگان
			مشکل ارتباطی
x	x		مشکل اطلاعاتی
	x	x	مشکل دانشی
			مشکل ابزاری
	x	x	فشار زمانی
		x	دوره تصدی
x	x	x	اخلاق مداری عرضه کنندگان
x	x	x	هدف و رسالت عرضه کنندگان
			شهرت و اعتبار عرضه کنندگان
x	x	x	اندازه عرضه کنندگان
			پاسخ خواهی از عرضه کنندگان
x	x	x	قدرت و جایگاه عرضه کنندگان
x	x		گفتگو منطقی و مستقل
			اعتماد سازی
x	x	x	پیامدهای گزارشگری
		x	پیامدهای کاری
			پیامدهای مالی
		x	پیامدهای شهری
		x	پیامدهای حقوقی
			پیامدهای مدیریت منابع انسانی
			کمک به گفتگوی منطقی و مستقل
	x	x	کیفیت دانش صاحبکار
			مهارت‌های مذاکراتی صاحبکار
x	x	x	هدف و رسالت صاحبکار
			اندازه صاحبکار
			شهرت و اعتبار صاحبکار
		x	مالکیت صاحبکار
x	x	x	قدرت مدیریت
			پاسخ خواهی از مدیریت
	x	x	حاکمیت شرکتی

از آنجا که اغلب تحقیقات صورت گرفته در زمینه مذاکرات حسابرِس - صاحبکار مساله را تنها از دید حسابرِس مورد تحقیق قرار داده اند لیکن بسیاری از مولفه‌های مرتبط با صاحبکار که در این پژوهش شناسایی شده است در تحقیقات قبلی وجود ندارد و این امر یکی از ایرادات وارد بر تحقیقات قبلی و چالش‌های موجود در ادبیات تحقیق بوده است که در این تحقیق سعی شده تا با مدنظر قراردادن هر دو طرف فعال در مذاکره مدلی جامع با دیدی جامع تبیین گردد. بیشتر تحقیقات پیشین بدلیل تمرکز بر کدگذاری باز، تنها به شناسایی برخی مقوله‌ها و مفاهیم موثر بر این فرایند بدون دسته بندی نوع مقوله‌ها در کدگذاری محوری و ارائه نظریه در کدگذاری گزینشی اکتفا کرده اند لیکن این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای ارائه یک مدل جامع مذاکره استفاده نموده است که از این طریق به مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده طی تحقیقات گذشته مفاهیم و مقوله‌های جدیدی اضافه گردید. در نتیجه این مطالعه، نتایج تحقیقات قبلی را توسعه بخشیده است.

مشابه با اغلب پژوهش‌های پیشین، مشکل دانشی و اطلاعاتی بعنوان علل مذاکره شناسایی شده‌اند. لیکن مشکل ارتباطی و ابزاری شناسایی شده در این پژوهش در پژوهش‌های قبلی مورد اغفال قرار گرفته است. بر اساس نظر مصاحبه شونده‌گان دلیل اصلی شناسایی نشدن این عامل در تحقیقات قبلی انجام شده در سطح جهان، وجود ارتباط مستمر حسابرِس و صاحبکاران خارجی ضمن سال است لیکن در ایران، این امر از سوی دو طرف مذاکره مورد اغفال قرار گرفته است. دلیل این امر عدم تمایل مدیران ایرانی به مشورت و دادن اطلاعات به حسابرِس است زیرا به حسابرِس به عنوان مچ گیر و نه یک مشاور حرفه‌ای می‌نگرند. همچنین یکی از دلایل اصلی اختلاف زابین حسابرِس - صاحبکار که مذاکره را ضروری می‌سازد به ابزار مدیر در تهیه صورت‌های مالی بر می‌گردد. بدین معنا که بدلیل اصول محور بودن استانداردهای ما قضاوت امری اساسی است و ممکن است قضاوت و تفسیر حسابرِس و مدیر از استانداردها متفاوت باشد همچنین گاه در آن صنعت خاص استاندارد مشخصی وجود ندارد و در بسیاری موارد بدلیل تضاد قوانین مالیاتی و استانداردهاست که مدیر از رعایت استانداردها سرباز زده و قانون مالیات را مدنظر قرار می‌دهد.

وجود دانش مناسب بعنوان بستر و پیش نیاز ایجاد پارادایم پیوسته مذاکرات در اغلب پژوهش‌ها شناسایی شده است. سایر مولفه‌های شناسایی شده بعنوان بستر در این پژوهش

مولفه‌های جدیدی هستند که در تحقیقات قبلی به طور کامل شناسایی نشده‌اند. برای نمونه با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، حساب‌برسان و صاحبکاران ما از مهارت‌های مذاکره‌ای مناسبی برای ورود به فرایند مذاکره برخوردار نیستند و همین امر اثرات نامطلوب در متقاعد نمودن طرف مقابل دارد.

راهبردهای پیشنهادی بدست آمده برای مذاکرات علی‌الخصوص راهبرد اعتمادسازی نیز در تحقیقات قبلی مورد غفلت قرار گرفته است. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته، حساب‌برسان ایرانی بدلیل ضعف در بسترها، در پیاده نمودن راهبرد اعتمادسازی دارای مشکل هستند. آنها در مذاکره با صاحبکار به جای آنکه سعی کنند تا با زبان تشویق و ایجاد اعتماد متقابل، صاحبکار را متقاعد به مناسب بودن انجام تعدیلات نمایند غالباً از طریق تهدید به گزارش غیر مقبول سعی در انجام این امر دارند. همچنین آنها به جای دیدن قسمت پر لیوان و یادآوری آثار مثبت اعمال تعدیلات برای صاحبکار، غالباً از طریق یادآوری عواقب بد عدم اعمال تعدیلات برای صاحبکار و عدم توجه به آثار رفتاری آن مذاکره را انجام می‌دهند. همچنین غالب موسسات حسابرسی ایران بدلیل کوچک و ضعیف بودن قادر به حفظ استقلال و بی طرفی در مذاکره و مقاومت در مقابل فشارهای صاحبکار نیستند.

صاحبکاران ایرانی نیز راهبردهای مناسبی در مذاکره با صاحبکاران در پیش نمی‌گیرند. آنها غالباً با تهدید به قطع روابط سعی در گرفتن گزارش مطلوبشان دارند. مصاحبه‌های صورت گرفته نشان داد که غالب صاحبکاران ایرانی تنها بر شکل گزارش و کمیت آنها تمرکز دارند و کیفیت آن برایشان از اهمیت پایینی برخوردار است. این امر گاه خود سبب تنش بیشتر در مذاکرات می‌گردد. همچنین مشکل عمده دیگر در مذاکرات، عدم وجود یک نظام حاکمیت شرکتی اثربخش در شرکت‌های صاحبکار و مذاکره از مجرای آن بعنوان یک نهاد مستقل واسط بین حسابرس و صاحبکار است.

از بین عوامل مداخله‌گر شناسایی شده در این تحقیق، میزان پاسخ‌خواهی در تحقیقات قبلی شناسایی نشده است. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان هر چه جامعه با حرفه حسابرسی آشنا تر باشد و جایگاه آن در جامعه مشخص شده باشد، از حرفه پاسخ‌می‌خواهد. هر چه پاسخ‌خواهان از حرفه بیشتر باشند، حرفه نیز از بدنه خود که موسسات هستند پاسخ‌خواهی بیشتری

خواهد داشت و به همین ترتیب موسسات از اعضای خود. این عامل خود بر گفتمان منطقی و مستقل تیم حسابرسان در مذاکره با صاحبکار اثرگذار است.

مهم‌ترین تفاوت این تحقیق با ادبیات پیشین در عوامل پیامدی مرتبط است با پیامدهای منابع انسانی و پیامدهای مالی. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، هنگامی که شرکای موسسات حسابرسان بر سر میز مذاکره با صاحبکاران کوتاه می‌آیند این امر آثار منفی بر روحیه و انگیزه زبردستان آنها در موسسه دارد زیرا اعضای زبردست تیم حسابرسان زحمات خود را بی‌نتیجه می‌یابند. در نتیجه ممکن است در حسابرسانی‌های بعدی اهمال و کم‌کاری کنند و یا از موسسه خارج و به موسسه دیگری بروند و یا ممکن است بدلیل سرخوردگی شدید از حرفه خارج شوند. همچنین یکی دیگر از پیامدهای مهم مذاکرات در ایران، پیامدهای مالی است. عبارتی غالب موسسات ایرانی بخشی از حق الزحمه حسابرسان خود را پس از صدور گزارش نهایی دریافت می‌کنند. در این صورت چنانچه در مذاکره با صاحبکار نظر وی را تأمین نکنند ممکن است آن بخش از حق الزحمه خود را از دست بدهند. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان بدلیل ضمانت اجرایی پایین و قیمت‌های پایین حسابرسان، ورود به فرایند دادخواهی قانونی برای دریافت مابقی حق الزحمه برایشان صرفه اقتصادی ندارد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادات کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به شناسایی علل بروز اختلاف حسابرسان و صاحبکاران ضروریست تا تمهیدات کاهنده تنش بین حسابرسان و صاحبکاران مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، اندیشیدن تمهیداتی برای ارتباط مستمر و حین سال حسابرسان و صاحبکاران امری ضروری است.
- با توجه به کشف پیش‌نیازهای انتخاب پارادایم پیوسته در مذاکرات از سوی هر دو طرف مذاکره باید تمهیداتی را برای فراهم شدن هر چه بیشتر این بسترها اندیشید. برای نمونه از پیش‌نیازهای پارادایم پیوسته، دانش و مهارت‌های مذاکراتی مناسب و رسالت‌طرفین مذاکره است.

- اتخاذ تمهیداتی برای بهبود هر چه بیشتر وضعیت عوامل مداخله گر نظیر میزان پاسخخواهی از سطوح عرضه و تقاضا کننده حسابرسی، دوره تصدی، قدرت و استقلال عرضه کننده نیز مورد نیاز است.
- با توجه به راهکارهای ارائه شده باید تمهیداتی برای اجرای موفق این راهکارها اندیشید. باید تمهیداتی برای اطمینان از اجرای هر چه بهتر راهبرد اعتمادسازی، گفتگو منطقی و مستقل و مذاکره از مجرای حاکمیت شرکتی در هر یک از سطوح عرضه حسابرسی اندیشید.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ارائه مدلی جامع برای سایر ابعاد مذاکره حسابرس - صاحبکار نظیر مذاکره در زمان تصمیم‌گیری در مورد پذیرش صاحبکار و یا مذاکرات حین سال و عملیات حسابرسی.
- پیشنهاد می‌شود در تحقیقاتی جداگانه صحت چالش‌های یافت شده در مصاحبه‌ها نظیر اثر بخش نبودن حاکمیت شرکتی در ایران، مطلوب نبودن کیفیت بازار حسابرسی و... به دقت بررسی شده و در صورت لزوم راهکارهای مناسب یافت شوند.

محدودیت‌های تحقیق

اصلی‌ترین محدودیت در پژوهش‌های کیفی امکان بروز و دخالت دادن پیش‌فرض‌ها و تعصبات پژوهشگر ممکن است یافته‌ها و نتایج تحقیق را خدشه‌دار نماید که البته در پژوهش حاضر محقق تلاش نموده تا حد امکان بدون سوگیری عمل نموده و صرفاً اقدام به رصد تجارب و مشاهدات مشارکت کنندگان نماید.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی این است که امکان تفاسیر مختلف از پدیده مورد بررسی وجود دارد به همین دلیل تفسیر صورت گرفته از پدیده مذاکره در پژوهش حاضر تنها یکی از تفاسیر ممکن و پذیرفتنی در مورد آن است و امکان وجود تفاسیری دیگر از آن نیز وجود دارد.

منابع

- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی سبک‌های مذاکره در جهان. *مطالعات مدیریت*. شماره ۲۱ و ۲۲.
- فیشر، راجر و یوری، ویلیام. (۱۳۷۰). *اصول و فنون مذاکره*، ترجمه مسعود حیدری، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- Antle, R. , & Nalebuff, B. (1991). Conservatism and Auditor-Client Negotiations. *Journal of Accounting Research* , 29 (Supplement) , 31-54.
- Bartol, K. , Tein, M. , Matthews, G. , & Martin, D. (2003). Management - A Pacific Rim Focus (Enhanced ed.). NSW, Australia: McGraw-Hill.
- Beattie Vivien, Fearnley Stella and Brandt Richard. (2000). Behind the audit report: a descriptive study of discussions and negotiations between auditors and directors. *International Journal of Auditing*. 4: 177-202.
- Beattie Vivien, Fearnley Stella and Brandt Richard. (2004). A Model of Auditor-Client Negotiations. *International Journal of Auditing*. 8: 1-19.
- Gibbins, M and S. Salterio. (2001). Modeling the Auditor's Intended Strategy in Auditor-Client Negotiation. *The Accounting Review* 5: 1-30.
- Gibbins, M. , McCracken, S, & Salterio, S. (2010). The auditor's strategy selection for negotiation with management: Flexibility of initial accounting position and nature of the relationship. *Accounting, Organizations and Society* 35: 579-595.
- Gibbins, M. , S. McCracken and S. Salterio. (2005). Negotiations Over Accounting Issues: The Congruency of Audit Partner and Chief Financial Officer Recalls. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 24 (Supplement): 171-193.
- Hatfield, R. C. , Agoglia, C. P. , & Sanchez, M. H. (2008). Client characteristics and the negotiation tactics of auditors: Implications for financial reporting. *Journal of Accounting Research*, 46: 1183-1207 .
- Iborra. M. C (2008). Time pressure in acquisition negotiations: Its determinants and effects on parties' negotiation behavior choice. *International Business Review* 17: 285-309.
- Kaplan Richard. (2004). Mother of All Conflicts: Auditors and Their Clients. Working paper.
- Perreault, Stephen, Kida, Thomas. (2011). The relative effectiveness of persuasion tactics in auditor-client negotiations. *Accounting, Organizations and Society* 36: 534-547.

Strauss, A; Corbin, J. (1998) ; Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory; London: Sage Publications

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۷۱-۱۹۰

رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و نوع تأمین مالی

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

صابر شعری آناقیز*، قاسم بولو**، بهرام محسنی ملکی رستاقی***

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۳۰

چکیده

یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی شرکت‌ها، تأمین مالی وجوه مورد نیاز برای فعالیت‌های جاری و سرمایه‌گذاری می‌باشد. نحوه تأمین مالی شرکت‌ها تحت تأثیر عوامل بسیار زیاد و متفاوت درون و برون سازمانی قرار دارد. از سویی دیگر تحقیقات مختلفی نشان داده است که با توجه به مشکلات تئوری‌های سنتی ساختار سرمایه، یکی از عوامل تأثیرگذار بر مسائل تأمین مالی شرکت‌ها، انعطاف‌پذیری مالی است. این مطالعه به بررسی رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و نوع تأمین مالی (بدهی یا انتشار سهام) می‌پردازد. برای این منظور از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۰۸ شرکت انتخاب و اطلاعات مالی مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ آنها مورد بررسی قرار گرفت. برای انجام این مطالعه، ابتدا با استفاده از مدل فاکتور و وانگ (۲۰۰۶)، ارزش نهایی وجه نقد که شاخصی برای تعیین انعطاف‌پذیری مالی است، محاسبه شده و سپس با استفاده از رگرسیون لجستیک ساده و چند گانه، به بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر تأمین مالی از طریق سهام یا بدهی یا ترکیبی از آنها پرداخته شده است. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی با انتشار بدهی‌های موقت شرکت‌ها دارای رابطه مثبت و معناداری بوده ولی با انتشار سهام دارای رابطه معناداری نمی‌باشد. در این مطالعه منظور از بدهی‌های موقت، بدهی‌های بالاتر از اهرم بهینه برآوردی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری مالی، ساختار سرمایه، بدهی موقت، اهرم بهینه.

طبقه بندی موضوعی: G30، G10، M41

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2016.2787

* استادیار حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، (accountingsheri@yahoo.com)

** استادیار حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، (ghblue20@yahoo.com)

*** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره) و مدرس دانشگاه مازندران و نویسنده مسئول،

(bahrammohseni@gmail.com)

مقدمه

مباحث تئوریک ساختار سرمایه، در پی رسیدن به حدی از تعادل بین دو منبع اصلی تأمین مالی یعنی بدهی و حقوق صاحبان سرمایه است که بتواند در آن نقطه، ارزش سهام را به حداکثر رسانیده و در مقابل هزینه منابع تأمین مالی را نیز به حداقل ممکن رسانند. به چنین نقطه‌ای حد تعادلی، ساختار سرمایه مطلوب (بهینه^۱) گفته می‌شود. (تهرانی، ۱۳۸۴).

به طور کلی تئوری‌های مرتبط با ساختار سرمایه را می‌توان به دو گروه نظریه‌های سنتی و نظریه‌های نوین طبقه‌بندی نمود. هر یک از این تئوری‌ها در صدد برآمدند تا ساختار سرمایه شرکت‌ها را تفسیر نمایند. با این وجود، این مدل‌ها از نظر تجربی چندان کارآمد نبودند. برای مثال، پیش‌بینی‌های نسخه سنتی تئوری سلسله مراتبی برای همه شرکت‌ها یکسان نمی‌باشد.

در ایران نیز تحقیقات پژوهشی مختلفی که در ارتباط با کاربرد این تئوری‌ها انجام شده، اغلب بیانگر ناتوانی این تئوری‌ها در توضیح و تبیین رفتار مالی شرکت‌ها می‌باشد. برای مثال می‌توان به تحقیقات حقیقت و بشیری (۱۳۹۱)، کردستانی و پیرداوری (۱۳۹۱)، نصیرزاده و مستقیمان (۱۳۸۹)، اسلامی بیدگلی و مظاهری (۱۳۸۸) اشاره کرد. برای بررسی این که چرا تئوری‌های ساختار سرمایه، در عمل تا حدودی قادر به تبیین تصمیمات ساختار سرمایه در دنیای واقعی نیست، به دیدگاه کلارک (۲۰۱۰) اشاره می‌کنیم. وی بیان کرد که ریسک تجاری، وضعیت مالیاتی و انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها در تعیین ساختار سرمایه شرکت‌ها موثر می‌باشد. با بررسی نظریات ساختار سرمایه، به این نتیجه می‌رسیم که تئوری‌های ساختار سرمایه، موضوع انعطاف‌پذیری مالی را در تعیین ساختار سرمایه نادیده گرفته‌اند. انعطاف‌پذیری مالی عبارت است از توانایی واحد تجاری در اقدام موثر برای تغییر میزان و زمان جریان‌های نقدی آن به گونه‌ای که واحد تجاری بتواند در قبال رویدادها و فرصت‌های غیرمنتظره واکنش نشان دهد (استاندارد حسابداری ایران، پیوست نشریه ۱۶۰ سازمان حسابرسی). در این مطالعه، به بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر نوع تأمین مالی، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

دارابی (۱۳۹۲)، به بررسی رابطه انعطاف پذیری مالی و تصمیمات ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج نشان داد که بین ارزش نهایی انعطاف پذیری مالی و تصمیمات ساختار سرمایه شرکت‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد و شرکت‌ها در تصمیمات مربوط به افزایش و یا کاهش بدهی‌های خود به آن توجه نمی‌کنند.

حقیقت و بشیری (۱۳۹۱)، به بررسی اثر انعطاف پذیری مالی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که در مرحله تولد هستند، نسبت‌های اهرمی متعادل، شرکت‌های در مرحله رشد از نسبت‌های اهرمی بالا و شرکت‌های مرحله بلوغ به تامین مالی درون سازمانی متکی هستند. یافته‌های این تحقیق با نظریه توازن سازگار است ولی با نظریه ترجیحی در زمینه شرکت‌های مرحله تولد مطابقت ندارد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی تأثیر انعطاف پذیری مالی بر میزان سرمایه‌گذاری و ارزش آفرینی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای شناسایی انعطاف پذیری مالی، از ظرفیت مازاد بدهی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد، انعطاف پذیری مالی بر میزان سرمایه‌گذاری، تأثیر منفی و بر ارزش آفرینی تأثیر مثبت با اهمیتی داشته و شرکت‌های دارای انعطاف پذیری مالی، از دید بازار حائز ارزش بوده‌اند.

هس و ایمنکوتر (۲۰۱۴)، به بررسی رابطه بین ظرفیت بدهی شرکت‌ها و انعطاف پذیری مالی پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی با ظرفیت بالای بدهی استفاده نشده، برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری خود، اقدام به استقراض بیشتر و انتشار بالای بدهی می‌کنند. از سویی دیگر شرکت‌هایی که دارای ظرفیت کامل بدهی می‌باشند، اقدام به انتشار سهام می‌کنند. به طور کلی نتایج این تحقیق بیانگر اهمیت بالای انعطاف پذیری مالی در تأمین مالی شرکت‌ها می‌باشد.

بیون (۲۰۱۱)، به بررسی رابطه بین انعطاف پذیری مالی و تصمیمات ساختار سرمایه پرداخت. وی به این نتیجه رسید که شرکت‌های در مرحله تولد، به دلیل شکل دهی انعطاف پذیری مالی،

اهرم مالی (بدهی) کمتری را نگهداری می‌کنند. شرکت‌های در مرحله رشد، اهرم بالایی را نگهداری می‌کنند و سرانجام شرکت‌های بالغ (کامل)، اهرم متوسطی را نگهداری می‌کنند.

دنيس (۲۰۱۱)، نشان داد شرکت‌هایی که از طریق بدهی تأمین مالی نموده‌اند، در سال‌های بعدی با محدود کردن تقسیم سود سعی مینمایند تا به وضعیت قبلی خود برگردند. نتایج تحقیق، با نظریه‌ی سلسله مراتب تأمین مالی و انعطاف‌پذیری مالی مطابقت دارد. هم چنین، نتایج تحقیق بیانگر اهمیت انعطاف‌پذیری مالی از طریق بدهی بر وجوه نقد است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: با افزایش انعطاف‌پذیری مالی، شرکت‌ها تمایل کمتری به افزایش سطح بدهی‌های موقت در دوره جاری دارند اما تمایل به انتشار آن در آینده نزدیک دارند.

فرضیه ۲: شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری مالی بیشتری دارند، تمایل بیشتری به انتشار سهام نسبت به بدهی‌های موقت دارند.

جامعه و نمونه آماری

برای انجام این پژوهش از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ استفاده شده است. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که دارای شرایط زیر باشند:

(الف) شرکت قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

(ب) اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.

(ج) شرکت‌های مورد نظر در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

(د) شرکت‌های مورد مطالعه، جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.

با توجه به شرایط فوق تعداد ۱۰۸ شرکت به عنوان نمونه برای بررسی فرضیه‌ها انتخاب شده‌اند.

روش پژوهش

برای محاسبه انعطاف پذیری مالی از شاخص ارزش نهایی وجه نقد با استفاده از روشی مشابه آنچه که فالكندر و وانگ (۲۰۰۶) انجام داده‌اند، (مدل شماره ۱)، استفاده شده است. در این صورت ضریب رگرسیون بدست آمده برای متغیر تغییر در وجه نقد نگهداری شده (β_1)، بیانگر ارزش نهایی وجه نقد نگهداری شده می‌باشد.

مدل ۱- برآورد اولیه ضرایب برای تعیین ارزش نهایی وجه نقد

$$R_{i,t} - \bar{R}_{pt} = \lambda_0 + \lambda_i \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_2 \frac{C_{i,t-1}}{M_{i,t-1}} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_3 \frac{CF_{i,t}}{TA_{i,t}} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_4 MB_{i,t} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_5 \frac{Dep_{i,t}}{TA_{i,t}} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_6 Size_{i,t} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_7 \frac{FA_{i,t}}{TA_{i,t}} * \frac{\Delta C_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_8 \frac{\Delta E_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_9 \frac{\Delta NA_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_{10} \frac{\Delta I_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_{11} \frac{\Delta D_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_{12} \frac{NF_{i,t}}{M_{i,t-1}} + \lambda_{13} \frac{C_{i,t-1}}{M_{i,t-1}} + \lambda_{14} \frac{CF_{i,t}}{TA_{i,t}} + \lambda_{15} MB_{i,t} + \lambda_{17} Size_{i,t} + \lambda_{18} \frac{FA_{i,t}}{TA_{i,t}} + \mu_{i,t} + \lambda_{16} \frac{Dep_{i,t}}{TA_{i,t}}$$

پس از محاسبه ضرایب رگرسیون، با استفاده از مدل شماره ۲، ارزش نهایی وجه نقد برای هر سال- شرکت از رابطه زیر بدست می‌آید:

مدل ۲- محاسبه انعطاف‌پذیری مالی (ارزش نهایی وجه نقد)

$$MVOC_C = \lambda_1 + \lambda_2 \frac{C_{i,t-1}}{M_{i,t-1}} + \lambda_3 \frac{CF_{i,t}}{TA_{i,t}} + \lambda_4 MB_{i,t} + \lambda_5 \frac{Dep_{i,t}}{TA_{i,t}} + \lambda_6 Size_{i,t} + \lambda_7 \frac{FA_{i,t}}{TA_{i,t}}$$

در این دو مدل، متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر است:

$R_{i,t} - \bar{R}_{pt}$: بازده غیرعادی، R_{pt} : شاخص بازده کل بازار، $\Delta X_{i,t}$: تغییرات در متغیر X_i از زمان t-1 تا زمان t: C: وجه نقد موجود در شرکت، E: سود (زیان) عملیاتی، NA: مجموع دارایی‌ها پس از کسر وجه نقد، I: هزینه مالی، D: سود تقسیم شده سهامداران عادی، L: نسبت اهرم مالی (مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها)، NF: خالص تأمین مالی (مجموع بدهی و سهام منتشر شده)، TA: مجموع دارایی‌ها، CF: جریان وجه نقد ناشی از عملیات، MB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، D: هزینه استهلاک، Size: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها، FA: دارایی‌های ثابت مشهود، M: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

بررسی فرضیه شماره ۱

پس از تعیین متغیر انعطاف‌پذیری مالی، سپس اقدام به محاسبه و تعیین اهرم بهینه شرکت‌ها با استفاده از مدل زیر می‌گردد:

مدل شماره ۳- تعیین اهرم بهینه

$$L_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{CF_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_2 MB_{i,t-1} + \alpha_3 \frac{Dep_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_4 Size_{i,t-1} + \alpha_5 \frac{FA_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \varepsilon_{i,t}$$

در این مدل L نسبت بدهی به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.

برای این منظور، مدل شماره ۳، برای سال‌های پژوهش و برای شرکت‌های نمونه بررسی شده و ضرایب رگرسیون بدست آمده است. سپس با جایگذاری ضرایب رگرسیون در مقادیر واقعی هر یک از متغیرها، میزان اهرم بهینه برای هر سال و هر شرکت بدست آمده است. سپس اهرم بهینه برآوردی با اهرم واقعی همان شرکت در همان سال مقایسه می‌شود، اگر شرکت دارای اهرم واقعی بالاتر از اهرم بهینه باشد، شرکت دارای بدهی موقت است. در ادامه برای بررسی فرضیه شماره ۱، از مدل شماره ۴ به شرح زیر استفاده می‌شود:

مدل شماره ۴- بررسی فرضیه شماره ۱

$$Td_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 MVOC_{c,t} + \alpha_2 MVOC_{c,t-1} + \alpha_3 MVOC_{c,t-2} + \alpha_4 \frac{CF_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_5 MB_{i,t-1} + \alpha_6 \frac{Dep_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_7 Size_{i,t-1} + \alpha_8 \frac{FA_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \varepsilon_{i,t}$$

در معادله فوق:

TD : متغیر وابسته بدهی‌های موقت. که اگر شرکت دارای بدهی‌های موقت باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر قرار داده می‌شود. سایر متغیرها در قسمت قبل توضیح داده شده‌اند. چون متغیر وابسته، یک متغیر ساختگی است بنابراین برای بررسی این معادله از ساختار رگرسیون لجستیک در نرم افزار استاتا ۱۳ استفاده شده است.

بررسی فرضیه شماره ۲

حتی زمانی که ارزش نهایی انعطاف‌پذیری مالی بالا باشد، برخی شرکت‌ها نیاز به افزایش تأمین مالی در دوره جاری دارند. اگر ظرفیت بدهی محدود باشد، از آنجایی که هزینه فرصت انتشار بدهی بالا خواهد بود، شرکت‌ها در صورت احتمال نیاز به انعطاف‌پذیری مالی، تمایل بیشتری به انتشار سهام نسبت به انتشار بدهی دارند.

برای این منظور، با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای، به بررسی احتمال انتشار سهام نسبت به بدهی پرداخته می‌شود. مدل مورد استفاده همان مدل اشاره شده در قسمت قبل است با این تفاوت که متغیر وابسته یک متغیر چندبخشی است بطوری که اگر شرکتی نه بدهی و نه سهام منتشر کند، عدد ۰، اگر شرکت فقط بدهی موقت منتشر کند عدد ۱، اگر فقط سهام منتشر کند عدد ۲ و اگر هم سهام و هم بدهی موقت منتشر کند عدد ۳ را به وی نسبت داده شده است.

مدل شماره ۵- بررسی فرضیه شماره ۲

$$Td_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 MVOC_{c,t} + \alpha_2 MVOC_{c,t-1} + \alpha_3 MVOC_{c,t-2} + \alpha_4 \frac{CF_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_5 MB_{i,t-1} + \alpha_6 \frac{Dep_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \alpha_7 Size_{i,t-1} + \alpha_8 \frac{FA_{i,t-1}}{TA_{i,t}} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای مربوط به انعطاف‌پذیری را بصورت تکی وارد مدل نموده و آنگاه مقایسه می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی عبارت است از مجموعه روش‌هایی که پردازش داده‌ها را فراهم می‌سازد. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق برای کل نمونه ی آماری در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی داده‌ها

$\frac{FA_{i,t}}{TA_{i,t}}$	$Size_{i,t}$	$\frac{Dep_{i,t}}{TA_{i,t}}$	$MB_{i,t}$	$\frac{CF_{i,t}}{TA_{i,t}}$	MVOC	
۰/۲۴۴	۱۱/۷۷	۰/۰۲۳	۱/۵۷۹	۰/۱۲۷	۰/۱۵۳	میانگین
۰/۲۰۰	۱۱/۷۰	۰/۰۱۷	۱/۲۳۷	۰/۱۰۹	۰/۱۴۶	میانه
۱/۲۶۵	۱۴/۰۱	۰/۴۰۲	۱۱/۸۰	۰/۶۶۱	۳/۰۲۶	بیشینه
۰/۰۰۰	۱۰/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۴۸۹	-۰/۵۶۷	-۱/۶۳۳	کمینه
۰/۱۸۵	۰/۶۰۹	۰/۰۲۶	۱/۱۳۸	۰/۱۳۴	۰/۵۴۳	انحراف معیار

همان‌طور که نتایج نگاره ۱ نشان می‌دهد، بطور متوسط شرکت‌های نمونه دارای میانگین تقریباً ۰/۱۵ ارزش نهایی وجه نقد می‌باشند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین مقدار ارزش نهایی وجه نقد به ترتیب ۳/۰۲ و ۱/۶۳- می‌باشد. بطور متوسط شرکت‌ها ۱۲ درصد مجموع دارایی‌های خود، دارای جریان وجه نقد ناشی از عملیات هستند. همچنین به طور متوسط شرکت‌ها دارای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB)، ۱/۵۸ می‌باشند. سایر نتایج در نگاره فوق نشان داده شده است. همچنین آمار توصیفی بدهی‌های موقت به شرح زیر است:

نگاره (۲): آمار توصیفی بدهی‌های موقت

مشاهدات	میانگین	شرکت‌های دارای بدهی موقت	شرکت‌های فاقد بدهی موقت
۱۱۸۸	۰/۶۱۳۶	۷۲۹	۴۵۹

همان‌طور که نتایج نگاره ۲ نشان می‌دهد، از مجموع ۱۱۸۸ مشاهده، ۷۲۹ مورد بالاتر از اهرم بهینه و همچنین ۴۵۹ شرکت دارای میزان بدهی پایین‌تری از اهرم بهینه برآوردی بوده‌اند.

آزمون فرضیه ۱

پس از بررسی مفروضات رگرسیون، از مدل شماره ۴ استفاده نموده چون متغیر وابسته، یک متغیر ساختگی است بنابراین برای بررسی این معادله از ساختار رگرسیون لجستیک استفاده شده است. برای بررسی معادله فوق در ۸ مرحله کار انجام شده است بدین صورت که ابتدا بدون در نظر گرفتن هیچ یک از ارزش‌های نهایی انعطاف‌پذیری مالی اقدام به بررسی ضرایب می‌گردد و در ادامه تک تک متغیرهای مربوط به ارزش نهایی انعطاف‌پذیری مالی وارد مدل

شده و به بررسی ضرایب و سایر ویژگی‌ها پرداخته می‌شود تا بتوان اثر انعطاف‌پذیری مالی را بر انتشار بدهی‌های موقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

نگاره (۳): آزمون فرضیه ۱ - حالت اول تا سوم

حالت سوم		حالت دوم		حالت اول		نسبت
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۴/۹۶۰	۰/۰۰۰	۴/۰۱۵			MVOC _t
۰/۱۶۹	۰/۲۴۵					MVOC _{t-1}
۰/۱۴۱	۱/۱۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	-CF _t
۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۳۰۱	۰/۰۱۸	۱/۱۶۵	-MB _t
۰/۰۰۰	۲/۸۱۶	۰/۴۷۶	۰/۰۶۵	۰/۵۶۵	۰/۱۱۳	-DEP _t
۰/۰۰۰	۰/۰۶۶	۰/۰۰۰	۲/۶۵۲	۰/۱۲۳	۱/۱۸۱	-SIZE _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۴	۰/۰۳۸	۰/۴۲۲	-FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۷	۰/۳۸۱	جزء ثابت
۰/۰۶۵		۰۸۱.۰		۰/۰۵		ضریب تعیین پژوهش
۱۰۴/۲		۴.۱۲۸		۷۹/۲۴		آماره راست‌نمایی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		معناداری مدل
۱۱۸۸		۱۱۸۸		۱۱۸۸		تعداد مشاهدات

همان‌طوری که نگاره ۳ نشان می‌دهد، در حالت اول (حالت پایه)، هنوز متغیر ارزش‌نهایی وجه نقد وارد مدل نشده است. نتایج در حالت دوم و سوم بیانگر این است که هر چه انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها در سال جاری و یک دوره قبل بالاتر باشد، به جای اینکه شرکت‌ها اقدام به حفظ ظرفیت بدهی خود کنند، باز هم ترجیح می‌دهند بدهی داشته باشند.

نگاره (۴): آزمون فرضیه ۱ - حالت چهارم تا ششم

حالت ششم		حالت پنجم		حالت چهارم		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۷۶۲	۰/۰۰۰	۳/۴۶۱			MVOC _t
		۰/۰۰۵	۳/۱۴۵			MVOC _{t-1}
۰/۰۰۹	۱/۸۸۳			۰/۰۰۰	۲/۶۵۷	۲MVOC _t
۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۰/۰۵۵	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	- ₁ CF _t
۰/۰۰۵	۱/۲۵۲	۰/۰۴۷	۱/۱۷۷	۰/۱۲۱	۱/۱۲۲	- ₁ MB _t
۰/۳۰۹	۰/۰۱۵	۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	۰/۲۴۸	۰/۰۰۹	- ₁ DEP _t
۰/۰۰۰	۳/۹۲	۰/۰۰۰	۴/۹۰۴	۰/۰۰۰	۲/۱۸۹	- ₁ SIZE _t
۰/۰۰۰	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	۰/۲۰۳	- ₁ FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۰/۰۹۲		۰/۰۹۴		۰/۰۶۷		ضریب تعیین یزودو
۱۳۴/۷		۱۳۶/۷		۹۸		آماره راست‌نمایی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		معناداری مدل
۱۰۸۰		۱۰۸۰		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج در حالت چهارم تا ششم بیانگر این است که هر چه انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها در دوره‌های جاری و قبلی نیز بالاتر باشد، میزان بدهی موقت بیشتر است.

همان‌طوری که نگاره ۵ نشان می‌دهد، نتایج در حالت هفتم و هشتم نیز بیانگر این است که هر چه انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها بالاتر باشد، میزان بدهی موقت آنها نیز بیشتر است. به طور کلی از ۸ حالت فوق می‌توان به این نتیجه رسید که هر چه انعطاف‌پذیری مالی بالاتر باشد، به جای اینکه شرکت‌ها اقدام به حفظ ظرفیت بدهی خود کنند، باز هم ترجیح می‌دهند بدهی داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که، ظرفیت بدهی اهمیت چندانی ندارد که یکی از دلایل آن می‌تواند دسترسی سهل و آسان به استقراض باشد. همچنین می‌توان این گونه استدلال نمود که شرکت‌ها با توجه به انعطاف‌پذیری بالا، ریسک بیشتری را برای تأمین مالی از طریق بدهی می‌پذیرند.

تک‌گاره (۵): آزمون فرضیه ۱ - حالت هفتم و هشتم

حالت هشتم		حالت هفتم		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۱۷۴۶			MVOC _t
۰/۰۱۲	۲/۰۲/۷۹	۰/۰۰۰	۴/۷۰۳۱	MVOC _{t-1}
۰/۰۲۶۰	۱/۷۳۰۳	۰/۰۰۲۰	۲/۱۳۴۸	ΔMVOC _t
۰/۰۷۹۰	۰/۱۳۸۳	۰/۳۰۷۰	۰/۳۲۸۲	-CF _t
۰/۰۴۰۰	۱/۱۸۴۹	۰/۴۷۱۰	۱/۰۵۶۹	-MB _t
۰/۰۵۲۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۱۱۰	۰/۰۰۰	-DEP _t
۰/۰۰۰	۵/۹۸۱۲	۰/۰۰۰	۴/۵۲۲۸	-SIZE _t
۰/۰۰۰	۰/۰۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱۶	-FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۰/۰۹۷۵		۰/۰۸۰۲		ضریب تعیین یزودو
۱۴۱/۷۶		۱۱۶/۶۷		آماره راستنمایی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		معناداری مدل
۱۰۸۰		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج این تحقیق با مطالعه دارایی (۱۳۹۲)، هس و ایمنکوتر (۲۰۱۴)، بیون (۲۰۱۱) و دنیس (۲۰۱۱) همسو نمی باشد.

آزمون فرضیه ۲

برای بررسی این فرضیه با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندجمله ای، به بررسی احتمال انتشار سهام نسبت به بدهی پرداخته شده است.

تک‌گاره (۶): فرضیه ۲ - آمار توصیفی

TD	نام متغیر
1188	تعداد مشاهدات
۰/۲۸۰۳۰۳	درصد شرکت هایی که نه بدهی موقت دارند و نه سهام منتشر کرده اند
۰/۴۷۲۲۲۲	درصد شرکت هایی که بدهی موقت دارند ولی سهام منتشر نکرده اند
۰/۱۰۶۰۶۱	درصد شرکت هایی که بدهی موقت ندارند ولی سهام منتشر کرده اند
۰/۱۴۱۴۱۴	درصد شرکت هایی که هم بدهی موقت دارند و هم سهام منتشر کرده اند

همان‌طور که نگاره ۶ نشان می‌دهد، ۲۸ درصد مشاهدات مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های پژوهش نه بدهی موقت داشته و نه اقدام به انتشار سهام نموده‌اند، در حالی که ۴۷ درصد فقط بدهی موقت داشته و تنها ۱۰ درصد فقط سهام منتشر نموده و تقریباً ۱۴ درصد هم بدهی موقت داشته و هم سهام منتشر نموده‌اند.

برای این منظور، با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای، به بررسی احتمال انتشار سهام نسبت به بدهی پرداخته شده است. مدل مورد استفاده همان مدل اشاره شده در قسمت قبل است با این تفاوت که متغیر وابسته یک متغیر چندبخشی است بطوری که اگر شرکتی نه بدهی و نه سهام منتشر کند، عدد ۰، اگر شرکت فقط بدهی موقت منتشر کند عدد ۱، اگر فقط سهام منتشر کند عدد ۲ و اگر هم سهام و هم بدهی موقت منتشر کند عدد ۳ به وی نسبت داده می‌شود. برای این منظور عدد پایه^۱ (مبنا) ۰ در نظر گرفته می‌شود یعنی حالتی که نه بدهی موقت وجود دارد و نه سهام. بنابراین سایر حالت‌ها با این حالت مقایسه می‌شود.

نگاره (۷): آزمون فرضیه ۲ - حالت اول

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۷۱۳	۱/۴۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	CF_t
۰/۶۴۵	۰/۹۴۳	۰/۳۶۲	۰/۸۹۱	۰/۰۲۰	۱/۱۷۹	MB_t
۰/۷۰۸	۸/۶۴۴	۰/۲۹۳	۳۹۷/۴	۰/۷۶۵	۰/۲۵۸	DEP_t
۰/۰۰۰	۲/۱۷۵	۰/۰۰۴	۱/۶۶۹	۰/۲۵۲	۱/۱۶۰	$SIZE_t$
۰/۶۷۸	۰/۷۷۳	۰/۸۵۵	۰/۸۸۴	۰/۰۲۰	۰/۳۱۵	FA_t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۶۷۰	۰/۵۱۶	جزء ثابت
۱۲۱/۰		آماره راستمایی		۰/۰۴۱		ضریب تعیین پرودو
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۱۸۸		تعداد مشاهدات

حالت اول (نگاره ۷)، حالتی را نشان می‌دهد که هنوز متغیرهای ارزش‌نهایی وجه نقد (MVOC) وارد مدل نشده‌اند. در قسمت ۱ نتایج برای حالتی که فقط بدهی موقت وجود دارد، نسبت به حالتی که نه بدهی موقت و نه سهام منتشر شده است، مورد بررسی قرار گرفته

است. در قسمت ۲ به بررسی رابطه بین حالتی که فقط سهام منتشر شده است با حالتی که نه بدهی و نه سهام منتشر شده است، پرداخته شده و در قسمت ۳ نیز رابطه بین حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام وجود دارد با حالتی که نه بدهی موقت و نه سهام وجود دارد، بررسی شده است. این بررسی در مورد سایر حالات نیز رعایت شده است.

نگاره (۸): آزمون فرضیه ۲ - حالت دوم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۶۱۵	۰/۵۶۵	۰/۸۰۸	۰/۰۰۰	۳/۸۶۵	MVOC _t
۰/۰۰۱	۰/۰۳۲	۰/۷۰۹	۱/۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	-CF _t
۰/۶۲۶	۱/۰۶۴	۰/۲۳۰	۰/۸۴۲	۰/۰۰۱	۱/۲۹۹	-MB _t
۰/۷۴۱	۶/۶۸۶	۰/۳۱۰	۳۳۴/۷	۰/۶۴۸	۰/۱۲۵	-DEP _t
۰/۰۰۰	۴/۶۱۱	۰/۱۷۳	۱/۴۸۲	۰/۰۰۰	۲/۵۵۰	-SIZE _t
۰/۰۱۹	۰/۱۹۷	۰/۹۶۸	۱/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۷۱	-FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۷۰/۷۳		آماره راستنمایی		۰/۰۵۸۶		ضریب تعیین پرودو
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۱۸۸		تعداد مشاهدات

نتایج نگاره ۸ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری (MVOC_t)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تک‌گاره (۹): آزمون فرضیه ۲ - حالت سوم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معداری	نسبت شانس	معداری	نسبت شانس	معداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۱	۴/۹۵۱	۰/۸۰۲	۱/۱۷۴	۰/۰۰۰	۵/۳۲۴	MVOC _{t-1}
۰/۷۵۴	۰/۶۴۱	۰/۶۳۱	۲/۲۴۰	۰/۲۴۱	۰/۲۴۸	CF _t
۰/۴۱۳	۰/۹۰۲	۰/۳۰۸	۰/۸۷۳	۰/۱۶۵	۱/۱۰۸	MB _t
۰/۴۳۰	۰/۰۰۸	۰/۴۱۲	۲۰۶/۶	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	DEP _t
۰/۰۰۰	۵/۲۰۷	۰/۱۲۸	۱/۸۴۱	۰/۰۰۰	۲/۸۸۶	SIZE _t
۰/۰۱۱	۰/۱۲۲	۰/۷۱۲	۰/۶۸۸	۰/۰۰۰	۰/۰۴۴	FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۴۶/۲۳		آماره راستنمایی		۰/۰۵۰۲		ضریب تعیین پژودو
۰/۰۰۰		معداری مدل		۱۱۸۸		تعداد مشاهدات

نتایج تک‌گاره ۹ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره قبل (MVOC_{t-1})، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تک‌گاره (۱۰): آزمون فرضیه ۲ - حالت چهارم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معداری	نسبت شانس	معداری	نسبت شانس	معداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۴۶۳	۰/۴۸۱	۱/۳۰۸	۰/۰۰۰	۲/۷۲۴	MVOC _t
۰/۰۱۱	۰/۰۵۸	۰/۵۳	۱/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	CF _t
۰/۴۳۷	۰/۸۹۰	۰/۲۰۶	۰/۸۳	۰/۱۳۸	۱/۱۲۷	MB _t
۰/۸۳۹	۰/۲۸۶	۰/۲۴۴	۱۱۲۱/۹	۰/۵۵۰	۰/۰۵۵	DEP _t
۰/۰۰۰	۴/۸۵۵	۰/۰۰۷	۲/۱۸۶	۰/۰۰۰	۲/۲۷۸	SIZE _t
۰/۱۰۰	۰/۳۱۹	۰/۴۲۹	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸	FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۴۳/۲۹		آماره راستنمایی		۰/۰۵۳۷		ضریب تعیین پژودو
۰/۰۰۰		معداری مدل		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج نگاره ۱۰ نشان می‌دهد که افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دو دوره قبل ($MVOC_t$)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد دوره جاری با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تک‌نانه (۱۱): آزمون فرضیه ۲ - حالت پنجم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۲۱۹	۰/۷۱۲	۰/۸۶۲	۰/۰۰۰	۳/۴۰۶	$MVOC_t$
۰/۰۲۲	۳/۳۷۳	۰/۶۶۴	۱/۳۵۴	۰/۰۰۷	۳/۵۰۷	${}_1MVOC_t$
۰/۵۶۴	۰/۴۰۸	۰/۵۰۰	۳/۳۴۹	۰/۱۰۴	۰/۱۲۲	${}_1CF_t$
۰/۶۳۲	۰/۹۲۹	۰/۱۱۲	۰/۷۶۵	۰/۰۸۸	۱/۱۶۴	${}_1MB_t$
۰/۶۱۹	۰/۰۳۹	۰/۳۳۹	۷۴۹/۸۶	۰/۲۳۵	۰/۰۰۱	${}_1DEP_t$
۰/۰۰۰	۹/۳۸۷	۰/۱۰۹	۲/۰۵۴	۰/۰۰۰	۵/۲۸۱	${}_1SIZE_t$
۰/۰۰۲	۰/۰۶۲	۰/۵۳۵	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۸	${}_1FA_t$
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۸۱/۴۱		آماره راستنمایی		۰/۰۶۸۰		ضریب تعیین پژوه
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج نگاره ۱۱ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری ($MVOC_t$) و افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره قبل ($MVOC_{t-1}$)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری و دوره قبل با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نگاره (۱۲): آزمون فرضیه ۲ - حالت ششم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۰	۳/۱۹۲	۰/۶۲۲	۰/۸۲۴	۰/۰۰۰	۳/۷۵۳	$MVOC_t$
۰/۰۰۶	۲/۶۲۱	۰/۳۶۶	۱/۴۳۹	۰/۰۱۶	۱/۹۵۸	${}_2MVOC_t$
۰/۰۱۹	۰/۰۶۷	۰/۴۴۷	۲/۴۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	${}_1CF_t$
۰/۹۵۶	۰/۹۹۱	۰/۱۲۷	۰/۷۷۸	۰/۰۱۰	۱/۲۴۵	${}_1MB_t$
۰/۹۰۷	۰/۴۸۶	۰/۲۷۹	۷۳۵/۹۹	۰/۵۹۶	۰/۰۷۵	${}_1DEP_t$
۰/۰۰۰	۸/۲۵۰	۰/۰۳۷	۲/۰۸۳	۰/۰۰۰	۴/۱۰۹	${}_1SIZE_t$
۰/۰۰۴	۰/۱۱۳	۰/۵۰۸	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	${}_1FA_t$
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۸۱/۱۷		آماره راستنمایی		۰/۰۶۷۹		ضریب تعیین پژودو
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج نگاره ۱۲ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری ($MVOC_t$) و افزایش ارزش نهایی وجه نقد دو دوره قبل ($MVOC_{t-2}$)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری و دو دوره قبل با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج نگاره ۱۳ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره قبل ($MVOC_{t-1}$) و افزایش ارزش نهایی وجه نقد دو دوره قبل ($MVOC_{t-2}$)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره‌های قبل با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تک‌اره (۱۳): آزمون فرضیه ۲ - حالت هفتم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۶	۴/۲۲۴	۰/۸۷۸	۱/۱۱۱	۰/۰۰۰	۵/۱۵۲	MVOC _{t-1}
۰/۰۰۲	۲/۹۲۸	۰/۴۵۶	۱/۳۵۱	۰/۰۰۵	۲/۱۸۰	۲MVOC _t
۰/۹۷۴	۱/۰۵۰	۰/۵۴۸	۲/۸۷۲	۰/۴۰۴	۰/۳۴۸	- ₁ CF _t
۰/۲۵۸	۰/۸۴۵	۰/۱۷۷	۰/۸۱۳	۰/۵۴۶	۱/۰۵۱	- ₁ MB _t
۰/۲۶۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	۷۷۰/۰۴	۰/۰۵۹	۰/۰۰۰	- ₁ DEP _t
۰/۰۰۰	۹/۸۱۳	۰/۰۵۴	۲/۳۸۱	۰/۰۰۰	۴/۹۴۸	- ₁ SIZE _t
۰/۰۰۲	۰/۰۶۸	۰/۴۴۳	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	- ₁ FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۶۲/۵۴		آماره راستنمایی		۰/۰۶۰۹		ضریب تعیین پزودو
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

تک‌اره (۱۴): آزمون فرضیه ۲ - حالت هشتم

حالت اول						
هم بدهی موقت هم سهام		فقط انتشار سهام		فقط بدهی موقت		
معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	معناداری	نسبت شانس	
۰/۰۰۳	۲/۷۷۲	۰/۶۱۱	۰/۸۱۳	۰/۰۰۰	۳/۱۲۱	MVOC _t
۰/۰۶۷	۲/۶۸۶	۰/۷۶۲	۱/۲۳۷	۰/۰۱۶	۳/۰۹۳	MVOC _{t-1}
۰/۰۱۲	۲/۴۵۶	۰/۳۸۹	۱/۴۲۲	۰/۰۴۲	۱/۷۷۹	۲MVOC _t
۰/۶۶۶	۰/۵۰۹	۰/۴۵۸	۳/۸۰۷	۰/۱۴۵	۰/۱۵۱	- ₁ CF _t
۰/۷۰۱	۰/۹۴۳	۰/۱۱۶	۰/۷۶۷	۰/۰۷۸	۱/۱۷۰	- ₁ MB _t
۰/۴۴۶	۰/۰۰۶	۰/۴۰۴	۳۴۵/۰۲	۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	- ₁ DEP _t
۰/۰۰۰	۱۲/۷۳۲	۰/۰۷۵	۲/۳۱۶	۰/۰۰۰	۶/۵۴۰	- ₁ SIZE _t
۰/۰۰۱	۰/۰۴۴	۰/۴۵۶	۰/۴۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	- ₁ FA _t
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	جزء ثابت
۱۸۸/۵۲		آماره راستنمایی		۰/۰۷۰۶		ضریب تعیین پزودو
۰/۰۰۰		معناداری مدل		۱۰۸۰		تعداد مشاهدات

نتایج نگاره ۱۴ نشان می‌دهد که در سطح خطای ۹۵ درصد افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره جاری ($MVOC_t$) و افزایش ارزش نهایی وجه نقد در دوره قبل ($MVOC_{t-1}$) و افزایش ارزش نهایی وجه نقد دو دوره قبل ($MVOC_{t-2}$)، منجر به افزایش انتشار بدهی‌های موقت می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین ارزش نهایی وجه نقد در دوره‌های مختلف با انتشار سهام رابطه معناداری وجود ندارد ولی با حالتی که هم بدهی موقت و هم سهام منتشر نموده‌اند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق با مطالعه هس و ایمنکوتر (۲۰۱۴) همسو نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه ابتدا، ارزش نهایی وجه نقد ($MVOC$)، به عنوان شاخصی برای انعطاف‌پذیری مالی در نظر گرفته شده و سپس به بررسی رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و نوع تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتایج تحقیق مورد نظر نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی دارای رابطه مثبت و معناداری با میزان انتشار بدهی موقت شرکت‌ها می‌باشد. منظور از بدهی موقت، بدهی است که بالاتر از اهرم بهینه برآوردی شرکت‌ها باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که میزان انعطاف‌پذیری مالی هیچ‌گونه رابطه معناداری با انتشار سهام ندارد ولی دارای رابطه معنادار (مثبت) با شرکت‌هایی است که هم بدهی موقت دارند و هم سهام منتشر نموده‌اند. همچنین در این مطالعه متغیر ارزش نهایی وجه نقد به ترتیب با چند دوره تأخیر وارد مدل شده است. به طور کلی نتایج نشان دهنده این موضوع است که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به موضوع ظرفیت بدهی خود اهمیت چندانی نمی‌دهند و در هر صورت حتی با افزایش انعطاف‌پذیری مالی به جای حفظ ظرفیت بدهی، اقدام به انتشار بدهی می‌کنند. همچنین این شرکت‌ها اهمیت کمتری به سهام به عنوان راهی برای تأمین مالی نسبت به بدهی می‌دهند.

پیشنهاد‌های مبتنی بر نتایج تحقیق

با توجه به روابط بدست آمده، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، پیشنهاد می‌شود که با تدوین قوانین و مقرراتی، میزان استقرار برون‌سازمانی شرکت‌های بورسی را محدود نموده تا شرکت‌ها این فرصت را داشته باشند تا با برنامه‌ریزی مناسب تر بر روی منابع درون‌سازمانی

(انعطاف پذیری مالی)، کارایی و اثربخشی خود را افزایش دهند. همچنین با توجه به عدم ارتباط معنادار بین انعطاف‌پذیری مالی و تأمین مالی از طریق انتشار سهام، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا بازنگری اساسی را در میزان منابع تخصیص یافته به شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه انجام دهند. به سازمان حسابرسی نیز به عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی، پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت موضوع انعطاف‌پذیری مالی در تصمیمات مدیران و سهامداران، ضمن تحقیق و بررسی دقیق‌تر موضوع انعطاف‌پذیری و شیوه محاسبه آن، حداقل الزاماتی را برای افشای انعطاف‌پذیری مالی در نظر بگیرد و آن را همراه با صورت‌های مالی شرکت‌ها در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهند. همچنین در انتها به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، به صورت ادواری شرکت‌ها را از نظر معیارهای انعطاف‌پذیری مالی رتبه‌بندی نمایند تا هم بر شفافیت بازار افزوده شود و هم سرمایه‌گذاران بازار سرمایه بتوانند با اتکا بر آنها تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱	Optimal	۲	Traditional theory
۳	Net Operating Income	۴	Net Income (NI)
۵	Miller and Modigliani	۶	Static Trade-off Theory
۷	Pecking order Theory	۸	Agency Costs Theory
۹	Timing Market Theory	۱۰	Base Outcome

منابع

- اسلامی بیدگلی، غلامرضا و جولا، جعفر (۱۳۸۸). بررسی رابطه ساختار سرمایه با ریسک سیستماتیک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۸، ص ۹۱
- تهرانی، رضا. (۱۳۸۴). *مدیریت مالی*. انتشارات نگاه دانش، چاپ پنجم.
- حقیقت، حمید و بشیری، وهاب (۱۳۹۱). بررسی رابطه انعطاف‌پذیری مالی و ساختار سرمایه. *فصلنامه دانش حسابداری*، شماره ۸، ص ۴۹.
- دارابی، رویا. (۱۳۹۲). رابطه انعطاف‌پذیری مالی و تصمیمات ساختار سرمایه. *مجله راهبرد مدیریت مالی*، سال اول، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۶.

- رحمانی، علی، غلامی گاکیه، فردین و پاکیزه، کامران. (۱۳۹۱). تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر میزان سرمایه‌گذاری و ارزش آفرینی. *پیشرفت‌های حسابداری*، دوره چهارم، شماره دوم، ص ۵۳-۷۶
- کردستانی، غلامرضا و پیرداوری، طناز (۱۳۹۱). ساختار سرمایه، آزمون تجربی نظریه زمانبندی بازار. *فصلنامه دانش حسابداری*، شماره ۹، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- نصیرزاده، فرزانه و مستقیمان، علیرضا. (۱۳۸۹). آزمون نظریه‌های ساختار سرمایه‌ی توازن ایستا (مصالحه‌ی ایستا) و سلسله‌مراتبی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، شماره ۵۹، ص ۱۳۳-۱۵۸.
- Byoun, Soku. (2011). Financial Flexibility and Capital Structure Decision Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1108850> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.110885>.
- Clark, Brian J. (2010). The Impact of Financial Flexibility on Capital Structure Decisions: Some Empirical Evidence. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1499497>
- Denis, D. J. (2011). Financial flexibility and corporate liquidity. *Journal of Corporate Finance*, 17, 667-674.
- Faulkender, Michael, and Rong Wang. (2006). Corporate financial policy and the value of cash, *Journal of Finance*, 61, 1957-1990.
- Hess, Dieter and Immenkötter, Philipp. (2014). How Much Is Too Much? Debt Capacity and Financial Flexibility Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1990259>

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۹۱ - ۲۱۷

ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت

اعضای غیرموظف هیات‌مدیره

یحیی کامیابی*، احسان بوژمهرانی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۷

چکیده

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های کلیدی راهبردی شرکتی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت افشا شرکت‌ها و کارایی بازار سرمایه شود. اعضای غیرموظف هیات‌مدیره نیز در تشکیل کمیته حسابرسی کارآمد جهت ایفای وظیفه نظارتی، موثر هستند. از این رو، هدف این تحقیق این است که اثر نسبت غیرموظف اعضای هیات‌مدیره بر رابطه‌ی بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، تجربه، مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی) و کیفیت افشا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در همین راستا، ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ انتخاب و پس از گردآوری اطلاعات مربوط، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار ایویوز ۷ مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین دو ویژگی کمیته حسابرسی یعنی تجربه و مدت تصدی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد درحالی‌که بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت افشا رابطه‌ی مثبت معناداری مشاهده نگردید. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است نسبت غیرموظف اعضای هیات‌مدیره بر رابطه‌ی بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا تأثیر مثبت و معناداری دارد اما بر رابطه‌ی بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده ندارد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیات‌مدیره.

طبقه بندی موضوعی: G34

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.2631

* استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، نویسنده مسئول، (y.kamyabi@umz.ac.ir).
** کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، (ehsanbouzhmehrani@yahoo.com).

مقدمه

امروزه با توجه به فضای رقابتی و تغییر شرایط کسب و کار، از مهم‌ترین موضوعات برای شرکت‌ها، اعتبار و سطح مقبولیت آنها می‌باشد. افشای اطلاعات به موقع و معتبر درباره فعالیت‌ها و عملکرد شرکت، یکی از راه‌های کسب اعتبار برای شرکت‌ها می‌باشد که گزارشگری مالی در انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون سازمانی به روشی معتبر و به موقع، نقشی کلیدی ایفا می‌کند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). بر همین اساس مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی، به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالقوه، استفاده نمایند (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۳).

امروزه افشای اطلاعات از اهمیت بالایی برخوردار است (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴). افشای اطلاعات به عنوان الزام گزارشگری باید به نحو مناسب و به موقع باید در اختیار گروه‌های مختلف استفاده کننده، قرار گیرد (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴). در واقع هدف اصلی افشا، کمک به استفاده کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، و پیش‌بینی جریان‌های وجوه نقد آتی می‌باشد. در این راستا باید کلیه واقعیتهای با اهمیت واحد اقتصادی به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند، تا امکان اتخاذ تصمیم فراهم گردد و از سردرگمی جلوگیری به عمل آورد. افشاء باید از طریق گزارش‌های قانونی شامل صورت‌های مالی اساسی که حاوی تمامی اطلاعات با اهمیت، مربوط و به موقع است صورت گیرد و این اطلاعات به گونه‌ای قابل فهم و حتی الامکان کامل ارائه گردد، تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده کنندگان فراهم سازد (ثقفی و ملکیان، ۱۳۷۶). از طرفی با شروع انقلاب صنعتی و بزرگتر شدن شرکت‌ها، مالکیت از مدیریت در شرکت‌ها جدا و تضاد منافع بالقوه‌ای بین آنها در قالب یک تئوری تحت عنوان تئوری نمایندگی به وجود آمد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تئوری، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران بوده که به موجب آن مدیران به دلیل آگاهی بیش‌تر از وضعیت شرکت با انگیزه‌هایی همچون ابقا در شرکت و یا دریافت پاداش بیشتر، اطلاعات مالی را به گونه‌ای تهیه و ارائه کردند که وضعیت شرکت را به صورت غیر واقعی مطلوب نشان می‌دادند که این مسئله باعث شد که کیفیت صورت‌های مالی به چالش کشیده شود (حبیب و حیویان، ۲۰۱۶). در

واقع کیفیت افشا به طور مستقیم با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط دارد، زیرا مقدار اطلاعات محرمانه را نسبت به اطلاعات عمومی کاهش داده و انگیزه‌ی جستجو برای اطلاعات محرمانه را کم می‌کند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، روش‌های افشای اطلاعات یک شرکت را می‌توان به عنوان مکانیسمی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفت و این امر سبب می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی کمتر به وجود آید و هزینه نمایندگی کاهش یابد (فروغی و جونقانی، ۱۳۹۱). دستیابی به این هدف مستلزم افشای مناسب اطلاعات مالی و سایر اطلاعات مربوط می‌باشد. کمیته حسابرسی نقش کلیدی در ارائه این اطلاعات به بازار سرمایه دارد (حبیب و حیویان، ۲۰۱۶).

کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های نظارتی موثر برای بهبود کیفیت افشا سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه نمایندگی کمک می‌کند (فورکر، ۱۹۹۲). ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تعداد جلسات و مهارت اعضای کمیته برای اثر بخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارند. نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایف حیاتی است (الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر این، مدیران غیر موظف نیز می‌توانند با درک درست نقش نظارتی و راهبری خود، سلامت بنگاه را به ارمغان آورده و مانع تضاد منافع بین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی شوند. طبق تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیر موظف و عملکرد نظارتی آنها به عنوان افرادی مستقل، موجب کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت‌ها می‌شود (چاو و لیونگ، ۲۰۰۶). در واقع، هیات مدیره‌ای که اکثر اعضای آن غیر موظف و مستقل هستند، کنترل مناسبی بر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت خواهند داشت (باغومیان و نقدی، ۱۳۹۳). بر همین اساس در بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه راهبری شرکتی بر اهمیت نقش مدیران غیر اجرایی در بهبود فرآیند گزارشگری تاکید شده است و جایگاه هیات مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را بر عهده دارد، اهمیت زیادی دارد (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین انتظار می‌رود مدیران غیرموظف در انجام بهتر وظیفه نظارتی خود، کمیته حسابرسی را بکار گیرند که کارایی و اثربخشی بیشتری داشته باشد (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۳). لذا، هدف این پژوهش این است که تأثیر تأثیر نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه‌ی

ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا

طبق اصل افشا، اطلاعات و حقایقی که آگاهی از آن‌ها برای نتیجه‌گیری از گزارش‌های مالی ضرورت دارد و عدم افشای آن‌ها سبب گمراهی استفاده‌کنندگان از این گزارش‌ها می‌شود، باید همراه با صورت‌های مالی افشا و ارائه شوند (کیویو و همکاران، ۲۰۱۲). اصل افشا به عنوان یک اصل حاکمیت شرکتی خوب، برای حمایت از سرمایه‌گذاران یا استفاده‌کنندگان گزارشات مالی با اهمیت است. شرکت‌ها افشای اطلاعات را از طریق انتشار صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش هیأت‌مدیره، و نظایر آن انجام می‌دهند. علاوه بر این، برخی از شرکت‌ها علاوه بر افشای حداقل اطلاعات براساس استانداردهای مربوط و سایر قوانین و مقررات، به افشای اضافی اطلاعات به صورت اختیاری می‌پردازند (حیب و حیویان، ۲۰۱۶). افشای اختیاری، افشایی است که شرکت‌ها علاوه بر الزامات افشای اجباری انجام می‌دهند (کیویو و همکاران، ۲۰۱۲).

تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات واحدهای اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). بنابراین برای حصول اطمینان از مسئولیت پاسخگویی بنگاه‌های اقتصادی در مقابل افراد ذینفع باید نظارت و مراقبت کافی بعمل آید. برای اعمال این نظارت و مراقبت کافی وجود ساز و کاری مناسب لازم است. از جمله این ساز و کارها، طراحی و اجرای نظام راهبری مناسب در شرکت‌هاست (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکتی است و همچنین یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره محسوب می‌شود که موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی بهبود عملکرد حسابرسان کمک به هیئت‌مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت‌های این واحدها با قوانین و مقررات آمره و همچنین موجب جلوگیری از اعمال غیر قانونی مدیریت می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تعداد جلسات و مهارت اعضای کمیته برای اثر بخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارند. مطالعات پیشین اظهار داشتند که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایف حیاتی می‌باشد (سماها و همکاران، ۲۰۱۵؛ الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). اثربخشی کمیته حسابرسی از عوامل زیادی نشأت می‌گیرد که مهمترین آنها اندازه، تخصص، تجربه و مدت دوره تصدی اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد (سماها و همکاران، ۲۰۱۵؛ الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ عثمان و همکاران، ۲۰۱۴؛ لی و همکاران، ۲۰۱۲؛ رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). بر همین اساس، این پژوهش بر روی چهار ویژگی کمیته حسابرسی که عبارتند از: اندازه، تخصص، تجربه و مدت دوره تصدی اعضای کمیته حسابرسی و ارتباط این ویژگی‌ها با کیفیت افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها، تمرکز دارد.

تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا

اثر بخشی کمیته حسابرسی از عوامل زیادی نشأت می‌گیرد که یکی از مهمترین آنها وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی است. که طبق پژوهش‌های انجام شده منجر به کیفیت گزارشگری مالی بالاتر می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). منظور از تخصص مالی کمیته حسابرسی طبق تعریف سازمان بورس و اوراق بهادار تهران عبارت است از مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزار شگری مالی. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی دیگر از ویژگی‌های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی دارد و موضوع مورد بحث این پژوهش خواهد بود. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف خود در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). در صورتی کار کمیته‌ی حسابرسی اثر بخش خواهد بود که اعضای کمیته حسابرسی در حوزه‌های حسابداری، حسابرسی کنترل داخلی و گزار شگری مالی متخصص باشند (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴). وجود اعضای متخصص در حوزه‌های مالی و حسابداری یا حسابرسی در اعضای کمیته‌ی حسابرسی احتمال کشف موارد ارایه نادرست

صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد زیرا افراد متخصص جهت حفظ اعتبار حرفه‌ای خود آیین رفتار حرفه‌ای را رعایت می‌کنند (حیب و حیویان، ۲۰۱۶).

عثمان و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌دارد که اگر اعضای کمیته حسابرسی، تخصص در حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و بخش‌های گزارشگری مالی داشته باشند در انجام کار خود موثرتر عمل می‌کنند. پرسون (۲۰۰۹) بیان می‌دارد که در کمیته حسابرسی با اعضای مستقل و دارای تخصص حسابداری و مالی، احتمال بیشتری وجود دارد که صورت‌های مالی اشتباه و معاملات نادرست کشف شوند؛ زیرا آنها باید برای حفظ شهرتشان به منشور اخلاقی حرفه عمل کنند. لذا کمیته حسابرسی دارای تخصص هنگام نظارت بر شرکت باید اثربخشی بیشتری داشته باشد که این می‌تواند بر کیفیت افشای شرکت‌ها اثری مثبت بگذارد (حیب و حیویان، ۲۰۱۶).

اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت افشا

کمیته حسابرسی بزرگ‌تر می‌تواند با بکارگیری تخصص‌های گوناگون در انجام کنترل‌های جدی‌تر رویه‌های گزارشگری مالی تواناتر باشد (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). دالتون و همکاران (۱۹۹۹) بیان کردند که بین اندازه‌ی کمیته‌ی حسابرسی و وظیفه‌ی نظارتی کمیته‌ی حسابرسی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد و چنین استدلال می‌کنند هر چه اندازه کمیته‌ی حسابرسی بزرگ‌تر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود زیرا وظیفه‌ی نظارتی کمیته حسابرسی بهتر انجام می‌گیرد. بر عکس نتایج فوق، لین و همکاران (۲۰۰۸) معتقد است که کمیته حسابرسی با تعداد اعضای بیشتر منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری و تاخیر در تصمیم‌گیری و همچنین شکل‌گیری ارتباطات ضعیف‌تر می‌گردد. اما عثمان و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند که اندازه بزرگ‌تر از کمیته حسابرسی (کمیته حسابرسی با اعضای بیشتر)، اثربخشی بیشتری در نظارت بر شرکت داشته باشد؛ که این می‌تواند به افشای با کیفیت‌تر اطلاعات منجر شود.

تجربه اعضا کمیته حسابرسی و کیفیت افشا

کمیته‌های حسابرسی به عنوان فعالیت‌هایی هدایت‌کننده می‌توانند ترکیبی از اعضای که در حوزه‌های مهم و گوناگون کاری همچون گزارشگری مالی، حسابرسی، مدیریت صنعتی، مدیریت ریسک و فناوری دارای سوابق و تجربه‌اند، باشند (سماها و همکاران، ۲۰۱۵). برای

بر آورده کردن مسئولیت‌های اصلی کمیته‌ی حسابرسی، همه‌ی اعضا بهتر است تجربه‌ی مالی داشته باشند و قادر به فهمیدن موضوع‌های گزارشگری مالی و پیچیدگی‌های حاصل از فعالیتهای تجاری شرکت‌ها باشند (حیب و حیویان، ۲۰۱۶). داشتن سابقه‌ی مالی و حسابداری برای اکثریت اعضای کمیته امر غیرعادی نیست. کمیته‌های حسابرسی علاوه بر داشتن تخصص‌های یادشده، باید بکارگیری از دانش و تجربه‌ی کارشناسان صنعتی و دیگر کارشناسان را برای حل و فصل مشکلات منحصر به فرد شرکت‌ها و یا صنایع شان مورد نظر داشته باشند (حیب و حیویان، ۲۰۱۶).

دیزورت در سال ۱۹۸۸ در پژوهش خود چندین مزیت برای اعضای با تجربه در کمیته حسابرسی بیان می‌کند که عبارتند: اول اینکه، اعضای دارای تجربه در کمیته حسابرسی به دلیل اینکه در گذشته آموزش دیده‌اند، عملکرد و بازخورد آنها مورد بررسی قرار گرفته و دارای دانش فنی کافی در زمینه تخصص خود می‌باشند. دوم اینکه، اعضای باتجربه از موارد مشکوکی که در هنگام بررسی‌های خود بدست می‌آورند، استفاده‌ی اثربخش‌تری می‌کنند. این در حالی است که اعضای با تجربه کمتر ممکن است به این موارد حتی پی نبرند. سوم، اعضای باتجربه کمیته حسابرسی با اتکا به تجربه خود، در شناسایی موارد خاص و قضاوت در مورد آن، به طور سیستماتیک عملکرد، درک و تفسیر بهتری خواهند داشت. چهارم، بین کمیته‌ای که اعضای آن از تجربه بیشتری برخوردارند ثبات و اجماع بیشتری وجود دارد، بدین معنی که در صورت وجود اطلاعات و فاکتورهای محیطی مشابه، قضاوت‌های یکسانی انجام می‌دهند (دیزورت، ۱۹۸۸). از این رو، این تجربه اعضا توانایی قضاوت آنها را افزایش می‌دهد (هاریسون، ۱۹۹۲). در نتیجه، شرکت‌هایی که اعضای کمیته آنها فاقد تجربه می‌باشند، عملکرد آنها در انجام وظیفه نظارتی‌شان اثربخشی کمتری دارد (هوندال، ۲۰۱۳). بنابراین انتظار می‌رود تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه‌ای مستقیم داشته باشد.

مدت تصدی سمت اعضای کمیته و کیفیت افشا

تصدی سمت طولانی اعضای کمیته حسابرسی منجر به عملکرد بهتر، نظارت بیشتر در عملیات شرکت می‌شود (توپساموت و جیاکنکیت، ۲۰۰۹). مدت خدمت اعضای کمیته حسابرسی باید ثابت باشد و یک دوره مناسب از ۲ تا ۵ سال را به منظور اطمینان از ثبات کاری

اعضا در کمیته حسابرسی شامل شود (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴). کلین (۲۰۰۲) نشان داد که بین میانگین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد. بنابراین مدت تصدی سمت اعضای کمیته می‌تواند باعث اثربخشی بیشتر در نظارت بر شرکت شود که در نهایت منجر به کیفیت افشای مناسب‌تر اطلاعات می‌گردد (عثمان و همکاران، ۲۰۱۴).

ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره

حاکمیت شرکتی، ساز و کاری است به منظور دستیابی به اهداف شرکت از طریق مدیریت امور شرکت که این اطمینان را ایجاد می‌کند که منافع همه سهامداران اعم از سهامداران عمده و خرد حفظ می‌شود (حاجیها و اخلاقی، ۱۳۹۲). یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی حضور اعضای غیر موظف در هیات مدیره است. اعضاء موظف هیات مدیره علاوه بر مسئولیتهای عضویت در هیات مدیره، حضور فیزیکی در شرکت نیز دارند. اما عضو غیرموظف در هیات مدیره حضور فیزیکی در شرکت ندارد اما در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارد. مدیران غیر موظف نسبت به مدیران موظف از نظر نظارت بر مدیریت در جایگاه بهتری قرار دارند (موت و دونالدسون، ۱۹۹۸)، زیرا آنها از کارکنان شرکت نیستند و در نتیجه دارای انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیریت هستند.

در بعضی از مطالعات، رابطه درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره با افشای اطلاعات تأیید شده است. برای مثال، لین و همکاران (۲۰۰۸) نیز رابطه مثبت و معناداری بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و افشای اختیاری در استرالیا کشف نمودند. کامیابی و همکاران (۱۳۹۳) بیان کردند اعضای غیرموظف هیات مدیره کارآمد، کیفیت اطلاعات افشا شده توسط مدیریت را افزایش و اطلاعات نامتقارن را کاهش می‌دهد. در نتیجه، یک واحد تجاری دارای هیات مدیره با کیفیت بالا، حسابرسی با کیفیت بالاتری را تقاضا می‌کند (کارچلو و همکاران، ۲۰۰۲). در واقع، کیفیت بالای هیات مدیره اثر بخشی فرایند گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلین، ۲۰۰۲).

یکی از عوامل موثر بر میزان اعتبار و قابلیت اتکای صورت‌های مالی ارائه شده برای استفاده کنندگان، وجود کمیته حسابرسی در شرکت است. (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). نقطه

شروع و در حقیقت پایه و اساس موضوع افشای اطلاعات، به تئوری نمایندگی و مشکلات عدم تقارن اطلاعات مربوط می‌شود (حیب و حیویان، ۲۰۱۶). لذا کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های نظارتی موثر است که در بهبود کیفیت افشا و سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند (سماها و همکاران، ۲۰۱۵). کمیته حسابرسی باید به نحوی مناسب برای انجام وظایف خود ایفای نقش کند. یک منشور شفاف و مکتوب به کمیته و دیگران در درک مسئولیت‌های آنها کمک می‌کند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). براساس منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، کمیته حسابرسی از ۳ تا ۵ عضو که اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی و حسابداری و تجربه هستند و با انتخاب و انتصاب هیئت مدیره تشکیل می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). کمیته حسابرسی سنگ بنای اثربخشی ساختار کنترل داخلی، نظارت و افشای اطلاعات شرکت است.

انتصاب و عزل حسابرسان مستقل، تعیین حدود خدمات حسابرسان، بررسی یافته‌های حسابرسی و حل اختلافات بین حسابرسان و مدیریت از جمله وظایف کمیته حسابرسی است. علاوه بر این کمیته حسابرسی بر فعالیت‌های کارکنان حسابرسی داخلی نظارت می‌کند. به عبارت دیگر کمیته حسابرسی هم با حسابرسان داخلی در تماس است و هم با حسابرسان مستقل شرکت، که در واقع حلقه واسط استقلال در حسابرسی، اما در داخل شرکت می‌باشد. این کمیته، مدیریت ارشد شرکت را نیز کنترل می‌کند و به عنوان بازدارنده مدیریت از زیرپا گذاردن کنترل‌های داخلی، از جمله ممانعت از تقلب مدیریت، نقش موثری دارد (حاجیها و اخلاقی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، نظارت از وظایف اصلی و چالش برانگیز اعضای غیرموظف هیات مدیره و کمیته حسابرسی می‌باشد.

کمیته حسابرسی در راهبری شرکتی باعث افزایش نظارت می‌شود (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). از این رو، اعضای غیرموظف در هیات مدیره در تشکیل کمیته حسابرسی کارآمد جهت ایفای وظیفه نظارتی، موثر است (چاو و لئونگ، ۲۰۰۶). لذا زمانی که نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیات مدیره بیشتر باشد، از اعضای کمیته حسابرسی با تجربه تری استفاده می‌نماید و در نتیجه، حضور کمیته حسابرسی با تجربه تر امکان دستکاری سود توسط مدیریت را از بین می‌برد (وافیز، ۲۰۰۵). از این رو، انتظار می‌رود وجود نسبت بالا از اعضای غیرموظف

در هیات مدیره بر ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا تأثیر معناداری داشته باشد.

پیشینه تجربی پژوهش

حیب و حیویان (۲۰۱۶) به بررسی مشکل هیات مدیره بر کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیوزلند پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اعضای موظف هیات مدیره بر رابطه کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی اثر مثبت دارد، و این اثر در مورد مدیران موظف دارای مشکل در ارائه گزارشگری متقلبانه برجسته تر است.

الزبان و ساوان (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر اجرای کنترل‌های داخلی در شرکت‌های بورسی انگلیس پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اجرای پیشنهادهای کنترل داخلی با وجود کمیته حسابرسی امکان پذیر است. استقلال و تخصص کمیته حسابرسی نقش زیادی در اجرای پیشنهادهای کنترل داخلی خواهد داشت.

سماها و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر هیات مدیره و کمیته حسابرسی بر افشای اختیاری در شرکت‌های بورسی امریکا مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره و کمیته حسابرسی اثر مثبت و معناداری بر افشای داوطلبانه اطلاعات دارد در حالی که دوگانگی مدیر عامل تأثیر منفی معناداری بر افشای داوطلبانه اطلاعات دارد.

سلطانا (۲۰۱۵) به اثر ویژگی کمیته حسابرسی بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های بورسی استرالیا پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های تخصص مالی، تجربه و تعداد جلسات کمیته حسابرسی اثر مثبت معنی داری بر محافظه کاری حسابداری دارد. نتایج بیانگر این است که کمیته حسابرسی بعنوان یک مکانیزم نظارتی از رفتار فرصت طلبانه مدیریت و دستکاری سود جلوگیری می‌کند.

عثمان و همکاران در سال ۲۰۱۴، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه اخلاقی شرکت‌ها را در بورس مالزی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها نمونه‌ای متشکل از ۹۴

شرکت بورس مالزی را جهت انجام پژوهش خود انتخاب کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، بین مدت تصدی سمت و چندگانه بودن سمت اعضای کمیته با افشای داوطلبانه اخلاقی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ در حالی که بین استقلال، تخصص، اندازه و تعداد جلسات کمیته حسابرسی با افشای داوطلبانه اخلاقی رابطه‌ای مشاهده نشد.

ابرناسی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و به موقع بودن گزارش‌های مالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج آنها نشان داد که مهارت مالی اعضای کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با اطلاعات حسابداری به موقع دارد.

لی و همکاران در سال ۲۰۱۲ به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های بورسی انگلیس پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های اندازه و تعداد جلسات کمیته حسابرسی بر افشای سرمایه فکری اثر مثبت و معناداری دارد اما استقلال و تخصص کمیته حسابرسی بر افشای سرمایه فکری تأثیر ندارد.

بیکز و براون (۲۰۰۶) در استرالیا، رابطه بین شاخص حاکمیت شرکتی و معیارهای مختلف کیفیت افشا شامل دقت، یک سونگری و سطح ناسازگاری در تحلیل‌های پیش‌بینی سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که افشا به وسیله شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی خوب دارند، آگاهی‌بخش‌تر است.

وافیز (۲۰۰۵) با بررسی تعدادی از معیارهای حاکمیت شرکتی مانند ویژگی‌های هیات مدیره و کمیته حسابرسی به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی موثر باعث بهبود کیفیت افشا می‌شود. آنان در پژوهش خود معیار سود پیش‌بینی شده به وسیله مدیریت را به عنوان نماینده کیفیت افشا در نظر گرفته و نمونه‌ای از ۲۷۵ شرکت برتر مجله فورچن در آمریکا را مورد بررسی قرار دادند.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها بیانگر این است که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت دارد.

رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) به تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که دو ویژگی استقلال و تخصص کمیته‌ی حسابرسی بر افشای داوطلبانه اخلاق تأثیر دارد.

کامیابی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش‌بینی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و خطای پیش‌بینی سود اثر تعدیل‌کننده دارد.

طالب‌نیا و همکاران در سال ۱۳۸۹، تأثیر وجود کمیته حسابرسی را بر جلب نظر سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد بین وجود کمیته حسابرسی و جذب اعتماد سرمایه‌گذاران رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده است:

فرضیه ۱: بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین میزان تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۶: نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۷: نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۸: نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره بر رابطه بین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشای شرکتی تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان از نظر هدف به عنوان تحقیقات کاربردی و از نظر روش به عنوان تحقیقات تجربی تلقی نمود. محدوده مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران و محدوده زمانی آن سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ می‌باشد. دلیل انتخاب محدوده زمانی دو سال برای این پژوهش عدم وجود الزام توسط بورس اوراق بهادار تهران مبنی بر تشکیل کمیته حسابرسی توسط شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۱ می‌باشد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر تعداد شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل کمیته داده‌اند، اندک می‌باشد. در این پژوهش، اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام می‌باشد. داده‌های مورد نیاز شرکت‌ها، از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، اطلاعیه‌ها و گزارش‌های مجمع عمومی شرکت‌ها، استخراج و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می‌باشد و برای انتخاب نمونه آماری، کلیه شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده‌اند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند:

(۱) شرکت‌ها باید در گروه شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بانک‌ها نباشند.

(۲) سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

(۳) وقفه معاملاتی بیش از ۴ ماه نداشته باشند.

(۴) تاریخ تشکیل کمیته حسابرسی قبل از انتشار صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ باشد.

(۵) اطلاعات آنها در دسترس باشد.

بدین ترتیب، پس از اجرای فرآیند نمونه‌گیری و با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، در نهایت ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شدند. سپس جهت خلاصه نمودن اطلاعات از نرم افزار صفحه گسترده اکسل استفاده شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار Eviews 7 آزمون فرضیه‌ها صورت گرفته است.

مدل پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها

در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه اول از مدل ۱ و برای آزمون فرضیه دوم از مدل ۲ استفاده شده است:

$$MDI_{i,t} = \beta_0 + B_1AUDACC_{i,t} + B_2AUDSIZE_{i,t} + B_3AUDTEND_{i,t} + \beta_4AUDEX_{i,t} + \beta_5MVALUE_{i,t} + \beta_6NAH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1) \text{ مدل}$$

$$MDI = \beta_0 + B_1AUDACC_{i,t} + B_2AUDSIZE_{i,t} + B_3AUDTEND_{i,t} + \beta_4AUDEX_{i,t} + \beta_5BDIND + \beta_6BDIND * AUDACC_{i,t} + \beta_7BDIND * AUDSIZE_{i,t} + \beta_8BDIND * AUDTEND_{i,t} + \beta_9BDIND * AUDEX_{i,t} + \beta_{10}MVALUE_{i,t} + \beta_6NAH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2) \text{ مدل}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

کیفیت افشا (MDI): در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت افشا همانند پژوهش‌های موسوی شیرینی و همکاران (۱۳۹۴)، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۰) و یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰)، از رتبه‌بندی افشای شرکت‌ها که توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۲ در مقاطع زمانی ۳، ۶ و ۹ ماهه محاسبه گردیده، استفاده شده است. این رتبه‌بندی، ارزیابی سازمان بورس درباره محتوای اطلاعاتی افشاهای شرکت‌ها را منعکس می‌کند. امتیازهای مذکور، براساس میانگین وزن معیارهای به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا

شده، محاسبه می‌گردد. رتبه بندی عمدتاً مبتنی بر آیین نامه افشای اطلاعات شرکت‌های بورس بوده و افشا شرکت را از منظر اطلاعات پیش بینی درآمد هر سهم، صورت‌های مالی میان دوره ای حسابرسی شده ۳، ۶ و ۹ ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به پیش بینی درآمد هر سهم اولیه و ۶ ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی میان دوره ای ۶ ماهه، صورت‌های مالی حسابرسی شده پایان سال و تفاوت پیش بینی‌ها و عملکرد واقعی حسابرسی شده و سایر اطلاعات منتشره، بر اساس دو معیار به موقع بودن و قابلیت اتکای افشا مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای محاسبه رتبه کل افشای شرکتی معیارهای به موقع بودن و قابلیت اتکا به وزن‌های دو سوم و یک سوم مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متغیرهای مستقل

تخصص اعضای کمیته حسابرسی^۱ (AUDACC): مطابق با تحقیق عثمان و همکاران (۲۰۱۴)، رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) و جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) برابر است با درصدی از اعضای مستقل کمیته حسابرسی که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای ملی یا معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) دارند. بر اساس منشور سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف ذکر شده در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). این اطلاعات از طریق سایت کدال استخراج گردیده است.

اندازه کمیته حسابرسی^۲ (AUDSIZE): برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی و این داده‌ها از طریق سایت کدال استخراج گردیده است (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴).

مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی^۳ (AUDTEND): برابر است با میانگین مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی (عثمان و همکاران ۲۰۱۴).

میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی^۴ (AUDEX): برابر است با نسبت اعضای کمیته حسابرسی که در زمینه مالی تجربه دارند، نسبت به کل اعضای کمیته (همدان و همکاران، ۲۰۱۳).

متغیر تعدیل کننده

نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره (BDIND): این متغیر نشان دهنده نسبت اعضا غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره می‌باشد (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیرهای کنترلی

ارزش بازار شرکت (MVALUE): ارزش بازار شرکت در زمان t ، از طریق لگاریتم طبیعی حاصل ضرب قیمت سهام در پایان سال در تعداد سهام عادی منتشر شده شرکت به دست آمده است (رضایی و پیری، ۱۳۹۰).

در صد مالکیت سهامداران نهادی (NAH): نشان دهنده میزان سهام عادی که در مالکیت سرمایه گذاران نهادی مانند بانک‌ها، بیمه‌ها، صندوق بازنشستگی قرار دارد، می‌باشد. برای محاسبه آن، تعداد سهام در دست توسط سرمایه گذاران نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت تقسیم می‌گردد (کامیابی و پرهیزگار، ۱۳۹۵).

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در نگاره ۱ ارائه شده است. آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم کلیه متغیرهای پژوهش است.

همانطور که نگاره (۱) مشاهده می‌شود رتبه کیفیت افشای شرکت‌ها به طور متوسط ۷/۷۳ درصد می‌باشند. گستره تغییرات رتبه کیفیت افشا بین ۱۶ تا ۱۰۰ می‌باشد. انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین می‌باشد. نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره با انحراف معیار ۰/۱۷ دارای کم ترین پراکندگی از میانگین و متغیر میزان مالکیت سهامدار نهادی با انحراف معیار ۴/۳۳ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است.

نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های نمونه

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
شاخص کیفیت افشا	۷۳/۷۱	۷۶/۵	۱۰۰	۱۶	۱۷/۴
تخصص کمیته حسابرسی	۰/۸۴	۱	۱	۰	۰/۲۶
اندازه کمیته حسابرسی	۳/۰۹	۳	۵	۳	۰/۳۹
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی (تعدادماه)	۱۰/۶۲	۱۰	۲۹	۱	۶/۱۶
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی	۰/۷۵	۰/۶۶	۱	۰	۰/۲۶
ارزش بازار شرکت	۶/۰۹	۶/۰۳	۸/۲۳	۴/۳۳	۰/۶۴
میزان مالکیت سهامدار نهادی	۳۹/۵۵	۲۶/۸۸	۹۸/۹۳	۰	۳۳/۴۰
نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۰/۶۵	۰/۶	۱	۰/۲	۰/۱۷
تخصص کمیته حسابرسی * نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۰/۵۵	۰/۶	۱	۰	۰/۲۲
اندازه کمیته حسابرسی * نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۲/۰۳	۱/۸	۴	۰/۶	۰/۶۰
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی * نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۶/۹۳	۶	۱۸/۴	۰/۶	۴/۵۰
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی * نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۰/۴۸	۰/۵۳	۱	۰	۰/۲۰

آمار استنباطی

برای انجام رگرسیون خطی، مفروضاتی وجود دارد که در ادامه برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت بررسی عدم وجود ناهمسانی واریانس، آزمون‌های مختلفی وجود دارد. این آزمون‌ها به دو گروه گرافیکی و غیر گرافیکی تقسیم می‌شوند. آزمون‌های گرافیکی بیان می‌کند که نباید بین جملات پسماند و مقادیر برآورد شده الگویی مشاهده شود. به عبارتی بهتر پرکنش باقی مانده‌ها حول محور صفر باشد. از آزمون‌های غیر گرافیکی می‌توان به آزمون وایت، براس پاگان، نیو وی و ست، گلد فنت کوانت، آزمون پارک و آزمون گلجسرا استفاده

کرد (صلاحی نژاد و سعادت، ۱۳۹۳). در این تحقیق برای آزمون واریانس ناهمسان از آزمون وایت استفاده شده است که نتایج حاصل از این آزمون در نگاره شماره ۲ ارائه شده است. با توجه به سطح اهمیت ۵٪، نتایج نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل ۲ پذیرفته می‌شود اما در مدل ۱ این فرض پذیرفته نمی‌شود. یعنی مدل اول پژوهش از مشکل ناهمسانی واریانس رنج می‌برد. که جهت رفع آن از آزمون وایت استفاده گردید.

نگاره (۲): آزمون وایت

خروجی آزمون وایت مربوط به مدل ۱		
	ضریب	معناداری
آماره F	۱/۶۷	۰/۰۳۲۲
R ²	۴۰/۳۵	۰/۰۴۷۴
SS	۴۱/۲۹	۰/۰۳۸۶
خروجی آزمون وایت مربوط به مدل ۲		
آماره F	۱/۳۳	۰/۱۱۱۳
R ²	۶۶/۵۳	۰/۱۵۸۴
SS	۵۳/۰۷	۰/۵۸۶۵

نگاره خروجی Eviews مربوط به مدل اول پژوهش (نگاره شماره ۳) نشان می‌دهد که آماره F که نشان دهنده معناداری کل رگرسیون برازش شده می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. مقدار آماره دوربین واتسون ۱/۸۷ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل، خود همبستگی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل معادل ۰/۲۵ بوده که حاکی از آن است حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می‌گردد.

نتایج در نگاره شماره ۳ نشان می‌دهد که بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا (در سطح ۵ درصد) رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. ضمناً، اندازه کمیته حسابرسی در هیچیک از سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد رابطه‌ی معناداری با کیفیت افشا ندارد در نتیجه فرضیه دوم پذیرفته نشد. همچنین یافته‌های نگاره ۳ حاکی از آن است که میزان تجربه اعضای کمیته حسابرسی و مدت تصدی سمت اعضای هیات مدیره با کیفیت افشا رابطه‌ی مثبت و معناداری در سطح ۱۰ درصد دارند که فرضیه سوم و چهارم این پژوهش تایید می‌گردد.

نگاره خروجی زیر همچنین بیانگر آن است که در میان متغیرهای کنترلی، بین میزان مالکیت سهامداران نهادی با کیفیت افشا رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد یعنی هرچه میزان مالکیت سهامداران نهادی در شرکت بیشتر باشد کیفیت افشا شرکت‌ها نیز بالاتر می‌باشد اما بین ارزش بازار شرکت و کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه‌ی یافت نشد، که ممکن است کارا نبودن بازار سرمایه ایران دلیل چنین امری باشد.

نگاره (۳): نتیجه تخمین مدل اول جهت آزمون فرضیه‌های ۱ الی ۴ تحقیق

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۸۹/۲۶	۱۷/۸۵	۵	۰/۰۰۰۰
تخصص اعضای کمیته حسابرسی	-۱۴/۲۷	۵/۸۰	-۲/۴۵	** ۰/۰۱۵۲
اندازه کمیته حسابرسی	-۲/۶۰	۳/۹۰	-۰/۶۶	۰/۵
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی	۰/۳۰	۰/۱۶	۱/۸۲	*** ۰/۰۶۹۷
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی	۱۱/۲۱	۶/۱۱	۱/۸۳	*** ۰/۰۶۸۸
ارزش بازار شرکت	-۱/۶۲	۲/۱۸	-۰/۷۴	۰/۴۵
میزان مالکیت سهامداران نهادی	۰/۰۸	۰/۰۳	۲/۱۹	** ۰/۰۲۹۹
AR (1)	۰/۴۶	۰/۱۰	۴/۴	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۲۸		آماره دوربین واتسون ۱/۸۷		
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۵		احتمال آماره F ۰/۰۰۰۰		

* ۱۰٪ ** ۵٪ *** ۱٪

نگاره شماره ۴ نیز آمار تحلیلی فرضیه‌های پنجم تا هشتم را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به احتمال آماره F (۰/۰۰۰۰)، معناداری مدل تایید می‌شود. در این مدل نیز آماره دوربین واتسون (که برابر است با ۱/۸۸) در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که عدم خودهمبستگی بین خطاها نیز تایید می‌شود.

نگاره شماره ۴ بیانگر این است که نسبت غیرموظف اعضای هیات‌مدیره بر ارتباط بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا در سطح ۵ درصد تأثیر معناداری دارد لذا فرضیه هفتم مورد تایید قرار گرفت. بعبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌ها با نسبت بالا از اعضای غیرموظف هیات‌مدیره هنگامی که اعضای کمیته حسابرسی دارای تجربه در زمینه‌های مالی و حسابداری می‌باشند، کیفیت افشا شرکت‌ها بالاتر می‌باشد. اما نسبت غیرموظف اعضای هیات‌مدیره بر ارتباط میان سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی و مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی) و کیفیت افشا تأثیر معناداری ندارد که بیانگر عدم تایید فرضیات پنجم، ششم و هشتم پژوهش می‌باشد.

نگاره (۴): نتیجه تخمین مدل دوم جهت آزمون فرضیه‌های ۵ الی ۸ تحقیق

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۷۱/۲۳	۷۰/۱۴	۱/۰۱	۰/۳۱
تخصص اعضای کمیته حسابرسی	-۳۴/۵	۱۷/۸۰	-۱/۹۳	**۰/۰۵۴۹
اندازه کمیته حسابرسی	۱۹/۷۲	۲۴/۲۸	۰/۸۱	۰/۴۱
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۳۸	۰/۷۴	-۰/۵۲	۰/۶۰
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی	-۲۵/۶۴	۱۷/۳۵	-۱/۴۷	۰/۱۴
ارزش بازار شرکت	-۱/۲۶	۲/۰۹	-۰/۶۰	۰/۵۴
میزان مالکیت سهامداران نهادی	۰/۰۸	۰/۰۳	۲/۰۸	**۰/۰۳۹
نسبت اعضای غیرموظف هیات‌مدیره	۲۵/۶۷	۹۹/۴	۰/۲۵	۰/۷۹
تخصص کمیته حسابرسی* نسبت اعضای غیرموظف هیات‌مدیره	۳۰/۵۹	۲۴/۰۷	۱/۲۷	۰/۲

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
اندازه کمیته حسابرسی* نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	-۳۳/۸۸	۳۴/۵۸	-۰/۹۷	۰/۳۲
مدت تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی* نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۱/۰۵	۱/۱۴	۰/۹۱	۰/۳۵
میزان تجربه‌ی اعضای کمیته حسابرسی* نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	۵۴/۶۷	۲۶/۲۹	۲/۰۷	** ۰/۰۳۹۶
AR (1)	۰/۴۶	۰/۱۰	۴/۵۶	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۳۳		آماره دوربین واتسون ۱/۸۸		
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۶۹		احتمال آماره F ۰/۰۰۰۰		

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کیفیت در گزار شگری مالی و افشاء یک ضرورت است. کیفیت گزار شگری مالی سبب پیش‌بینی بهتر جریان‌های نقدی آتی شرکت برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. در این پژوهش اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، اندازه، مدت تصدی سمت و تجربه اعضای کمیته) بر کیفیت افشاء شرکت‌ها و همچنین تأثیر نسبت اعضای غیرموظف هیات‌مدیره بر این ارتباط مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مدت دوره تصدی سمت اعضا و همچنین تجربه اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشاء شرکت‌ها رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد به این معنی که هرچه اعضای کمیته حسابرسی باتجربه‌تر و اطمینان‌یاب‌تر نسبت به ثبات کاری آنها وجود داشته باشد افشای شرکت‌ها دارای کیفیت بالاتری خواهد بود. این نتایج مطابق با پژوهش دفوند و هان (۲۰۰۵)، می‌باشد که بیان می‌کند وجود کمیته حسابرسی با اعضای باتجربه تأثیر به‌سزایی بر اطلاعات

منتشر شده در بازار دارد. علاوه بر این، این نتیجه پژوهش یافته‌ی پژوهش پرسون (۲۰۰۵) را که بیان می‌کند هنگامی که تصدی سمت اعضای کمیته حسابرسی بلند مدت است احتمال انجام تقلب پایین تر است را تایید می‌کند.

یافته پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بین تخصص کمیته حسابرسی و کیفیت افشا رابطه مثبتی وجود ندارد. اگر چه فرض بر این بود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد اما این امکان نیز وجود دارد که کیفیت گزارشگری مالی بتواند بر ویژگی‌های کمیته حسابرسی اثر بگذارد. برای مثال شرکت‌ها با کیفیت گزارشگری بهتر ممکن است از ویژگی‌های کمیته حسابرسی برای علامت دادن به اعضای بازار مبنی بر اینکه کیفیت گزارشگری بالاتری دارند استفاده کنند یا شرکت‌هایی که کیفیت افشا پایین تری دارند اعضای متخصص را در کمیته حسابرسی خود به عضویت درمی‌آورند تا به بازار علامت دهند که در جهت بهبود کیفیت افشا از متخصصین در کمیته حسابرسی خود استفاده کرده‌اند. به عنوان یک نتیجه، تخصص کمیته حسابرسی خروجی‌ای برای شرکت‌هایی که می‌خواهند به بازار درباره کیفیت گزارشگری مالی خود علامت دهند، می‌باشد.

در این پژوهش بین اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت افشا رابطه‌ای مشاهده نشد. این نتیجه پژوهش استدلال‌های لین و همکاران (۲۰۰۸) مبنی بر اینکه اندازه‌ی بزرگتر از کمیته حسابرسی تنها منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری، تاخیر در تصمیم‌گیری‌ها و منجر به ارتباطات ضعیف-تر می‌شود، را تایید می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان اظهار داشت که کمیته حسابرسی کمتر تمایل دارد که بر اساس رابطه‌ای خطی با تأثیرگذاری عمل کنند، به این معنا که این حالت به وجود نمی‌آید که با افزایش اندازه کمیته، موثر و با کاهش اندازه کمیته، غیر موثر باشند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره تنها بر رابطه بین میزان تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌ها تأثیری معنادار دارد. به عبارت دیگر وجود اعضای غیرموظف بیشتر در ترکیب هیات مدیره همزمان با وجود اعضای با تجربه در کمیته حسابرسی باعث بهبود کیفیت افشای شرکت‌ها خواهد شد. اما نتایج حاکی از آن است که نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره بر ارتباط بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص و مدت تصدی) و کیفیت افشا شرکت‌ها تأثیر ندارد. عدم تأثیر اعضای غیرموظف هیات مدیره نتوانسته بر ارتباط بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا می‌تواند به

دلیل مشکلات ناشی از مالکیت بخش دولتی و عدم وجود مالکیت بخش خصوصی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد. دلیل دیگر این است که هنوز نقش اعضای غیرموظف هیات مدیره در این شرکت‌ها به درستی تبیین نشده و استقلال آنها مخدوش است که موجب ایجاد محدودیت‌هایی در انجام وظایف نظارتی و کنترلی آنها می‌شود.

انتظار می‌رود نتایج حاصل از این پژوهش در شناسایی کمیته حسابرسی موثر بر افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها به منظور بررسی قوانین و مقررات موجود یا تجدیدنظر در آنها و یا وضع قوانین و مقررات جدید و کارایی بازار سرمایه مفید واقع شود. علاوه بر این، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود، صرفاً به وجود کمیته حسابرسی را به عنوان معیاری برای افشای مطلوب اطلاعات مدنظر قرار ندهند بلکه تمام ویژگی‌های کمیته را در نظر بگیرند. ضمناً با توجه به حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها، به علت ساختار متفاوت آنها، پیشنهاد می‌گردد که موضوع مورد مطالعه، در این گروه از شرکت‌ها به صورت خاص بررسی گردد. و در این تحقیق ویژگی استقلال کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار نگرفت لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات بعدی این ویژگی کمیته حسابرسی را مورد بررسی قرار دهند.

مهم‌ترین محدودیت پژوهشگر، نبود سامانه جامع اطلاعات‌دهی از اطلاعات مالی شرکت‌ها بوده که مراحل انجام پژوهش را زمان بر کرده است. محدودیت دیگر افشاشدن اطلاعات کامل در مورد سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله تعداد جلسات آن است که می‌توانست بر افشای شرکت‌ها اثرگذار باشد.

پی‌نوشت

- | | | | |
|---------------------------------------------------------|---------------------------|-----------------------------|------------------------------------|
| ۱ Expertise of
Audit Committee | ۲ Audit
Committee Size | ۳ Audit
Committee Tenure | ۴ Experience of
Audit Committee |
| ۵ Proportions of
non-executive
directors on board | | | |

منابع

- اسماعیل‌زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زند عباس‌آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره هفتم، ص ۷۹-۹۱.
- اعتمادی، حسین، حصارزاده، رضا، محمدآبادی، مهدی و بذرافشان، آمنه. (۱۳۹۰). افشا و ارزش شرکت: شواهدی از بازار سرمایه نوظهور ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال پنجم، شماره سیزدهم، ص ۶۷-۷۷.
- باغومیان، رافیک و نقدی، سجاد. (۱۳۹۳). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارش‌کنگری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله دانش حسابداری*، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۱۱۹-۱۳۶.
- ثقفی، علی و ملکیان، اسفندیار. (۱۳۷۶). جامعیت گزارش‌های سالانه و ویژگی‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال ششم، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۷-۳۴.
- جامعی و رستمیان. (۱۳۹۵) تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۱-۱۷.
- حاجیها، زهره و اخلاقی، حسنعلی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر ساختار سررسید بدهی شرکت. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، شماره ۱۷، ص ۵۹-۷۴.
- در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه‌گذاری، سال پنجم، شماره هفدهم، ۱۶۵-۱۸۶.
- رضایی، فرزین و پیری، عبدالله. (۱۳۹۰). تأثیر ساختار مالکیت، ساختار سرمایه و نقدینگی بر ارزش بازار شرکت‌ها، *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۱۵۵-۱۷۴.
- رویایی و ابراهیمی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، *فصلنامه حسابداری مالی*، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۷۱-۸۸.
- صلاحی نژاد، مریم و سعادت، شهرزاد. (۱۳۹۲). تأثیر اعتبار حسابرسی در جذب کمک‌های بلاعوض در موسسات غیرانتفاعی، *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، سال سوم، شماره نهم، ص ۷۹-۸۹.
- طالب‌نیا، قدرت‌الله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و شهسواری، منصوره. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی را بر جلب نظر سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره ۴، ص ۳۵-۴۸.

فروغی، داریوش و آدینه جونتقانی، احمد. (۱۳۹۱). رابطه بین میزان افشای اطلاعات و ارزش شرکت،

پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۴ (۱۵)، ۱۱۷-۱۴۲.

کامیابی، یحیی و پرهیزگار، بتول (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و همزمانی قیمت سهام

کامیابی، یحیی؛ بوژمهرانی، احسان و نادری پلنگی، فاضل. (۱۳۹۳). خطای پیش بینی سود، معاملات با

اشخاص وابسته و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی،

شماره ۴۳، ص ۱۳۵-۱۵۱.

کردستانی، غلامرضا و رحیمی، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین کننده ی انتخاب سطح کیفیت

گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن در بازار سرمایه، پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال

اول، شماره ۱، ص ۶۷-۹۱.

موسوی شیری، محمود، سلیمانی، حمید، مومنی، یوسف و سلیمانی، حجت (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت

افشای اطلاعات حسابداری و نوسان پذیری بازده سهام، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال پنجم،

شماره ۱۸، ص ۱۳۱-۱۴۴.

یعقوب نژاد، احمد و ذبیحی، علی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت افشا و نقد شوندگی سهام شرکت

های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره دهم،

ص ۲۱۷-۲۳۵.

Abbott, L. J. , Parker, S. , Peters, G. F. and Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22, 17-32.

Abernathy, J. L. , Beyer, B. , Masli, A. and stefaniak, C. (2014). The association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 30, 283-297.

Alzeban, A. , & Sawan, N. (2015). The impact of audit committee characteristics on the implementation of internal audit recommendations. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 61-71.

Beekes, W. , and Brown, P. (2006). Do better-governed Australian firms make more informative disclosures?, *J. of Finance & Acc. ,* 33, 422.

Carcello, J. V. , Hermanson, D. R. , Neal, T. L. & Riley Jr. , R. A. (2002). Board characteristics and audit fees, *Contemporary Accounting Research*, 19, 365-384 .

Carcello, J. V. and Neal, T. L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following new going-concern reports, *The Accounting Review*, 78, 95-118 .

- Chau, G. and Leung, P. (2006). The impact of board composition and family ownership on audit committee formation: Evidence from Hong Kong, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15, 1-15.
- Dalton, D. R. , Daily, C. M. , Johnson, J. L. and Ellstrand, A. E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis, *Academy of Management Journal*, 42, 674-86.
- Defond, M. L. , Hann, R. N. & Hu, X. (2005). Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors?, *Journal of Accounting Research*, 43, 153-193.
- DeZoort, F. T. (1998). An analysis of experience effects on audit committee members' oversight judgments. *Accounting Organizations and Society*, 23,1-21.
- Forker, J. J. (1992). Corporate governance and disclosure quality, *Accounting and Business Research*, 22, 111-124.
- Habib, A. , & Bhuiyan, M. B. U. (2016). Problem directors on the audit committee and financial reporting quality. *Accounting and Business Research*, 46, 121-144.
- Harrison, J. S. (1992). GAO report on audit committees. Texas Banking, February, 12-14.
- Hundal, S. (2013). Independence, Expertise and Experience of Audit Committees: Some Aspects of Indian Corporate Sector, *American International Journal of Social Science*, 2, 58-75.
- Karamanou, I. and Vafeas, N. (2005). The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: an empirical analysis, *Journal of Accounting Research*, 43, 453-86.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management, *Journal of Accounting and Economics*, 33, 375-400 .
- Li, J. , Mangena, M. , & Pike, R. (2012). The effect of audit committee characteristics on intellectual capital disclosure. *The British Accounting Review*, 44, 98-110.
- Lin, Z. J. , Xiao, J. Z. and Tang, Q. (2008). The roles, responsibilities and characteristics of audit committee in China, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21, 721-751.
- Muth, M. M. , and Donaldson, L. , (1998). Steward theory and board structure: A contingency approach, *Corporate Governance: An International Review*, 6, 5-28.
- Othman, R. , Ishak, I. F. , Arif, S. M. M. and Abdol, N. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 330 – 342.

- Persons, O. S. (2009). Audit committee characteristics and earlier voluntary ethics disclosure among fraud and no-fraud firms, *International Journal of Disclosure and Governance*, 6, 284-297.
- Qu, W. , Cooper, J. Wise, V. and Leung, P. (2012). Voluntary disclosure in a changing regulatory environment – evidence from Chinese stock market. *International Journal of Economics and Finance*, 4, 30-43.
- Samaha, K. , Khlif, H. , & Hussainey, K. (2015). The impact of board and audit committee characteristics on voluntary disclosure: A meta-analysis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 13-28.
- Sultana, N. (2015). Audit Committee Characteristics and Accounting Conservatism. *International Journal of Auditing*, 19, 88-102.
- Thoopsamut, W. and Jiakengkit, A. (2009). Audit committee characteristics, audit firm size and quarterly earnings management in Thailand, *Oxford Journal*, 8, 3-12.
- Vafeas, N. (2005). Audit committees, boards, and the quality of reported earnings, *Contemporary Accounting Research*, 22, 1093-1122 .

بررسی تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام

دکتر محمدرضا نیک‌بخت*، امیرحسین حسین‌پور**، حسین اسلامی

مفیدآبادی***

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۹

چکیده

در این پژوهش به تحلیل مکانیزم تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر روی قیمت سهام، بر مبنای مدل ارزیابی درآمد باقیمانده، پرداخته شده است. در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک دوره ۶ ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۳)، شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بدست آورده شد و تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر چشم‌انداز رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع مورد بررسی قرار گرفته شده است. علاوه بر این، تأثیر مشترک رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر روی قیمت سهام، از طریق روش همبستگی بررسی شده است. نتایج تجربی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، رشد عایدات مورد انتظار را تغییر می‌دهد و سپس بر روی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد. هرچند رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر نرخ بازده مورد توقع تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین، تقابل اطلاعات حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، قیمت سهام را در نوسانات بالای عایدات توضیح می‌دهد. لازم به ذکر است، اطلاعات حسابداری هنگامی که عایدات باثبات‌تر باشد اثرگذاری بیشتری بر قیمت‌های سهام دارد؛ در حالی که رفتارهای احساسی سرمایه‌گذاران هنگامی که عدم اطمینان اطلاعاتی بیشتری وجود دارد بر روی قیمت سهام تأثیر بیشتری می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، اطلاعات حسابداری، عدم اطمینان عایدی، مدل ارزیابی

درآمد باقیمانده.

طبقه بندی موضوعی: G11, G12, G14

کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2017.11449.1404

*. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (mnikbakht@ut.ac.ir)

** . دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول (amhosseinpour@yahoo.com).

*** . دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران

(Hosseinislami62@gmail.com)

مقدمه

همان‌طور که در تئوری مالی سنتی بیان شده است، اطلاعات حسابداری، کیفیت دارایی‌ها و سودآوری بنگاه را منعکس می‌کند؛ از این رو، می‌توان از آن‌ها در جهت پیش‌بینی قیمت سهام استفاده کرد. چندین پژوهش در ادبیات، همچون پژوهش بال و براون (۱۹۶۸)، ارتباط بین اطلاعات حسابداری و قیمت سهام را تحلیل کرده‌اند. هر چند، تعدادی از مطالعات در مالیه سنتی^۱ بر مبنای فرضیه کارایی بازار و فرضیه انتظار منطقی^۲ انجام شده است و این مطالعات نمی‌توانند خیلی از ناهنجاری‌های مالی را توضیح دهند. مطالعات در حوزه مالیه رفتاری، نشان می‌دهد که در برخی از موارد سرمایه‌گذاران ممکن است غیرمنطقی عمل کنند. از این رو، عوامل روانشناختی سرمایه‌گذاران یا سویه شناختی می‌توانند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. دیدگاه مالی رفتاری نشان می‌دهد که برخی از تغییرات قیمت اوراق بهادار هیچ دلیل بنیادی نداشته و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، نقش مهمی در تعیین قیمت‌ها بازی می‌کند (کیم و ها، ۲۰۱۰). در حقیقت، فعل و انفعال پویا بین معامله‌گران اختلال‌زا و آریترازگران منطقی، قیمت‌ها را شکل می‌دهد و اگر یک سهام معامله‌گرهای اختلال‌زای بیشتر و یا معامله‌گرهای منطقی کم‌تری داشته باشد نوسانات قیمتی آن چشمگیر است (می-چن‌لین، ۲۰۱۰). بنابراین، تغییرات قیمت سهام نه تنها بر ارزش ذاتی (ارزش مبتنی بر اطلاعات حسابداری)، بلکه بر رفتار غیرمنطقی سرمایه‌گذاران نیز متکی می‌باشد؛ که می‌تواند از طریق رفتار احساسی سرمایه‌گذاران اندازه‌گیری شود. بی‌قاعدگی‌های تغییر قیمت سهام معمولاً با استفاده از آزمون‌های تجربی انجام شده بر روی مدل‌های قیمت، تشخیص داده می‌شوند (اسلامی بیدگلی و نبی زاده، ۱۳۸۸). بدون شک، هر دو رفتار غیرمنطقی سرمایه‌گذاران و بنیادهای اقتصادی می‌توانند بر روی ارزش بازار دارایی‌های مالی تأثیر گذارد. در این پژوهش به بررسی ارتباط تصمیمات احساسی سرمایه‌گذاران در کنار اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام پرداخته می‌شود. در پژوهش‌های قبلی مکانیزم تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر روی قیمت سهام بررسی و توضیحات کمی صورت گرفته است، در این پژوهش به بررسی کامل این مکانیزم پرداخته می‌شود. همچنین دستاوردهای این پژوهش، ایجاد بسط در ادبیات بازار سرمایه و همچنین کمک به سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری خود می‌باشد. در ادامه

پژوهش، در بخش ۲ به بررسی مبانی نظری و پیشینه و فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است، در بخش ۳ پژوهش، جامعه آماری و نمونه پژوهش و مدل‌های مورد استفاده توضیح داده شده است. در بخش ۴ پژوهش نیز به بیان نتایج تجربی و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به آمار توصیفی و استنباطی پرداخته شده است و در نهایت در بخش ۵ پژوهش به بحث و نتیجه‌گیری نهایی پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

مبانی نظری

اطلاعات حسابداری به عنوان یک عامل مهم اثرگذار بر قیمت سهام شناسایی شده است (ژو و نیو، ۲۰۱۶). بال و براون (۱۹۶۸)، ارتباط بین تغییرات عایدات و تغییرات قیمت را به صورت تجربی تحلیل کردند و بیور (۱۹۶۸)، یک آزمون ارزش میانگین جهت تأیید بیشتر معنی‌داری رابطه مذکور بکار برد. چان و همکاران (۱۹۹۶)، پی بردند که درصد جریان نقدی^۵ می‌تواند بر مازاد حسابداری^۶ در سال آتی تأثیر بگذارد و از این رو تأثیر معنی‌داری بر بازده سهام آتی داشته باشد. همچنین، پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که مدیریت سود نیز می‌تواند بر ارزش سهام تأثیر بگذارد؛ به طور مثال چنی و لویس (۱۹۹۵)، پی بردند که مدیریت سود عدم تقارن اطلاعاتی^۷ بنگاه ممکن است منجر به این شود که سرمایه‌گذاران قیمت سهام را بیشتر از حد تخمین بزنند. پژوهشگران در دیگر مطالعات پی بردند که کیفیت حسابداری پایین‌تر ممکن است بهای سرمایه را بالا برده و خطای ارزش‌گذاری سهام را افزایش دهد (ابودی و همکاران، ۲۰۰۵؛ بارث و همکاران، ۲۰۱۳؛ فرنسیس و همکاران، ۲۰۰۵). هرچند، کر و همکاران (۲۰۰۸)، پی به این بردند که هیچ ارتباط روشنی بین کیفیت حسابداری و بهای سرمایه وجود ندارد. در صورتی که راجگپال و ونکاتاجالام (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابداری ضعیف ارتباط زیادی با نوسان بالای بازده دارد. ونگ و همکاران (۲۰۱۰)، بیان کردند که تأثیر اطلاعات حسابداری می‌تواند از طریق اندازه‌گیری حسابداری و رفتار سرمایه‌گذاران صورت گیرد. این تأثیر نشان می‌دهد که رفتار سرمایه‌گذاران می‌تواند بر ارزشیابی سهام، در کنار اطلاعات حسابداری بنیادی تأثیر بگذارد. دی لانگ و همکاران (۱۹۹۰) بیان کردند که رفتار

غیرمنطقی معامله‌گران اخلاک‌گر ممکن است منجر به "خطر معامله‌گر اخلاقی"^۸ شود. از این رو، قیمت سهام به طور مشترک از طریق ارزش ذاتی "منطقی" و خطر معامله‌گر اخلاقی "غیرمنطقی" تعیین می‌شود. رفتار معامله‌گران اخلاک‌گر همیشه از طریق احساسات سرمایه‌گذاران اندازه‌گیری می‌شود (لی و همکاران، ۱۹۹۱)، که از اعتقادات ذهنی نادرست یا اطلاعات غیرمرتبط با ارزش سهام منتج می‌شود و به نوعی نگرش خوش بینانه و بدبینانه سرمایه‌گذاران نسبت به بازار سهام می‌باشد (براون و کلیف، ۲۰۰۴). بیکر و وارگلر (۲۰۰۶)، احساسات سرمایه‌گذاران را به عنوان تمایل نسبت به سفته‌بازی تعریف می‌کند که منتج به سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازانه^۹ می‌شود. همان طور که در مطالعات قبلی در رابطه با رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بیان شده است، احساسات بر هر دو رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع تأثیر می‌گذارد. تأثیر رفتار احساسی بر روی قضاوت سرمایه‌گذاران از رشد عایدات آتی به طور شهودی استنباط می‌شود. وقتی که احساسات خیلی بالا باشد، سرمایه‌گذاران معمولاً خوشبین‌تر می‌شوند و تحلیل‌گران سهام به طور فعال‌تر تمایل به صدور علائم خرید دارند (بیکر و وارگلر، ۲۰۰۷)؛ از این رو، حدس زده می‌شود که احساسات بالاتر باعث افزایش رشد عایدات مورد انتظار سرمایه‌گذاران می‌شود (ژو و نیو، ۲۰۱۶). همچنین، احساسات می‌تواند بر نرخ بازده مورد توقع^{۱۰} از طریق تأثیرات آن بر ریسک مورد انتظار و قیمت ریسک تأثیر بگذارد (ژو و نیو، ۲۰۱۶). در طول یک دوره احساسات بالا، سرمایه‌گذاران تمایل به کمتر از حد تخمین زدن ریسک بالقوه دارند (رایت و باور، ۱۹۹۲)، ولی ریسک‌گریزتر می‌شوند و قیمت ریسک مورد انتظار آن‌ها افزایش می‌یابد (ایسن و همکاران، ۱۹۸۸؛ آندرید، ۲۰۰۵).

پیشینه پژوهش

تعداد زیادی از مطالعات بیان کرده‌اند که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران ممکن است تأثیری بر روی قیمت سهام داشته باشد؛ به طور مثال، ژو و نیو (۲۰۱۶)، در پژوهشی در کشور چین، به این نتیجه رسیدند که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع را تغییر می‌دهد؛ هرچند این تأثیر در دوره بدبینی و خوش‌بینی سرمایه‌گذاران متفاوت است. همچنین نتایج آن‌ها نشان داد که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران به همراه

اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام تأثیر معنی‌داری می‌گذارد. دیگر مطالعات همچون کرنل و همکاران (۲۰۱۴)، و هریبار و مک اینیس (۲۰۱۲)، معتقدند که تحلیل گران سهام، هنگامی که احساسات بالا داشته باشند، نسبت به سودآوری آتی شرکت‌ها خوش بین هستند؛ از این رو، آن‌ها تمایل به صدور علائم خرید بیشتر برای سهم‌هایی که به آینده آن‌ها خوش بین هستند، دارند. شفرین (۲۰۰۸)، یک عامل تنزیل تصادفی^{۱۱} بر مبنای احساسات ایجاد کرد و نرخ بازده مورد توقع را به احساسات سرمایه‌گذاران ارتباط داد. علاوه بر این، بیکر و وارگلر (۲۰۰۷)، پی بردند که احساسات می‌تواند بر قیمت سهام از طریق تغییر ریسک پیش‌بینی شده سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. همچنین بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) تفاوت‌های مقطعی تأثیر احساسات را کشف کردند؛ آن‌ها پی بردند که احساسات سرمایه‌گذاران تأثیر آشکاری بر روی سهام می‌گذارد که ارزش‌گذاری را دچار مشکل می‌کند یا آربیتراژ را ریسکی و پرهزینه می‌کند. لی (۲۰۰۶) به اندازه‌گیری ریسک رفتار احساسی گزارشات سالانه پرداخت و نتیجه گرفت که این ریسک می‌تواند بازده‌های آتی را پیش‌بینی کند. براون و کلیف (۲۰۰۴) پی بردند که احساسات بالا ممکن است انتظار سرمایه‌گذاران را نسبت به جریان‌های نقدی آتی تغییر دهد و از این رو بر قیمت سهام تأثیر بگذارد. عسگری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد. فیاضی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به وجود رابطه آماری مثبت و معنی‌دار میان شاخص واکنش رفتاری سرمایه‌گذاران با شاخص‌های بورسی صحه گذاشتند. همچنین حیدرپور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به وجود رابطه مثبت و معنی‌دار رفتارهای احساسی سرمایه‌گذاران با بازده سهام شرکت‌های دارای کمترین اندازه، نسبت ارزش دفتری به بازار و نسبت مالکیت نهادی پی بردند.

بیشتر مطالعات در گذشته پدیده رفتار احساسی سرمایه‌گذاران را به تنهایی مستندسازی کرده‌اند. در کل ادبیات موجود به ندرت یک مبنای تئوریک برای مکانیزم تأثیر احساسات و اطلاعات حسابداری ارائه می‌دهد و تفاوت مقطعی^{۱۲} این مکانیزم را توضیح می‌دهد. در این پژوهش بر مبنای مدل ارزیابی درآمد پسماند، تأثیر احساسات را به صورت تئوریک در دو روش رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع، تجزیه شده است و شواهد تجربی برای

مکانیزم این تأثیرات ارائه شده است. علاوه بر این، تأثیر مشترک رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر روی قیمت سهام بررسی شده و نقش عدم اطمینان اطلاعاتی تحلیل شده تا تفاوت مقطعی تأثیر احساسات بیان شود.

فرضیه‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش مبانی نظری پژوهش بیان شد، پژوهش‌هایی به ارتباط مثبت بین رفتارهای احساسی سرمایه‌گذاران و نرخ بازده مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع اشاره کردند و منطق‌های تئوریک این ارتباطات را بیان کرده‌اند (بیکر و وارگلر، ۲۰۰۷؛ ژو و نیو، ۲۰۱۶؛ رایت و باور، ۱۹۹۲؛ ایسن و همکاران، ۱۹۹۸؛ آندرید، ۲۰۰۵). همچنین از طرفی پژوهش‌های زیادی همچون بال و براون (۱۹۶۸)، بیور (۱۹۶۸)، چان و همکاران (۱۹۹۶)، به تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام اشاره کرده‌اند و از طرف دیگر پژوهش‌هایی همچون ژو و نیو (۲۰۱۶) و ونگ و همکاران (۲۰۱۰)، به بیان تأثیر اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام از طریق اندازه‌گیری حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران پرداخته‌اند. از این رو، با توجه به مبانی نظری و اهمیت این موضوع برای سرمایه‌گذاران، فرضیه‌های پژوهش حاضر به صورت زیر مطرح می‌گردند:

فرضیه اول پژوهش: رفتار احساسی سرمایه‌گذاران با رشد عایدات مورد انتظار تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم پژوهش: رفتار احساسی سرمایه‌گذاران با نرخ بازده مورد توقع تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه سوم پژوهش: رفتار احساسی سرمایه‌گذاران به همراه اطلاعات حسابداری با قیمت سهام تأثیر معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین براساس ماهیت مطالعه، از نوع توصیفی بوده و از نظر زمان نیز، جزء پژوهش‌های گذشته‌نگر می‌باشد. لازم به ذکر است این

پژوهش، از نظر کاربرد، جزء پژوهش‌های نتیجه‌گرا و از نظر نوع داده، جزء پژوهش‌های کمی و توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. برای اینکه در مدل رگرسیون خطی، تخمین‌زن‌های حداقل مربعات معمولی ضرایب رگرسیون، بهترین تخمین‌زن‌های بدون تورش خطی باشند، از آزمون‌های مربوط به مفروضات این مدل استفاده شده است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای Excell و Eviews 8 استفاده شده است. همچنین در این پژوهش، برای گردآوری داده‌های پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، بانک‌های اطلاعاتی نرم افزارهای تدبیر پرداز و ره آورد نوین و همچنین صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی استفاده شده است.

جامعه آماری و قلمرو نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به علت گستردگی جامعه آماری و دشواری‌های خاص حاصل از آن و همچنین وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه آماری در ارتباط با داده‌های موردنیاز پژوهش، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و به نوعی نمونه آماری پژوهش به روش حذف سیستماتیک، با توجه به موارد زیر، انتخاب شده است:

۱. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد. ۲. تا پایان سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ۳. طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچ گونه توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند. ۴. معاملات سهام آن‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از یک ماه نداشته باشند. ۵. کلیه داده‌های مورد نیاز از شرکت‌ها برای پژوهش حاضر در دسترس باشد. ۶. جزء شرکت‌های بیمه و سرمایه‌گذاری (هلدینگ) نباشند.

پس از اعمال این شرایط، نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۳ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است. از آن جا که هر شرکت در طی قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۳ دارای ۶ مجموعه اطلاعات مالی قابل استخراج از صورت‌های مالی است، بنابراین

تعداد کل مشاهدات برابر با ۶۱۸ سال/شرکت است. در نگاره ۱ روند انتخاب نمونه آماری پژوهش از جامعه آماری، مشخص شده است.

نگاره (۱): روند انتخاب نمونه آماری پژوهش

ردیف	توصیف روند انتخاب نمونه آماری پژوهش	تعداد
۱	کلیه شرکت‌های فعال در بورس تا تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۹	۵۲۰
۲	شرکت‌هایی که طی دوره تحقیق در حالت تعلیق بوده و یا از بورس خارج شده‌اند.	(۱۲۴)
۳	شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته نشده‌اند.	(۸)
۴	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به ۲۹ اسفند ختم نمی‌شود و یا تغییر سال مالی داده‌اند.	(۱۳۴)
۵	شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بیمه)	(۱۸)
۶	شرکت‌هایی که در طول دوره مورد بررسی توقف معاملاتی بیش از یک ماه داشته‌اند.	(۵۹)
۷	شرکت‌هایی که در جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش به نوعی دارای محدودیت داشته‌اند.	(۷۴)
۹	کل نمونه آماری قابل‌آزمون با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌ها	۱۰۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران

در مطالعات مختلف رویکردهای متفاوتی در جهت جمع‌آوری نماینده‌هایی برای رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، بکار گرفته شده است، که در میان آن‌ها چند مطالعه از شاخص‌های ضمنی^{۱۳} برای متغیر مذکور استفاده کرده است. لی و همکاران (۱۹۹۱)، از نرخ‌های تنزیل صندوق‌های با سرمایه ثابت در جهت توصیف رفتار احساسی سرمایه‌گذاران استفاده کرده‌اند. همچنین اشمینگ (۲۰۰۹) پیشنهاد داد که شاخص اعتماد مشتری^{۱۴} نیز می‌تواند به عنوان یک معیار رفتار احساسات بازار استفاده شود. دیگر مطالعات، رفتار احساسی را بر مبنای شاخص‌های مشخصی^{۱۵} اندازه‌گیری کردند. برای مثال، براون و کلیف (۲۰۰۴)، از اطلاعاتی همچون روند دیدگاه سرمایه‌گذاران و واکنش نسبت به اخبار، به جهت اندازه‌گیری مستقیم احساسات سرمایه‌گذاران، استفاده کردند. همچنین، بیکر و وارگلر (۲۰۰۶)، ۶ معیار از مطالعات قبلی را انتخاب کردند و آن معیارها را به چندین متغیر اقتصاد کلان تقسیم کرده تا مولفه‌های غیرمنطقی را استخراج کنند. سپس، آن‌ها یک امتیاز احساسات ترکیبی از ۶ پسماند با استفاده

از تحلیل مولفه اصلی^{۱۶} ایجاد کردند. به علت این که روش بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) چندین منبع اطلاعاتی مرتبط با احساسات سرمایه‌گذاران را در نظر می‌گیرد، این روش به طور گسترده در ادبیات پژوهش‌های تجربی استفاده می‌شود (استمباق و همکاران، ۲۰۱۲). در این پژوهش نیز برای شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران از روش بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) استفاده شده است. از این رو، احساسات می‌تواند توسط ارزش شاخص احساسات در ابتدای سال جاری (پایان سال قبل) نشان داده شود. در میان نماینده‌هایی از رفتار احساسی در پژوهش بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) نرخ تنزیل صندوق‌های با سرمایه ثابت، نرخ گردش (حجم معاملات) بازار و میانگین بازده‌های اولین روز عرضه اولیه استفاده شده است. البته همان طور که در بخش پیشینه پژوهش به آن اشاره شده است، ژو و نیو (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود از روش بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) استفاده نموده‌اند. این معیارها به متغیرهای کلان اقتصادی همچون ارزش افزوده صنعت، شاخص کلان اقتصادی، شاخص قیمت مشتری و عرضه پول تقسیم شده است تا تأثیر اقتصاد کلان کاهش داده شود و عنصر "غیرمنطقی" این معیارها بدست آورده شود.

نرخ بازده مورد توقع و رشد عایدات مورد انتظار

مطالعات قبلی در جهت محاسبه نرخ بازده مورد توقع، به طور مستقیم از نرخ تحقق یافته بازده استفاده کرده‌اند؛ هر چند، اوگنوا (۲۰۱۲) بیان کرد که نرخ تحقق یافته واقعی بازده نماینده مناسب برای نرخ بازده پیش بینی شده مورد توقع نیست، مخصوصاً وقتی که یک جریان نقدی سهام به وجود آید؛ زیرا با توجه به پژوهش چن (۲۰۱۱)، رفتار احساسی سرمایه‌گذاران می‌تواند هم به جریان نقدی مورد انتظار و هم در ریسک مورد انتظار تأثیر بگذارد. لذا، در این پژوهش از بهای سرمایه‌گذاری استفاده شده است تا نرخ بازده مورد توقع اندازه‌گیری شود. به جهت افزایش پایایی محاسبات، نماینده مذکور با استفاده از میانگین ۴ بهای سرمایه‌گذاری محاسبه شده توسط PEG^{۱۷} (نسبت قیمت به عایدات تقسیم بر نرخ رشد عایدات؛ ایستون، ۲۰۰۴)، GGM^{۱۸} (مدل رشد گوردون؛ گوردون و گوردون، ۱۹۹۷)، CT^{۱۹} (کلاس و توماس، ۲۰۰۱) و OJN^{۲۰} (اولسان و جیتنر-ناروت، ۲۰۰۵)، بدست آورده شده است (سان و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین، در این پژوهش رشد عایدات مورد انتظار با استفاده

از تفاوت بین میانگین عایدات پیش بینی شده هر سهم و عایدی تحقق یافته هر سهم تقسیم بر ارزش مطلق عایدات تحقق یافته هر سهم سال قبل محاسبه شده است (ژو و نیو، ۲۰۱۶). همچنین لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش به شرح نگاره ۲ اندازه گیری شده‌اند.

نگاره (۲): معرفی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	معادل فارسی متغیر	توصیف
۱	SENT	شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذار	برای شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران ۳ معیار انتخاب شده است و آن‌ها را به ۴ متغیر کلان اقتصادی طبقه بندی و SENT با استفاده از اولین مولفه اصلی این پسماندها محاسبه شده است.
۲	RRR	نرخ بازده مورد توقع	نرخ بازده مورد توقع با استفاده از میانگین بهای ضمنی سرمایه بر مبنای ۴ روش PEG، GGM، CT و OJN محاسبه شده است.
۳	EEG	رشد عایدات مورد انتظار	رشد عایدات مورد انتظار از طریق تفاوت بین میانگین عایدات پیش بینی شده هر سهم و عایدی تحقق یافته هر سهم تقسیم بر ارزش مطلق عایدات تحقق یافته هر سهم سال قبل می‌باشد.
۴	PRC	قیمت سهام در سال مالی t	قیمت سهام در سال مالی t از طریق قیمت پایانی سهم در پایان سال مالی می‌باشد.
۵	EPS	عایدات هر سهم در سال مالی t	عایدی هر سهم در سال مالی t
۶	R _f	نرخ بازده بدون ریسک	نرخ بازده بدون ریسک از طریق نرخ سپرده یک ساله بانکی اندازه گیری شده است.
۷	VOL	نوسان عایدات	نوسان عایدات با استفاده از خطای استاندارد (EPS) پیش بینی شده سال جاری و استاندارد شده از طریق ارزش میانگین آن‌ها می‌باشد.
۸	LMV	اندازه شرکت	اندازه شرکت از طریق لگاریتم ارزش بازار شرکت اندازه گیری شده است.
۹	BETA	بتای بازار	بتا بازار از طریق بازده‌های بازار روزانه سال قبل بر مبنای مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM)، بدست آمده است.

توصیف	معادل فارسی متغیر	متغیر	ردیف
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار است.	نسبت ارزش دفتری به بازار	B/M	۱۰
عامل حرکت آنی (مومنتوم) یا به عبارتی بازده‌های برندگان خرید و بازندگان فروش، که با استفاده از بازده انباشته ماهانه سال قبل محاسبه شده است.	عامل مومنتوم	MOM	۱۱
درجه اهرم که با استفاده از نسبت بدهی به دارایی‌ها در پایان سال قبل اندازه گیری شده است.	اهرم	LEV	۱۲
نسبت پرداخت سود سهام ^{۲۱} که برابر با سود پرداختی هر سهم تقسیم بر عایدات هر سهم است. (DPR = DPS/ EPS).	نسبت پرداخت سود سهام	DPR	۱۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مدل‌های پژوهش

مکانیزم تأثیر اطلاعات حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران

مطالعات مختلفی اطلاعات حسابداری را به جهت پیش بینی قیمت سهام مفید دانسته‌اند. اولسان (۱۹۹۵)، مدل ارزیابی درآمد پسماند را ارائه کرد و یک ارتباط بین اطلاعات حسابداری و سهام را ایجاد کرد.

$$P_t = Y_t + \omega / (R_f - \omega) \cdot \bar{X}_t + \alpha \cdot V_t \quad (1)$$

که P_t قیمت سهام، Y_t ارزش خالص دارایی هر سهم، \bar{X}_t ، عایدات مازاد موردانتظار هر سهم، V_t نشان دهنده اطلاعات دیگر بازار، R_f نرخ بازده بدون ریسک، و ω نرخ رشد \bar{X}_t است. به علت این که اندازه گیری عایدات مازاد مورد انتظار مشکل است، در این پژوهش تلاش شده است \bar{X}_t ، با عایدات حسابداری بر مبنای روش ارائه شده توسط چن (۲۰۱۱) جایگزین شود. بنابراین، معادله (۱) می‌تواند به صورت زیر نوشته شود.

$$P_t = \left(\frac{RRR - RRR\omega}{RRR - \omega} \right) Y_t + \left(\frac{RRR\omega}{RRR - \omega} \right) X_t + \left(\frac{\omega - RRR\omega}{RRR - \omega} \right) d_t + \alpha V_t \quad (2)$$

به طوری که، X_t عایدات هر سهم، d_t سود پرداختی هر سهم و (RRR) نیز بیانگر نرخ بازده مورد توقع است.

همان طور که در مطالعات قبلی و مبانی نظری پژوهش حاضر در رابطه با رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بیان شده است، احساسات سرمایه‌گذاران بر هر دو رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع تأثیر می‌گذارد؛ سپس، رفتار احساسی سرمایه‌گذاران می‌تواند از طریق تأثیر آن بر روی ضرایب معادله (۲)، بر قیمت سهام تأثیر بگذارد.

رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و مکانیزم تأثیر آن بر روی قیمت سهام

تحت چارچوب ایجاد شده بر مبنای مدل ارزیابی درآمد پسماند، رفتار احساسی سرمایه‌گذاران می‌تواند از طریق رشد عایدات مورد انتظار (ω) و نرخ بازده مورد توقع (RRR)، بر قیمت سهام تأثیر بگذارد. در این پژوهش، بر اساس یک مدل تجربی به بررسی این موضوع پرداخته شده است که آیا رفتار احساسی بر دو مورد مذکور (ω و RRR) به طور معنی‌داری تأثیر می‌گذارد یا خیر. به جهت بررسی تأثیر نامتقارن رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، اگر شاخص رفتار احساسی بالاتر از میانه باشد، دوره خوش بینی است و به ارزش یک در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت ارزش آن صفر می‌باشد. در نتیجه تقابل شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و دوره خوش بینی، درون مدل این پژوهش در نظر گرفته شده است. همچنین، به علت این که نوسان عایدات بالاتر ممکن است ارزشیابی سهام را دچار مشکل کند و بیکر و وارگلر (۲۰۰۶، ۲۰۰۷)، نیز نشان دادند سهم‌هایی که به جهت ارزشگذاری مشکل است، تمایل به حساسیت بیشتری نسبت به احساسات سرمایه‌گذاران دارد؛ لذا تأثیر رفتار احساسی ممکن است به نوسانات عایدات سهام بستگی داشته باشند. از این رو، نوسان عایدات و تقابل آن با رفتار احساسی سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است. مدل‌های این قسمت از پژوهش می‌توانند به صورت زیر توصیف شوند:

$$EEG_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 \cdot VOL_{i,t} + \gamma_2 \cdot SENT_{t-1} + \gamma_3 \cdot SENT_{t-1} \times High_{t-1} + \gamma_4 \cdot SENT_{t-1} \times VOL_{i,t} + \eta \cdot CV_{i,t} + e_j \quad (۳)$$

$$RRR_{i,t} = \lambda_0 + \lambda_1 \cdot VOL_{i,t} + \lambda_2 \cdot SENT_{t-1} + \lambda_3 \cdot SENT_{t-1} \times High_{t-1} + \lambda_4 \cdot SENT_{t-1} \times VOL_{i,t} + \xi \cdot CV_{i,t} + e_j \quad (۴)$$

به طوری که VOL_{it} نوسان عایدات و CV_{it} یک مجموعه از متغیرهای کنترلی را نشان می‌دهد که شامل اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به بازار، β بازار، اهرم، نسبت پرداخت سود سهام، عامل حرکت آنی (مومتوم) و نرخ بازده بدون ریسک است. لازم به ذکر است معادله (۳) می‌تواند در جهت آزمون تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر رشد عایدات مورد انتظار استفاده شود. به علت این که هر چه سرمایه‌گذاران خوش بین تر باشند، موجب افزایش احساسات و در نتیجه خرید بیشتر می‌شود، در نتیجه می‌توان انتظار داشت که رفتار احساسی بالاتر سرمایه‌گذار، موجب افزایش انتظار رشد عایدات می‌شود (ژو و نیو، ۲۰۱۶). به همین صورت، تأثیر رفتار احساسی بر روی نرخ بازده مورد توقع می‌تواند از طریق معادله (۴)، آزمون شود. به جهت آزمون تفاوت مقطعی تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، VOL_{it} و تقابل آن با احساسات، در معادله (۴) در نظر گرفته شده است. به طور مشابه، تقابل رفتار احساسی سرمایه‌گذاران (SENT) و احساسات خوش بینی (Hight) را به جهت بررسی تأثیر عدم تقارن رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر روی نرخ بازده مورد توقع در نظر گرفته شده است. همچنین احساسات بالا ممکن است منجر به یک "مقدار ریسک"^{۲۲} پایین تر اما "قیمت ریسک"^{۲۳} بالاتر شود.

مدل تجربی برای تأثیر اطلاعات حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران

مدل ارزیابی که از طریق معادله (۲) ارائه شده است، نشان دهنده این است که قیمت سهام می‌تواند از طریق متغیرهای حسابداری همچون ارزش خالص دارایی و عایدات هر سهم توضیح داده شود. همچنین لازم به ذکر است چنانچه احساسات بر رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع تأثیر گذارد، می‌توان استنباط کرد که آن به همراه اطلاعات حسابداری، از طریق تأثیر بر ضرایب در معادله (۲)، $(RRR - \omega) / (RRR - RRR. \omega)$ ، و $(RRR - \omega) / (RRR. \omega)$ ، بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. از این رو، می‌توان تأثیر مشترک اطلاعات حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر قیمت سهام را از طریق معادله (۵) آزمون کرد:

$$PRC_{i,t} = \tau_0 + \tau_1. SENT_{t-1} + \tau_2. SENT_{t-1} \times High_{t-1} + \tau_3. BV_{i,t} + \tau_4. BV_{i,t} \times SENT_{t-1} + \tau_5. EPS_{i,t} + \tau_6. EPS_{i,t} \times SENT_{t-1} + \varepsilon_j \quad (5)$$

به طوری که در معادله (۳)، BV_{it} ارزش خالص دارایی هر سهم و EPS_{it} عایدات هر سهم می‌باشد.

همان‌طور که احساسات سرمایه‌گذاران ممکن است بر رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع، در طول دوره‌های خوش بین و بدبین به طور متفاوت، تأثیر بگذارد، می‌توان حدس زد که احساسات یک تأثیر نامتقارن بر روی قیمت سهام دارد. در جهت بررسی تأثیر عدم اطمینان اطلاعاتی نیز نمونه پژوهش به ۴ گروه مطابق با عدم اطمینان عایدات، تقسیم شده است، که از طریق انحراف استاندارد سود هر سهم پیش بینی شده در کل سال مالی جاری ارائه شده است. سپس رگرسیون معادله (۵)، برای هر گروه پیاده شده است؛ در نتیجه، تأثیر تعدیل‌کننده عدم اطمینان حسابداری را می‌توان از طریق مقایسه نتایج تخمین زده شده هر مورد بررسی کرد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش در جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده ابتدا از آمار توصیفی و سپس از آمار استنباطی استفاده شده است. در ادامه به بررسی موارد مذکور پرداخته شده است.

آمارهای توصیفی

در نگاره ۳، خلاصه آماری مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش گزارش شده است. همان‌طور که مشخص است میانگین نرخ بازده مورد توقع $^{24}(RRR)$ ، برابر با (۰.۳۸۰۵۰۵)، می‌باشد، که این مقدار میانگین از مقدار میانه اش (۰.۳۲۰۵۹۲) بیشتر است. علاوه بر این، نرخ رشد عایدات مورد انتظار $^{25}(EEG)$ نیز مقدار میانگین آن برابر با عدد (۰.۷۶۵۰۳۶)، می‌باشد، که این مقدار میانگین نیز از مقدار میانه اش (۰.۵۶۳۰۴۲) بیشتر است؛ لذا هر دو متغیر مذکور چولگی به سمت راست دارند. بقیه اطلاعات در نگاره (۳) مشخص است.

نگاره (۳): توصیف آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	معادل فارسی متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
RRR _{i,t}	نرخ بازده مورد توقع	۶۱۸	۰/۳۸۰۵۰۵	۰/۳۲۰۵۹۲	۰/۲۳۴۸۷	۰/۷۱۲۴۴۲	۲/۴۹۴۸۲۳
EEG _{i,t}	رشد عایدات موردانتظار	۶۱۸	۰/۷۶۵۰۳۶	۰/۵۶۳۰۴۲	۰/۶۶۳۳۶۸	۱/۷۰۲۰۹۷	۵/۸۷۵۱۲۶
PRC _{i,t}	قیمت سهام	۶۱۸	۱۳۲۴/۴۵۱	۱۱۵۵/۰۴۴	۴۷۸/۵۷۰۱	۱/۶۵۰۱۴	۶/۳۲۳۶۰۸
VOL _{i,t}	نوسان عایدات	۶۱۸	۱/۵۵۱۴۲۵	۱/۵۳۱۷۰۵	۰/۵۷۷۱۲۷	۱/۳۲۵۷۸۴	۷/۱۹۰۳۴۹
BV _{i,t}	ارزش دفتری	۶۱۸	۲/۰۷۲۷۸۵	۱/۵۴۷۱۷	۱/۵۴۹۹۱۴	۰/۸۹۳۱۳۶	۲/۷۷۰۵۹۲
EPS _{i,t}	عایدات هر سهم	۶۱۸	۰/۳۴۵۲۶۲	۰/۲۵۷۶۶	۰/۲۵۸۳۱۹	۰/۹۰۳۱۳۶	۲/۷۷۰۵۸۳
DPR _{i,t}	نسبت پرداخت سود سهام	۶۱۸	۰/۳۸۶۴۹۸	۰/۲۷۲۵۲۵	۰/۲۴۸۸۶	۱/۰۴۱۳۶۳	۳/۱۵۸۴۳۶
LMV _{i,t}	اندازه شرکت	۶۱۸	۶/۴۲۸۱۴۵	۶/۵۲۵۱	۲/۰۲۹۷۵۵	۰/۱۳۲۳۴۶	۳/۹۸۰۵۶۹
LEV _{i,t}	اهرم	۶۱۸	۰/۴۱۳۷۳۲	۰/۳۸۲۱۰۵	۰/۲۲۳۷۱	۰/۴۳۴۳۶۲	۲/۰۶۹۵۰۲
BETA _{i,t}	بتای بازار	۶۱۸	۰/۳۳۹۹۹۴	۰/۲۶۰۱۲۸	۰/۲۴۹۲۹۴	۰/۸۶۴۵۱۸	۲/۷۲۱۴۴۱
Bv/Mv _{i,t}	ارزش دفتری/ارزش بازار	۶۱۸	۰/۲۶۷۰۶۸	۰/۱۷۲۲۰۱	۰/۲۲۵۲۲۱	۱/۳۱۵۵۱۱	۳/۹۴۰۳۶۲
MOM _{i,t}	عامل مومنتوم	۶۱۸	۰/۱۳۰۹۵۲	۰/۰۵۳۸۰۱	۰/۲۰۶۹۱۷	۳/۰۴۷۹۹۹	۱۳/۰۰۲۳۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آمار استنباطی

با استفاده از نماینده‌های تصمیمات احساسی که با استفاده از متغیرهای اقتصاد کلان به دست آمده است، می‌توان شاخص تصمیم احساسی را بر مبنای مولفه اول اصلی تشکیل داد. نتیجه شاخص به صورت زیر می‌باشد:

$$SENT_t = \beta_1 \times R_t + \beta_2 \times CCI_t + \beta_3 \times TURN_t + \beta_4 \times RIPO_t + \beta_5 \times TIPO_t$$

$$SENT_t = -0.484 \times R_f + 0.0898 \times CCI_t + 0.268 \times TURN_t + 0.567 \times RIPO_t + 0.5178 \times TIPO_t$$

به طوری که در فرمول فوق، (R_f) نرخ بازده بدون ریسک، (CCI_t) شاخص اعتماد مصرف‌کننده، $(TURN_t)$ نرخ گردش (حجم معاملات) بازار، $(RIPO_t)$ و $(TIPO_t)$ بیانگر میانگین بازده اولین روز و میزان گردش مالی در اولین روزی است که عرضه عمومی اولیه (IPO) سهام صورت گرفته است.

در این پژوهش آزمون‌های مرتبط با پایایی متغیرهای پژوهش، تعیین مدل مناسب (آزمون‌های F لیمبر و هاسمن) جهت تخمین مدل رگرسیون و آزمون هم خطی متغیرهای مستقل صورت گرفته است. لازم به ذکر است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیرهای پژوهش پایا هستند و عدم هم خطی متغیرهای مستقل تأیید شد. همچنین، لازم به ذکر است، طبق آزمون F لیمبر، جهت آزمون هر سه فرضیه پژوهش، از مدل ساختار ترکیبی پانل استفاده شده است و نتیجه آزمون‌ها سمن نیز در هر یک از بخش‌های بعدی، جهت آزمون فرضیه‌ها، توضیح داده شده است.

تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر روی رشد عایدات مورد انتظار (EEG)

همانطور که نتایج نگاره ۴ نشان می‌دهد، در این بخش از پژوهش به بررسی رابطه بین رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و رشد عایدات مورد انتظار سرمایه‌گذاران با استفاده از یک مدل دیتا پانل، پرداخته شده است. در ستون ۱ نگاره ۴ شاخص تصمیمات احساسی، عدم اطمینان عایدات و اثر متقابل آن‌ها به عنوان متغیرهای توضیحی در مدل گنجانده شده است. علاوه بر این، متغیرهای کنترلی خاصی، شامل نرخ بازده بدون ریسک، نسبت پرداخت سود سهام و اندازه شرکت، در ستون ۲ نشان داده شده است. همچنین، در این پژوهش برای بهتر نشان دادن اثر تعدیلی ارائه شده از طریق متغیر عدم اطمینان درآمد، به انجام مرتب‌سازی مشاهدات براساس نوسانات تاریخی عایدات پرداخته شده است و معیار نوسانات عایدی با رتبه بندی ۱ تا ۴ (به طوری که عدد ۱ بیانگر کوچکترین نوسان و ۴ بیانگر بزرگترین نوسان) جایگزین شده است و نتایج مربوط به آن نیز در ستون ۳ مربوط به نگاره ۴، گزارش شده است. همچنین، شایان ذکر است که در ستون ۱ الی ستون ۳، نیز ضریب و احتمال آزمون هاسمن ارائه شده است. به

طوری که نتایج این آزمون نشان می‌دهد که برای برآورد ضرایب مدل تجربی پژوهش بایستی از مدل ساختار ترکیبی دیتا پانل با اثرات ثابت استفاده شود.

نگاره (۴): آزمون رگرسیون تأثیر گرایش احساسی سرمایه‌گذاران بر روی رشد عایدات مورد انتظار

متغیرها	مدل (۱)			مدل (۲)			مدل (۳)		
	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value
C	۱/۲۲۵۳۲۸	۰	۰/۰۰۰	۱/۵۴۹۴۷	۷/۶۵	۰/۰۰۰	۱/۵۴۹۴۷	۷/۶۵	۰/۰۰۰
$VOL_{i,t}$	-۰/۱۴۶۳۴۶	-۲/۳۴۲۴	۰/۰۱۹	-۰/۱۲۱	-۱/۸۹	۰/۰۵۹	-۰/۱۲۱	-۱/۸۹	۰/۰۵۹
$SENT_{i,t}$	۰/۳۱۹۰۹۳	۳/۲۳۷۳۴	۰/۰۰۱	۰/۲۶۹۸۷	۲/۶۸	۰/۰۰۷	۰/۲۶۹۸۷	۲/۶۸	۰/۰۰۷
$SENT_{i,t} * High_{i,t}$	-۰/۱۲۲۳۶	۲/۳۰۲۹۶	۰/۰۲۱	-	-۲/۰۹	۰/۰۳۷	-	-۲/۰۹	۰/۰۳۷
$SENT_{i,t} * VOL_{i,t}$	۰/۴۶۴۲۴۳	۲/۱۵۰۴۲	۰/۰۳۱	۰/۴۱۳۹۵	۱/۹۲	۰/۰۵۵	۰/۴۱۳۹۵	۱/۹۲	۰/۰۵۵
$Rf_{i,t}$	-	-	-	-	-	۰/۳۶۶	-	-	۰/۳۶۶
$DPR_{i,t}$	-	-	-	۰/۶۷۲۷۷	۰/۹۰	۰/۰۹۰	۰/۶۷۲۷۷	۰/۹۰	۰/۰۹۰
$LMV_{i,t}$	-	-	-	-	-	۰/۳۳	-	-	۰/۳۳
$BETA_{i,t}$	-	-	-	-	-	۰/۹۷	-	-	۰/۹۷
$BM_{i,t}$	-	-	-	-	-	۰/۰۰۱	-	-	۰/۰۰۱
$MOM_{i,t}$	-	-	-	-	-	۰/۰۴۴	-	-	۰/۰۴۴
$LEV_{i,t}$	-	-	-	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۳۴۶	۰/۱۰۵۵۶	۰/۹۴	۰/۳۴۶
R^2	۰/۰۳۱۸۴۶			۰/۱۷۶	۰/۱۷۶	۰/۱۳۸	۰/۱۷۵۶۰	۰/۱۳۸	۰/۱۳۸
R^2 adjusted	۰/۰۲۵۵۲۸			۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۴۲	۰/۰۹۷۷۶	۰/۰۴۲	۰/۰۴۲
Durbin-Watson stat	۱/۸۲۸۱۶۱			۰/۷۳	۰/۷۳	۱/۹۰۴	۰/۱۷۳۴۴	۱/۹۰۴	۱/۹۰۴
(Hausman Test)	۲۱۸/۷۴۶۵۱			۰/۶۲	۰/۶۲	۱۸۹/۵۴۲۱۴	۰/۷۳۵۷	۰/۶۲	۰/۶۲
Prob.	۰/۰۰۰۰			۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که نتایج نگاره ۴، نشان می‌دهد، ضرایب مربوط به شاخص تصمیمات احساسی سرمایه‌گذاران از لحاظ آماری مثبت و معنی‌دار می‌باشد. لذا نتایج فوق نشان می‌دهد که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران اثر مثبتی بر روی رشد عایدات مورد انتظار می‌گذارد؛ به عبارتی احساسات بالاتر سرمایه‌گذاران منجر به انتظارات خوش‌بینانه‌تر نسبت به رشد عایدات آتی می‌شود. لذا فرضیه اول پژوهش مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با این حال، ضرایب تعاملی احساسات و متغیر مصنوعی دوره خوش‌بینی سرمایه‌گذاران منفی هستند. این موضوع نشان می‌دهد که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، در طول دوران خوش‌بینانه، تأثیر ضعیف‌تری بر روی رشد عایدات مورد انتظار دارد. علاوه بر این، ضرایب مربوط به نوسانات عایدی نیز در ستون ۱ منفی و معنادار و در ستون‌های ۲ و ۳ منفی و نامعنا می‌باشند که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران تمایل دارند که پیش‌بینی‌های ضعیفی برای سهام با نوسان عایدی بالا بدهند. لازم به ذکر است که نتایج این بخش از پژوهش برخلاف نتایج پژوهش ژو و نیو (۲۰۱۶) می‌باشد، چرا که در نتایج ژو و نیو (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران تمایل دارند که پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تری برای سهام با عدم اطمینان اطلاعات بالاتر بدهند. همچنین تقابل دو متغیر نوسان عایدات و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در ستون ۱ مثبت معنادار ولی در ستون ۲ و ۳ مثبت و نامعنا می‌باشد، که نشانگر این است که سرمایه‌گذاران انتظار رشد عایدات آتی بالایی در طول دوران با نوسانات بالای عایدات دارند که این نتیجه برخلاف نتیجه بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) می‌باشد، که پژوهش مذکور بیانگر مشکل بودن قیمت‌گذاری سهام در دوران با عدم اطمینان اطلاعاتی بالا است. نرخ بازده بدون ریسک، نسبت پرداخت سود سهام، بنای بازار رابطه منفی و نامعنایی با رشد عایدات مورد انتظار آتی سرمایه‌گذاران دارد و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، عامل حرکت آتی (مومنتوم) و اهرم شرکت با رشد عایدات مورد انتظار آتی سرمایه‌گذاران رابطه مثبت و نامعنایی دارد. همچنین لازم به ذکر است که اندازه شرکت با رشد عایدات مورد انتظار آتی رابطه منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد سرمایه‌گذاران انتظار ضعیفی نسبت به عایدات آتی دارند.

تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر روی نرخ بازده مورد توقع (RRR)

نگاره ۵ نتایج مربوط به آزمون رگرسیون با استفاده از نرخ بازده مورد توقع، به عنوان متغیر وابسته، را نشان می‌دهد. مشابه نگاره ۴، در نگاره ۵ نیز اقدام به اضافه کردن متغیرهای کنترلی در ستون ۲، شده است. علاوه بر این، برای بهتر نشان دادن اثر تعدیلی ارائه شده از طریق متغیر عدم اطمینان عایدات، به انجام مرتب سازی مشاهدات بر اساس نوسانات تاریخی عایدات مورد انتظار سرمایه‌گذاران پرداخته شده است؛ به طوری که این اقدام با رتبه بندی از ۱ تا ۴ (عدد ۱ بیانگر کمترین نوسان و عدد ۴ نیز بیانگر بیشترین نوسان) انجام شده است و نتایج مربوط به آن نیز در ستون ۳ نگاره ۵، گزارش شده است. همچنین، شایان ذکر است که در ستون ۱ الی ستون ۳، با توجه به ضریب و احتمال آزمون هاسمن در جهت برآورد ضرایب مدل تجربی پژوهش بایستی از مدل ساختار ترکیبی دیتا پانل با اثرات ثابت استفاده شود. همان طور که نتایج مربوط به آزمون رگرسیون در نگاره ۵، نشان داده شده است، ضرایب بیانگر آن است که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران پس از کنترل نمودن اثر متغیرهای کنترل، معنی دار نبوده است. در واقع این شواهد، نشان می‌دهد که تصمیمات احساسی سرمایه‌گذاران تأثیر قابل توجهی بر نرخ بازده مورد توقع سرمایه‌گذاران نمی‌گذارد. لذا فرضیه دو پژوهش رد می‌شود. لازم به ذکر است نتیجه مذکور برخلاف نتیجه پژوهش ژو و نیو (۲۰۱۶) می‌باشد. با این حال، ضرایب تقابلی (High) * (SENT)، که در مدل تجربی پژوهش در نظر گرفته شده است در تمام ستون‌ها مربوط به نگاره ۵، مثبت و نامعنا گزارش شده است و این موضوع را یادآوری می‌کند که احساسات بالاتر می‌تواند نرخ بازده مورد توقع سرمایه‌گذاران را در طول دوره خوش بینی افزایش بدهد ولی این رابطه ضعیف می‌باشد. علاوه بر این، هیچ شواهدی از اثر مستقیم و اثر تعدیل کننده عدم اطمینان اطلاعات در پژوهش حاضر وجود ندارد. چون ضرایب برآورد شده (Vol) و ضرایب تقابلی (Vol) * (SENT)، در ستون‌های ۱ الی ۳، در نگاره ۵، معنی دار گزارش نشده است. همچنین، با توجه به متغیرهای کنترل، ضرایب برآورد شده در مدل تجربی پژوهش برای متغیرهای کنترلی پژوهش که شامل $(Rf_{i,t})$ ، $(DPR_{i,t})$ ، $(LMV_{i,t})$ ، $(BETA_{i,t})$ ، $(BM_{i,t})$ ، $(MOM_{i,t})$ و $(LEV_{i,t})$ می‌باشند، هیچ یک از متغیرهای کنترلی، معنی دار نیستند.

تکانه (۵): آزمون رگرسیون تأثیر گرایش احساسی سرمایه‌گذاران بر روی نرخ بازده مورد توقع

متغیرها	مدل (۱)			مدل (۲)			مدل (۳)		
	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value
C	۰/۴۰۳۳۴	۸/۴۶۸۷۳	۰/۰۰۰	۰/۵۳۴۸۷	۷/۱۳۸۸۹	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲	۷/۴۰۶	۰/۰۰۰
VOL _{i,t}	۰/۰۰۹۲۴	۰/۴۰۴۵۳	۰/۰۰۶۲۲	۰/۰۰۶۲۲	۰/۲۶۴۳۶	۰/۷۹۱	۰/۰۰۴	۰/۱۹	۰/۸۴۷
SENT _{i,t}	۰/۰۴۱۹۴	۱/۱۷۸۴۰	۰/۲۳۹	۰/۰۳۰۰۲	۰/۸۲۴۹۴	۰/۴۰۹	۰/۰۲۷	۰/۷۴	۰/۴۵۶
SENT _{i,t} *High _{i,t}	۰/۰۲۴۲۱	۱/۲۹۵۱۳	۰/۱۹۵	۰/۰۲۶۹۷	۱/۴۳۵۹۶	۰/۱۵۱	۰/۰۲۶	۱/۳۶	۰/۱۷۲
SENT _{i,t} *VOL _{i,t}	-۰/۱۱۲۳	-۱/۴۷۷۸	۰/۱۴۰	-۰/۱۲۰۵	-۱/۵۷۹۳	۰/۱۱۴	-۰/۱۱	۱/۴۸	۰/۱۳۷
Rf _{i,t}	-	-	-	-۰/۴۲۶۶	-۱/۵۶۰۷	۰/۱۱۹	-۰/۵۰	۱/۸۶	۰/۰۶۳
DPR _{i,t}	-	-	-	-۰/۰۴۲۸	-۱/۰۹۹۴	۰/۲۷۲	-۰/۰۴	۱/۰۶	۰/۲۸۹
LMV _{i,t}	-	-	-	-۰/۰۰۶۱۷	-۱/۱۶۹۸	۰/۲۴۲	-۰/۰۰۶	-۱/۲۸	۰/۱۹۹
BETA _{i,t}	-	-	-	۰/۰۰۸۹۶	۰/۲۰۷۹۴	۰/۸۳۵	۰/۰۱۱	۰/۲۷	۰/۷۸۶
BM _{i,t}	-	-	-	۰/۰۱۸۷۱	۰/۴۱۹۱۹	۰/۶۷۵	۰/۰۲۶	۰/۶۱	۰/۵۳۷
MOM _{i,t}	-	-	-	۰/۰۵۹۶۵	۱/۱۳۴۰۴	۰/۲۵۷	۰/۰۵۱	۱/۰۶	۰/۲۹۰
LEV _{i,t}	-	-	-	-۰/۰۵۵۶۵	۱/۳۳۴۷۰	۰/۱۸۲	۰/۰۴۸	۱/۱۲	۰/۲۶۰
R ²	۰/۰۲۶۵۲۱			۰/۰۳۹۰۷۴			۰/۰۲۰		
adjusted R ²	۰/۰۱۸۵۵۵			۰/۰۱۹۹۸۳			۰/۰۰۲		
Durbin-Watson stat	۱/۹۹۳۹۵۸			۱/۹۹۷۱۱۶			۱/۷۱۷		
(Hausman Test)	۱۷۴/۲۱۳۴			۱۸۸/۴۶۳۲			۲۶۳/۴۶۵۱		
Prob.	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تأثیر مشترک اطلاعات حسابداری و رفتار احساسی سرمایه‌گذاران

در این قسمت با توجه به نوسانات عایدات، نتایج به ۴ گروه (ستون ۱ بیانگر گروه با حداقل دامنه نوسان و ستون ۴ بیانگر با حداکثر دامنه نوسانات است) تقسیم‌بندی شده است. همچنین، مجدداً، همه پارامترها در ستون (۱)، (۲)، (۳) و (۴) با استفاده از مدل ساختار ترکیبی دیتا پانل با اثرات ثابت (با توجه به نتیجه آزمون هاسمن) برآورد شده است. نگاره ۶ نشان می‌دهد که ضرایب SENT منفی و معنی‌دار می‌باشد؛ لذا این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه احساسات سرمایه‌گذاران بالاتر رود تأثیر معکوسی بر قیمت سهام می‌گذارد (در نوسانات پایین عایدی)؛ ولی اگر نوسان عایدی بالا باشد رابطه مذکور مثبت و معنی‌دار می‌باشد. همچنین ضرایب تعاملی (SENT*High) در ستون‌های (۱) و (۲) معنی‌دار نبوده است، اما در ستون (۳) مثبت و معنادار و در ستون (۴) ضرایب تعاملی مذکور منفی و معنادار می‌باشد؛ این موضوع بدین معناست که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در دوران احساسات خوشبینانه، هنگامی که نوسانات عایدات بالا باشد بر روی قیمت سهام تأثیر می‌گذارد و هرچه نوسانات بالاتر باشد تأثیر معکوسی روی قیمت سهام دارد. نتیجه مذکور با جداول ۴ و ۵ مطابقت دارد. زیرا در نگاره ۴ رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در دوران احساسات خوشبینانه رابطه منفی معنی‌داری بار شد عایدات مورد انتظار دارد ولی در نگاره ۵ رابطه مثبت و نامعنایی با نرخ بازده مورد توقع سهامداران دارد و تلفیق این دو منجر به نتیجه ضرایب تعاملی (SENT*High) در نگاره ۶ شده است. همچنین ضریب BV در ستون‌های ۱ الی ۳ رابطه مثبت و معناداری با قیمت سهام دارد ولی در ستون ۴ رابطه مثبت نامعنایی با قیمت سهام دارد؛ این نتیجه نشان می‌دهد که ارزش دفتری هر چه افزایش یابد باعث افزایش قیمت سهام می‌شود ولی اگر نوسانات عایدات خیلی بالا رود این رابطه ضعیف می‌شود. همچنین لازم به ذکر است که EPS با قیمت سهام رابطه معکوسی دارد، زیرا ممکن است هنگامی که عایدات، نوسان داشته باشد رابطه عایدی هر سهم با قیمت سهام معکوس شود؛ همچنین چنانچه عایدات نوسان خیلی زیادی داشته باشد (ستون ۴) رابطه عایدی هر سهم با قیمت سهام رابطه منفی و نامعنایی دارد. همچنین ضرایب (BV*SENT) و (EPS*SENT) در نوسانات عایدات بالا معنی‌دار گزارش شده است؛ به عبارتی، هنگامی که تمایلات احساسی سرمایه‌گذاران به همراه ارزش دفتری شرکت بالا رود، در هنگام نوسان بالای عایدات، قیمت سهام نیز افزایش می‌یابد و این رابطه تقابل برای عایدات

هر سهم برعکس می‌باشد. دلیل اینکه روابط تقابلی مذکور با روابط اطلاعات حسابداری (BV و EPS) هم راستا نمی‌باشد، ممکن است از این بابت باشد که میزان احساسات بالا در زمان نوسانات بالای عایدات، بر اطلاعات حسابداری غلبه می‌کند و بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. با توجه به توضیحات مذکور، فرضیه سه پژوهش پذیرفته می‌شود (در نوسانات بالای عایدات). لازم به ذکر است نتیجه مذکور با نتیجه پژوهش ژو و نیو (۲۰۱۶) مطابقت ندارد.

تکانه (۶): آزمون رگرسیون تأثیر مشترک اطلاعات حسابداری و گرایش احساسی سرمایه

گذاران

متغیرها	مدل (۱)			مدل (۲)			مدل (۳)			مدل (۴)		
	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value
C	۳/۱۰۱	۲۸۱/۳۴۹	۰/۰۰۰	۳/۱۰	۲۸۸/۱۱	۰/۰۰۰	۳/۰۹۷	۲۹۹/۴۶۴	۰/۰۰۰	۳/۹۴۹	۸۰/۹۷۳۰	۰/۰۰۰
SENT	-۰/۳۶۷	۲/۰۰۵	۰/۰۰۴	-	۱/۹۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۱	۲/۱۸۳۶۴	۰/۰۰۲	۶/۵۵۲	۴۴/۷۵۱۰	۰/۰۰۰
SENT* High	-۰/۰۵۷	۱/۹۶۱	۰/۰۰۵	-	۱/۹۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۳	۲/۱۴۸۹۹	۰/۰۰۳	۱/۰۴۵	۴۲/۶۴۰۰	۰/۰۰۰
BV	-۰/۰۷۶	۲/۴۱۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۷	۲/۳۰۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۷۱	۲/۲۳۸۵۵	۰/۰۰۲	-۰/۰۶۰	۰/۸۲۲۱۴	۰/۰۰۱
BV*SE NT	-۰/۰۲۲	۰/۶۰۵	۰/۰۵۴	-	۰/۰۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۳۳	۱/۷۴۱۱۲	۰/۰۰۸	-۰/۱۷۷	۳/۸۷۸۰۱	۰/۰۰۰
EPS _{it}	-۰/۴۷۵	۲/۵۳۷	۰/۰۰۱	-	۲/۳۹۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۱	۲/۳۱۱۸۷	۰/۰۰۲	-	۱/۰۵۷	۰/۰۲۹
EPS*S ENT	-۰/۱۹۳	۰/۹۲۴	۰/۰۳۵	-	۰/۱۹	۰/۰۰۳	-	۲/۰۲۶۳۸	۰/۰۰۴	-	۴/۴۷۱۰۰	۰/۰۰۰
R ²	۰/۰۲۲۱۳۵			۰/۰۱۸			۰/۰۲۳۳۴۱			۰/۰۰۰۷۹۱		
R ² adjusted	۰/۰۱۰۸۹۵			۰/۰۰۸			۰/۰۱۳۷۵۰			۰/۰۷۹۸۸۳۵		
Durbin- Watson stat	۱/۹۷۸۶۰۶			۱/۸۵۹			۱/۸۸۲۸۳۲			۱/۵۱۵۵۹۲		
Hausman Test	۱۷۷/۳۵۴۶۴			۲۱۴/۸۷۹۵۱			۲۵۳/۴۶۵۲۳۱			۱۸۵/۷۴۶۵۱		
Prob.	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی در این پژوهش به بررسی و تحلیل مکانیزم تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر روی قیمت سهام، بر مبنای چارچوب نظری توسعه یافته توسط اولسان (۱۹۹۵) و چن (۲۰۱۱) پرداخته شده است. به طوری که، در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک دوره ۶ ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۳)، شاخص رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بدست آورده شده است و براساس آن داده‌ها و با استفاده از رابطه همبستگی نیز تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر چشم انداز رشد عایدات مورد انتظار و نرخ بازده مورد توقع سرمایه‌گذاران مورد آزمون قرار گرفته است. در نهایت به بررسی تأثیر مشترک رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و اطلاعات حسابداری بر روی قیمت سهام پرداخته شد و در این بررسی، تأثیر عدم تقارن رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و تأثیر متغیر تعدیل‌کننده عدم اطمینان اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته شد. بنابراین، شواهد و نتایج تجربی پژوهش حاضر به طور کلی نشان می‌دهد که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران، رشد عایدات مورد انتظار را تغییر می‌دهد و سپس بر روی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارد. این نتیجه‌گیری با پژوهش‌های ژو و نیو (۲۰۱۶)، براون و کلیف (۲۰۰۴)، کرنل و همکاران (۲۰۱۴)، هریدبار و مک اینیس (۲۰۱۲)، بیکر و وارگلر (۲۰۰۷)، بیکر و وارگلر (۲۰۰۶) سازگار می‌باشد که بیانگر تأثیر رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر قیمت سهام می‌باشد. لازم به ذکر است که رفتار احساسی سرمایه‌گذاران بر نرخ بازده مورد توقع تأثیر معناداری ندارد و این نتیجه‌گیری با نتیجه پژوهش ژو و نیو (۲۰۱۶) مغایرت دارد که در پژوهش مذکور به ارتباط مثبت و معنادار بین تصمیم احساسی سرمایه‌گذاران و نرخ بازده مورد توقع اشاره دارد. همچنین، تأثیر عامل رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در طول دوره بدینی متفاوت از دوره احساسات نسبتاً بالا است. اطلاعات حسابداری نیز به همراه رفتار احساسی سرمایه‌گذاران در نوسانات بالای عایدات، قیمت سهام را توضیح می‌دهد. این نتیجه‌گیری نیز با نتیجه پژوهش ژو و نیو (۲۰۱۶) مطابقت ندارد. لازم به ذکر است، اطلاعات حسابداری که عدم اطمینانی پایین تری دارد با قیمت سهام رابطه معنادارتری دارد، همچنین رفتار احساسی سرمایه‌گذاران تأثیر نامتقارنی بر روی قیمت سهام دارد و می‌بایست تأکید بیشتری بر روی سهم‌هایی شود که عدم اطمینان اطلاعاتی بالایی دارند.

در جهت پیشنهادات پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران در هنگام سرمایه‌گذاری خود علاوه بر اطلاعات حسابداری به رفتار احساسی سرمایه‌گذاران و نوسانات عایدات توجه لازم داشته باشند. همچنین پژوهشگران نیز در بررسی ارتباط بین اطلاعات حسابداری و قیمت سهام بایستی به رفتار احساسی سرمایه‌گذاران توجه لازم داشته باشند. در جهت پژوهش آتی نیز پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر عوامل مالی رفتاری و تصمیمات احساسی سرمایه‌گذاران بر روند تغییرات قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از روش‌های مختلف اندازه‌گیری رفتار احساسی سرمایه‌گذاران (به غیر از روش پژوهش حاضر) پرداخته شود و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه و بحث قرار بگیرد.

پی‌نوشت

۱	Traditional finance	۲	Rational expectation hypothesis
۳	Value relevance	۴	Principle component method
۵	Percentage of cash flow	۶	Accounting surplus
۷	Earnings management of information asymmetric	۸	Noise trader risk
۹	Speculative investments	۱۰	Required rate of return (RRR)
۱۱	Stochastic Discount Factor	۱۲	Cross-section difference
۱۳	Implicit Indicators	۱۴	Consumer Confidence Index
۱۵	Explicit Indicators	۱۶	Principle Component analysis
۱۷	Price-Earnings Ratio divided by the Earnings Growth Rate (PEG)	۱۸	Gordon Growth Model (GGM)
۱۹	Claus and Thomas (CT)	۲۰	Ohlson and Juettner-Nauroth (OJN)
۲۱	Dividend payoff ratio	۲۲	Risk Amount
۲۳	Risk Price	۲۴	The Required Rate of Return (RRR)
۲۵	The Expected Earnings Growth (EEG)	۲۶	Im, Pesaran, Shin

منابع

- اسلامی بیدگلی، غلامرضا؛ نبی زاده، احمد. (۱۳۸۸). بررسی اثر آخر هفته و مقایسه رفتار سرمایه گذاران حقیقی و نهادی در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۱. *تحقیقات مالی*، ۲۱ (۲۸)، ۳۴-۲۱.
- حیدریپور، فرزانه؛ تاری وردی، یداله و مریم محرابی. (۱۳۹۲). تأثیر رفتارهای احساسی سرمایه گذاران بر بازده سهام. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۶ (۱۷).
- عسگری، مهدی؛ حاجی حسن معمار، احسان و مریم متین مطلق. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر رفتارهای احساسی سرمایه گذاران بر جریان نقد آزاد، اقلام تعهدی اختیاری و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲. *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری در سال ۱۳۹۴*.
- فیاضی، هادی؛ فدایی نژاد، محمد اسماعیل؛ رضایی، فرزین. (۱۳۹۳). رابطه میان شاخص واکنش رفتاری سرمایه گذاران با شاخص‌های بورس اوراق بهادار تهران. *کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد مدیریت مالی، تهران*.
- یوسفی، راحله؛ شهرآبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). بررسی و آزمون رفتار توده وار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله مدیریت توسعه و تحول*، ۲، ۵۷-۶۴.
- Aboody, D. , Hughes, J. , Liu, J. (2005). Earnings quality, insider trading and cost of capital. *J. ACCOUNT. RES.* 43 (5) , 651-673.
- Andrade, E. (2005). Behavioral consequences of affect: combining evaluation and regulatory mechanisms. *J. CONSUM. RES.* 32 (12) , 355-362.
- Baker, M. , Wurgler, J. (2006). Investor sentiment and the cross-section of stock returns. *J. FINANC.* 61 (4) , 1645- 1680.
- Baker, M. , Wurgler, J. (2007). Investor sentiment in the stock market. *J. ECON. PERSPECT.* 21 (2) , 129-151.
- Ball, R. , Brown, P. (1968). An empirical evaluation of accounting income numbers. *J. ACCOUNT. RES.* 6 (2) , 159- 178.
- Barth, M. , Konchitchki, Y. , Landsman, W. (2013). Cost of capital and earnings transparency. *J. ACCOUNT. ECON.* 55 (2) , 206-224.
- Beaver, W. (1968). The information content of annual earnings announcements. *J. ACCOUNT. RES.* 6 (3) , 67-92.
- Brown, G. , Cliff, M. (2004). Investor sentiment and the near-term stock market. *J. EMPIR. FINANC.* 11 (1) , 1-27.
- Chan, L. , Jegadeesh, N. , Lakonishok, J. (1996). Momentum strategies. *J. FINANC.* 51 (5) , 1681-1713.

- Chaney, P. , Lewis, C. (1995). Earnings management and firm valuation under asymmetric information. *J. CORP. FINANC. 1 (3)* , 319–345.
- Chen, K. (2011). Investor sentiment and the valuation relevance of accounting information. Working Paper. *Singapore Management University*.
- Claus, J. , Thomas, J. (2001). Equity premia as low as three percent? Evidence from analysts' earnings forecasts for domestic and international stock markets. *J. FINANC. 56 (5)* , 1629–1666.
- Core, J. , Guay, W. , Verdi, R. (2008). Is accruals quality a priced risk factor? *J. ACCOUNT. ECON. 46 (1)* , 2–22.
- Cornell, B. , Landsman, W. , Stubben, S. (2014). Accounting information, investor sentiment, and market pricing. SSRN Working paper. *No. 2447695*.
- De Long, B. , Shleifer, A. , Summers, L. , Waldmann, R. (1990). Noise trader risk in financial markets. *J. POLIT. ECON. 98 (4)* , 703–708.
- Easton, P. (2004). PE ratios, PEG ratios, and estimating the implied expected rate of return on equity capital. *ACCOUNT. REV. 79 (1)* , 73–95.
- Feltham, G. , Ohlson, J. (1999). Residual earnings valuation with risk and stochastic interest rates. *ACCOUNT. REV. 74 (2)* , 165–183.
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. , Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *J. ACCOUNT. ECON. 39 (2)* , 295–327.
- Gordon, J. , Gordon, M. (1997). The finite horizon expected return model. *FINANC. ANAL. J. 53 (3)* , 52–61.
- Hribar, P. , McInnis, J. (2012). Investor sentiment and analysts earnings forecast errors. *MANAGE. SCI. 58 (2)* , 293–307.
- Isen, A. , Nygren, M. , Ashby, G. (1988). Influence of positive effect on the subjective utility of gains and losses: it is just not worth the risk. *J. PERS. SOC. PSYCHOL. 55 (5)* , 710–717.
- Kim, Taehyuk & Ha. Aejin. (2010). Investor Sentiment and Market Anomalies. *23rd Australasian Finance and Banking Conference 2010 Paper, Available at www.ssrn.com*.
- Lee, C. , Shleifer, A. , Thaler, R. (1991). Investor sentiment and the closed-end fund puzzle. *J. FINANC. 46 (1)* , 75– 109.
- Li, Feng. (2006). Do Stock Market Investors Understand the Risk Sentiment of Corporate Annual Reports? *Available at www.ssrn.com*.
- Mei-Chen Lin. (2010). The Effects of Investor Sentiment on Returns and Idiosyncratic Risk in the Japanese Stock Market. *International Research Journal of Finance and Economics, vol 60*, pp 29-43.
- Ogneva, M. (2012). Accrual quality, realized returns, and expected returns: the importance of controlling for cash flow shocks. *ACCOUNT. REV. 87 (4)* , 1415–1444.

- Ohlson, J. (1995). Earnings, book values, and dividends in equity valuation. *CONTEMP. ACCOUNT. RES.* 11 (2) , 661–687.
- Ohlson, J. A. , Juettner-Nauroth, B. E. (2005). Expected EPS and EPS growth as determinants of value. *REV. ACCOUNT. STUD.* 10 (2-3) , 349–365.
- Rajgopal, S. , Venkatachalam, M. (2011). Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility. *J. ACCOUNT. ECON.* 51 (1-2) , 1–20.
- Schmeling, M. (2009). Investor sentiment and stock returns: some international evidence. *J. EMPIR. FINANC.* 16 (3) , 394–408.
- Shefrin, H. (2008). Risk and return in behavioral SDF-based asset pricing models. *Journal of Investment*
- Stambaugh, R. , Yu, J. , Yuan, Y. (2012). The short of it: investor sentiment and anomalies. *J. FINANC. ECON.* 104 (2) , 288–302.
- Sun, H. , Li, Z. , Chan, M. L. (2012). The applicability of the implied cost of capital: evidences from Chinese listed companies. *Journal of Zhongnan University of Economics and Law.* (4) , 87–93,144.
- Wang, Y. , Jian, X. , Li, L. (2010). Does fair value measurement model have value relevance? Empirical evidence from financial assets investigation. *China Accounting Review.* 8 (4) , 383–398.
- Wright, W. , Bower, G. (1992). Mood effects on subjective probability assessment. *ORGAN. BEHAV. HUM. DEC.* 52 (2) , 276–291.
- Zhu, B. Niu. F. (2016). Investor Sentiment, Accounting Information And Stock Price: Evidence From China, *Pacific- Basin Finance Journal*, *Doi: 10-1016/J. Pacfin. 2016. 03. 010*

The Effect of Investors Sentiment and Accounting Information on Stock Price

Mohammad Reza Nikbakht¹, Amir Hossein Hossein Pour²,
Hossein Eslami Mofidabadi³

Received : 2016/08/26

Approved: 2016/11/29

Abstract

This paper analyzes the mechanism behind the effects of investor sentiment and accounting information on stock price, based on the residual income valuation model. This study Uses data from firms listed in Tehran Stock Exchange over a period of 6 Years (2009-2014, In Solar Calendar) and constructs investors' Sentiment Index and examines investors' sentiment effect on the perspective of the expected earnings growth and the required rate of return. Furthermore, this study investigates the joint effect of investors sentiment and accounting information on stock price, through the correlation method. The empirical results show that investors sentiment can change the expected earnings growth, and thus affects the stock price. However, investor sentiment has no significant effect on the required rate of return. In addition, interaction of accounting information and investors sentiment, in high volatility of earnings, can explain the stock price. It should be noted that accounting information has more effect on stock price when earnings are more stable; whereas the sentiment puts a greater impact on stock prices when there is more information uncertainty.

Keywords: Investor Sentiment, Accounting Information, Earning Uncertainty, Residual Income Valuation Model

Jel clacification: G11, G12, G14

DOI: 10.22051/jera.2017.11449.1404

¹ Associate Professor of accounting, Tehran University, (mnikbakht@ut.ac.ir)

² PHD student of accounting, Tehran university, corresponding author, (amhosseinpour@yahoo.com)

³ PHD student of financial management, Azad University , Science and Research Branch, (Hosseineslami62@gmail.com)

Audit Committee Characteristics, Quality of Disclosure and Proportion of Non-Executive Directors

Yahya Kamyabi¹, Ehsan Bozhmehrani²

Received : 2015/04/15

Approved: 2015/07/29

Abstract

Audit Committee as one of the key mechanisms of corporate governance can lead to improvement of corporate disclosure quality and capital markets efficiency. Proportions of non-executive directors of the Board are effective on formation of an efficient Audit Committee. So, the aim of this study is to examine the effect of the proportion of non-executive directors on relation between characteristics of audit committee (including financial expertise, size, tenure, and experience) and quality of corporate disclosure of firms listed in Tehran Stock Exchange. The sample includes 71 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2012 to 2013. After collecting data, research hypotheses are tested using software Eviews7. The results show that two characteristics of the Audit Committee (Tenure, and experience) have a significant positive relation with quality of corporate disclosure, but the other characteristics of the audit committee (financial expertise, size) have no significant relation with the quality of corporate disclosure. In addition, the findings of this research indicate that proportion of non-executive directors of the Board has a significant positive effect on the relation between experience of the audit committee and quality of corporate disclosure, but it has no moderating effect on the relation between other characteristics of the audit committee and disclosure quality.

Keywords: Audit committee characteristics, quality of disclosure, Proportion of Non-Executive Directors

Jel clacification: G34

DOI: 10.22051/jera.2017.2631

¹ Assistant prof. of accounting, Mazandaran university, corresponding author, (y.kamyabi@umz.ac.ir)

² MSc. of Accounting, Mazandaran University, (ehsanbouzhmehrani@yahoo.com)

The Relation between Financial Flexibility and Financing Type of Firms Listed in Tehran Stock Exchange (TSE)

Saber Sheri Anaghiz¹, Ghasem Blue², Bahram Mohseni Maleki Rastaghi³

Received : 2015/06/07

Approved: 2015/09/21

Abstract

One of the major challenges facing firms is obtaining funds needed to finance current operations and investment. Financing of firms is influenced by different many internal and external factors. On the other hand, several studies have shown that due to the problems of the traditional theory of capital structure, financial flexibility is one of the main factors effective on financing of firms. This study examines the relation between financial flexibility and finance type (debt or equity). For this purpose, 108 firms listed in Tehran Stock Exchange from 2003 to 2013 are studied. In this study, the marginal value of cash which is an indicator of financial flexibility is calculated using the model horoscope Faulkender and Wang (2006) and then the impact of financial flexibility on financing through stock or debt or a combination is investigated using simple and multiple logistic regression. The results show that financial flexibility has a significant and positive relationship with firms' transitory debt issuance, but it has no significant relation with equity issuance. In this study, transitory debt means the debt over the estimated optimal leverage.

Keywords: Financial Flexibility, Capital Structure, Transitory Debt, Optimal Leverage.

Jel clacification: G30, G10, M41

DOI: 10.22051/jera.2016.2787

¹ Assistant prof. of accounting alame tabatabai'e university, (accountingsheri@yahoo.com)

² Assistant prof. of accounting alame tabatabai'e university, (ghblue20@yahoo.com)

³ Phd. student of accounting at alame tabatabai'e university and teacher of Mazandaran university, Corresponding author, (bahrammohseni@gmail.com)

Explaining of Modeling the Auditor- Client Negotiations Paradigm Concerning Financial Reporting

Sasan Mehrani¹, Hoda Eskandar²

Received : 2015/06/06

Approved: 2015/10/03

Abstract

One of the main steps in formatting financial reports is negotiation process between auditors and their clients in order to remove conflicts. This negotiation substantially affects final reports quality and may have consequences for parties involving this process and their firms and the whole society. This research is aimed to model the process by data-based theory and in-depth interviewing with experts from both parties i. e. audit partners and firms managers. Moreover, this study considers various levels of audit suppliers (audit firm and audit team) in this modeling. This study includes 30 interviews using snowball sampling. Findings show that main reasons for creating the conflicts between auditors and clients are 1. Instrumental reasons (standards and rules) 2. Knowledge reasons 3. Information reasons (information asymmetry) 4. Business reasons. Negotiation requires parties' knowledge quality, negotiation skills and purpose. Based on parties' opinion, implementing a constant paradigm and win-win negotiation requires an independent and logical discussion, assuring, and appropriate corporate governance. In this process, main challenges are insufficient industrial expertise of auditors, clients' inappropriate interpretation of auditing and insufficient corporate governance mechanisms. Finally, study model is approved by 2 persons of initial sample and 2 experts.

Keywords: Modeling, Conflict, Negotiation

Jel clacification: G34

DOI: 10.22051/jera.2017.2623

¹ Associate professor of accounting, Tehran university, Corresponding author (smehrani@ut.ac.ir)

² Assistant prof. of accounting, Azad university of central Tehran, (heskandar@utac.ir)

The Effects of Psychological Biases on Auditors' Professional Skepticism

Shirku Hormozi¹, Hashem Nikomaram², Rmazanali Royae³, Fereydon Rhnemaye Rodposhti⁴

Received : 2016/06/11

Approved: 2016/09/10

Abstract

Most of the researches conducted in the area of predicting financial performance of the companies and particularly bankruptcy have anticipated and/or compared merely the predictive ability of the models, for which financial ratios and company size have been used. However, this study aims mainly to investigate the effectiveness level of corporate governance and conservatism mechanisms in order to contribute to the predictive power of financial disclosure and accordingly, financial performance of the companies. The statistical population of the research includes 90 firms listed in Tehran Stock Exchange (45 ones with poor performance and 45 ones with strong performance). Artificial Neural Network has been used to establish the difference between poor and strong companies. The results of the study indicate that variables including corporate governance and conservatism don't have significant effect on prediction accuracy of the financial performance based on neural network.

Keywords: Overconfidence Bias, Anchoring Bias, Availability Bias, Auditors' Professional Skepticism.

Jel clacification: M42

DOI: 10.22051/jera.2017.2627

¹ Phd student of accounting, islamic azad universityof Science and Research Branch, Tehran, corresponding author, (haj_hormozi@yahoo.com)

² Prof. of accounting, islamic azad universityof Science and Research Branch, Tehran, (accountingphd@srbiau.ac.ir)

³ Associate prof. of accounting, islamic azad universityof Science and Research Branch, Tehran, (culturalmanagement@srbiau.ac.ir)

⁴ Prof. of accounting, islamic azad universityof Science and Research Branch, Tehran, (rahnama.roodposhti@gmail.com)

Capability of Models Support Vector Regression, Least Angle Regression and Adaptive Neural Fuzzy Inference System for Earnings Management

Ghassem Arasteh¹, Farzaneh Nassirzadeh²

Received : 2015/08/10

Approved: 2015/12/19

Abstract

Many studies have been made on the factors affecting earnings management and the level of correlation among them. But the factors affecting prediction of earnings management is less considered. This study examines capability of models Support Vector Regression (SVR), Least Angle Regression (LARS) and Adaptive Neural Fuzzy Network (ANFIS) for earnings management. The sample includes firms listed in Tehran Stock Exchange from 2006 to 2012. The findings show that Support Vector Regression (SVR) , Least Angle Regression (LARS) and Adaptive Neural Fuzzy Inference System (ANFIS) have the most capability in earnings management respectively.

Keywords: Earnings management, Support vector Regression (SVR), Least Angle Regression (LARS) , Fuzzy neural network (ANFIS).

Jel clacification: G13, G17, M41

Audit Committee Characteristics and Audit Fee: Evidence from Tehran Stock Exchange

Mahmood Lari Dasht Bayaz¹, Javad Oradi²

Received : 2016/05/24

Approved: 2016/10/08

Abstract

Audit committee, as one of the main mechanisms of corporate governance, is obliged to examine the initial auditing program and interaction with external auditors in the process of financial reporting. Thus, it is likely to be influential on the auditing scope, auditor's effort, and audit fee. This research is aimed to explore the effects of audit committee characteristics (including financial expertise, independence, and size) on audit fees. To do this, the data related to the firms listed in Tehran Stock Exchange is extracted for a period from 2012 to 2014. The research hypotheses are analyzed using regression model of compositional data. The results show that audit committee financial expertise and independence has a positive and significant relation with audit fees. Yet, there was no significant relationship between audit committee size and audit fees. Further, regarding the control variables used in this research, the results show a positive and significant relation of financial leverage, ratio of accounts receivable and inventory, audit firm size and Board of Directors meeting frequency with audit fees.

Keywords: Corporate governance, Audit committee, Audit committee characteristics, Audit fee

Jel clacification: M4

Reliance Measure of Independent Auditors to Assess the Audit Evidence in an Audit Report of the Governmental agencies

Aziz Gord¹, Hossein Kurdestani²

Received : 2016/02/10

Approved: 2016/06/15

Abstract

This paper examines the reliance measure of external auditors on the audit evidence as a fundamental factor in the audit report on the Governmental agencies. Also, this study investigates which audit evidence has more reliability and higher degree than other types of audit evidence. The statistical society of this research includes independent auditors in the audit organization and other audit institutions. The data has been collected using a questionnaire. For stability of internal and intermediate consistency of variables, Cronbach's alpha coefficient is used. In this study, LISREL and SPSS21 software is used for data analysis and the results are presented in two parts: of descriptive results and analytical results. In the descriptive results, plenty, frequency, pie chart, and column chart are used to describe the demographic and main variables. In the analytical results, one sample t-test and Friedman test are used. The results indicate that according to the Friedman test ranking, audit evidence and analytical methods have the highest and inquiry has the lowest degree of reliability of evidence. Also, the findings reveal a 95%-assured significant correlation between the independent and dependent variables.

Keywords: audit evidence, the reliability of audit evidence, the independent auditor, the audit report, Governmental agencies.

JEL Classification: M40, M42

DOI: 10.22051/jera.2017.2714.

¹ Assistant prof. of payamnoor university of tehran, corresponding author, (afmgord@yahoo.com)

² Msc. student of accounting, azad university of Esfahan (khorasegan) , (kurdestani@hotmail.com)

A Framework for Post Implementation Review of Iranian Accounting Standards

Masoud Gholamzadeh Ladari¹, Ali Saghafi²

Received : 2016/08/14

Approved: 2016/11/22

Abstract

Over the last decade, International Accounting Standards Board (IASB) and Financial Accounting Standards Board (FASB) have concluded that publication of an exposure draft to ensure the quality of accounting standards would not be enough anymore. Indeed, a comprehensive Post Implementation Review (PIR) of accounting standards should be performed to ensure the effectiveness of approved accounting standards. In other words, one more step has been added to accounting standards setting process and in future one of the main challenges towards standard setters would be the fact that whether their PIR has a prompt feedback or not. This research attempts to provide a proper PIR framework for accounting standards of Iran through comparative studies of frameworks designed by pioneering accounting standard setters, with participation of various stakeholders (108 people including university professors, enterprise Chief financial officers, expert external auditors and Chief investment officers). In the proposed framework, we answered to these questions: "Who performs the PIR? When is the PIR performed? What are the general and specific objectives of the PIR? How is the PIR process? What is the content of the PIR report?".

Keywords: Post Implementation Review of accounting standards, effectiveness of accounting standards, impact analysis of accounting standards.

Jel classification: G34

Effects of Corporate Governance Mechanisms on Unconditional Conservatism of Listed Companies in Tehran Stock Exchange

Kaveh Parandin¹, Babak Jamshidi Navid², Mohammad Derakhshani Derakhsh³

Received : 2016/02/20

Approved: 2016/06/26

Abstract

This study is aimed to investigate the effect of corporate governance mechanisms on conditional conservatism of firms listed in Tehran Stock Exchange. Data are collected from 125 firms in the period from 2009 to 2013. The research considers elements of corporate governance mechanisms as independent variables, unconditional conservatism as the dependent variable, and three variable of firm size, the ratio of equity market value to book value, and financial leverage as control variable. To conduct this research, a main hypothesis and four secondary hypotheses are provided and for data analysis, Eviews statistical software version 8 is used. The research uses the correlation and, according to the target, a functional method. The results show that corporate governance mechanism has a negative effect on unconditional conservatism, institutional ownership and managerial ownership, and also it leads to decreases in unconditional conservatism.

Keywords: Institutional ownership, managerial ownership, ownership of major shareholders, unconditional conservatism

Jel clacification: G34

DOI: 10.22051/jera.2017.8782.1169

¹ Teacher of accounting, payamnoor University and phd student, (Kparandin@gmail.com)

² Assistant Prof of Accounting, Islamic azad University of Kermanshah, (jamshidinavid@gmail.com)

³ School teacher of Hamedan and Phd student of Accounting, Corresponding author, (m.derakhshani2020@yahoo.com)

Table of content

Effects of Corporate Governance Mechanisms on Unconditional Conservatism of Listed Companies in Tehran Stock Exchange.....	1
Kaveh Parandin, Babak Jamshidi Navid, Mohammad Derakhshani Derakhsh	
A Framework for Post Implementation Review of Iranian Accounting Standards.....	23
Masoud Gholamzadeh Ladari, Ali Saghafi	
Reliance Measure of Independent Auditors to Assess the Audit Evidence in an Audit Report of the Governmental agencies.....	45
Aziz Gord, Hossein Kurdestani	
Audit Committee Characteristics and Audit Fee: Evidence from Tehran Stock Exchange.....	69
Mahmood Lari Dasht Bayaz, Javad Oradi	
Capability of Models Support Vector Regression, Least Angle Regression and Adaptive Neural Fuzzy Inference System for Earnings Management.....	95
Ghassem Arasteh, Farzaneh Nassirzadeh	
The Effects of Psychological Biases on Auditors' Professional Skepticism.....	117
Shirku Hormozi, Hashem Nikomaram, Rmazanali Royaie, Fereydon Rhnemaye Rodposhti	
Explaining of Modeling the Auditor- Client Negotiations Paradigm Concerning Financial Reporting.....	143
Sasan Mehrani, Hoda Eskandar	
The Relation between Financial Flexibility and Financing Type of Firms Listed in Tehran Stock Exchange (TSE).....	171
Saber Sheri Anaghiz, Ghasem Blue, Bahram Mohseni Maleki Rastaghi	
Audit Committee Characteristics, Quality of Disclosure and Proportion of Non-Executive Directors.....	191
Yahya Kamyabi, Ehsan Bozhmehrani	
The Effect of Investors Sentiment and Accounting Information on Stock Price.....	219
Mohammad Reza Nikbakht, Amir Hossein Hossein Pour, Hossein Eslami Mofidabadi	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Assist. Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Asso. Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

Scientific Editor: Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

Literally editor: Valizadeh Larijani, Azam (Assist. Prof. Alzahra University)

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Cover Designer: Teymourian, Hedye

Lay out editor: Esfandi, Khadijeh

Coordinator: Pakkhesal, Azam

Print and Binding: Alzahra University Publishing

Editorial Board

Ahmadpour, Ahmad, Prof. of Mazandaran University

Pourheidari, Omid, Professor of Baahonar University

Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University

Khalifesoltani, seyed ahmad, Asso. Prof. of Alzahra University

Rahmani, Ali, Asso. Prof. Alzahra University

Sajadi, Hosein, Prof. of Chamraan University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Prof. of Alzahra University

Mashayekh, Shahnaz, Asso. Prof. Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Asso. Prof. Tehran University

Mehrani, Sasan, Asso. Prof. of Tehran University

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting

Winter 2017, Vol 6, Number 22